

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فعالیت‌های آموزشی پیش دبستانی

رشتهٔ کودک‌یاری

گروه تحصیلی بهداشت

زمینهٔ خدمات

شاخهٔ آموزش فنی و حرفه‌ای

شمارهٔ درس ۴۱۴۷

فعالیت‌های آموزشی پیش دبستانی؛ مؤلفان: فرشته مجیب ... [و دیگران] - تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۹۴.	۳۷۲ / ۲۱
۲۳۳ ص. : مصور. - (آموزش فنی و حرفه‌ای؛ شمارهٔ درس ۴۱۴۷)	۷۸۲ ف /
متون درسی رشتهٔ کودک‌یاری گروه تحصیلی بهداشت، زمینهٔ خدمات.	۱۳۹۴
برنامه‌ریزی و نظارت، بررسی و تصویب محتوا: کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی رشتهٔ کودک‌یاری دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کار دانش وزارت آموزش و پرورش.	
۱. آموزش قبل از مدرسه. الف. مجیب، فرشته. ب. ایران. وزارت آموزش و پرورش. کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی رشتهٔ کودک‌یاری. ج. عنوان. د. فروست.	

همکاران محترم و دانش‌آموزان عزیز :

پیشنهادات و نظرات خود را درباره محتوای این کتاب به نشانی
تهران - صندوق پستی شماره ۴۸۷۴/۱۵ دفتر تألیف کتاب‌های درسی
فنی و حرفه‌ای و کاردانش، ارسال فرمایند.

info@tvoccd.ir

پیام‌نگار (ایمیل)

www.tvoccd.medu.ir

وب‌گاه (وب‌سایت)

این کتاب، با توجه به نظریات جدید علوم تربیتی و پیش‌دستانی، اظهارات هنرآموزان سراسر کشور
و توجه خاص به تاریخ و تمدن فرهنگ ایرانی - اسلامی توسط اعضای کمیسیون تخصصی و سرکار خانم
فرشته مجیب در اردیبهشت ماه ۱۳۸۷ مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت.

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر تألیف کتاب‌های درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش

نام کتاب : فعالیت‌های آموزشی پیش‌دستانی - ۴۹۶/۲

مؤلفان : فرشته مجیب (فصول ۱-۲-۵-۱۱)، لیلی انگجی (فصل ۳)، رقیه یزدان دوست و فرشته مجیب (فصل ۴)،

علیرضا رحیمی و فرشته مجیب (فصل ۶)، نیره سینایی (فصل ۷)، محمود معافی و فرشته مجیب (فصل ۸)،

فاطمه قاسم زاده (فصل ۹) و نسرین امیدوار و شهرزاد رکنی (فصل ۱۰)

اعضای کمیسیون تخصصی : فاطمه قاسم زاده، فاطمه قربانی بهنام، عزیزه عسگری، سارا فرجاد و معصومه صادق

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وب‌سایت : www.chap.sch.ir

تصویرگر و طراح جلد : مریم کیوان

صفحه‌آرا : زهره بهشتی شیرازی

ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵-۱۳۹

چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ دوازدهم ۱۳۹۴

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۹-۱۵۸۰-۵-۹۶۴-۹ ISBN 964-05-1580-9



از شماست که مردان و زنان بزرگ تربیت می شود. شما باید تحصیل کوشش کنید که برای فضایل اخلاقی،
فضایل اعلیٰ مجز شوید. شما برای آتیۀ مملکت ما جوانان نیرومند تربیت کنید. دامان شما یک مدرسه ای است که
در آن جوانان بزرگ تربیت شود. شما فضایل تحصیل کنید تا که دکان شما در دامان شما به فضیلت برسند.
امام خمینی (ره)

فهرست مطالب

مقدمه

۱	فصل اول : ویژگی های کودکان پیش از دبستان	
۱۰	فصل دوم : نقش و اهمیت بازی دوران پیش از دبستان	
۴۱	فصل سوم : نقش و اهمیت فعالیت های هنری دوران پیش از دبستان	
۶۶	فصل چهارم : نقش و اهمیت سلامت در دوران پیش از دبستان	
۸۵	فصل پنجم : نقش و اهمیت زبان در برقراری ارتباط	
۱۱۸	فصل ششم : نقش و اهمیت آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی در دوران پیش از دبستان	
۱۴۱	فصل هفتم : نقش و اهمیت شناخت طبیعت در دوران پیش از دبستان	
۱۶۷	فصل هشتم : نقش و اهمیت آموزش مفاهیم اجتماعی در دوران پیش از دبستان	
۱۷۶	فصل نهم : نقش و اهمیت آموزش مفاهیم ریاضی در دوران پیش از دبستان	
۱۹۸	فصل دهم : نقش و اهمیت آموزش غذا و تغذیه در دوران پیش از دبستان	
۲۱۰	فصل یازدهم : برنامه ریزی و اجرای مفاهیم آموزشی	

مقدمه

سال‌های پیش از دبستان، مرحله‌ی شکل‌گیری شخصیت کودک است. کودکان این سال‌ها را با کنجکاوی و توجه نسبت به خود و اطرافیان و دنیای پیرامونشان سپری می‌کنند. در این سال‌های طلایی، چنان‌چه محیط و آموزش غنی باشد، هوش شکوفا می‌شود؛ استعدادها پرورش می‌یابد و کودکان می‌توانند از حداکثر توانایی‌های خود بهره‌مند گردند. کودک امروز، نوجوان فردا و سازنده‌ی آینده‌ی کشور است. بنابراین، سرمایه‌گذاری برای وی، منبع ثروت انبوهی برای آینده‌ی کشور خواهد شد. اما چگونه این مهم رخ خواهد داد؟ زمانی که کودکان و نیازهایشان را بشناسیم؛ آن‌ها را باور کنیم و با آگاهی و دانش، مسیری هموار را برایشان مهیا سازیم: مسیری به سمت نور و روشنایی، مسیری که با مشعل علم بتوان آینده‌ی روشن‌تر دید و خوش‌بختانه این مسئله‌ای است که نظام آموزشی کشور نیز بدان توجه داشته و با اهمیت دادن به دوره‌های پیش از دبستان و توجه به تربیت مربیان دل‌سوز و آگاه، در این مسیر گام برداشته است.

در این راستا، کتاب فعالیت‌های آموزشی پیش دبستانی به منظور ارائه‌ی ۴ واحد درس نظری و عملی (۲ واحد نظری، ۲ واحد عملی) تهیه شده است. هدف اصلی این کتاب آشنا کردن دانش‌آموزان است با نیازهای همه‌جانبه‌ی کودکان، و ارائه‌ی فعالیت‌هایی است برای آموزش کودکان پیش از دبستان جهت غنی‌سازی آن‌ها. مطالب این کتاب، ضمن ارائه‌ی فعالیت‌های مختلف و بیان یافته‌های علمی و تحقیقی و ضرورت‌ها، کمک می‌کند تا علاوه بر شناخت نیازهای همه‌جانبه‌ی کودکان، برنامه‌ی آموزشی گام به گام از طریق فعالیت‌های مختلف تهیه، اجرا و ارزش‌یابی گردد. همکاری و همراهی شما دانش‌آموزان در اجرای گام به گام فعالیت‌ها، عمده‌ترین، انتظار کتاب حاضر است.

محتوای این کتاب، شامل ۱۱ فصل است، که به طور خلاصه در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

فصل اول — هدف این فصل آشنا کردن دانش‌آموزان با ویژگی‌های همه‌جانبه‌ی کودکان در سنین مختلف است. برای اجرا و یاددارک یک فعالیت آموزشی باید با توجه به سن کودک و در نظر گرفتن ویژگی‌های او برنامه‌ریزی کرد و در ارزش‌یابی منظور شود.

فصل دوم — هدف این فصل، عبارت است از: آشنا کردن دانش‌آموزان با ارزش و اهمیت بازی کودکان، عوامل مؤثر در بازی و این که چگونه و چه‌طور اسباب‌بازی مناسب برای کودکان انتخاب کنند.

فصل سوم — هدف کلی این فصل، آشنا کردن دانش‌آموزان، با اهمیت و ضرورت فعالیت‌های هنری در آموزش و پرورش کودکان پیش از دبستان و نیز آشنانمودن آن‌ها با روش‌ها و تکنیک‌های گوناگون فعالیت‌های هنری کودکان است.

فصل چهارم — هدف کلی فصل حاضر، آشنانمودن دانش‌آموزان با مفهوم سلامت و نقش و اهمیت آن در آموزش و پرورش کودکان و نحوه‌ی پرورش حواس، از طریق بازی‌ها و فعالیت‌های مختلف است.

فصل پنجم — هدف کلی این فصل، آشنا کردن دانش‌آموزان با اهمیت و ضرورت زبان‌آموزی و مراحل رشد کلامی کودکان است و این که چگونه بتوانند با اتحاد فعالیت‌های گوناگون، این مهم را ممکن سازند.

فصل ششم — هدف این فصل، آشنا کردن دانش‌آموزان با مفاهیم اخلاقی و دینی و نحوه‌ی پاسخ‌گویی به سؤالات کودکان در این زمینه است.

فصل هفتم — هدف این فصل، آشنا کردن دانش آموز با مفهوم شناخت طبیعت و پدیده‌های موجود در آن و چگونگی آموزش این مفاهیم به کودکان، از طریق روش‌های گوناگون آموزشی است.

فصل هشتم — هدف این فصل، آشنا کردن دانش آموزان با تحولات رشد اجتماعی کودکان و چگونگی کسب مهارت‌های اجتماعی و روش‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان است.

فصل نهم — هدف این فصل، آشنا کردن دانش آموزان با مفاهیم ریاضی و چگونگی آموزش این مفاهیم به کودکان از طریق روش‌های گوناگون است.

فصل دهم — هدف کلی این فصل، آشنا کردن دانش آموزان با اهمیت آموزش غذا و تغذیه در دوران پیش از دبستان، و چگونگی ایجاد عادات درست غذا خوردن و استفاده از مواد غذایی است.

فصل یازدهم — هدف این فصل، با توجه به آموخته‌های دانش آموزان در فصول گذشته نحوه‌ی برنامه‌ریزی و اجرای آن برای دوره‌های پیش از دبستان است. در این فصل، دانش آموز باید بتواند یک واحد آموزشی را با توجه به فعالیت‌هایی که آموخته است و براساس جدول بندی، بنویسد و اجرا و ارزش‌یابی کند و به صورت پروژه‌ی نهایی ارائه دهد.

۱ — سخنی با همکاران محترم

بهسازی کیفیت یادگیری مستلزم ارتقای کیفیت تدریس و کسب مهارت حرفه‌ای است و این مهم اتفاق نمی‌افتد مگر این که آموزش اثر بخش باشد و میزان خودآموزی، خود فهمی و خودانگیزی بالا رود و این برعهده‌ی معلمان است که زمینه را فراهم سازند.

دانش آموزان شما، در آینده، شاید به عنوان مربی کودک مشغول به کار شوند، اما یقیناً مادرانی خواهند بود که کودکان فردا را پرورش می‌دهند. از این رو آگاهی و دانش آن‌ها نسبت به آموزش و پرورش کودکان و به کارگیری آن در زندگی خصوصاً امری است که می‌تواند به ساختن جامعه‌ای با ارزش‌های اخلاقی و معنوی و علمی بینجامد.

تدریس شما تلاشی است دو جانبه، برای یاد دادن و یاد گرفتن. کتاب‌های درسی برنامه‌ی مدونی را در اختیار شما قرار می‌دهد و شما خواهید توانست با استفاده از فنون و ابزارهای آموزشی دانش آموز را درگیر آموزش کنید. دانش آموز نباید، به عنوان گیرنده‌ی منفعل، درگیر جادوی علم شود، بلکه باید همراه شما، مهارت‌های یادگیری، مهارت اتکالی به خود، ارتباط کلامی، تفکر، اندیشه‌خردورزی، حل مسئله، روابط انسانی، همکاری، مشارکت و تعاون را تجربه کند تا بدان حد که آن‌ها را در زندگی روزمره خود به کار گیرد. و خود در آینده این روش را در مورد کودکان اجرا کند. بنابراین، تا حد امکان به او فرصت تمرین و تجربه بدهید و نوآوری و خلاقیت او را ارج بگذارید. کتاب فعالیت‌ها هر چند از فصول گوناگون و تنوع محتوایی برخوردار است اما در یک نگاه کلی این فصول با هم در ارتباط اند و در هم تنیده است. بنابراین، هر فصل زیر مجموعه‌ای برای فصل بعدی است و نهایتاً دانش آموز به یک آگاهی و بینش کاربردی در راستای کار با کودکان پیش از دبستان و آموزش آن‌ها خواهد رسید. قبل از توجه به نکات پیش نهادی، به منظور نهادینه شدن آن‌ها به داشتن:

یادگیری مداوم، مسئولیت‌پذیری، روحیه‌ی ایثارگری، وجدان کاری، همکاری و مشارکت، صرفه‌جویی، توجه به محیط زیست، پاسداری از ارزش‌های مذهبی و اخلاقی، حفظ آداب و رسوم و سنت‌ها، احترام به قانون و ... لازم است و باید در طول آموزش سرلوحه‌ی کار قرار گیرد.

و اما نکات پیش نهادی:

۱- قبل از تدریس هر فصل، در زمینه‌ی ضرورت و اهمیت مفاهیم، با دانش آموزان بحث و گفت‌وگو کنید.

۲- محتوای فصول را به صورت پرسش و پاسخ مطرح کنید، سپس جمع بندی کلی را ارائه دهید.

۳- با توجه به این که بعضی از قسمت‌های هر فصل برای مطالعه‌ی آزاد در نظر گرفته شده است و ارزیابی از آن صورت نمی‌گیرد،

دانش آموزان را تشویق نمایید که آن‌ها را مطالعه کنند و در کلاس بحث و گفت‌وگو نمایند.

۴- دانش‌آموزان را ترغیب نمایید تا در اجرای فعالیت‌های عملی تلاش کنند و نتایج کار را در کلاس، مورد بحث و تبادل نظر قرار دهند.
۵- از آن‌جا که این درس فعالیت‌ها و تمرین‌های عملی بسیاری را پیش‌نهاد می‌کند، دانش‌آموزان را تشویق کنید که در فعالیت‌های گروهی شرکت کنند و کارایی فعالیت‌شان را با جدول رشد فصل یک، ارزیابی کنند. در ضمن، نمونه‌ای از کلیه فعالیت‌های خود را برای ارزیابی و استفاده نهایی در پوشه‌ای جمع‌آوری نمایند.

۶- از آن‌جا که فصل یازدهم، به برنامه‌ریزی و اجرا اختصاص دارد، ضروری است که مربیان محترم از ابتدای سال تحصیلی، با توجه به محتوای این فصل و هدف کلی کتاب که آموزش گام به گام دانش‌آموزان در جهت فعالیت‌های پیش از دبستان و اجرای عملی آن است، چهارچوب تدریس خود را به گونه‌ای طراحی نمایند که دانش‌آموزان بتوانند در طول سال فعالیت‌ها و آموخته‌هایشان را در جهت تهیه و اجرای واحد کار یا پروژه‌ی آموزشی برنامه‌ریزی کنند و در پایان سال نیز، نمایشگاهی از کلیه فعالیت‌های انجام شده برگزار نمایند.

۷- ارزش‌یابی کتاب به دو صورت مستمر و پایانی صورت می‌گیرد. ارزش‌یابی عملی با توجه به شاخص‌هایی چون مشارکت در فعالیت گروهی، مهارت در اجرای کار، علاقمندی، خلاقیت، رعایت نظم و انضباط، تهیه گزارش کار براساس تمرینات و پیشنهادها هر فصل به صورت مستمر در طول سال براساس فعالیت‌های انجام شده ۱۲ نمره عملی و ارزش‌یابی نظری کلیه‌ی مباحث کتاب براساس ۸ نمره‌ی نظری صورت می‌گیرد.

۸- با توجه به تازگی مطالب این کتاب، از شما درخواست می‌شود نظرها و پیشنهادهای خود را با ما در میان بگذارید و زمینه را برای تهیه‌ی کتابی مفیدتر و پربارتر فراهم سازید.

۲- سخنی با دانش‌آموزان

۱- هر فصل را با دقت مطالعه کنید و تمرین‌ها را شخصاً اجرا و در پوشه‌ای نگه‌داری کنید.
۲- قسمت‌هایی را، که برای مطالعه‌ی بیش‌تر شما در نظر گرفته شده است، حتماً بخوانید زیرا در فصول بعد، از آن استفاده خواهید کرد.

۳- تمام فصول این کتاب، از انسجام کلی برخوردار است بنابراین، باید با دقت، تمام فصول را مطالعه و در پروژه‌ی نهایی، از آموخته‌هایتان استفاده کنید.

۴- تمرینات و طرح‌های پیش‌نهادی خود را با جدول رشد فصل یک مقایسه کنید تا براساس آن بتوانید فعالیت مناسب گروه‌های سنی را با توجه به رشد همه جانبه‌شان بنویسید.

۵- در خاتمه‌ی هر فصل، علاوه بر تمرینات لازم، سؤالاتی از متن با عنوان «خود را بیازمایید» ارائه شده است، که می‌تواند آموخته‌های شما را ارزیابی کند.

۶- مشکلات و پیش‌نهادهای خود را با ما در میان بگذارید.

در پایان، گروه مؤلفان بر خود واجب می‌دانند از بررسی و دقت نظر اعضای محترم کمیسیون تخصصی رشته‌ی کودک‌یاری تشکر نمایند و مراتب سپاس خود را از زحمات و بی‌گیری‌های مجدانه سرکار خانم معصومه صادق کارشناس محترم و حسن نظر و حمایت‌های آقای مهندس ابراهیم آزاد، معاون محترم دفتر برنامه‌ریزی و تألیف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، صمیمانه ابراز دارند.

هدف کلی کتاب

توانایی اجرای فعالیتهای آموزشی در مراکز پیش از دبستان



بزرگ‌ترین شعر تمام اعصار، شعری ست که تمامی افراد فراسویش رفته‌اند. شعری درون زاد، ناگفته از دنیای کودکی. دنیای پریان کوچکی که با ناآگاهی‌ها، آسیب می‌بینند و مشکلات بسیاری را برای خود و جامعه به وجود می‌آورند. بنابراین، آن‌ها چیزی بیش از یک رؤیای مهرورزانه را طلب می‌نمایند: آموزشی مناسب و خلاق.

ویژگی‌های کودکان پیش از دبستان



هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، دانش‌آموز باید بتواند:
ویژگی‌های جسمی، اجتماعی، عاطفی، شناختی و زبانی هر گروه سنی را مطالعه کند و براساس آن‌ها بتواند
فعالیت‌های گوناگون را برای هر گروه، تنظیم و اجرا نماید.

مقدمه

برای فراهم آوردن محیط آموزشی مطلوب، مربیان باید رشد را به منزله‌ی یک فرایند متوالی و در عین حال منسجم و یک پارچه درک کنند. زیرا در محدوده‌ی چنین فرایندی مهارت‌های جسمانی، اجتماعی، عاطفی، شناختی و زبانی درهم تنیده و یک پارچه می‌شوند. این یک پارچگی، کودک را مشتاق یادگیری می‌کند و او را در جست‌وجوی تازه‌ها و کشفیات فعال خواهد کرد.

مهارت‌های کودکان معمولاً به تدریج و گام به گام شکل می‌گیرد. مثلاً راه رفتن ابتدا با خزیدن، چهار دست و پا رفتن و ایستادن شروع می‌شود و بالأخره به راه رفتن می‌انجامد و یا صحبت کردن با گریه آغاز می‌شود و تا ارتباط کلامی ادامه می‌یابد و به همین صورت، نقاشی کردن و سایر توانایی‌های کودک که تقریباً در یک سن خاص مهارت‌هایی را کسب می‌کند و رفتار خاصی را نشان می‌دهد از این‌رو داشتن جدول زمان‌بندی شده برای مهارت‌های کودکان می‌تواند آغازگر فعالیت‌هایی باشد که توان اجرایی را از کودکان توقع داشت. در این جا ضمن ارائه‌ی جدول رشد کودکان^۱ (جدول ۱-۱) مجدداً به این نکته اشاره می‌شود که:

آگاهی از توانایی کودک، هرگز مشخص‌کننده‌ی یک نقطه‌ی زمانی، برای کسب یک مهارت نیست، بلکه تنها دامنه‌ی تغییرات را نشان می‌دهد و رشد را به صورت یک فرایند کل مطرح می‌سازد. بنابراین، در نظر گرفتن توالی رشد مهم‌تر از توجه به سن تقویمی است.

۱- سی فلت کارل، ویفتن‌پارپور: آموزش و پرورش دوران نخستین کودکی ترجمه‌ی سوسن سیف، انتشارات دانشگاه الزهرا

تولد تا یک سالگی:

جسمی:

رشد سریع
الگوی خواب کودکان، از خواب و بیداری در اثر گرسنگی، گریه، اضطراب تا خواب شبانه و دو مرتبه بیداری در طول شب، تغییر می‌کند.
الگوی غذا خوردن کودکان، از هر سه ساعت یک وعده غذا تا سه مرتبه غذای مرتب در روز تغییر می‌کند.
کنترل عضلات گردن برای بالا نگه داشتن سر، میسر می‌گردد و کودک در چهار ماهگی از بالا گرفتن سر خود لذت می‌برد.
چشم‌ها برای کشف محیط، تمرکز روی اشیاء را آغاز می‌کنند.
در هفته‌ی شانزدهم، شروع به گرفتن اشیاء می‌نماید و در شش ماهگی اشیاء را می‌گیرد و رها می‌سازد و می‌تواند شیشه‌ی شیر خود را در «۶ تا ۸ ماهگی» نگه دارد.
در «چهار تا شش ماهگی» می‌تواند به‌طور ارادی غلت بزند.
در شش ماهگی احتمالاً اولین دندان ظاهر می‌گردد و در یک سالگی حدود دوازده دندان دارد.
در «شش تا هشت ماهگی» می‌تواند تعادل خود را نگه دارد و به تنهایی بنشیند.
در نه ماهگی می‌تواند خود را بالا بکشد و احتمالاً در وضعیت ایستاده قرار گیرد.
در شش ماهگی خزیدن را شروع می‌کند و در نه تا ده ماهگی روی سینه خزیده می‌رود. احتمالاً راه رفتن را شروع می‌نماید.

اجتماعی:

کودک در چهار یا پنج ماهگی می‌خندد.
از تکان دادن جفجغه لذت می‌برد و شروع به جست‌وخیز می‌کند.
مادر و سایر اعضای مهم خانواده را تشخیص می‌دهد.
دست و پا را تشخیص می‌دهد و با آن‌ها بازی می‌کند.
در شش ماهگی دوست دارد با خود و با سایرین بازی کند.
با غریبه‌ها به گونه‌ای متفاوت رفتار می‌نماید.
در بازی‌های کودکانه، شرکت و همکاری می‌کند.
رفتار دیگران را تقلید می‌نماید.

عاطفی:

گریه خود را، که ناشی از گرسنگی، سرما، و یا خیس شدن لباس بوده است، تشخیص می‌دهد.
عواطف خود را، از طریق تکان دادن تمام بدن، لگدزدن، حرکات بازو و دست‌ها، و تغییر قیافه، نشان می‌دهد.
هنگامی که دیدن سایرین و بودن با آن‌ها را احساس کند، از خود شادمانی نشان می‌دهد.
در شش ماهگی با بوسیدن و در آغوش گرفتن، محبت نشان می‌دهد.
علامت ترس را نشان می‌دهد.
اشیائی را که دوست ندارد، کنار می‌زند.

شناختی:

در ابتدا قیافه مادر را از سایرین و سپس قیافه‌های آشنا را از غریبه‌ها تشخیص می‌دهد. با نگاه کردن، چنگ زدن و به دهان گرفتن، دنیا را کشف می‌کند.
مدت‌ها اشیا را نگاه و بررسی می‌کند.
اولین علایم آگاهی از وجود اشیا اعتراضی است که در نبودن آن‌ها می‌نماید.
تکرار بعضی کارها و لذت بردن از آن‌ها، علامت کشف و شناسایی آن اعمال است.
تشخیص اشیای گم‌شده و جست‌وجوی آن‌ها در محل گم‌شده، از رشد حفظ بقای اشیا در نزد او خبر می‌دهد، که در شش تا دوازده ماهگی شروع می‌شود.
کشیدن یک شیء به طرف خود یا برطرف کردن مانع برای دستیابی به آن، نمونه‌ای از کارهای ارادی اوست.
کنجکاوی کودک درباره‌ی محیط اطراف خود فزونی می‌یابد.

زبان:

در دو تا چهارماهگی صداهایی شبیه صحبت کردن از دهان و گلو خارج می‌سازد.
علاوه بر صدای محیط، کلمات صدادار را نیز ادا می‌نماید.
در حدود شش ماهگی، ابتدا «ما - ما» و سپس «دا - دا» گفتن شروع می‌شود.
کلمات را تقلید می‌کند و الگویی از اصوات را بیان می‌دارد.
با تکان دادن دست‌ها، خداحافظی می‌کند.
هنگام صحبت مردم، ضمن درک اشیای کلی، به طرف آن‌ها نگاه می‌کند.

یک تا دو سالگی:

جسمی:

تعداد زیادی از مهارت‌های حرکتی شروع به رشد می‌کند.
رویدن دندان‌ها تا حدود هیجده ماهگی ادامه دارد و تمام بیست عدد دندان او، تا دو سالگی روئیده است.
عضلات درشت رشد می‌کنند. به تنهایی می‌ایستد. (تقریباً در یک سالگی)، می‌تواند روی سینه بخزد و صندلی خود را به اطراف حرکت دهد.
کودکان در حدود ۱۵ ماهگی شروع به راه رفتن می‌کنند و احتمالاً تا ۱۸ ماهگی راه رفتن آن‌ها دارای لغزش است.
توپ را در جعبه می‌گذارند و بیرون می‌آورند.
تویی را که در حال چرخیدن است می‌توانند بگیرند.
از پلکان می‌توانند خزیده به طرف پایین بیایند.
رشد حرکات ظریف پیشرفت دارد. می‌توانند اشیا را داخل جعبه بگذارند. یک مهره را بردارند، دو عدد مکعب بازی را کنار هم قرار دهند و قاشق را به دست گیرند.
لباس‌های ساده، مانند یک روسری، را می‌توانند به روی سر بپندازند.
در حدود ۱۸ ماهگی می‌توانند با مداد، خطوط عمودی و افقی رسم نمایند.
می‌توانند کتاب را ورق بزنند.
در دوره‌ی دو سالگی می‌توانند بدون کمک راه بروند.
می‌توانند بدون ولی معمولاً زمین می‌خورند.

بالا و پایین می‌پرند.
از بله‌هایی به ارتفاع یک پا، می‌توانند پایین بپرند.
با حرکت یک پا به طرف جلو می‌توانند از پلکان بالا و پایین بروند.
می‌توانند لیوان را با یک دست بگیرند.
حداقل شش مکعب بازی را می‌توانند کنار هم بچینند و مهره‌ها را نخ کنند.
در اتاق و در قفسه را می‌توانند باز نمایند.
قادر به نگاه‌های دایره‌ای و ماریچی هستند.
برای شروع کارها، دست را ترجیح می‌دهند.
کنترل نمودن ادرار روزانه را شروع می‌کنند.

اجتماعی:

در حدود یک‌سالگی، حسّی جزئی برای تشخیص بین خود و دیگران به‌وجود می‌آید. برداشت‌هایی از بازتاب تصورات اجتماعی حاصل می‌شود.
در ۱۸ ماهگی اصطلاحات شما و من را تشخیص می‌دهد.
بازی‌های خودبه‌خودی می‌کند و به بازی‌هایی با خود سرگرم می‌شود ولی به حضور اشخاص توجه دارد.
رفتارهای تقلیدی را ماهرانه‌تر اجرا می‌کنند.
اعضای بدن خود را تشخیص می‌دهد.
به موسیقی توجه دارد و به آن عکس‌العمل نشان می‌دهد.
در دو سالگی اجتماعی شدن او شکوفا می‌شود. بازی با والدین برای او جالب نیست و به همسالان بیش‌تر علاقه‌مند می‌شود.
به بازی‌های مقایسه‌ای علاقه‌مند می‌گردد.
تشخیص دادن خود از دیگران را فرامی‌گیرد.
برای کشف محیط و بیرون رفتن، برانگیخته می‌شود.
از مالکیت اشیا، آگاهی می‌یابد و احتمالاً حس مالکیت در او شدید می‌شود.

عاطفی:

در یک‌سالگی خوش‌خو و مهربان است.
در ۱۸ ماهگی در مقابل تغییرات مقاومت می‌کند. گاهی اوقات، ناگهان به مادر اجازه نمی‌دهد وی را ترک نماید.
تمایل به مقاومت، سرکشی، دعوا، دودن، و پنهان شدن دارد.
احساس گناه در او دیده نمی‌شود.
احساسات دیگران را درک می‌نماید.
در دو سالگی شروع به احساس گناه می‌کند و حس وجدان او شروع به کار می‌نماید.
روی کلمه (نه) تأکید می‌نماید. خودسری از خود نشان می‌دهد.
در خندیدن و جست‌زدن به اطراف زیاده‌روی می‌کند.

شناختی:

تصورات ذهنی: جست‌وجو کردن برای چیزهایی که مخفی شده‌اند، یادآوری، پیش‌بینی حوادث، ماورای این‌جا و آن‌جا

بودن و توجه فضایی و موقتی در او شروع می‌شود.

دلیل آوردن قیاسی: جست‌وجو کردن برای چیزهایی که در بیش از یک محل قرار دارند.
حافظه: در تقلید کردن تأخیر می‌نماید. پس از دیدن یک وضعیت، آن را با تأخیر آغاز می‌کند. اسامی اشیا را به خاطر می‌آورد.

در خاتمه‌ی این دوره، حفظ بقای اشیا کامل می‌گردد.
در دو تا سه سالگی رنگ سیاه و سفید را تمیز می‌دهد و احتمالاً (نام رنگ‌ها) را می‌برد. عدد یک را از تعداد زیاد تشخیص می‌دهد.

اعداد ۱ تا ۳ را به طور عادی می‌شمارد ولی غالباً به مفهوم آن پی نمی‌برد.
در حین گفت‌وگو و صحبت کردن، گفتار را به عمل تبدیل می‌کند. از طریق حرکت عضلات تفکر می‌کند.
اشیا و وسایل را در بازی شرکت می‌دهد. سپس سعی می‌نماید آن‌ها را به هم ارتباط دهد. در یادآوری حوادث از حس شناسایی برخوردار است و اصطلاحات امروز و فردا را می‌داند ولی گاهی اوقات آن‌ها را با یکدیگر اشتباه می‌کند.

زبان:

روان صحبت می‌کند ولی با اصطلاحات غلط.
با ایما و اشاره مطالب را بیان می‌کند.
به سؤالات ساده پاسخ می‌گوید.
در ۱۸ ماهگی به اصوات آشنایی دارد.
در ۱۸ ماهگی حدوداً ۲۰ تا ۵۰ لغت صحبت می‌کند.
بین ۲ تا ۳ سالگی، رشد او در به کارگیری زبان سریع می‌شود و ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ کلمه را صحبت می‌نماید.
گرایش ناخودآگاه به دستور زبان را شروع می‌کند و با ضمائر ابتدایی (من) و (مال من) آشنا می‌شود.
جملات دو تا سه کلمه‌ای را به کار می‌برد.
با زبان آشنا می‌شود و با کلمات بازی می‌کند. کلمات و عبارات جدید را طوری تکرار می‌نماید که گویی مشغول تمرین است.
از وزن و آهنگ اشعار کودکان لذت می‌برد و آن‌ها را تمرین می‌نماید.
یک داستان را چندین مرتبه گوش می‌کند و از آن لذت می‌برد.

سه تا چهار سالگی:

جسمی:

توسعه‌ی مهارت‌های بدنی؛
سوار شدن به سه چرخه؛
به حرکت درآوردن وسایل مختلف (واگون)؛
دویدن مستقیم و منظم و متوقف شدن به آسانی؛
بالا رفتن از نردبان‌های مخصوص ژیمناستیک؛
پريدن روی دو پا؛
داشتن انرژی در سطح بالا؛
داشتن توانایی پریدن، ضمن دویدن در چهارسالگی
پرش با پا و یک پا را به جلو آوردن؛

برقراری تعادل روی یک پا ؛
عکس‌العمل نشان دادن به موسیقی و نسبتاً خوب استفاده کردن از اوقات ؛
توسعه‌ی مهارت‌های ظریف برای پوشیدن لباس، بستن زیپ، و احتمالاً دگمه‌ها ؛
کنترل شبانه‌ی ادرار.

اجتماعی:

اجتماعی شدن بیش‌تر ؛
تبدیل بازی‌های شخصی به بازی‌های مشترک، شرکت در فعالیت‌ها ؛
آگاهی از اختلافات نژادی و جنسی ؛
مفید واقع شدن به خصوص، به واسطه‌ی علاقه‌مند بودن به هم، مطابقت دادن کلمات با رفتار، شروع استقلال ؛
رشد قوه‌ی ابتکار و اعتماد به خود در چهارسالگی ؛
آگاه شدن از هویت جنسی ؛
واقعی دانستن هم‌بازی‌های خیالی (این دریافت ممکن است از دو و نیم سالگی نیز پیدا شود).

عاطفی:

شروع به طنز و خنده، در موقع خندیدن بزرگسالان ؛
رشد کنترل داخلی روی رفتار ؛
کم‌تر منفی بودن ؛
شروع ترس که ممکن است تا ۵ سالگی ادامه یابد ؛
شروع احتمالی به گفتن دروغ عمدی در چهارسالگی (ولی در این هنگام والدین از این عمل جلوگیری می‌نمایند).

شناختی:

شروع به کسب مهارت‌های حل مسائل. (مکعب‌های بازی را در کنار هم می‌چیند، سپس با لگد آن‌ها را به هم می‌زند تا ببیند چه اتفاقی می‌افتد) ؛
کسب مهارت‌های گوش دادن (به عنوان وسیله‌ای برای یادگیری دنیای خود) ؛
ترسیم خطوط در سه سالگی هر چند مخدوش، (ولی در یک جهت است و از تکرار جلوگیری می‌شود) ؛
نقاشی، معرف افکار و دانستنی‌های او شدن، در چهارسالگی (که برای او اهمیت دارد) ؛
محدودشدن تفکر او به‌طور محسوس، به خصوصیات و صفات مشخصه (سؤال چرا؟) مکرراً مطرح می‌شود ؛
دلیل آوردن برای وجود هر چیزی در دنیا (براساس معلومات خود کودک) ؛
وجود تفکر خود مداری ؛
شروع به جداسازی واقعیات از خیالات.

زبان:

در خاتمه‌ی سال چهارم، رشد زبان سریع می‌گردد. جملات صحیح و ساخت‌های پیچیده‌ی زبانی را به خوبی مورد استفاده قرار می‌دهد.
در سه سالگی طوری برای خود صحبت می‌کند که گویی در حال اجرای نقش بزرگسالان است و فعالیت‌های خود را اجرا می‌نماید.

در چهارسالگی به نود درصد صداها و ترکیبات زبان مسلط است ولی امکان دارد در به کارگیری زمان افعال، جمع‌بندی‌ها و ضمائر، اشتباهاتی داشته باشد.
کلمات حمام و دوش گرفتن را درک می‌کند و از به کار بردن آن‌ها لذت می‌برد.

پنج تا شش سالگی:

جسمی:

برخورداری از تحرک، پایدار و کنترل شده؛
اقدام به دوچرخه سواری در بیش‌تر اوقات، علاوه بر سه چرخه؛
پریدن با یک پا به‌طور یک در میان و جست‌وخیز کردن؛
کنترل بیش‌تر روی حرکات ظریف بدن و شروع استفاده از وسایلی مانند، مسواک، برس، قیچی، اره، مداد، چکش و سوزن برای دوخت و دوز؛
به خوبی استفاده کردن از دست‌ها برای نوشتن و نقاشی کردن؛
کسب مهارت در لباس پوشیدن هر چند احتمالاً در بستن بند کفش به اشکال برمی‌خورد؛
لق شدن دندان‌ها در شش سالگی.

اجتماعی:

پیشرفت در اجتماعی شدن، به طوری که به ملاقات دوستان خود می‌رود؛
رسیدن به خودکفایی بیش‌تر؛
اصرار کردن به اجرای بیش‌تر (فعالیت‌ها را می‌تواند طرح‌ریزی و اجرا کند و روز بعد می‌تواند طرح روز قبل را ادامه دهد)؛
گرایش به بازی با دو یا سه نفر از دوستان (غالباً این بازی کوتاه مدت است و سپس عمل بازی را تغییر می‌دهد)؛
آغاز شدن عمل مطابقت‌دادن (در این صورت بسیار مفید واقع می‌شوند)؛
داشتن نقش بسیار مثبت در شش سالگی (اغلب به این وضعیت مسلط است و ریاست مآبانه رفتار می‌نماید و نصیحت‌پذیر است)؛

اشتیاق اول شدن در هر چیز (باختن برای او مشکل است)؛
داشتن حالت گزافه‌گویی و مالکیت
پایدار نبودن محبت او (غالباً یک ارتباط دوستی – تنفر با والدین دارد)؛
مشخص‌تر شدن نقش جنس (تمایل به نوع جنس دارد)؛
آگاه‌شدن از وضع لباس پوشیدن.

عاطفی:

ادامه داشتن طنز و خنده؛
تشخیص دادن صحیح از غلط؛
شروع به کنترل عواطف در پنج سالگی (قادر است عواطف خود را به روش‌های قابل قبول اجتماعی ارائه نماید)؛
دعوا کردن مکرراً به همسالان (ولی دوره‌ی آن کوتاه است)؛
غلبه کردن. تغییر عواطف در شش سالگی (به نظر می‌رسد که کودک در یک حالت هیجانی و عاطفی به سر می‌برد)؛

پدیدار شدن نقش‌های تازه با ورود به دبستان (مانند عصبانیت، غیظ و برآشفتگی)؛
لذت بردن از شست‌وشوی در حمام؛
رشد وجدان اخلاقی در پنج سالگی (ولی اعمال فقط به صورت خوب یا بد جلوه می‌نمایند)؛
رشد حس قبول مقررات در شش سالگی؛
اصرار غالباً بزرگسالان به آن‌ها برای اطاعت از قوانین؛
فاش کردن احتمالی اسرار و یاوه‌گویی کردن.

شناختی:

شروع به خاطر سپردن مقدار و طول؛
علاقه‌مندی به اعداد و حروف الفبا (تعدادی از کودکان به نوشتن حروف و اعداد و شمارش علاقه‌مند می‌گردند)؛
شناختن اکثر رنگ‌ها؛
شناسایی کلمه‌ای از بین کلمات چاپ شده که برایش معنی دار باشد؛
شناختن اوقاتی که مخصوص خودش باشد (می‌داند وقایع، در چه زمانی اتفاق می‌افتد ولی در روز یا هفته‌ای که خودش می‌داند)؛
شناختن فضای مخصوص و حرکت کردن در سرزمین آشنای خود؛
آغاز کردن به خواندن و نوشتن و حساب در خاتمه شش سالگی (میزان توانایی در این زمینه‌ها زیاد است)؛
نیاز به کمک داشتن تعدادی از کودکان حتی در خاتمه شش سالگی در موقع نوشتن و خواندن (احتمالاً دچار اشکال در خواندن و نوشتن گردند).

زبان:

پیشرفت مطلوب در زبان (حدود ۲۵۰۰ کلمه محاوره می‌نمایند)؛
داشتن مشکل احتمالی در تلفظ بعضی از حروف (مانند، لام، شین) گاهی اوقات؛
نداشتن فهم درستی از معنی بعضی کلمات (به طوری که موجب طنز و خنده می‌گردند)؛
گرایش از تصورات خیالی به واقعی (با استفاده از زبان، دیگران را کنترل می‌کنند و متکلم وحده هستند).

برای شناخت هر چه پیش‌تر کودکان و آگاهی از توانمندی آن‌ها، بهتر است یک نسخه از جدول رشد همه جانبه‌ی کودک در محلی قابل رؤیت نصب شود. این جدول، علاوه بر یادآوری سطح مهارت کودکان، به ما فرصت می‌دهد تا براساس آن و با توجه به توانمندی‌های سن خاص هر کودک، برنامه‌ریزی شود.

باید به خاطر داشت که در زمان استفاده از این جدول در هر گروه سنی، ویژگی‌های سن قبل و سن بعد را نیز باید مورد توجه قرار داد. مثلاً زمانی که با کودکان ۴ ساله سروکار داریم باید ویژگی‌های کودکان ۳ و ۵ ساله را نیز مد نظر قرار دهیم، زیرا چه بسا کودک ۴ ساله ما از جهت توانایی‌های حرکتی در حد حدود جدول ۴ ساله‌ها باشد اما از نظر شناختی جلوتر و یا کاستی بیشتری داشته باشد. بنابراین، در اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی باید به سه نکته اساسی توجه نمود:

۱- برنامه‌ها در سطح توانایی‌ها و رشد مهارت‌های کودکان باشد.

به طور مثال شما برای یک کودک ۳ ساله دفترچه رنگ‌آمیزی اشکال را می‌خرید و یا از او می‌خواهید که با وسایل ساختمان‌سازی، یک برج چند طبقه بسازد.

آیا هیچ فکر کرده‌اید که مهارت‌های حرکتی او در چه حد است؟ آیا او می‌تواند تطابق بین حرکت دست و چشم‌هایش را تنظیم کند، بنابراین، باید قبل از هر فعالیتی، مهارت‌های او را ارزیابی کنید.

۲- فعالیت در جهت رشد مهارت‌های همه جانبه باشد.

همان‌گونه که اشاره شد، مراحل رشد در هم تنیده است. بنابراین، باید در برنامه‌ریزی به رشد همه جانبه توجه نموده. به طور مثال کودکی که در مهارت حرکتی کمبود دارد، در بازی‌های کودکان شرکت نمی‌کند در نتیجه از نظر کسب مهارت اجتماعی دچار مشکل خواهد شد و نمی‌تواند احساسات خود را بیان کند. بنابراین، در برنامه‌ریزی باید به تقویت کلیه مهارت‌ها در کودک توجه داشت.

۳- در توالی‌های گوناگون رشد، به مهارت‌هایی که بعداً آن‌ها را کسب خواهد کرد، توجه شود.

کودکی را در نظر بگیرید که در ۲ سالگی می‌تواند سه کلمه را بیان کند، این کودک، همان کودکی بود که در ابتدا اصوات نامفهومی را ادا می‌کرد و در یک سالگی یک یا دو کلمه می‌گفت و طبیعتاً در ۳ سالگی جمله‌ای را به طور کامل خواهد گفت و در ۴ سالگی داستانی را می‌تواند تعریف کند.

با توجه به نکات فوق شما برای اجرای هر فعالیت و یا تهیه‌ی نمونه‌ی کار برای هر فصل، پس از تعیین نوع فعالیت، با توجه به گروه سنی موردنظر، فعالیتی را طراحی و براساس ویژگی‌های سنی کودک آن را اجرا می‌کنید. مجدداً تأکید می‌شود که این فصل برای آگاهی و شناخت هر چه بیش‌تر شما از کودکی است که می‌خواهید برای او برنامه‌ریزی نمایید.

نقش و اهمیت بازی دوران پیش از دبستان



- هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، دانش‌آموز باید بتواند:
- ضرورت و اهمیت بازی را بیان کند.
- نکاتی را، که باید درباره‌ی بازی کودکان، والدین و مربیان رعایت کند، فهرست نماید.
- ارزش همه‌جانبه‌ی بازی کودکان را بیان کند.
- با توجه به ارزش بازی‌ها، برای هر یک بازی خاصی را ارائه دهد.
- عوامل بیرونی و درونی مؤثر در بازی کودکان را توضیح دهد.
- نقش والدین را در ارتباط با بازی کودکان، بیان کند.
- ویژگی‌های یک اسباب بازی مفید را توضیح دهد.
- نکاتی را درباره‌ی ایمنی وسایل بازی فهرست کند.
- چند نمونه از اسباب بازی کودکان را بسازد.
- چند نمونه بازی سنتی را بازنویسی کند و ارزش آن‌ها را توضیح دهد.

مقدمه

همه‌ی شما بی‌شک کودکان را در حال بازی دیده‌اید و چه بسا دیدن آن‌ها خاطره‌ی کودکی‌تان را زنده کرده است و گاه دوست دارید به‌سان کودک پنج‌ساله از سرسره سر بخورید و یا با تاب بالا و پایین بروید و یا حتی آب بازی کنید. در واقع همه دوست داریم «بازی» کنیم و «بازی» واژه‌ی آشنایی است که آن را بسیار شنیده‌ایم و به کار برده‌ایم، اما کم‌تر به اهمیت والای آن توجه کرده‌ایم. حتی امروزه که برنامه‌های درسی بازی محور، جایگاه قابل توجهی در امر آموزش کودکان یافته، هنوز بازی، جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. بازی کودکان از بدو تولد آغاز می‌شود و در مراحل رشد، بازی و زندگی کودک چنان درهم تنیده می‌شوند که تفکیک

آن‌ها دشوار و حتی غیرممکن است. زیرا فعالیت‌های طبیعی کودکان به هنگام بازی متجلی می‌شود. کودکان نیازها و احساسات خود را در بازی‌ها بروز می‌دهند. آن‌ها در جریان بازی هدف‌ها را جست‌وجو می‌کنند؛ اطلاعات را کسب می‌کنند و برای فعالیت‌های اجتماعی مهارت کامل را به دست می‌آورند. بنابراین، هرچه محیط غنی‌تر باشد و هرچه شناخت در مورد بازی کودکان بیش‌تر باشد «بازی کودکان» معنای کامل‌تری می‌یابد و ارزش و اهمیت آن بارزتر می‌شود.

ضرورت و اهمیت بازی

بازی، که اغلب با فعالیت بدنی همراه است، با رشد و تربیت اندام بچه‌ها، مهارت‌های جنبشی مناسب و آمادگی بدنی آن‌ها ارتباط نزدیک دارد. کودکان با فعالیت‌های جسمانی به مهارت‌های حرکتی می‌رسند. در نتیجه آن‌ها را قادر می‌سازد تا از نظر جسمانی، اطمینان‌ایمنی و اتکاء به نفس پیدا کنند. از طرف دیگر، بازی در سطوح مختلف رشد و وظایف متعددی را بر عهده می‌گیرد. به‌طور مثال، کودکان نیاز به اجتماعی شدن دارند و بازی فرصت مناسبی به آن‌ها می‌دهد تا رفتارشان را با دیگران هماهنگ کنند و چیزی را که شاید با دیده‌ی آن‌ها متفاوت است بپذیرند. شواهد بسیاری دال بر وجود رابطه‌ی بین بازی و رشد شناختی نیز، وجود دارد. افزایش مهارت در برنامه‌ریزی، توانایی حل مسئله، آفرینندگی، دست یافتن به دوراندیشی، رشد زبان، همه و همه در بازی کودکان متجلی می‌شود. برای بی‌بردن به ارزش و اهمیت بازی، باید، بازی کودکان و نحوه‌ی اجرای آن را بشناسیم و هرگز بازی کردن کودک را بیهوده تلقی نکنیم. زمان بازی، زمان به دست آوردن دانش و تجربه است.

نوزادان و کودکان نوپا، با فعالیت‌های بازی‌گونه‌ای که اجرا می‌کنند، مهارت جنبشی‌شان را تقویت می‌کنند و بازی‌های ساده و تکراری آن‌ها به کشف توانمندی و شناخت محیط منجر می‌شود. نوزادی با آویز بالای تختش بازی می‌کند و یا جفجغه‌ای را به دهان می‌برد و «بازی» می‌کند. در مراحل بعدی همین کودک نوپا، در کنار بزرگترها و یا هم‌سالانش بازی می‌کند. او برای برقراری ارتباط با دیگران تلاش می‌کند اما از بودن در کنار آن‌ها لذت می‌برد. در سنین بالاتر، همین کودک در بازی دیگران شرکت می‌کند؛ اسباب‌بازی‌هایش را به دیگران می‌دهد، اما برای ایجاد قوانین و محدودیت در بازی تلاش نمی‌کند. او می‌سازد؛ خراب می‌کند؛ از شیئی به جای شیئی دیگر استفاده می‌کند و توانایی بازسازی و دگرگونی را دارد. با افزایش سن کودکان، «قوانین» وارد بازی می‌شوند. در این مرحله، علاوه بر رشد مهارت‌های حرکتی، مهارت‌های اجتماعی کودک نیز افزایش می‌یابد. او با کودکان دیگر رقابت می‌کند؛ مسابقه می‌دهد، رمز و راز و پیام‌های مخفی بازی را درک می‌کند و توانایی اختراع را دارد. هرچه کودکان بزرگ‌تر می‌شوند، بازی آن‌ها پیچیده‌تر می‌شود و از حالت خودجوش خارج می‌گردد و قانونمند می‌شود و به صورت فعالیت‌های ورزشی درمی‌آید. نوجوان به عنوان عضوی از گروه، در ورزش مورد علاقه‌ی خود شرکت می‌کند. در این راستا والدین و کسانی که با کودک سروکار دارند می‌توانند در غنی‌سازی محیط و تهیه‌ی امکانات نقش مؤثری را ایفا نمایند و راه را برای این‌گذر مهیا سازند.

مواردی که والدین باید درباره‌ی بازی کودکان رعایت کنند

- بازی کودکان را جدی بگیرید و زمینه‌ی ادامه و بسط بازی کودکان را فراهم آورید.
- برای کودکان، باتوجه به سن و ویژگی‌های رشدشان، اسباب بازی بخرید و در خرید اسباب بازی به ایمنی، سن، تنوع و کاربرد آن توجه کنید.
- مکان مشخصی را به بازی کودکان اختصاص دهید و جای خاصی را برای انبار کردن وسایل بازی در نظر بگیرید.

● از ابتدا به کودک بیاموزید که وسایل بازی خود را پس از بازی جمع کند و هر وسیله را در جای مخصوص خود قرار دهید. اسباب بازی‌های ریز را در ظروف دردار بگذارید تا قطعات آن گم نشود.

● با کودکان بازی کنید و گاهی در حکم هم‌بازی، وارد بازی‌شان شوید و گاه به صورت طراح بازی، زمینه‌ی بازی را برای آن‌ها فراهم سازید.

● به بازی کودکان چه زمانی که انفرادی بازی می‌کنند و یا با هم‌بازی‌های خود مشغول بازی هستند توجه نمایید.
● به هنگام بازی در پارک‌ها بزرگترها حتماً باید نظارت داشته باشند و فضای بازی نباید محل عبور و مرور ماشین و موتور باشد.

- در انتخاب اسباب‌بازی‌های بزرگ (تاب و سرسره) به سن کودکان توجه کنید.
- در طی بازی، احترام به خود و دیگران و نیز رعایت قوانین را به کودکان گوشزد کنید.

مواردی که مریبان باید درباره‌ی بازی کودکان رعایت نمایند

– بچه‌ها باید برای بازی آزادی عمل داشته باشند (با رعایت محدودیت‌ها) تا بتوانند در طی بازی ابتکارات خود را به نمایش بگذارند. کودکان کم‌سال بازی‌شان می‌تواند حدود ۲۰ دقیقه باشد در حالی که کودکان بزرگ‌تر به ۳۰ تا ۵۰ دقیقه زمان نیاز دارند.

- چنان‌چه تعداد کودکان بیش‌تر شود، زمان بازی می‌تواند افزایش یابد.
- هرگز کودکان را با یکدیگر مقایسه نکنید و توانایی هر کس را با خود او بسنجید.
- در فعالیت‌های گوناگون، توانایی‌ها و نقاط قوت هر یک را مشخص کنید.
- هرگز در بازی‌های آزاد کودکان (عروسک‌بازی، ماشین‌بازی ...) دخالت نکنید.
- اتاق بازی نباید شلوغ و درهم باشد. وسایل باید در جای خودشان قرار داشته باشند.
- از کودکان بخواهید بعد از هر بازی، وسایل را در جای خود قرار دهند.
- وسایل بازی را بعد از یک تا دو هفته تغییر دهید.
- وسایل بازی باید سالم و تمیز باشند. وسایل شکسته و خراب را کنار بگذارید. وسایلی که باید تحت نظر بزرگ‌ترها بازی شوند از دسترس کودکان دور کنید.

- در مورد ایمنی و نظافت فضای بازی دقت نمایید.
- در یک جلسه اسباب‌بازی‌های خطرناک را به کودکان نشان دهید و در مورد خطرات آن بحث کنید.
- متانت، صبر و بردباری و خلاقیت و قوه‌ی ابتکار از خصایص بارز یک مربی است.
- فعالیت‌های گروهی را ارج بگذارید و کودکان را به احترام گذاشتن به یکدیگر تشویق کنید.
- در بازی‌های کودکان از بازی‌های سنتی استفاده کنید.

ارزش بازی

تردیدی نیست که بازی یکی از فعالیت‌های اساسی کودکان است و کودکان از طریق آن، دنیای اطرافشان را می‌شناسند و آن را تجربه می‌کنند. کودکان در حین بازی می‌توانند به نتیجه‌ی رفتار خود پی‌برند و دیدگاه‌ها و احساساتشان را بیان کنند. کودکان در بازی فرصت می‌یابند از طریق خیال‌پردازی، آرزوهایشان را به واقعیت نزدیک کنند و در عین حال بر نگرانی‌ها و اضطراب خود فائق

آیند و بالأخره، کودکان در حین بازی می‌توانند به توانایی‌های جسمانی خود پی‌برند و در تقویت و ایجاد مهارت کوشش نمایند. از این‌رو ارزش بازی در ابعاد گوناگونی چون ارزش جسمانی، ارزش عاطفی، شناختی و اخلاقی و ... قابل توجه است. در این مبحث، به پاره‌ای از ارزش‌های بازی اشاره می‌کنیم.

ارزش جسمانی بازی:

فعالیت‌های کودک، از بدو تولد (دست و پا زدن، چنگ زدن و گرفتن)، هر چند با اهداف مختلفی صورت می‌گیرد، اما لذت‌بخش بودن این فعالیت‌های بازی گونه، هدف برتر است. این لذت در کودک رضایتی ایجاد می‌کند که انگیزه‌ی حرکت و یا فعالیت بعدی او می‌شود. بازی‌های دوره کودکی مثل دویدن، پریدن، خم شدن، سُر خوردن، بالا رفتن و ...، هماهنگی حرکات بدن را بیش‌تر می‌کنند و موجب می‌شوند تا بافت‌ها و دستگاه‌های مختلف بدن بهتر فعالیت نمایند. هنگام اجرای بازی‌های جسمانی، جریان خون آزادتر و دفع مواد زاید آسان‌تر و بیش‌تر می‌شود. از طرف دیگر، فعالیت‌های جسمانی، تغذیه‌ی عضلات را ممکن می‌سازد و هر عضله‌ای که بیش‌تر فعالیت کند، مواد غذایی را بهتر جذب می‌کند و سلول‌های عضلانی آن بخش، حجیم‌تر و بزرگ‌تر می‌شود. بنابراین، بازی در دوران کودکی از نظر جسمانی برای کودک ارزش بسیاری دارد و افزایش قدرت بدنی، هماهنگی و تعادل بین اندام‌ها، ظرافت حرکات، افزایش استقامت و مقاومت بدن، کودک را در مقابل بیماری‌ها و خطرات محیطی محفوظ می‌دارد. علاقه‌مندی و میزان توجه و همراهی والدین و مربیان کودک نسبت به بازی‌های حرکتی و جسمانی می‌تواند در پی‌گیری و ایجاد عادت در سنین بالاتر از فعالیت‌هایی چون ورزش قابل توجه باشد. در برنامه‌ریزی تجارب حرکتی برای کودکان کم‌سال، باید به ویژگی‌های رشدی هر گروه سنی توجه شود. زیرا این ویژگی‌ها، حجم و اندازه‌ی گروه کودکان و تجهیزات مورد نیاز را مشخص می‌کند. به طور مثال، یک مربی بهتر می‌تواند یک گروه ۷ نفره‌ی کودکان ۳ ساله را در یک تمرین جسمانی (به صف شدن و پریدن) اداره کند. حال آن‌که آموزش همین سن از کودکان در گروه‌های ۱۵ نفره دشوارتر است. یا یک کودک ۴ تا ۵ ساله می‌تواند از پله‌ای به ارتفاع ۲۰ سانتی‌متر بالا برود و حداکثر ۳۰ سانتی‌متر بپرد. حال اگر در فضا سازی و تجهیزات، این مسئله رعایت نشود و ارتفاع بین پله‌های سرسره‌ی کودکان بیش‌تر باشد، طبیعی است که این تغییر، مانع حرکت و لذت او می‌شود. تجهیزات بازی‌های جسمانی، که معمولاً در فضای باز مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید متنوع، زیبا، مقاوم و بی‌خطر باشد. این تجهیزات معمولاً در محوطه‌ای قرار دارند. این محوطه باید به گونه‌ای طراحی شود که به کودک اجازه‌ی تاب خوردن، سُریدن و پریدن را بدهد و برای گروه‌های سنی مختلف، قابل استفاده باشد. بازی‌های جسمانی که به صورت انفرادی یا گروهی اجرا می‌شود، بسیار متنوع است و بسیاری از آن‌ها مستلزم استفاده از مجموعه‌ای از حرکات ماست.

● فعالیت

در زیر، چند فعالیت برای حرکات جسمانی ارائه شده است.

۱- نام بازی: من می‌گویم شما اجرا کنید.

وسيله‌ی بازی: ندارد

محل بازی: ترجیحاً فضای باز

تعداد بازی‌کنان: با توجه به سن کودکان

هدف بازی: ایجاد تحرک و نشاط، استفاده از اعضای بدن، شناخت اعضای بدن و تطابق بین شنیده‌ها و عمل

روش بازی:

— از کودکان بخواهید که روبه روی شما بایستند: سپس با اعلام یک فعل (دویدن، پریدن، دست زدن، خندیدن، راه رفتن) از آن‌ها بخواهید که حرکت را اجرا کنند.

در مراحل بعد، بازی را با سؤال آغاز کنید. «با چه راه می‌رویم؟»، «با چه دست می‌زنیم؟»، «با چه می‌بینیم؟»...

۲— نام بازی: اگر خرگوش بودم.

وسایله‌ی بازی: ندارد

محل بازی: ترجیحاً فضای باز

تعداد بازی‌کنان: دو نفر یا بیش‌تر

هدف بازی: ایجاد تحرک و نشاط، تمرین تعادل و افزایش توانایی جسمانی، شناخت حرکات.

روش بازی: دو خط فرضی برای شروع و پایان در نظر بگیرید. سپس کودکان را پشت خط شروع قرار دهید. آن‌ها باید مثل خرگوش روی دو پا چمباتمه بزنند. سپس مربی با علامتی، آغاز بازی را اعلام می‌کند و کودکان باید مثل خرگوش، با جهیدن، مسیر را طی کنند.

این تمرین را می‌توانید با حرکات سایر حیوانات نیز تمرین کنید (قورباغه، مار، اردک، ...) (شکل ۱-۲).



شکل ۱-۲

نکات قابل توجه:

— از این قبیل بازی‌ها، می‌توانید برای ایجاد ثبات، تعادل، بالانس، پرش و ... استفاده نمایید و به مرور، فعالیت‌ها را سخت‌تر و پیچیده‌تر کنید.

— از کودکان بخواهید تا، با ضربه‌های طبل یا دو قطعه چوب، راه بروند. با تند و کند کردن ضرب آهنگ‌ها به آن‌ها پیاموزید که متناسب با آن چه می‌شنوند راه بروند.

— یک خط مستقیم روی زمین بکشید و یا در کلاس با نوار چسب پهن، خطی روی موکت ایجاد کنید و از کودکان بخواهید روی آن راه بروند.

— از کودکان بخواهید وانمود کنند حیوانی هستند و به‌سان آن حیوان حرکت کنند.

— از کودکان بخواهید تا سرودها را همراه با حرکات بدنی اجرا کنند.

ارزش اجتماعی بازی

کودکان از همان ابتدای تولد، نسبت به محیط اطرافشان حساسیت نشان می‌دهند. در واقع محیط زندگی به مثابه‌ی اجتماع کوچکی است که کودک با قوانین گوناگون آن آشنا می‌شود و با افراد مختلف تماس پیدا می‌کند. به قول آدلر «بازی بیش از هر چیز یک تمرین اشتراکی است و کودک در طی این تمرین‌ها فرصت می‌یابد احساسات اجتماعی خود را ارضا کند»^۱. مدرسه بازی، دزد و پلیس، دکتر بازی، آمادگی او را برای شناخت مشاغل اجتماعی بالا می‌برد و حدود اختیارات آن‌ها را بارز می‌کند. بازی به کودک فرصت می‌دهد که تنها به خود نیندیشد و به اطرافیان نیز توجه کند و آن‌ها را به حساب آورد و از حالت «خودمحوری»^۲ بیرون آید. کودک از طریق بازی‌ها به ارزش دیگران پی می‌برد و یاد می‌گیرد برای رسیدن به هدف، چگونه نقشه بکشد و چگونه با تلاش، موانع و مشکلات را رفع کند.

قوانین بازی کودکان خردسال، بسیار ساده است اما به تدریج با افزایش سن آن‌ها، مقررات بازی‌ها افزایش می‌یابد و تکنیک و اخلاق که هر دو جنبه‌ی اجتماعی دارند، توأمآ وارد بازی می‌شوند. کودک باید بیاموزد که چگونه بازی کند و چگونه قوانین را رعایت نماید. قراردادهای بازی مانند دیگر ارزش‌های اجتماعی واقعی است و عدم رعایت آن مجازات دارد (جریمه شدن یا خارج شدن از بازی). بنابراین، کودکان به خصوص در بازی‌های گروهی با مفاهیمی چون توجه به مقررات، رعایت حقوق دیگران، سخت‌گیری، همدردی و همدلی آشنا می‌شوند. هر زمان که «کودک چیزی درباره‌ی جهان خارج و روابط آن کشف می‌کند، به موازاتش، چیزی در مورد خودش نیز درمی‌یابد»^۳.

علاوه بر این کودکان با همانندسازی با سایر کودکان و یا برقرار کردن ارتباط با آن‌ها، به عنوان هم‌بازی، مؤثرترین گام را برای اجتماعی شدن برمی‌دارند. زیرا در طی بازی‌ها، با هم‌بازی خود، احساس همدلی، همدردی و اشتراک دارد. چیزی که لازمه‌ی یک زندگی اجتماعی و «سازنده‌ی انسان اجتماعی است»^۴.

● فعالیت

در زیر نمونه‌ای از بازی‌هایی که مفاهیم اجتماعی را تمرین می‌دهد، آمده است:

۱- نام بازی: انداختن توپ در سبد

وسيله بازی: یک عدد توپ و یک سبد

محل بازی: فضای باز و یا بسته

تعداد بازی‌کنان: دو نفر یا بیش‌تر

هدف بازی: تقویت دست‌ها، تطابق چشم و دست، ایجاد تحرک و نشاط و رعایت نوبت و مقررات

روش بازی: سبد را در جای مناسبی قرار دهید و کودکان را به‌صفت منظم کنید. در این مرحله، باید مربی توپ را به‌سمت

یک‌یک بچه‌ها پرتاب کند. کودک پس از گرفتن توپ، باید آن را درون سبد بیندازد. کودکانی که از عهده‌ی این کار بر نمی‌آیند دوباره

به آخر صف باز می‌گردند تا مجدداً فرصت تکرار داشته باشند و کودکان دیگر از بازی خارج می‌شوند.

۲- نام بازی: ماهی گیر و ماهی

وسيله بازی: ندارد

۱- منبع شماره ۱۱ ص ۷۷

۲- Egocentric

۴- منبع شماره ۱۱ ص ۷۹

۳- منبع شماره ۲ ص ۲۳۳

فضای بازی: فضای باز

تعداد بازی‌کنان: با توجه به گروه‌های سنی حداقل ۵ نفر

هدف بازی: تحرک و نشاط، دقت و سرعت، تعاون و اشتراک و ارج گذاشتن به گروه و باهم بودن.

روش بازی: در این بازی یکی از کودکان ماهی‌گیر می‌شود و بقیه ماهی کوچک. ماهی‌های کوچک در فضای باز شروع به حرکت می‌کنند و ماهی‌گیر به دنبال گرفتن آن‌هاست. چنان‌چه ماهی‌گیر، کودکی را که ماهی است بگیرد، آن‌ها دو ماهی‌گیر می‌شوند که با گرفتن دست‌های هم، تور بزرگ‌تری برای ماهی‌های دیگر فراهم می‌کنند. سپس، آن‌ها به دنبال سایر ماهی‌ها می‌دوند و به همین ترتیب با گرفتن ماهی‌بیش‌تر، تور ماهی‌گیر بیش‌تر گسترش می‌یابد و ماهی‌ها آسان‌تر گرفته می‌شوند.

ارزش روانی بازی

حتماً بارها و بارها دیده‌اید که کودکی ضمن بازی با عروسک خود، آن را می‌نوازد و یا برعکس آن را می‌زند و به گوشه‌ای پرتاب می‌کند. کودکان در بیان احساسات خود بسیار صادق و صریح‌اند و چه بسا قاطعانه به شما می‌گویند که دوستتان دارند و یا علاقه‌ای به شما ندارند. کودک در بازی نیز به آسانی احساسات و ایده‌های خود را بیان می‌کند. در واقع، بازی به کودک فرصت می‌دهد تا امیال و گرایش‌های خود را مطرح و بر آن‌ها غلبه کند. به عبارت دیگر بین عواطف و امیال متضادش تعادل ایجاد کند. پیازه این کار را «بازی جبرانی»^۱ می‌نامد. بازی‌ای که کودک از طریق آن قادر می‌شود تا عمل ناخوشایندی را از ذهن خود پاک کند، یا به عبارت دیگر، آن حالت ناخوشایند را تعدیل نماید. به‌طور مثال، کودک از تولد فرزند جدید خانواده خوشحال نیست. زیرا نوزاد محور توجه والدین شده است. بنابراین، با زدن عروسک ناخشنودی‌اش را نشان می‌دهد و جالب این‌که بعد خودش نیز گریه می‌کند. تقریباً در کلیه‌ی



شکل ۲-۲

بازی‌های کودکان «ارزش درمانی» نهفته است. مثلاً در بازی‌های نقش، کودک با ظاهر شدن در نقش قهرمانان موردعلاقه‌ی خود، و یا زدن سگ و یا گربه‌ی پارچه‌ای یا پلاستیکی و یا در آغوش گرفتن آن‌ها، بر ترس خود از سگ و گربه‌ی واقعی غلبه می‌کند. متخصصان بازی درمانی، با استفاده از فضای بازی کودکان، ضمن مشاهده‌ی رفتار آن‌ها، به تعبیر و یا تفسیر بازی‌های کودکان می‌پردازند. زیرا کودک به‌علت محدودیت خزانه‌ی لغات و ترس از بزرگ‌سال، نمی‌تواند احساساتش را به راحتی بیان نماید و بازی فرصت «خود بودن» را به او می‌دهد. بازی‌هایی مانند عروسک‌بازی، خانه بازی، ماشین بازی، نمایش‌های عروسکی و ساختن ماسک بر اساس قصه شنیده شده، می‌توانند بسیار مفید باشند (شکل ۲-۲).

ارزش اخلاقی بازی

در کلیه‌ی بازی‌های کودکان می‌توان ردپای اخلاق و ارزش‌های اخلاقی را مشاهده کرد. کودک در طی بازی‌ها با بسیاری از مفاهیم، از جمله خوب و بد، حق و ناحق، راست و غلط آشنا می‌شود، یا برخورد پیدا می‌کند. این مفاهیم در زندگی واقعی معنای عمیق‌تری دارند، اما در بازی‌ها، در محدوده‌ای کوچک‌تر و ساده‌تر بارها و بارها می‌توانند حضور داشته باشند و در رفتار او تأثیر بگذارند. بازی‌ها مضامین اخلاقی گوناگونی دارند. مثلاً بازی «عموزنجیرباف» و یا «گرگم و گله می‌برم» به پرورش مناسبات دوستانه، اتحاد و یگانگی و همکاری بین بازی‌کنان کمک می‌کند و کودک در حین بازی به معنای مفاهیمی چون دوستی، مشارکت، مهربانی

بی‌می‌برد و یا در یک بازی نمایشی، نقش قهرمانی را به عهده می‌گیرد و سعی می‌کند کردارش شبیه آن قهرمان باشد و چنان‌چه آن قهرمان خوب باشد کمک کردن و نجات دادن از جمله رفتارهایی است که او آن‌ها را تکرار و تقلید می‌کند. این تکرارها به مرور زمان، به‌صورت عادت درمی‌آید و رفتار او را شکل می‌دهد و جزئی از شخصیت او می‌شوند. به همین دلیل، نقش تلویزیون برای الگوبرداری بسیار مهم است. علاوه بر این، کودک ضمن بازی یاد می‌گیرد که از وسایل بازی خود نگهداری کند و یا آن را به دوستان خود بدهد.

● فعالیت

در زیر چند بازی برای تمرین مفاهیم اخلاقی آمده است:

۱- نام بازی: یک کار خوب یک کار بد.

وسایله‌ی بازی: ندارد

محل بازی: فضای باز و یا بسته

تعداد بازی‌کنان: گروه‌های کوچک حداقل ۵ نفر

هدف: تحرک و نشاط، زبان‌آموزی و آشنایی با مفاهیم خوب و یا بد

روش بازی:

- بچه‌ها به‌صورت دایره می‌ایستند.

- مربی از آن‌ها می‌خواهد که خوب به حرف‌های او گوش دهند و چنان‌چه جمله‌ای که مربی می‌گوید خوب باشد بچه‌ها «با

دست زدن» و چنان‌چه کار بدی باشد با «کوبیدن پا»، آن را تأیید و یا به آن اعتراض کنند.

«من هر روز صبح مسواک می‌زنم». «علی دوست ندارد مویش را شانه بزند»، «ما دوست نداریم دست‌هایمان را بشوییم».

«مریم عروسکش را به دوستش نمی‌دهد».

- می‌توانید از بچه‌ها بخواهید که آن‌ها جملات بعدی را بگویند.

- می‌توانید فعالیت کودکان را تنوع ببخشید. به‌طور مثال اگر مسواک نمی‌زدیم (کاربد) چه می‌شد؟

۲- نام بازی: گرگ ناقلا

وسایله‌ی بازی: ندارد

محل بازی: فضای باز

تعداد کودکان: حداقل ۵ نفر

هدف بازی: تحرک و نشاط، آشنایی با مفهوم ارزش دیگران و اتحاد و دوستی

روش بازی: کودکی را به‌عنوان گرگ انتخاب کنید و کودکان دیگر را در حکم گوسفندان نام‌گذاری نمایید. در گروه

گوسفندان، یکی از کودکان به‌عنوان سردسته یا مادر انتخاب می‌شود که باید از دیگر کودکان در مقابل گرگ دفاع کند (شبیه‌بازی

گرگ و گله می‌برم). با شروع بازی، گرگ سعی در گرفتن گوسفندان دارد و سردسته با حمایت از آن‌ها مانع می‌شود. کودکی که از

سوی گرگ گرفته می‌شود سعی می‌کند به گروه برگردد و چنان‌چه توانست دستش را در دست سردسته قرار دهد، دوباره به گروه خود

برمی‌گردد و گرگ از بازی خارج می‌شود، سپس فرد دیگری نقش گرگ را به عهده می‌گیرد.

ارزش‌شناختی بازی

فضای بازی، اسباب بازی‌ها و هم‌بازی‌ها، هریک به‌نحوی توجه کودک را نسبت به محیط اطراف افزایش می‌دهند. در واقع،

درک کودک از محیط اطرافش شامل ادراکات و اشیائی است که با آن‌ها تجربه‌ی مستقیم دارد. «واکس^۱» دریافت که نه تنها تنوع و تعدد اسباب بازی‌ها، بلکه آزادی کودکان در کندوکاو بصری و جسمانی در محیط، رشد شناختی آن‌ها را تضمین می‌کند.^۲ کودک، در ارتباط با محیط اطرافش، ابتدا تنها کارهایی را که به طور تصادفی کشف شده‌اند تکرار می‌کند. مثلاً پایش به جفجغه برخورد می‌کند و آن را به صدا درمی‌آورد. سپس او از طریق آزمایش و خطا و جست‌وجو، آن کار را ادامه می‌دهد تا به صورت یک برنامه‌ی هماهنگ عمل کند و جفجغه دوباره به صدا درآید. واکنش نسبت به اشیای جدید و ناشناخته، از کودکی آغاز می‌شود. کودک نه ماهه شیئی را می‌گیرد و به دهان می‌برد. او در این دوره، از طریق حس چشایی خود کاوش می‌کند و در ۱۲ ماهگی از طریق حواس لامسه، بینایی و شنوایی جست‌وجوی خود را برای رسیدن به هدف مطلوب ادامه می‌دهد. در ۱۵ ماهگی قبل از کنکاش لمسی با چشم شیئی را بررسی می‌کند و سعی می‌کند تا حرکت جسم متحرک را پیش‌بینی نماید و سپس لامسه به مدد او می‌آید و او را قادر می‌سازد تا حرکت را ادامه دهد. معمولاً کودکان در حدود ۲ سالگی از طریق عمل و عکس‌العمل به روابط علت و معلولی پی می‌برند و متوجه می‌شوند که چنانچه ماشین را حرکت دهند چراغش روشن می‌شود. در واقع، کودک در ارتباطش با اشیای جدید چهار مرحله را طی می‌کند، که هر یک به نوبه‌ی خود پایه و اساس شناخت را فراهم می‌سازند: جست‌وجو، دستکاری، تمرین و تکرار. سه فعالیت اول، بیش‌تر حالت تجربه‌آموزی دارد و بازی از زمانی شروع می‌شود که کودک برای کسب لذت، آن فعالیت را اجرا کند.

درک و شناخت کودک از جهان، پر از تعارض و تناقض است و تا زمانی که کودک به تعادل نرسد نمی‌تواند برداشت درستی از جهان پیرامونش داشته باشد و این ممکن نیست مگر در لابه‌لای بازی، که همان زندگی کودک است. زیرا از طریق بازی و در بازی‌ها یاد می‌گیرد که از ابزار و اشیا در جای خود استفاده کند. مثلاً تا دیروز جفجغه را به دهان می‌برد اما از طریق بازی و کسب تجربه یاد می‌گیرد که جفجغه برای تکان دادن و تولید صداست نه برای به دهان بردن و هم‌چنین، مداد برای نوشتن و کتاب برای خواندن. به همین ترتیب شناسایی او از جهان پیرامونش نیز در بازی‌ها متجلی می‌شود. او در طی بازی یاد می‌گیرد که چرخ، قسمتی از ماشین است و یا کلاه مال عروسک است و بالآخره فنجان و نعلبکی باید کنارهم قرار گیرد. در واقع کودک اشیا را، همان‌گونه که باهم مورد استفاده قرار می‌گیرند، در کنار هم شناسایی می‌کند. هم‌چنین او یاد می‌گیرد که در بازی‌هایش، علاوه بر اجرای مرتب یک فعالیت (مثلاً برای غذا پختن باید دیگ را روی گاز اسباب‌بازی خود قرار دهد و درونش مواد بریزد و زیرش را روشن کند). در صورتی که شیء مورد نظر را در اختیار نداشته باشد وانمود کند و یا از اشیای دیگری به‌عنوان جانشین استفاده کند (کاغذ را ریز کند و به جای برنج در دیگ بریزد). به همین ترتیب، از طریق بازی‌هایی چون شن و آب‌بازی، مفاهیم، اندازه، حجم، شکل، وزن، مراقبت و نگاه‌داری را می‌آموزد و یا با پرتاب کردن توپ، درباره‌ی وزن و جاذبه‌ی زمین مسائلی تجربه کند. تلفیق یادگیری فعال با بازی‌های خودجوش و خلاق در یادگیری کودکان نقش به‌سزایی دارد و باعث تحول از مرحله‌ی ادراک به مرحله‌ی فکر و بینش می‌شود.

● فعالیت

۱- نام بازی: میکروفون سحرآمیز

وسیلله‌ی بازی: ندارد

محل بازی: فضای باز و یا بسته

تعداد بازی‌کنان: نامحدود

هدف بازی: شادی و نشاط، توانایی وانمود کردن، توسعه‌ی تخیلات، زبان‌آموزی و بیان احساسات

روش بازی: به کودکان فرصت می‌دهیم تا تصور کنند که میکروفون سحرآمیزی در دستشان است و می‌توانند هرچه را می‌خواهند بگویند و یا سؤال کنند. اما در این بازی یک قانون وجود دارد و آن این‌که، هر وقت میکروفون به دستشان رسید باید صحبت کنند. مربی مدادی را در دست می‌گیرد و وانمود می‌کند که آن میکروفون است و جمله‌ای را می‌گوید. سپس میکروفون را به کودک دیگری می‌دهد تا او بازی را ادامه دهد. چنان‌چه کودکی نخواست صحبت کند، میکروفون را به نفر بعدی می‌دهد. کودکان در این بازی به راحتی احساسات خود را بیان می‌کنند و بازی مناسبی برای شناخت کودکان است.

۲- نام بازی: من چیستم؟

وسایله‌ی بازی: اشیای مختلفی چون توپ، شانه، مکعب چوبی، پر، سنگ و یک کیسه پارچه‌ای.

محل بازی: فضای بسته

تعداد بازی‌کنان: حداکثر ۱۰ نفر

هدف بازی: نشاط و شادی، تمرکز، شناخت از طریق لمس و تطابق آن با مفاهیم ذهنی، تشخیص و زبان‌آموزی

روش بازی:

– بچه‌ها باید به صورت دایره بنشینند.

– اشیاء را بدون آن‌که کودکان آن‌ها را ببینند درون کیسه بریزید.

– ابتدا خود شما با لمس کردن یکی از اشیای داخل کیسه، قبل از بیرون آوردن آن از کیسه، نامش را بگویید و سپس از کیسه بیرون بیاورید.

– آن‌گاه کیسه را به یک‌یک کودکان بدهید تا آن‌ها نیز، همین عمل را، تکرار کنند.

نکات قابل توجه

– می‌توانید محتوای کیسه را بعد از چند بار تعویض کنید.

– می‌توانید در گروه‌های سنی پایین‌تر، اشیای مشابهی را روی میز قرار دهید تا کودک آن‌ها را با درون کیسه مطابقت دهد.

– می‌توانید از کودکان بخواهید که برای بازی‌های بعدی، خودشان شیئی را درون کیسه قرار دهند.

عوامل مؤثر در بازی

فعالیت‌های طبیعی کودکان در بازی متجلی می‌شود و از آن‌جا که کودکان هنوز از استدلال و منطق برخوردار نیستند، نمی‌توانند برداشت منطقی از جهان داشته باشند. بنابراین، آن‌ها در جریان بازی، هم‌چون کاوشگری، برای رسیدن به اهداف گوناگون تلاش می‌کنند و احساسات و اندیشه‌هایشان را در بازی به‌نمایش می‌گذارند. از طرف دیگر، بازی کودکان متأثر از مجموعه عواملی چون محیط، هم‌بازی‌ها، فضای بازی، اطرافیان و وسایل ارتباط جمعی و ... است، که هر یک به‌نحوی در روند بازی آن‌ها اثر می‌گذارد. این عوامل را می‌توان به دو گروه عوامل بیرونی (فضا، اسباب بازی، هم‌بازی، اطرافیان و وسایل ارتباط جمعی) و عوامل درونی (مثل هوش، جنس و سن) طبقه‌بندی کرد و مورد بررسی قرار داد.

الف – عوامل درونی

۱- **جنسیت و بازی:** جنسیت کودکان، از نظر نحوه‌ی بازی، انتخاب هم‌بازی و اسباب‌بازی قابل توجه است. کودکان بین

سنین ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی درباره‌ی هویت جنسی، شناختی دست‌کم ناقص کسب می‌کنند. آنان یاد می‌گیرند که خود و دیگران را

به‌عنوان زن و مرد طبقه‌بندی کنند.

در مورد الگویابی جنسیتی نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است. بر طبق نظریه‌ی روان‌کاوان: کودکان الگویابی جنسیتی را از طریق فرایند همانند سازی با والدین، از ۴ یا ۵ سالگی آغاز می‌کنند. نظریه پردازان یادگیری اجتماعی معتقدند که رفتار الگویابی جنسیتی از طریق همان فرایندهایی آموخته می‌شود که دیگر رفتارها به واسطه‌ی آن‌ها آموخته شده‌اند (یعنی از طریق شرطی شدن و مشاهده). در واقع بچه‌ها به سبب رفتارهای مختلف تنبیه می‌شوند یا پاداش می‌گیرند و به همین ترتیب، رفتاری را، که فرهنگشان از مردان و زنان انتظار دارد، می‌آموزند.

از نظر نوع بازی نیز بین دختران و پسران تفاوت‌هایی دیده می‌شود. بخشی از این تفاوت‌ها ناشی از فرهنگ جامعه است. بازی‌های مورد علاقه دختران عروسک بازی، خانه‌داری، کار دستی، بازی‌های کلامی و بازی‌های نمایشی است. آن‌ها دوست دارند صحنه‌هایی از زندگی خانوادگی را به نمایش بگذارند و نقش مادران خود را ایفا کنند. در حالی که پسران بازی با مکعب‌های چوبی و بازی‌های تهاجمی خارج از خانه را ترجیح می‌دهند.^۱

آن‌ها بازی را وسیله‌ای برای اثبات خود در برابر دیگران می‌دانند. از این‌رو، بازی‌های رقابتی و مسابقه‌ای را که از جنب و جوش بسیاری برخوردار است می‌پسندند. زیرا پدران از همان کودکی با فرزندان پسر خود بازی‌های قدرتی و زورآزمایی را اعمال می‌کنند. از طرف دیگر، چون پسران کم‌تر پدران خود را در حین کار می‌بینند، ترجیحاً نقش‌های مردانه‌ای را انتخاب می‌کنند که در تلویزیون دیده‌اند و طبیعی است که نقش‌های قدرتمند را به نقش‌های ضعیف ترجیح دهند.

۲- رابطه‌ی هوش و بازی: چنانچه هوش را توانایی یادگیری و انطباق با آنچه برای ادامه‌ی زندگی در اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم، بدانیم، بازی کودکان با هوش با کودکانی که از هوش طبیعی کم‌تری برخوردارند تفاوت دارد. این تفاوت از چشم‌انداز انتخاب اسباب بازی، هم بازی و نوع بازی، کاملاً مشهود است.

در تحقیقی، نحوه‌ی بازی ۶۴۳ کودک ۶ تا ۱۳ ساله با بهره‌ی هوشی ۱۴۰ را با ۹۰ اسباب بازی مثل (دوچرخه، اسکیت، توپ، شطرنج و بازی‌های فکری و...) با کودکانی که از هوش طبیعی برخوردار بودند و به‌عنوان گروه گواه انتخاب شده بودند، مقایسه کردند. نتایج تحقیق نشان داده است که کودکان باهوش، نسبت به گروه گواه، به بازی‌ها و فعالیت‌های فکری و آرام علاقه‌ی بیشتری دارند و به بازی‌های مسابقه‌ای و رقابتی رغبتی ندارند. در همین تحقیق، دو جنبه‌ی: اجتماعی بودن (میل و توجه به بازی‌های گروهی و رقابتی) و توجه به جنسیت هم‌بازی نیز، مورد بررسی قرار گرفت^۲ و نشان داد که هرچند کودکان باهوش در انتخاب هم‌بازی به جنسیت او توجهی ندارند، اما بیش‌تر ترجیح می‌دهند که به تنهایی بازی کنند، زیرا توانایی سرگرم کردن خود را دارند و به جای صرف وقت برای آموزش بازی به هم‌بازی، می‌توانند خودشان بسازند، خراب کنند و مجدداً بازسازی نمایند. به همین دلیل، اسباب بازی‌هایی نظیر خمیر، گل رس و وسایل ساختمان‌سازی، اسباب بازی مورد علاقه‌ی این کودکان است.

در حالی که کودکانی که از هوش کم‌تری برخوردارند بیش‌تر به اسباب بازی‌هایی علاقه دارند که با کم‌ترین صرف انرژی بیش‌ترین حرکت را تولید کند. مثل ماشینی که با یک دکمه به حرکت درمی‌آید و یا عروسکی که با فشار انگشت حرف بزند. این اسباب بازی‌ها را «اسباب بازی‌های جلب توجه‌کننده» می‌نامند و کودکان باهوش و حتی کودکان طبیعی، بسیار زود از آن‌ها خسته می‌شوند و آن‌ها را اوراق می‌کنند تا درون‌شان را مشاهده کنند و از چگونگی کارکردشان اطلاع یابند.

نکته‌ی قابل توجه دیگر، مدت بازی این کودکان با وسایل بازی است. در هر دو گروه (کودکان باهوش و کم‌هوش) مدت زمان

بازی با یک وسیله‌ی، کوتاه^۱، اما سببش متفاوت است. کودکان باهوش به منظور کنجکاوی و یادگیری سریع، از اسباب‌بازی زود خسته می‌شوند در حالی که کودکان کم‌هوش، به سبب بی‌توجهی به کارکرد اسباب‌بازی، تنوع طلب می‌شوند و اسباب‌بازی جدیدی را طلب می‌کنند.

۳- رابطه سن کودک و بازی: سن کودک، نه تنها بر علاقه‌مندی او به یک وسیله‌ی بازی خاص، بلکه در انتخاب هم‌بازی، مدت زمان بازی و بالأخره بر نحوه‌ی بازی او تأثیر دارد.

۳-۱ سن کودک و انتخاب اسباب‌بازی: کودک سه‌ماهه با شنیدن صدای جفجغه، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. بنابراین، جفجغه در این سن برای او یک اسباب‌بازی مناسب است. همین کودک در ۴ ماهگی قایم‌باشک را دوست دارد و از یافتن چهره‌ی مادر خوش حال می‌شود. در مبحث اسباب‌بازی، در یک جدول، وسایل بازی کودکان متناسب با سنشان، برای مطالعه‌ی شما منظور شده است.

گفتنی است با افزایش سن کودکان، تمرکز آن‌ها در بازی افزایش می‌یابد و می‌توانند مدت بیش‌تری را صرف یک بازی و یا یک اسباب‌بازی نمایند. به‌طور مثال، کودک ۲ ساله حدود ۶ دقیقه و ۹ ثانیه با یک وسیله بازی می‌کند و پس از آن اسباب‌بازی خود را عوض می‌کند، در حالی که همین کودک در ۵ سالگی می‌تواند به مدت ۱۲ دقیقه و ۶ ثانیه با یک عروسک و یا ماشین بازی کند و پس از این مدت، اسباب‌بازی دیگری را جای‌گزین نماید. با افزایش سن کودک، تنوع طلبی در اسباب‌بازی کاسته و نوع بازی کودکان محدود می‌شود.

۳-۲ سن کودک و انتخاب هم‌بازی: انتخاب هم‌بازی نیز با سن کودک ارتباط دارد. کودک در فاصله‌ی بین ۹ تا ۱۳ ماهگی به اسباب‌بازی‌هایش توجه بسیار دارد. او در این دوره، به هم‌بازی‌هایش نیز، به‌عنوان یک اسباب‌بازی متحرک، می‌نگرد، به طوری که ضمن بازی، موی او را می‌کشد و گاهی نیز می‌خواهد انگشت خود را در چشم هم‌بازی‌اش فرو کند. از ۱۴ ماهگی به بعد، توجه کودک از اسباب‌بازی کاهش می‌یابد و به تدریج، به هم‌بازی معطوف می‌شود.

هم‌بازی در این سن برای او در حکم اسباب‌بازی نیست. بلکه هم‌بازی برای او به معنای «هم‌جواری» است، که می‌تواند کودک و یا بزرگ‌سال باشد. او از بودن در کنار آن‌ها لذت می‌برد اما دوست ندارد در وسایل بازی خود با کسی شریک شود و یا با او ارتباط کلامی برقرار کند.

به این نوع بازی کودکان بازی موازی^۲ می‌گویند. در بازی موازی، کودکان در کنار یکدیگر بازی می‌کنند، بدون آن‌که الزاماً ارتباطی با یکدیگر داشته باشند. آن‌ها از بودن در کنار دیگری لذت می‌برند اما جالب این‌جاست که وقتی یکی از آن‌ها بخواهد محل بازی را ترک کند، آن دیگری ناراحت می‌شود، اعتراض می‌کند. در مهد کودک‌ها و یا حتی در منزل، کودک در این سن مدام به دنبال مربی و یا مادر، از این سو، به آن سو می‌رود و یا چنان‌چه مشغول بازی با عروسک خود باشد به محض آن‌که او را ترک کنند گریه خواهد کرد.

در دومین سال زندگی، نشانه‌هایی از همدلی در کودکان به وجود می‌آید و کودک به دنبال «هم‌بازی واقعی» می‌گردد؛ کسی که با او بازی کند تا در اسباب‌بازی شریک شوند و باهم حرف بزنند. او از بازی کردن با هم‌بازی خود لذت می‌برد اما تعداد هم‌بازی‌ها باید محدود باشند و کودک نمی‌تواند در آن واحد با چند نفر ارتباط برقرار کند. به تدریج با افزایش سن کودک وابستگی او به هم‌سالان بیش‌تر می‌شود و تعداد دوستان هم‌بازی‌اش افزایش می‌یابد. در دوران دبستان، دایره‌ی دوستی‌ها گسترده‌تر می‌شود و

۱- منبع شماره ۱۱، ص ۲۲۲ (تحقیقات لُهمن و ویتی)

کودک، به عنوان هم‌بازی، عضو گروه می‌شود. هر گروه قراردادی دارد و پذیرفته شدن در گروه به مقتضای موقعیت صورت می‌گیرد و اعضای آن عوض می‌شوند. در دوره‌ی نوجوانی گروه‌های بازی منسجم‌ترند و پذیرفته شدن دو گروه، تابع شرایط سخت‌تری است.

ب - عوامل بیرونی

عوامل بیرونی نیز به سان عوامل درونی در بازی کودکان تأثیر به‌سزایی دارند. این عوامل عبارت‌اند از:

۱- نقش اطرافیان در بازی‌های کودکان: والدین و اطرافیان کودک، در زمینه‌های گوناگونی در بازی کودکان تأثیرگذارند

و این مسئله از چند بعد قابل بررسی است.

روش‌های تربیتی والدین: روش‌هایی که والدین برای تربیت کودکان برمی‌گزینند، در شکل‌گیری نوع شخصیت آن‌ها مؤثر است و طبیعتاً در بازی کودکان نیز سهم دارد. به‌طور مثال، کودکانی که با روش‌های مستبدانه (بکن و نکن) پرورش می‌یابند به علت انضباط خشک و بدون چون و چرا، کودکانی ساکت و مطیع‌اند. این کودکان بازی‌هایشان بدون ابتکار عمل و فاقد کنجکاوی است و از قوه‌ی تخیل و خلاقیت کم‌تری برخوردارند. همچنین، به‌عنوان هم‌بازی، بیش‌تر تحت تسلط دیگران‌اند و هم‌بازی‌های خوبی نیستند. کودکانی که خانواده بر آن‌ها کنترلی ندارد و معیاری برای آن‌ها منظور نشده است. کودک یاد نگرفته که باید نسبت به دیگران گذشت داشته باشد و یا همکاری نماید. چنین کودکانی اغلب در بازی با دیگران، از قوانین سرپیچی می‌کنند و عقاید خود را بر دیگران تحمیل می‌نمایند. در نتیجه رفتارشان پرخاشگرانه است و در بازی‌های مهارتی جرئت و جسارت ندارند و همیشه، قانون‌شکنی را به مبارزه طلبی، ترجیح می‌دهند.



شکل ۳-۲

چنان‌چه خانواده با روش دمکراتیک فرزند خود را پرورش دهد، کودک می‌آموزد که حرف شنوی داشته باشد. او در برخورد با والدین یاد گرفته است که می‌توان از طریق بحث و گفت‌وگو و منطق، حرف‌های خود را زد و یا به حرف دیگران گوش کرد. این کودکان هم‌بازی‌های خوبی هستند، قوانین را می‌پذیرند و قدرت نوآوری و همکاری و همراهی را دارند. در نتیجه کودکان دوست دارند با آن‌ها بازی کنند.

نقش بزرگ‌ترها به‌عنوان هم‌بازی: اطرافیان

به‌طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند در بازی کودکان شرکت کنند. آن‌ها گاهی به‌عنوان هم‌بازی می‌توانند وارد بازی کودک شوند و به‌سان یک هم‌بازی هم‌سن کودک، بازی را دنبال کنند (شکل ۳-۲).

مثلاً وانمود می‌کنند که مریض‌اند و از کودکی که در نقش دکتر ظاهر شده است، تقاضای درمان می‌کنند و یا از پلیس می‌خواهند که راه خانه را نشان دهد. در چنین حالتی بزرگ‌ترها می‌توانند، به همان

سادگی که وارد جریان بازی شده‌اند، بدون آن که لطمه‌ای به بازی بزنند از بازی خارج شوند. در دخالت مستقیم، هرگز نباید بزرگ‌ترها اداری بازی را برعهده بگیرند و روند بازی باید در اختیار کودک باشد^۱ (تراک و یک و اسمیت).

در روش دوم، والدین یا اطرافیان می‌توانند به‌عنوان هم‌بازی، کودک را فقط راهنمایی کنند. در این روش، بزرگ‌ترها بازی یا روش خاصی را معرفی می‌کنند. آن‌ها با طرح سؤالات، پیش‌نهادها و توضیحات خود، به کودک کمک می‌کنند تا بهتر بتواند نقش‌هایی را که می‌خواهد ایفا کنند و مثلاً در «دکتربازی» بزرگ‌تر از کودک سؤال می‌کند، دکتر چگونه مریض خود را معاینه می‌کند؟ یا آیا پرسیده‌ای که کجایش درد می‌کند؟ این‌گونه سؤالات می‌تواند به کودک کمک کند تا اطلاعاتی را کسب کند، یا با نقش‌ها و فعالیت‌های گوناگونی آشنا بشود و مدت بازی کودکان را افزایش دهد. طبیعی است که در چنین حالتی، ترک بازی باید با توافق و دوطرف باشد و یا بازی به‌گونه‌ای طراحی شود که کودک و یا کودکان بتوانند بازی را ادامه دهند.

— نقش اطرافیان در خرید وسایل بازی: والدین، با خرید بیش از حد وسایل بازی یا بی‌توجهی به خرید اسباب‌بازی و بالأخره خرید نادرست یا درست اسباب‌بازی، در بازی کودکان نقش دارند. خرید بیش از حد وسایل بازی، کودک را به یک مجموعه‌دار اسباب‌بازی تبدیل می‌کند و کودک بدون کنکاش اسباب‌بازی‌ها فقط نظاره‌گر می‌شود و مدام از یک وسیله به وسیله‌ی دیگر مراجعه می‌کند، بدون آن‌که کاربردهای متفاوت بازیچه‌های خود را شناسایی کند.

هم‌چنین، اگر پدر و مادری تمایلی به خرید وسایل بازی نداشته باشند یا به‌عبارت دیگر الزامی به تهیه وسایل بازی احساس نکنند، کودک هرگز از وسایل بازی خود چیزی نمی‌آموزد. گاه، والدین در خرید وسایل بازی، سلیقه‌های شخصی‌شان را، بدون توجه به ویژگی‌ها و نیاز کودکان، اعمال می‌کنند. این گروه از والدین به دلایل شخصی (جنس، مرغوبیت، ارزانی و...) یا بدون توجه به کارکرد آن وسیله و سن کودک اقدام به خرید کرده‌اند. خرید درست یک وسیله‌ی بازی می‌تواند در ایجاد زمینه‌ی علاقه‌مندی کودک مفید باشد و راه را برای فعالیت او هموار سازد.

گاهی امکانات مادی خانواده نیز در خرید وسایل بازی تأثیر می‌گذارد. در خانواده‌های پرجمعیت و کم‌درآمد، به علت مشغله‌ی زیاد والدین، آن‌ها کم‌تر به بازی‌ها و وسایل بازی فرزندان خود توجه می‌کنند. و در نتیجه، کودکان طبقات پایین اجتماعی، به سبب نداشتن امکانات رفاهی و محدود بودن وسایل بازی، با وجود این‌که در مناطق شلوغ و پرجمعیت زندگی می‌کنند و دسترسی به هم‌بازی‌های بیش‌تر برایشان امکان‌پذیر است، کم‌تر بازی می‌کنند. در واقع، عامل داشتن هم‌بازی‌های متعدد برای جبران کمبود اسباب‌بازی کافی نیست^۱. یکی از دلایل شکست‌های تحصیلی و مشکلات یادگیری این گروه در مدرسه، تجربه نکردن بازی‌های پیچیده، نداشتن اسباب‌بازی و نبودن تنوع در بازی‌هایشان است^۲.

۲- محیط زندگی و فضای بازی:

طبیعی است که محیط زندگی، بر نوع بازی‌ها تأثیر دارد. آپارتمان‌نشینی بازی‌های خاصی را می‌طلبد و کودکان مجبورند به بازی‌های آرام و کم‌تحرك مشغول باشند. آن‌ها اغلب در منزل تنها هستند و هم‌بازی ندارند، در نتیجه، بازی‌های کامپیوتری و فکری از جمله بازی‌های رایج این کودکان است. در حالی‌که در مناطق روستایی، به دلیل وجود فضای باز و وضعیت جغرافیایی منطقه، کودکان از وسایل موجود در طبیعت استفاده می‌کنند و یا در مناطق کوهستانی سنگ‌نوردی و کوه‌نوردی، بازی مورد علاقه‌ی آن‌هاست. جدا از مسئله محیط‌زندگی کودک، محدوده‌ی فضای بازی را خود کودکان تعیین می‌کنند که گاه زیر میز، پشت در، درون یک کادر (خانه‌ی عروسکی) و بالأخره فضای باز است. فضای لازم برای هر کودک، در محیط‌های باز ۳۰ متر مربع و

۱- منبع شماره ۱ لاتین ص ۴۸۲

۲- منبع شماره ۵ ص ۹۹

۳- منبع شماره ۳ ص ۱۸۴

در فضای بسته ۱۵ متر مربع است. نتیجه تحقیقات در مورد فضای بازی و نحوه رفتار کودکان مؤید این مسئله است که تعداد کودکان، فضای اختصاص داده شده به هر کودک و تجهیزات برای بازی، در شکل‌گیری بازی و نتیجتاً رفتار کودکان مؤثر است.^۱ نتیجه‌ی تحقیقات «راجرز و سویر»^۲ نشان می‌دهد که هرچه فضای بازی کوچک‌تر و تعداد کودکان زیادتر باشد، واکنش‌های اجتماعی بیش‌تر افزایش می‌یابد و میزان خشونت بالا می‌رود.^۳ پس طبیعی است که کودکان در محیط‌های کوچک بیش‌تر یکدیگر را هل بدهند. زیرا شلوغی، مانع بازی گروهی می‌شود و میزان پرخاشگری را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، دختران معمولاً در فضایی نزدیک به خانه و در گروه‌های کوچک و تحت نظارت بزرگسالان بازی می‌کنند. در حالی که پسران به فضای حدوداً ۱۰ برابر دختران نیاز دارند و هرچه فضا بزرگ‌تر باشد بازی‌شان منظم‌تر است و دور و یا نزدیک بودن فضای بازی برای آن‌ها مطرح نیست.

اسباب بازی

کودک در حین بازی نیاز به ابزاری دارد که الهام‌بخش او باشد و یا او را در بازی همراهی کند. این وسیله می‌تواند دارای ساختار از قبل تعیین شده‌ای باشد، مثل عروسک، توپ، ماشین و یا وسیله‌ای که کودک خود آن را بسازد (تفنگ که به وسیله‌ی یک قطعه چوب ساخته شده و یا عروسکی که یک تکه پارچه‌ی تا شده باشد).

کودک در طی بازی، به بازیچه‌های خود روح می‌بخشد و آن‌ها را جزئی از خود می‌داند و گاه احساسات خود را با درآغوش گرفتن و یا شکستن آن‌ها نشان می‌دهد.

تاریخچه‌ی اسباب بازی به درازی تاریخ بشر است و صنعت اسباب‌بازی‌سازی، با توجه به پیشرفت تکنولوژی و نیازهای زمانه، تغییرات بسیار کرده است اما با توجه به همه‌ی این پیشرفت‌ها در زمینه‌ی اسباب بازی، قدمت بعضی از اسباب‌بازی‌ها مثل جغجغه، مهره‌ها، وسایل خانه‌بازی، بادبادک، فرفره و بال‌آخه عروسک، ریشه در تاریخ کهن دارد.

کودک و معیار انتخاب اسباب بازی: در انتخاب اسباب بازی، علاوه بر توجه به معیارهای رشد همه‌جانبه‌ی کودک (جدول اسباب‌بازی)، باید به نکات دیگری که ذیلاً ارائه می‌شود نیز، توجه نمود:

الف - جنس و مواد: در ساخت اسباب‌بازی‌های کودکان معمولاً فلز، پلاستیک، چوب، پارچه به کار برده شده است. اسباب‌بازی‌های فلزی، که تعدادشان اندک است، بیش‌تر وسایل بازی فضای باز (تاب، سرسره، الاکلنگ و...) را تشکیل می‌دهند و در برابر سرما و گرما مقاوم‌اند و به سادگی رنگ پذیرند. در عین حال، باید توجه داشت که فاقد هرگونه بریدگی و تیزی باشند و محل اتصال به خوبی جوش خورده باشد.

اسباب‌بازی‌های پلاستیکی که امروزه رواج بسیار دارند، باید از پلاستیک صاف و بدون لبه‌های تیز ساخته شوند. اسباب‌بازی‌های فضای باز که از جنس فایبرگلاس‌اند معمولاً در اثر تغییر دما ترک می‌خورند یا پوسته پوسته می‌شوند که در هر دو صورت می‌تواند به کودک آسیب برساند. بنابراین، باید تعویض شوند.

یکی از بهترین مواد برای ساخت وسایل بازی چوب است. چوب‌ها باید صاف و سبک و بدون تراشه باشند.

اسباب‌بازی‌های پارچه‌ای که معمولاً به صورت عروسک‌ها و یا حیوانات، در اختیار کودکان قرار می‌گیرند داخلشان با مواد پر شده است. این مواد باید کاملاً بهداشتی و تا حد امکان غیرقابل اشتعال باشند.

۱- منبع شماره ۳ ص ۲۹۳

۲- Ragers and Saiweyer (۱۹۸۸)

۳- منبع شماره ۶ ص ۲۱۶

ب — **بهداشت و ایمنی:** از آنجا که کودک در تمام مدت روز از بازیچه‌های خود دور نمی‌شود و آن‌ها را به همه جا می‌برد، این وسایل باید کاملاً ایمن باشند و نکات بهداشتی در آن‌ها باید رعایت شود.

در سنین اولیه‌ی کودکی، کودک وسایل بازی (نظیر جفجغه) را به دهان می‌برد، بنابراین، باید تیزی و یا شکستگی نداشته باشد. یا وسایلی که مدام در تماس با دست کودک است، مثل خمیر بازی، نباید از مواد رنگی سمی تهیه شده باشد. همچنین، مهره‌های ریز و یا فنرهای کوچک برای کودکان کوچک خطرناک است و چنانچه برای کشیدن اسباب بازی از نخ استفاده می‌شود، قطر نخ کم‌تر از ۱/۵ میلی‌متر نباشد و زیاد بلند نیز نباشد زیرا ممکن است کودک آن را دور گردن خود ببیچد.

ج — **هم‌خوانی با فرهنگ جامعه:** برای برقراری ارتباط معنادار بین بازیگر و بازیچه، اسباب بازی‌ها باید با فرهنگ جامعه هم‌خوانی داشته باشد. اسباب بازی‌ها معمولاً نمادی از وسایل زندگی کودک و یا قهرمانان تلویزیونی کودک‌اند. بنابراین، باید علاوه بر خوشایند بودن، ارزش‌های متداول جامعه را نیز به او بیاموزد و رفتارهای خشن و عکس‌العمل‌های خشونت‌آمیز را در وی تقویت نکند.

د — **نزدیکی با واقعیت:** معمولاً کودکان دوست دارند اسباب بازی‌هایشان رنگی از واقعیت داشته باشد. بنابراین، وسایل بازی‌ها می‌توانند نمادی از ابزار واقعی، که در دنیای بزرگسالان رایج است، باشند. لوازم خانه، وسایلی مثل اره و چکش، اتو، وسایل نقلیه و... این چنین‌اند و کودک، ضمن بازی با این بازیچه‌ها، با کاربرد واقعی ابزارهای زندگی آشنا می‌شود. اما باید توجه داشت که چنانچه چکشی بتواند میخی را بکوبد و میخ به درون چکش فرو رود، هرگز نیاز او به یک وسیله واقعی رفع نخواهد شد.

ه — **آفرینندگی و سازندگی:** کودک، در ضمن بازی، با بازیچه‌ی خود برخوردی فعال دارد. بنابراین، بهتر است وسیله‌ی بازی او را به فکر وادارد و یا او را تشویق کند که وسیله‌ی جدیدی بسازد. از این رو، اسباب بازی‌ها باید حرفی تازه نیز داشته باشند.

با توجه به موارد فوق باید به این نکته اشاره کرد که یک اسباب بازی می‌تواند یک و یا چند بعد را توأم داشته باشد اما آنچه ضروری است تناسب وسیله‌ی بازی با سن کودک است. زیرا بسیار دیده شده که وسیله‌ای خریداری شده است اما کودک قادر به بازی صحیح با آن نیست. مثلاً چهارچرخه‌ای برای کودک خریده‌اند و او مدت‌ها آن را با دست راه برده و قادر به پازدن نبوده است. تا این که قادر به چرخ‌سواری می‌شود، اما دیگر آن وسیله کهنه و یا شکسته شده و جذابیتش را از دست داده است.

وسایل بازی کودکان باید از همان ابتدا طبقه‌بندی شود و در جعبه‌های جداگانه‌ای قرار گیرد. در صورت زیاد بودن و یا تکراری بودن بعضی، بهتر است تعدادی از آن‌ها جدا شود و در مواقع دیگر در اختیار کودک قرارگیرد تا بدین ترتیب تازگی اسباب بازی از بین نرود و کودک بتواند به آسانی به اسباب بازی مورد نظر خود دسترسی داشته باشد. در خاتمه توجه شما را به جدول (۲-۱) که برای مطالعه و شناخت وسایل بازی کودکان، با توجه به سنشان، تنظیم شده است جلب می‌کند.^۱

سن	حسی و حرکتی	تقلیدی و اجتماعی	تجسمی و فکری
از تولد تا هجده ماهگی	جغجغه زنگوله دایره‌های زنگی حلقه‌های پلاستیکی اسباب بازی‌های فشاری صدا دار اشیای شناور برای آب‌بازی وسایل کشیدنی و هل دادنی روروک توپ پارچه‌ای	عروسک پارچه‌ای جانوران پلاستیکی یا پارچه‌ای تلفن کوچک وسایل نقلیه برای حمل بار	مکعب‌های سوراخ‌دار انواع تصویرهای تقسیم شده به چند قطعه برای بازسازی تصویر (پازل) با ۲ تا ۳ قطعه کتاب پارچه‌ای یا مقوایی
هجده ماهگی تا سه سالگی	ماسه، سطل، بیلچه و الک پیچ و مهره‌ی پلاستیکی چکش و میخ پلاستیکی سه چرخه توپ‌های بزرگ و کوچک وسایل کشیدنی و هل دادنی	عروسک‌های قابل شست‌وشو عروسک‌های پارچه‌ای حمام و وسایل شستن عروسک جانوران پلاستیکی وسایل خانه‌ی عروسک وسایل نقلیه‌ی چوبی	انواع تصویرهای تقسیم شده به چند قطعه برای بازسازی تصویر (پازل) با ۳ تا ۵ قطعه مکعب‌های درشت چوبی و پلاستیکی برای ساختمان‌سازی وسایل نقاشی کتاب تصویری با ورق‌های ضخیم
سه تا پنج سالگی	آلاکلنگ سُرُسُرُه تاب زردبان‌های فلزی وسایل کشیدنی و هل دادنی وسایل باغبانی ساده توپ در اندازه‌های مختلف وسایل ساده‌ی خیاطی سه چرخه	عروسک با همه‌ی لوازم آن (تختخواب، خانه، ظرف و مانند آن‌ها) جانوران گوناگون پلاستیکی و پارچه‌ای وسایل نقلیه‌ی گوناگون (تراکتور، ماشین‌آتش‌نشانی و مانند آن‌ها) انواع لباس‌های تقلیدی (لباس پرستار، پزشک، پلیس و مانند آن‌ها)	انواع تصویرهای تقسیم شده به چند قطعه برای بازسازی تصویر (پازل) با ۹ تا ۱۵ قطعه وسایل نقاشی و خمیر مجسمه‌سازی دومینو مکعب‌های ساختمانی در اندازه‌های بزرگ و متوسط کتاب تصویری
پنج تا هشت سالگی	طناب توپ وسایل خیاطی وسایل پیچ و مهره‌ای دوچرخه کوچک	وسایل اندازه‌گیری (ساعت، متر، خط‌کش و مانند آن‌ها) عروسک و همه لوازم مربوط به آن انواع وسایل نقلیه و لوازم مربوط به آن وسایل نمایش عروسکی	وسایل نقاشی انواع تصویرهای تقسیم شده به چند قطعه برای بازسازی تصویر (پازل) با ۲۰ قطعه و بیشتر مکعب‌های ساختمانی در اندازه‌های کوچک بازی‌های چندنفره‌ی شمارشی، کارت‌های مصور بازی (مجموعه‌ی گل، هواپیما و مانند آن‌ها)

اسباب بازی‌های برگزیده از تولد تا ۵ سالگی: با توجه به نکاتی که در انتخاب اسباب بازی باید در نظر گرفت، در این مبحث به چند اسباب بازی برگزیده اشاره می‌شود. انتخاب این اسباب بازی‌ها از آن جهت است که علاوه بر سرگرم کردن کودک، مهارت‌های دیگری را نیز چون پرورش حواس، افزایش دقت و توجه، ارضای کنجکاوی، درک فضا و کاربرد اشیا و ... در کودک تقویت می‌نماید.

۱- جفجغه^۱: جفجغه‌ها، یکی از اولین اسباب بازی‌های کودکان است که با تولید صدا کودک را به خود جذب می‌کند. جفجغه‌ها در انواع گوناگون از نظر شکل، اندازه و رنگ عرضه می‌شود (شکل ۴-۲). از آن‌جا که کودک آن را می‌گیرد و به دهان می‌برد جنس آن باید به گونه‌ای باشد که باعث بریدگی لب و دست او نشود. در ضمن در رنگ آن از مواد غیرسمی استفاده شده باشد. جفجغه باید در فرم و شکلی باشد که کودک بتواند به راحتی آن را تکان دهد و دارای هیچ‌گونه منفذ و یا شکستگی نباشد تا مواد داخلی آن، که معمولاً سنگ‌ریزه و یا قطعات کوچک فلزی است، برای کودک اشکال ایجاد نکند.



شکل ۴-۲



شکل ۵-۲

این وسیله به سبب تولید صدا، علاوه بر پرورش حس شنوایی، دقت و هوشیاری کودک را افزایش می‌دهد و به دلیل برخورداری از رنگ‌های شفاف، حس بینایی او را تحریک می‌کند. علاوه بر این، استفاده از جفجغه، مهارت انگشتان و دست‌ها را برای گرفتن و تکان دادن افزایش می‌دهد.

۲- اسباب بازی‌های توپیر و نرم^۲: اسباب بازی‌های توپیر و نرم، یکی دیگر از وسایل بازی محبوب کودکان است. یک عروسک پارچه‌ای، خرس و یا گربه (شکل ۵-۲)، وقتی با صورت آن‌ها تماس حاصل می‌کند، برای کودک لذت بخش است و به مرور برایش تبدیل به جسمی آشنا می‌شود که به احساس امنیت او کمک می‌کند. به طوری که حتی زمان خواب، نیز آن‌را به همراه دارد (شکل ۵-۲).

۱- Rattel

۲- Soft toys



شکل ۲-۶

در انتخاب این نوع اسباب بازی‌ها باید دقت شود که شکل‌شان ترسناک نباشد و در ضمن مواد داخل این اسباب بازی‌ها بهداشتی باشد. اسباب بازی‌های توپر به شکل‌های گوناگونی عرضه می‌شود و در سنین بالاتر، اولین مخاطبان کودک به شمار می‌روند و به صورت هم‌بازی برای پرورش تخیلات کودک و ایجاد ارتباط کلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد (شکل ۲-۶).

این اسباب بازی‌ها، گاهی می‌تواند وسیله‌ی مناسبی برای تخلیه‌ی روانی و دارای ارزش روانی باشد و همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، وسیله‌ای برای فائق آمدن بر ترس‌ها و اضطراب‌ها می‌گردد.

۳- اسباب بازی‌های مینیاتوری^۱: در حدود ۲ سالگی، کودک از تخیلات خود در بازی‌ها استفاده می‌کند. او به اسباب بازی‌هایش جان می‌بخشد و از بازی با اسباب بازی‌های کوچک، مثل حیوانات اهلی و وحشی (شکل ۲-۷)، وسایط نقلیه، مأموران آتش‌نشانی، فضانوردان، سرباز و پلیس لذت می‌برد و نهایتاً از تخیل خود برای ساختن بازی‌های نمایشی و تخیلی با این‌گونه اسباب بازی‌ها استفاده می‌کند. این اسباب بازی‌ها به دلیل نوع کاربرد و اندازه‌شان، از سه‌سالگی به بعد می‌تواند در مجموعه اسباب بازی‌های کودکان قرار گیرد. این وسایل پس از بازی باید در جعبه‌های مخصوص خود نگه‌داری شوند و با سایر اسباب بازی مخلوط نگردند تا کودک مجبور نشود برای یافتن آن‌ها تمام جعبه اسباب بازی‌های خود را وارونه کند.



شکل ۲-۷

تمرین

۱- پس از مطالعه‌ی مبحث فعالیت‌های مربوط به علوم طبیعی و اجتماعی، دقت کنید از این اسباب بازی‌ها در چه مواردی می‌توان استفاده کرد؟ نظر خود را بنویسید.

۴- اسباب بازی‌هایی که تولید صدا می‌کنند^۲: کودکان همیشه از شنیدن موسیقی لذت می‌برند و این احساس به مرور توسعه پیدا می‌کند و او یاد می‌گیرد با حرکات دست‌ها، ریتم آهنگ را اجرا کند. جعبه‌های آهنگین (موزیکال)، که با فشار یک دکمه و یا کشیدن یک نخ آهنگی را می‌نوازند، از جمله اسباب بازی‌های مورد علاقه‌ی کودکان است. این اسباب بازی، که در مراحل اولیه



شکل ۲-۸

به پرورش شنوایی، قدرت تمرکز و شادی منجر می‌شود، به مرور در سنین بالاتر او را برمی‌انگیزد که از وسایل موسیقی استفاده نماید. وسایل موسیقی چون طبل (شکل ۲-۸)، زنگوله، در قابلمه (سنج) و یا ریختن حبوبات درون بطری پلاستیکی، کودک را تشویق می‌کند که به موسیقی گوش دهد و آن را تقلید کند.

تمرین

- ۱- با استفاده از چند وسیله‌ی بی‌مصرف، یک اسباب بازی صدا دار تولید کنید.
- ۲- با ریختن حبوبات، سنگ‌ریزه، شن، آب در ظروف مشابه، صدا های گوناگون را تجربه کنید.



شکل ۲-۹

۵- اسباب بازی های کشیدنی^۱: این گونه اسباب بازی، از زمانی که کودک نشستن را یاد می‌گیرد، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. اسباب بازی های کشیدنی، باعث می‌شود که کودک برای راه رفتن ترغیب شود. بنابراین، باید زمانی مورد استفاده قرار گیرد که او روی پاهایش به طور محکم ایستاده باشد. اغلب این اسباب بازی ها به اشکال گوناگون دیده می‌شود. همزمان با حرکت دادن صدا تولید می‌کند که این مسئله خود باعث تشویق کودک می‌شود (شکل ۲-۹).

کودکان در حین کشیدن وسیله‌ی بازی خود، که معمولاً با استفاده از نخ و میله صورت می‌گیرد، انگشتان دستشان برای محکم گرفتن اشیا تقویت می‌شود.

تمرین

- ۱- در منزل و یا در مهدکودکی که کارورزی می‌کنید، ماشینی را انتخاب کنید و به آن نخ وصل کنید. سپس آن را در اختیار کودک ۴ ساله قرار دهید و مشاهدات خود را بنویسید.
- ۶- اسباب بازی های هل دادنی^۲: اسباب بازی های هل دادنی، مثل فرغون یا کالسکه، در آماده‌سازی کودک برای راه رفتن بسیار مناسب است. این نوع وسایل باید محکم باشد تا به سرعت واژگون نشود و کودک بتواند به راحتی و بدون ترس از آن استفاده کند. پس از مدتی کودک علاقه‌مند می‌شود عروسک‌ها یا وسایل خانه‌سازی را در آن قرار بدهد و آن را به جلو و عقب بکشد.

۱- Pull-along Toy

۲- Brick Trolley

این اسباب بازی، که در انواع مختلف ساخته می شود، بعدها برای بازی های تخیلی آن ها مفیدند و دنیای کودکانه ی آن ها را برای بازی های گوناگون وسعت می بخشند (شکل ۲-۱۰).

می توانید از لاستیک های بی مصرفی نیز فرغون بسازید. لاستیک های عاج رفته و بی مصرف را خوب بشوید. سپس درون آن را یک تخته سه لایه گرد بیندازید و زیرش سه بلبرینگ اضافه کنید (شکل ۲-۱۱). می توانید برای زیباتر شدن، لاستیک را رنگ بزنید و یا آن را با پارچه ای بپوشانید.



شکل ۲-۱۱



شکل ۲-۱۰

تمرین

۱- فکر کنید از چه وسایلی بی مصرف دیگری می توان کالسکه و یا فرغون ساخت؟ پیش نهاد خود را بنویسید.



شکل ۲-۱۲

۷- اسباب بازی های راندنی^۱: بعضی از اسباب بازی های هل دادنی، قابل سوار شدن نیز هستند. این نوع اسباب بازی ها، گاه در شکل (شکل ۲-۱۲) وسایل نقلیه و یا حیوانات، از جمله اسباب بازی های مورد علاقه ی کودکان اند. از این رو باید به گونه ای طراحی شده باشد که کودک از روی آن نیفتد و یا ارتفاع آن باید در حدی باشد که برای کودک خطرناک نباشد.

داشتن چرخ های اضافی و برخورداری از فضای مناسب برای نشستن، از جمله موارد قابل توجه در انتخاب این وسایل است. این وسایل، که معمولاً از ۱۸ ماهگی مورد علاقه کودکان است، باعث پیشرفت تعادل و تصحیح حرکات بازو، پا و بدن کودک می شود.

کودک در ۳ سالگی پا زدن دو چرخه را می‌آموزد. رکاب زدن مستلزم تطابق تمام اعضای بدن است و کودک، علاوه بر داشتن تعادل، باید برای فشار دادن به رکاب از نیروی بدنی خوبی برخوردار باشد.

تمرین

۱- دو تصویر از وسایل راندنی مخصوص کودکان را از مجلات و یا روزنامه بپزید و در کتاب خود بچسبانید. (می‌توانید طرح آن را بکشید).

۲- چنانچه کودک نتواند رکاب بزند، چگونه از وسیله‌ی بازی خود استفاده می‌کند؟ نظر خود را بنویسید.

۸- اسباب‌بازی‌های روی هم چیدنی و ساختنی: کودک نوپا از گذاشتن قطعات بر روی هم لذت می‌برد. او حین بازی با این گونه اسباب‌بازی‌ها تجربه می‌کند که چگونه اجسام با اشکال و اندازه‌های گوناگون می‌توانند روی هم قرار گیرند. این گونه اسباب‌بازی‌ها تمرینی است برای ایجاد مهارت‌های گوناگون. او می‌تواند آن‌ها را به هم بکوبد؛ آن‌ها را درون یکدیگر قرار دهد؛ روی هم بگذارد؛ برج بسازد؛ با ضربه‌ای آن‌ها را بریزد؛ چیزهایی را زیر آن‌ها پنهان کند و یا آن‌ها را به ترتیب شکل و رنگ از هم جدا کند. این نوع اسباب‌بازی‌ها، که در شکل‌ها و فرم‌های گوناگونی عرضه می‌شود، کودک را با مفاهیمی چون بزرگ، کوچک، گرد، چهارگوش و ... آشنا می‌سازد.

به مرور و همزمان با کسب مهارت‌های حرکتی دست‌ها و انگشتان، دامنه‌ی تخیلات کودک وسعت بیش‌تری می‌یابد و او خواهد توانست با اسباب‌بازی‌های ساختنی، مثل آجرهای پلاستیکی و یا چوبی کوچک‌تر به خانه‌سازی (شکل ۱۳-۲) بپردازد. بسیاری از این گونه اسباب‌بازی‌های ساختنی، از نظر سادگی و پیچیدگی و تعداد، درجات مختلفی دارند. آنچه در این، بازی‌ها اهمیت دارد این است که به کودک حق انتخاب و رهبری داده شود و او آزاد باشد تا آنچه را که می‌خواهد بسازد.



شکل ۱۳-۲

اسباب بازی‌های ساختنی باید محکم با دوام و قابل اتصال به هم باشند. در واقع قطعات باید به آسانی جفت شوند، یعنی نه چندان محکم شوند که جدا کردنشان از هم برای کودک دشوار باشد و نه چندان سست باشند که نتواند آن‌ها را به هم وصل کند. این قبیل اسباب بازی‌ها، علاوه بر کسب مهارت در استفاده از دودست، به کودک فرصت می‌دهد تا خلاقیت خود را نشان دهد و برنامه‌ریزی و نقشه کشیدن را تمرین کند. فضای بازی، برای این نوع اسباب بازی‌ها، باید نسبتاً وسیع و دور از محل رفت و آمد باشد تا کودک نگران خراب شدن آن‌چه که در حال ساختن است، نباشد.

تمرین

- ۱- می‌توانید تصاویری از این گونه اسباب بازی‌ها را از مجلات و یا برچسب اسباب بازی‌ها بپیرید و در کنار کتاب خود بچسبانید.
- ۲- این گونه اسباب بازی‌ها غیر از کسب مهارت دست‌ها و تطابق چشم و دست، چه آموزش‌های دیگری را به کودک می‌دهد؟
- ۳- در کار عملی با کودک، مشاهدات خود را در زمینه‌ی بازی با این گونه وسایل بنویسید.
- ۴- در بین وسایل منزل چه اشیائی را می‌توانید، به عنوان اسباب بازی‌های روی هم گذاشتنی، برای کودکان پیدا کنید؟ آن‌ها را نام ببرید.

۹- اسباب بازی‌های جا گذاشتنی^۱: کودکان ۱ تا ۲ ساله با تجربه‌ای که کسب کرده‌اند درمی‌یابند که اشیاء از نظر شکل و فرم، ویژگی خاص خود را دارند. بنابراین، آن‌ها در این سن به مرحله‌ای رسیده‌اند که می‌توانند اشیاء را در دست بگیرند و آن‌ها را در ظرف دیگری بیندازد. شما می‌توانید با استفاده از یک جعبه‌ی کفش و تعبیه کردن سوراخ‌های گوناگون گرد، چهارگوش، به آن‌ها فرصت دهید تا اشیاء را از سوراخ مربوط به خود به درون جعبه بیندازند. بر همین اساس اسباب بازی‌هایی برای ترغیب کودکان به شناختن شکل و اندازه طراحی شده است (شکل ۱۴-۲)، که با توجه به نوع طراحی آن (از آسان به پیچیده)، می‌توانند در سنین مختلف برای کودک مفید باشند.



شکل ۱۴-۲

قابلمه‌ها در اندازه‌های مختلف، ظروف پلاستیکی، بطری‌های پلاستیکی، عروسک‌هایی که درون یکدیگر قرار می‌گیرند، باز و بسته کردن در قوطی‌های مختلف و وسایلی از این گونه، برای تقویت دست‌ها، انگشتان و مچ دست مفیدند و باعث می‌شوند که کودک بعدها، شیر آب را به راحتی باز و بسته کند و یا در اتاق را بگشاید و ...

تمرین

با استفاده از یک جعبه و تعبیه‌ی چند سوراخ در فرم‌های گوناگون، اشیائی تهیه کنید که هر یک از سوراخ مخصوص خود قابل انداختن به درون جعبه باشند.

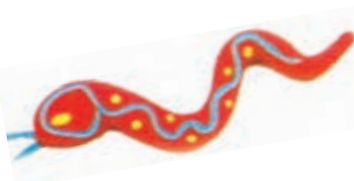
۱- مدادهای شمعی، ماژیک: کودکان در حدود یک سالگی اولین تجربه‌ی مداد به دست گرفتن و خط خطی کردن را فرامی‌گیرند و از این علامت‌گذاری لذت می‌برند. دادن مدادهای شمعی درشت، ماژیک‌های قابل شست‌وشو و مدادرنگی به آنها فرصت می‌دهد که این حرکات را تکرار کنند و ضمن کسب مهارت و تطابق حرکات چشم و دست، با رنگ و رنگ‌آمیزی نیز آشنا شوند (شکل ۱۵-۲).

این تجارب، زمینه را برای فعالیت‌های دیگری، مثل خمیر و گل را فراهم می‌سازد، که علاوه بر لذت بخش بودن، آنها را به سمت بازی‌های سازنده و خلاق سوق می‌دهد.



شکل ۱۵-۲

خمیر: خمیرهای بازی و گل‌ها نیز از دیگر اسباب‌بازی‌های این گروه هستند و کودک می‌تواند طی بازی با آنها، خلاقیت و نوآوری خود را به نمایش بگذارد. از آن‌جا که خمیر و گل از جمله وسایل بازی‌ای نیستند که کودک مدت طولانی با آن بازی کند، از این رو بازی با این وسیله برای کودکان نوپا نهایتاً ۳ دقیقه است و در سنین بالاتر با توجه به علاقه‌مندی کودکان این مدت افزایش می‌یابد. خمیربازی کودکان باید به گونه‌ای باشد که کودک به راحتی بتواند آن را فشار دهد، صاف کند؛ قالب بزند و باشکلی با آن بسازد (شکل ۱۶-۲) (رجوع شود به فصل هنر).



شکل ۱۶-۲

تمرین

۱- نمونه‌هایی از علامت‌گذاری‌ها و خط خطی کودکان را جمع‌آوری کنید و در کلاس نشان دهید.



شکل ۱۷-۲

۱۱- عروسک‌ها^۱: عروسک، یکی از قدیمی‌ترین وسایل بازی کودکان است و آن‌ها بدون توجه به جنسیت خود، از بازی با عروسک لذت می‌برند. جنس عروسک‌ها می‌تواند از پارچه، پلاستیک نرم یا شکننده باشد. عروسک‌های کودکان باید در اندازه‌ها و شکل‌های مختلف تهیه شوند تا کودک بتواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند (شکل ۱۷-۲). تهیه‌ی لباس برای عروسک، بسیار مورد علاقه‌ی کودک است.

عروسک بازی یکی از محبوب‌ترین بازی‌های کودکان است. کودکان از عروسک‌های خود برای

ایفای نقش‌های گوناگون استفاده می‌کنند. آن‌ها با عروسک‌های خود حرف می‌زنند و احساسات خود را به نمایش می‌گذارند. هر چه عروسک از نظر شکل و لباس با ساختار فرهنگی کودک شبیه‌تر باشد، نزدیکی با عروسک بیش‌تر می‌شود، هر چند وسایل ارتباطی جمعی از نقش تأثیرگذار آن کاسته است.

تمرین

۱- ویژگی عروسک مورد علاقه خود را بنویسید.

۲- یک عروسک دل‌خواه بسازید.

۱۲- اسباب‌بازی‌های مربوط به خانه عروسکی: یکی از بازی‌های محبوب کودکان، عروسک بازی است. کودکان دوست دارند زیر میز، پشت پرده و بالأخره، در فضایی بسیار خصوصی، به بازی بپردازند. از این‌رو داشتن یک خانه‌ی عروسکی و وسایل منزل (مثل وسایل غذاخوری، تلفن، اتو، تخته‌خواب و کالسکه) (شکل ۱۸-۲) آن‌ها را برای اجرای بازی‌های تخیلی و بازی‌های تقلیدی مشتاق می‌نماید. خانه‌ی عروسکی کودکان می‌تواند یک جعبه‌ی مقوایی بزرگ و یا یک چادر و یا حتی یک پرده باشد که محیط بازی را برای او امن می‌کند، و کودک آزادانه می‌تواند در آن محیط به بازی بپردازد.



شکل ۱۸-۲

۱۳- توپ‌ها^۱: توپ، یکی از رایج‌ترین وسایل بازی کودکان است. یک کودک زمانی که چهار دست و پا راه می‌رود به تعقیب توپ علاقه دارد. همین کودک در سن نوپایی دوست دارد توپ را قل دهد و یا در گرفتن آن سعی کند و به تدریج که بزرگ‌تر می‌شود، با ضربه زدن به آن می‌تواند در بازی‌های سازمان یافته و هدف‌دار دیگری شرکت کند. بازی با توپ (پرتاب کردن و گرفتن)، در ایجاد تطابق بین چشم و دست او بسیار مؤثر است (شکل ۱۹-۲).



شکل ۱۹-۲

توپ‌ها انواع مختلف دارند: توپ‌های نرم و پلاستیکی، توپ‌های سوراخ‌دار، که گرفتنشان برای کودکان آسان است، توپ‌های پلاستیکی سبک و نرم که برای لگد زدن، مطلوب‌اند و بالأخره توپ‌های سنگین‌تر، که برای قل دادن مناسب‌اند و می‌توان آن‌ها را در اختیار کودک قرار داد.

تمرین

دو بازی با توپ برای کودکان ۳ ساله و ۵ ساله طراحی کنید.

۱۴- اسباب‌بازی‌های کاربردی^۲: کودکان نسبت به محیط اطراف

خود کنجکاوند و دوست دارند فعالیت‌های والدین را تقلید کنند. آن‌ها ابزارهایی دارند که بزرگ‌ترها از آن استفاده می‌کنند، مانند وسایل پزشکی، نجاری، خیاطی و ... بسیار علاقه دارند. بنابراین، برای کودکان باید اسباب‌بازی‌هایی تهیه کرد که به آن‌ها امکان بدهد به فعالیت‌هایی بپردازند که بزرگ‌ترها به آن‌ها می‌پردازند. مانند قیچی‌های کوچک نوک گرد برای بریدن، مهره‌های رنگی برای نخ کردن، سوزن‌های پلاستیکی برای دوختن و غیره (شکل ۲۰-۲).



شکل ۲۰-۲

این وسایل علاوه بر ارضای کنجکاوی، باعث پرورش حرکات ظریف انگشتان، تقویت مهارت هر دو دست، تطابق چشم و دست و بالأخره تمرکز و توانایی حل مسئله می‌شود.

تمرین

با استفاده از یک مقوا و کشیدن طرح مورد علاقه‌ی خود بر روی آن، یک کارت دوخت تهیه کنید.

۱۵- جورجورک^۱: پازل یکی دیگر از اسباب‌بازی‌های مناسب برای کودکان است. پازل‌ها علاوه بر افزایش توانایی تشخیص و تمرکز، به شناخت اشکال و تطابق چشمی نیز کمک می‌کنند. بهترین شروع برای استفاده از جورجورک‌ها، فراهم کردن جورجورکی است با اشکال ساده و آشنا برای کودک. جنس پازل‌ها می‌تواند چوبی، پلاستیکی، اسفنجی و حتی مقوایی باشد. صفحه‌ی پازل از ۲ قطعه شروع می‌شود و تا چندین هزار قطعه افزایش می‌یابد (شکل ۲۱-۲). تعداد قطعات با سن کودکان ارتباط دارد. پازل ۲ تا ۳ قطعه برای کودکان ۱۸ ماهه، ۳ تا ۵ قطعه برای ۱۸ ماهه، تا ۳ ساله، ۹ تا ۱۵ قطعه برای کودکان ۳ تا ۵ ساله مناسب است و به همین ترتیب با افزایش سن، تعداد قطعات باید بیش‌تر شود.



شکل ۲۱-۲

پیش نهاد و تمرین

۱- عکس‌های مناسب را از روزنامه‌ها ببرید و روی مقوا بچسبانید و با توجه به تصویر آن را به قطعات گوناگون تقسیم کنید (پازل بسازید).

۲- تصویر یک انسان کامل را از روزنامه ببرید و یا خودتان بکشید و آن را روی مقوا بچسبانید. سپس اعضای مختلف بدن را مجزا کنید. با پازل انسانی که ساخته‌اید می‌توانید اعضای مختلف بدن را به کودک آموزش دهید و یا از او بخواهید، ضمن نام بردن قسمت‌های مختلف بدن، انسان کامل را جور کند.

۱۶- اسباب‌بازی‌های چندکاره^۱: با افزایش سن کودک، کنجکاوی او نسبت به محیط بیش‌تر می‌شود. بنابراین، اسباب‌بازی‌هایی را دوست دارد که علاوه بر تولید صدا، قسمت‌های متحرکی داشته باشد تا او بتواند قسمت‌هایی از آن را بچرخاند، بیچاند، فشار دهد و یا ضربه‌ای به آن بزند. این اسباب‌بازی‌ها که معمولاً از ۶ ماهگی می‌تواند مورد استفاده کودک قرار گیرد و گاه تا ۱۸ ماهگی برای کودک جذاب و دلنشین‌اند، اغلب شامل برجستگی‌ها و یا دگمه‌هایی است که هر یک حرکات مختلف دست و انگشتان را تقویت می‌کنند (شکل ۲-۲۲).

این اسباب‌بازی‌ها در انواع مختلف برای کودکان با سنین متفاوت، طراحی شده است.



شکل ۲-۲۲

۱۷- وسایل بازی در فضای باز: نور، هوای تازه و فضای باز به کودکان فرصت می‌دهد تا بهتر بتوانند به فعالیت‌های جسمانی بپردازند. معمولاً در فضای باز، امکان استفاده از یک سری تجهیزات بزرگ برای بازی وجود دارد: تاب، سرسره، الاکلنگ، نردبان‌های بالارونده، وسایل تعادلی و... (شکل ۲۳-۲) از جمله‌ی این وسایل اند. تراکم این نوع وسایل بزرگ بازی در محوطه‌ای محدود، به کاهش بازدهی و کاربرد منجر می‌شود^۱ و خطراتی را برای کودکان ایجاد می‌کند. بنابراین، در طراحی، نصب و محل استقرار این وسایل باید دقت شود.



شکل ۲۳-۲

تمرین

- از یک پارک بازی بازدید کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.
- الف - وسایل بازی آن جا را نام ببرید.
- ب - زمین بازی با چه چیزهایی مفروش شده است؟
- ج - مواردی را، که از نظر شما خطرآفرین است، فهرست کنید.



شکل ۲۴-۲

۱۸- کتاب: هر چند کتاب جزو وسایل بازی نیست، اما باید از همان کودکی جزو مجموعه ابزاری باشد که کودک در اختیار دارد. امروزه کتاب‌های مختلفی برای کودکان ساخته شده است. کتاب‌هایی که با فشار دادن یک تصویر به صدا درمی‌آید؛ کتاب‌هایی که یک قسمت آن باز می‌شود و یا کتاب‌های مقوایی کلفت و پارچه‌ای (شکل ۲۴-۲).

بهترین سن کتاب‌خوانی برای کودکان از ۱۰ ماهگی است و قبل از آن باید برای کودکان لالایی خوانند. با پریدن و چسباندن عکس‌های آشنا بروی مقوا می‌توانید برای کودکان کتاب بسازید و در مورد تصاویر برای آن‌ها صحبت کنید. کودکان در ۲ سالگی

کتاب‌های ریتم‌دار را دوست دارند و در سنین بالاتر کتاب‌هایی با شخصیت‌های آشنا و فضای ملموس می‌تواند مورد علاقه‌ی آن‌ها قرار گیرد. استفاده از کتاب، علاوه بر افزایش خزانه‌ی لغات کودکان، تخیلات آن‌ها را توسعه می‌دهد.

تمرین

با انتخاب مجموعه‌ای عکس از روزنامه‌ها و مجلات و جیب‌اندن آن‌ها بر روی مقوا، یک کتاب تصویری بسازید.

۱۹- آب و شن: بازی با آب و شن یکی از متداول‌ترین و محبوب‌ترین بازی کودکان است. کودک، ضمن بازی با آب و شن، علاوه بر لذت و تفریح با نکات آموزشی فراوانی چون شناور بودن، شکل‌پذیری، فشار و مفاهیمی چون حجم، ظرفیت و ... آشنا می‌شود. برای بازی با شن و آب باید به نکات خاصی توجه داشت:

- تمیز بودن آب و شن از نظر ظرف و محتوا:
- در اختیار گذاشتن وسایل بازی، مثل ظروف پلاستیکی، شلنگ، آبکش، لیوان‌های مدرج، قالب‌های گوناگون، مواد رنگی و کودک ضمن بازی می‌تواند با مفاهیمی چون شناور شدن اجسام، ته‌نشین شدن، رنگ‌پذیری، حلال‌ها و ... آشنا شود. در بازی با آب به نکات ایمنی باید توجه کرد:
- محل قرارگرفتن ظرف آب و شن در فضای باز؛
- سر بسته بودن ظرف بعد از بازی؛
- اشاره به خطرات ناشی از پرتاب شن خشک و فروکردن سر در آب

خود را بیازمایید

- ۱- ارزش اجتماعی بازی را با ذکر یک مثال تعریف کنید.
- ۲- بازی‌های گروهی، چه مفاهیمی را به کودکان می‌آموزند؟
- ۳- بازی جبرانی را تعریف کنید.
- ۴- اهداف بازی «عمو زنجیرباف» را بنویسید.
- ۵- چرا دختران نسبت به اسباب‌بازی‌های پسران، علاقه‌ی بیش‌تری نشان می‌دهند؟
- ۶- کودکان باهوش چگونه بازی می‌کنند؟
- ۷- کودک ۹ تا ۱۳ ماهه نسبت به هم‌بازی‌اش چگونه عمل می‌کند؟
- ۸- تفاوت بین هم‌بازی و هم‌جواری چیست؟
- ۹- والدین به‌عنوان هم‌بازی کودکان چه نکاتی را باید رعایت کنند؟
- ۱۰- ۵ ملاک برای انتخاب یک وسیله‌ی بازی مناسب را نام ببرید.
- ۱۱- نکات ایمنی در مورد خرید اسباب‌بازی را بنویسید.
- ۱۲- تعداد اسباب‌بازی، چگونه در بازی کودکان تأثیر می‌گذارد؟
- ۱۳- با توجه به آموخته‌ی خود، فهرستی از کلیه‌ی اسباب‌بازی‌هایی که برای کودکان پیش از دبستان مناسب است، تهیه کنید.
- ۱۴- سه نمونه بازی سنتی را نام برده و ارزش آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کنید.

کتابنامه

فارسی

- ۱- اسپادک برنارد : آموزش در دوران کودکی، حسین لطف آبادی، آستان قدس رضوی.
- ۲- الکانید، دیوید : رشد کودک و تعلیم و تربیت از دیدگاه پیاژه، ترجمه‌ی دکتر حسین نائی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
- ۳- ماسن پاول هنری : رشد و شخصیت کودک، تهران، مراکز نشر، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- ۴- سینگر دورتی جی و رونسون تریسی : کودک چگونه فکر می‌کند، ترجمه‌ی مصطفی کریمی، تهران، آموزش، چاپ سوم، ۱۳۷۶.
- ۵- هارلوک الیزابت : بازی، ترجمه‌ی وحید رواندوست، تهران، یوش، ۱۳۶۴.
- ۶- هتریگتون و پارک راسری : روان‌شناسی کودک از دیدگاه معاصر، گروه مترجمان، آستان قدس رضوی (جلد ۱ و ۲)، سال ۱۳۷۳.
- ۷- کالوت دیدیه : فرزند خود را در بازی‌ها بهتر بشناسیم، ترجمه‌ی محمدرضا شجاع رضوی، تهران، شرکت تیزهوش و هاشمی، ۱۳۶۱.
- ۸- شورای کتاب کودک، فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان (جلد دوم)، تهران. شرکت تهیه و نشر فرهنگنامه‌ی کودکان و نوجوانان، ۱۳۷۶.
- ۹- هیلگارد، ارنست و دیگران : زمینه‌ی روان‌شناسی، گروه مترجمان (جلد ۱)، تهران- رشد، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۷.
- ۱۰- وینکلر ادوارد، اشتوکینگر ما گداسن : دنیای کوچک بزرگ من، وجیهه حاکمی، تهران، فکرروز، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۱۱- والنیتن، سن : کودک عادی و برخی از موارد غیرعادی بودن، ترجمه‌ی حسب‌الله فصیحی، تهران، سال ۱۳۶۵.
- ۱۲- مطلق‌زاده رؤیا : وسایل بازی کودکان، تهران، سازمان زیباشناسی شهر تهران، ۱۳۷۸.

انگلیسی

- ۱- Charles worth, Rosalind «understanding child development»: for adult who work with young children 4 thed. Delmar 1996.
- ۲- Hoffman Loise Norma waldis Scott Paris Hall Elizabet, Developmental, Psychology today, 6thed. Macgro Hill 1999.
- ۳- Issacs Susan. Playing the infants'school, Methuen and CO. LTD. London 1989.
- ۴- Macdonald, Sandy «the toys us» Gvide to choosing the Right toys for your child. Newyork 1996.

نقش و اهمیت فعالیت‌های هنری دوران پیش از دبستان



- هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، دانش‌آموز باید بتواند :
- ضرورت و اهمیت فعالیت‌های هنری را در پرورش کودکان توضیح دهد.
- اهداف تربیتی فعالیت‌های هنری کودکان را بیان کند.
- تأثیر فعالیت‌های هنری را بر کودکان شرح دهد.
- نکاتی را که مریبان در آموزش فعالیت‌های هنری به کودکان باید بدانند توضیح دهد.
- مراحل رشد فعالیت‌های هنری کودکان را توضیح دهد.
- نمونه‌های گوناگونی از فعالیت‌های هنری کودکان را تهیه نماید.

ضرورت استفاده از هنر به منزله‌ی ابزاری برای آموزش

هنر، محصول بی‌واسطه‌ی ذهن خلاق است. هنر، خالص‌ترین و درونی‌ترین نمود اندیشه و تمایل به رشد و تکامل است که هنرمند برای نمایش آن از عناصر بصری مانند نقطه، خط، سطح و رنگ و ... استفاده می‌کند. به واسطه‌ی ذهن خلاق است که انسان دارای دید تازه‌ای می‌شود و به جست‌وجو و پژوهش می‌پردازد و از این راه می‌تواند روابط اشیا و واقعیت‌های بیرونی آن‌ها را درک کند و به صورتی دیگر هنرمندانه بازتاباند.

اصولاً هنر خود یک سرگرمی سازنده است و به تنهایی می‌تواند انسان (خصوصاً کودک) را سرگرم نماید و او را مشغول به کاری کند که نتایج خلاقه و سازنده‌ی فراوانی در پی داشته باشد و او را به آفرینش‌گری برساند.

در جریان فعالیت‌های هنری از سوی کودکان، باید توجه فراوان داشت که هنر (نقاشی، کاردستی، شعر و سرود، نمایش و ...) یک وسیله‌ی سرگرمی برای کودکان است و اصل «لذت» و «آزادی»، از اصول بسیار مهم و اساسی این فعالیت‌هاست.

همان‌گونه که هربرت رید^۱ می‌گوید «هنر انضباط مطلق نیست که باید به کودک تحمیل شود بلکه انضباطی است که به نظم طبیعت ارتباط دارد و کودک با پیروی از این انضباط از آزادی کامل برخوردار می‌گردد.» اگر این اصول را در نظر داشته باشیم، دستیابی به مسائل دیگر آسان خواهد بود. در اثر آزادی و لذت ناشی از پرداختن به هنر است که احساسات مثبت در کودکان بیدار و استعداد‌های

۱- هربرت، رید. مقاله‌ی تربیت به‌وسیله‌ی هنر، کتاب هنر و آموزش و پرورش، چاپ اول

خلاقه‌ی نهفته در درون آنان به کارگرفته می‌شود، سپس با مظاهر و نمودهای فرهنگی و هنری معاصر و کهن جامعه آشنا می‌شوند و از طریق این سرگرمی کارآمد (هنر) به بیان افکار، احساسات، نیازها، خصوصیت‌های اخلاقی، حرکات‌های بدنی، آفرینندگی و خلاقیت می‌پردازند. به همین دلیل می‌توان گفت «هنر» نه تنها یک سرگرمی سازنده بلکه مهم‌ترین سرگرمی سازنده برای کودکان است.

اهداف تربیت هنری

تربیت هنری باید در جهت پرورش و ایجاد خصوصیات مثبتی در کودکان باشند و عبارت‌اند از :

۱- پرورش ابتکار و خلاقیت ؛

۲- ایجاد حس استقلال و اعتماد به نفس ؛

۳- درک بهتر مطالب و مفاهیم ؛

۴- بیان آزادانه‌ی احساسات و افکار ؛

۵- و ارزش نهادن به وجود خود.

با توجه به ضرورت استفاده از فعالیت‌های هنری و اهداف آن، باید اذعان داشت که

ایجاد ارتباط از طریق فعالیت‌های هنری، کودکان را قادر می‌سازد، عقاید و احساسات خود را بیان کنند و شاید یکی از بهترین راه‌های انتقال تجارب و افکار است. نقاشی کردن، مدل‌سازی با خمیر و گل، رنگ‌آمیزی، کلاژ و ... هر یک از این‌ها چنانچه استمرار داشته باشد در کودک تأثیرات زیر را ایجاد می‌کند.

تمرکز حواس و سرعت عمل، قدرت و مهارت در استفاده از ماهیچه‌های ظریف، ارتباط مستقیم با محیط و کاوش در آن، ارتباط با جامعه، فرهنگ، آداب و رسوم و سنن، هم‌چنین آموزش نظم و قوانین اجتماعی، بهره‌گیری از توانایی‌های نهفته و باروری زمینه‌ی خلاقیت. این مهم اتفاق نمی‌افتد مگر توجه به نکاتی چند، از جمله :

مواردی که والدین لازم است برای ایجاد توسعه‌ی فعالیت هنری کودکان رعایت کنند :

● کودک در حدود یک سالگی میل به علامت‌گذاری پیدا می‌کند با دادن کاغذهای مناسب و مدادشمعی درشت به او فرصت مناسب را هدیه کنند.

● با فراهم کردن وسایل و موقعیت‌های مناسب، امکان کسب تجربه را به او بدهند.

● محل مناسبی را برای فعالیت‌های هنری او فراهم کنند تا ترس از ریختن رنگ، کاغذهای بریده و چسب‌ها مانع از کار او نشود و با آرامش خاطر کار کند. می‌توانند در محلی که او مشغول کار است روزنامه و یا نایلون پهن کنند.

● نقاشی‌های او را تصحیح نکنند و از او نخواهند که از نقاشی بزرگسالان کپی کند.

● سؤالاتی از قبیل چه کشیده‌ای؟ کودک را تحت فشار قرار می‌دهد، چون او صرفاً می‌خواسته خط خطی کند بدون این‌که قصد ترسیم پدیده‌ی غیرمشخصی را داشته باشد.

● فعالیت‌های هنری او را با ذکر تاریخ در پوشه‌ای قرار دهند.

● به کودک فرصت دهند تا آنان را در حین نقاشی کردن و یا تهیه کار دستی مشاهده کند.

● کودک را برای دیدن نمایشگاه‌های هنری همراهی کنند.

نکاتی که مربیان باید رعایت نمایند

یکی از فعالیت‌های بسیار مهمی که در آموزش و پرورش پیش‌دبستانی مطرح است، کارهای دستی و هنری کودکان است.

کارهای دستی کودکان در صورتی که منطبق با رشد کودکان باشد، در ایجاد هماهنگی بین چشم و دست و پرورش حواس مختلف آنان بسیار مؤثر است.

۱- فضای فعالیت های هنری: برای فعالیت های هنری باید فضای مناسبی را در نظر گرفت تا کودکان به راحتی در آن

فعالیت کنند.

- کلاس های وسیع، پر نور و تمیز باشد؛
- کلاس ها تا حد امکان باید پنجره به فضای بیرون داشته باشد؛
- کف پوش ها قابل شست و شو باشد؛
- چیدمان کلاس متناسب با تعداد کودکان و نیز نوع فعالیت باشد؛
- وسایل فعالیت های هنری، ضمن طبقه بندی شدن، تمیز و مرتب و به تعداد کودکان باشد؛
- کلاس تا حد امکان به دست شویی نزدیک باشد و یا در کلاس تعبیه شود؛
- پس از انجام فعالیت، کلاس توسط کودکان مرتب شود.

۲- توجه به تفاوت های فردی:

- مهارت و استعداد کودکان متفاوت است. بنابراین، هرگز آن ها را با یکدیگر مقایسه نکنید.
- پشتکار و علاقه ی آن ها را در نظر بگیرید و به آن ها فرصت فکر کردن و فعالیت ذهنی بدهید.
- دشواری و یا سهولت کار را مدنظر قرار دهید و در تمام مدت خصوصیات رشد همه جانبه ی آن ها را مد نظر داشته باشید.
- مربی باید به کودکانی که نقص جسمانی دارند توجه خاص نماید.
- مربی باید به کودکان چپ دست توجه کند و آن ها را در جای مناسب قرار دهد.

۳- توجه به خستگی کودکان: گاه کودک از یک فعالیت هنری زود خسته می شود. اولین حرکت، توجه به دیگر فعالیت هایی

است که او اجرا می کند. آیا در اجرای آن فعالیت ها نیز چنین است؟ در غیر این صورت، چنانچه خستگی در فعالیت هنری رخ می دهد باید به این نکات توجه کرد:

- آیا کارهای نقاشی او را بزرگ ترها در خانه اجرا می کنند؟ (مقایسه ی کار خانه و مهد)
- آیا در کلاس، فعالیت هنری او به مسخره گرفته می شود؟
- آیا انگشتان او توانایی گرفتن مداد را دارند؟
- آیا فعالیت در حد توان کودک است؟
- آیا فضای کوچک مانع فعالیت اوست؟
- آیا طرز استفاده از مواد را بلد است؟ آیا قیچی کُند نیست؟ آیا مداد نُک ندارد؟ و
- آیا فقط در کار نقاشی مشکل دارد و یا در سایر فعالیت های هنری نیز چنین است؟

۴- قضاوت بر روی نقاشی کودکان مهم است: بعضی از مربیان، با نام گذاری و نوشتن آن چه کودک کشیده بر روی نقاشی

کودکان، کار کودک را ارزیابی می کنند. این کار، نقاشی را از حالت زیبایش خارج می سازد. چنانچه خودتان تشخیص می دهید که چه کشیده است. لزومی به نوشتن بر روی نقاشی ندارد و چنانچه مطمئن نیستید می توانید از او در مورد رنگ ها، خطوط و فرم سؤال کنید. کودک باید یاد بگیرد که افراد می توانند با دیدن یک اثر هنری برداشت های متفاوتی داشته باشند.

- هرگز اولین واکنش شما نسبت به کار کودکان، نوشتن نام آن ها روی ورقه نباشد.

● با علاقه‌مندی کار آن‌ها را تحویل بگیرید و سرسری آن‌ها را در گوشه‌ای رها نکنید.
۵- تحسین و تشویق:

- تشویق کودکان بسیار مهم است، هرگز هنگام کار آن‌ها را دستپاچه نکنید.
 - تشویق هنگامی مؤثر است که صادقانه و به موقع و در جهت رشد استعداد آن‌ها صورت گیرد.
 - هرگز برای جلب توجه، یا بی‌جهت کودک را تشویق نکنید.
 - کار همه‌ی بچه‌ها باید به دیوار نصب شود در غیر این صورت تقلید را رواج داده‌اید.
- ۶- جمع‌آوری کارها:

- کارهای کودکان را در پوشه‌ای قرار دهید.
 - از کارهای کودکان نمایشگاهی ترتیب دهید و از والدین برای بازدید دعوت کنید.
- ۷- ویژگی‌های یک مربی هنر:

- مربی هنر باید علاقه و پشتکار در کارهای هنری داشته باشد و بتواند کلاس را به خوبی اداره کند.
 - مربی هنر باید خلاق باشد و مطالعاتی در زمینه تکنیک‌ها و روش‌های آموزش هنر داشته باشد.
 - مربی باید شاد و با روحیه باشد و با کودکان با مهر و محبت رفتار کند.
 - مربی برای اجرای فعالیت‌های هنری باید به بازدید نمایشگاه‌ها علاقه‌مند باشد.
 - مربی باید در کلاس، خود نیز به فعالیت نقاشی و یا سایر فعالیت‌های هنری بپردازد.
- ۸- توجه به نکات ایمنی و بهداشتی:

- وسایل و ابزارها، ضمن قابل استفاده بودن، باید تمیز باشد.
- وسایل باید از نظر ایمنی برای کودکان مشکلی ایجاد نکند.
- وسایل خطرآفرین، (لامپ‌ها، پودررنگ، قیچی، کاردک) دور از دسترس کودکان باشد.
- استفاده از وسایل خطرآفرین، اتو، شمع آب شده ... باید زیر نظر مربیان صورت گیرد.

مراحل رشد هنری کودکان



شکل ۱-۳

فعالیت‌های هنری کودکان، مانند سایر فعالیت‌های آنان، تابع رشد کلی آن‌ها از نظر جسمی، ذهنی، روانی و اجتماعی است و به تدریج و در سنین مختلف شکل می‌گیرد. نقاشی، در میان فعالیت‌های هنری کودکان از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. پژوهشگران، در زمینه مراحل رشد نقاشی کودکان دیدگاه‌های گوناگونی را ارائه داده‌اند، که مختصراً به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- حرکات عضلانی و اثرگذاری: در حدود یک‌سالگی کودکان با هر وسیله‌ای که در اختیار دارند روی زمین یا هر سطح دیگری که در برابرشان قرار دارد شروع به اثرگذاری می‌کنند و از این کار لذت می‌برند. آن‌ها اغلب بدون این‌که به نقاشی خود نگاه کنند با مداد یا مدادشمعی، که معمولاً در مشت خود می‌گیرند، شروع به ضربه‌زدن می‌کنند. این ضربات گاه

آن چنان محکم است که باعث پاره شدن کاغذ می شود. «زیرا قدرت عضلانی آن ها هر چند محدود و ناچیز است ولی قدرت و انرژی هیجانی آن ها بسیار است»^۱ (شکل ۱-۳).

باید با فراهم کردن وسایل لازم (مدادشمعی درشت، ماژیک های قابل شست و شو، کاغذهای بزرگ) امکان کسب این تجربه را فراهم ساخت زیرا در غیر این صورت کودک ممکن است با آب دهان سپس غذا و یا هر چیز دیگری برای علامت گذاری استفاده کند.

۲- مرحله ی خط خطی: این مرحله از حدود دو سالگی شروع و تا چهار سالگی ادامه دارد. کودک ابتدا خطوطی را که می کشد، کنترل شده نیست و نظمی ندارد. اما به تدریج، خطوط بهتر کنترل می شوند و نظم مشخصی پیدا می کنند. بررسی های گلوک^۲ در مورد کودکان کشورهای مختلف نشان می دهد که نقاشی با عوامل رشد عضلانی - عصبی کودکان ارتباط مستقیم دارد. این موضوع در تمام کودکان دنیا یکسان است.

پس از مرحله ی خط خطی نامنظم، کودک تدریجاً به رابطه ی حرکت دست و اثر قلم خود پی می برد. این مرحله ی مهمی است زیرا هماهنگی بین عضلات دست و حرکات چشم ها تقویت شده است. خطوط کم کم به صورت افقی، عمودی و گاهی دایره اند و اغلب تکرار می شوند^۳. او هنوز نمی تواند مداد را به راحتی در دست بگیرد و گاهی از صفحه نقاشی خارج می شود. (در حدود سه سالگی مداد را تقریباً به سان بزرگ سالان در دست می گیرد) در این مرحله کودک تا حدودی علامت «+» را کپی می کند، می تواند دایره بکشد اما کشیدن مربع برایش مشکل است^۴. آنچه در این مرحله برای کودک حائز اهمیت است صرفاً کشیدن و نقاشی کردن است نه چیزی که ترسیم کرده از این رو مشتاقانه خط خطی های خود را نشان می دهد و دوست دارد تشویق شود.

در این مرحله، کودکان قبل از کشیدن نقاشی، موضوع را مشخص نمی کنند. بلکه در جریان نقاشی یا بعد از کشیدن تصویر، خود نامی به آن می دهند. نام گذاری و تعریف تصاویر در رشد توانایی ترسیمی کودک بسیار مهم است و می توان گفت که کودک آگاهانه و با هدف نقاشی می کند و ما نباید به او به طور مستقیم آموزش دهیم یا برای او نقاشی کنیم و الگو و مدل در اختیارش بگذاریم، بلکه باید او را آزاد بگذاریم تا به خط خطی کردن خود ادامه بدهد. هر چند که خط خطی های او از نظر بزرگ ترها فاقد معناست. ابزار مناسب در این دوره مداد رنگی، مداد شمعی، ماژیک، گچ های رنگی و کاغذهای سفید رنگی است. کاغذ نباید خیلی بزرگ یا خیلی کوچک باشد، ابزار و وسایل کوچک با رشد عضلات آنان متناسب نیست.

رنگ، در این مرحله، نقش مهمی در نقاشی کودکان ندارد. گاهی انتخاب رنگ های متعدد ناشی از تمایل او به بازی با رنگ هاست. تعداد رنگ گاهی او را از مسیر اصلی فعالیت هنری دور می کند و فعالیت او را به بازی با رنگ ها محدود نماید.

۳- مرحله طرح ریزی: این مرحله از حدود سه سالگی شروع می شود. کم کم از میان خط خطی های کودکان، اشکالی پدیدار می شود که شباهت کمی با اشیای واقعی دارند و اگر خود نگویند چه کشیده اند، تشخیص آن ها برای ما دشوار است. این تصاویر تدریجاً شباهت بیش تری به اشیای واقعی پیدا می کند. هماهنگی چشم و دست و رشد عضلات کوچک پیش تر می شود و می توانند خطوط را کنترل کنند.

نام گذاری تصاویر اغلب با توضیح و داستان همراه می شود. آنچه را نمی توانند تصویر کنند، توضیح می دهند. در این مرحله نیز نباید به آموزش مستقیم کودکان پرداخت و علاوه بر وسایلی که قبلاً نام برده شد، از آبرنگ، گواش و قلم مو نیز می توانند استفاده کنند.

۱- آنا اولیوریو فراری، نقاشی کودکان و مفاهیم آن - ترجمه ی عبدالرضا صرافان - انتشارات دستان زمستان ۷۱ ص ۵

۲- Golok

۳- فاطمه قاسم زاده، مجله ی ماهنامه ی جامعه ی سالم، سال دوم، شماره ی نهم، خرداد ۱۳۷۲، صفحه ۴۳

۴- آنا اولیوریو فراری، نقاشی کودکان و مفاهیم آن، صفحه ۱۹



شکل ۲-۳

با آغاز نام‌گذاری نقاشی‌ها و داستان‌سرایی می‌توان رنگ‌های متنوع‌تری را در اختیار کودکان قرارداد (شکل ۲-۳).

در مورد کاربرد رنگ، هرگز نباید نظر خود را به آنان تحمیل کنیم یا از آن‌ها بخواهیم از الگوهای طبیعی استفاده کنند. کودکان رنگ‌ها را، نه مطابق با رنگ اشیاء، بلکه آن‌گونه که می‌خواهند به کار می‌برند. باید به آن‌ها امکان داد تا از نزدیک رنگ‌ها را ببینند و حس کنند. با دست و انگشت خود با رنگ بازی و نقاشی کنند. ترس از کثیف شدن لباس نباید مانع کار آزادشان گردد. با تهیه‌ی لباس و جای مناسب، می‌توان این مشکل را حل کرد.

۴- شکل‌سازی یا تصویرگری: در این مرحله، کودکان تصاویر مشخصی می‌کشند که با واقعیت شباهت دارد. به طوری که اگر نقاشی خود را تعریف نکنند، برای ما قابل تشخیص است اما این شباهت کامل نیست و هنوز اشیاء را نه منطبق با واقعیت، بلکه آن‌گونه که می‌توانند و می‌خواهند، می‌بینند و در تصاویرشان نشان می‌دهند. آموزش مستقیم تکنیک‌های نقاشی به آنان، هنوز مفید نیست و مانع بروز خلاقیت آنان می‌شود و هم‌چنین نباید نقاشی کودکان را با هم مقایسه کرد و به آن‌ها نمره داد.

در این مرحله کودکان سبک خاص نقاشی خود را پیدا می‌کنند. منظور از سبک در مورد کودکان، نحوه‌ی کاربرد رنگ، خط، فضا و شکل است. روان‌شناسان معتقدند که نقاشی‌های کودکان را می‌توان به دو سبک «احساسی» و «عقلانی» طبقه‌بندی کرد.

این دو سبک نقاشی معرف ویژگی‌های دو گروه «حس‌گراها» و «خردگراها» انسان‌های حس‌گرا، درون‌گرایند و نسبت به حرکات عاطفی و فشارهای ناخودآگاه درونی بسیار حساس هستند. این گروه که بیش‌تر روی احساساتشان تأکید می‌شود، مدام در میان عواطف و هیجانات غوطه‌ورند و این حالت را در نقاشی‌هایشان با استفاده از رنگ‌های روشن خالص و گرم، خطوط پریچ و خم، بالا و پایین رفتن مداوم حرکت قلم‌مو و بالأخره موضوعات ساده نشان می‌دهند. در مقابل، افراد خردگرا، برون‌گرایند و بیش از آن‌که احساسی برخورد کنند با مسائل، منطقی کنار می‌آیند. این گروه حالات احساسی خود را به سادگی نشان نمی‌دهند و از تجرید و سکون، استحکام و وقار لذت می‌برند. در نتیجه در نقاشی‌هایشان از خطوط صاف، طرح‌های منظم، رنگ‌های سرد و سکون استفاده می‌کنند. در نقاشی‌های کودکان، می‌توان این دو بعد را مشاهده کرد. اکثر کودکان در حد فاصل این دو قطب قرار دارند (شکل ۳-۳).



سورا*



ونگوگ*

شکل ۳-۳

با این حال، بهتر است از تعبیر و تفسیرهای نمادین (سمبلیک) نقاشی‌های کودکان، به خصوص از سوی افرادی که در این زمینه تخصص کافی ندارند خودداری کرد و نیز باید از تحمیل سبک خاص به کودکان اجتناب نمود.

سنین هفت تا ده سالگی را نمی‌توان به عنوان مرحله‌ی مشخصی در نظر گرفت و در واقع دنباله‌ی مرحله‌ی قبل است. در این دوره، نقاشی‌ها به واقعیت نزدیک‌تر می‌شوند. کودک، از قبل، مقصود و موضوع خود را می‌داند. هماهنگی چشم و دست و عضلات کوچک رشد کافی پیدا کرده‌اند. در این سال‌ها، علاقه‌ی کودکان به نقاشی کاهش می‌یابد و تصاویر ابتکار و خلاقیت کم‌تری دارند. از ده سالگی به بعد دوران واقع‌گرایی عینی یا بینایی است. در این سن می‌توان تکنیک‌های نقاشی را در حد معرفی و شناخت ابزار کار به آنان آموخت. «واقع‌گرایی بینایی» به این معناست که در این سنین کودکان واقعیت را آن‌چنان که هست در نقاشی‌های خود تصویر می‌کنند. آن‌ها از تجربیات خود در کارهای هنریشان استفاده می‌کنند و هویت خاصی به اشیاء و اشخاص طراحی شده، می‌دهند. بسیاری از تصاویر و اشکالی که کودکان در این سنین رسم می‌کنند، جنبه‌ی سمبلیک دارد. پسرها بیش‌تر با اتومبیل و هواپیما و تانک، یعنی با «سرعت و قدرت» سرگرم‌اند و دختران با اسب و گل‌ها، یعنی با «ظرافت و آزاداندیشی» مشغول می‌شوند.

روش‌های آموزش هنر به کودکان

آموزش هنر، تنها به مفهوم آزادی کودک برای طی مسیر طبیعی تکامل او مطرح می‌شود. بنابراین، هر نوع دخالتی (مدل دادن، تعلیم خاص و القای سلیقه) سیر طبیعی تکامل هنری او را برهم می‌زند. از این‌رو، روش‌های هنری باید در جهت گسترش دید او صورت گیرد.

۱- توسعه‌ی دید کودکان در تماس مستقیم با اشیاء، موجودات، مکان‌ها و غیره: با فراهم ساختن موقعیت‌های مناسب برای کودکان، فرصتی ایجاد کنید تا اشیاء مختلف، حیوانات و گیاهان را از نزدیک مشاهده کنید. با بردن آن‌ها به پارک، باغ‌وحش، حتی خیابان‌ها، به آن‌ها فرصت دهید تا اشیاء و موضوعات را از نزدیک مشاهده کنند. توجه کودکان را به جزئیات جلب کنید. مثلاً خط‌کشی خیابان‌ها، تیرجراغ برق، یا رنگ‌های خاص پر پرده‌ها و یا نئک آن‌ها و یا این‌که مثلاً سگ مژه دارد؟ پاها و دست‌هایش به یک اندازه است و غیره.

۲- توسعه‌ی دید کودکان از طریق نمایش فیلم و اسلاید: برای کودکان فیلم و اسلاید نشان دهید سپس با طرح سؤالات، توجه کودکان را به نکات مختلف جلب نمایید. پس از برانگیختن آن‌ها لوازمی را، که از قبل تهیه کرده‌اید، در اختیارشان بگذارید.

۳- توسعه‌ی دید کودکان با دعوت از یک هنرمند: هنرمندی را به کلاس دعوت کنید و یا کودکان را به محل کار آن‌ها ببرید تا از نزدیک با نحوه‌ی کار او آشنا شوند.

۴- استفاده از روش‌های هنری: با فراهم کردن ابزارهای مختلف هنری و آموزش کاربرد آن‌ها به کودک فرصت دهید تا نسبت به آن‌ها تجربه کسب کنند.

– مثلاً مخلوط کردن رنگ‌ها و ساختن رنگ جدید؛

– خیس بودن خمیر، شکل‌پذیری را آسان‌تر می‌کند؛

– اگر کاغذ را خیس کنیم بعد رنگ بزنیم چه می‌شود؟

پس از کسب این تجارب ملموس می‌توانید از روش‌های گوناگون استفاده کنید.

فعالیت‌های هنری مثل هر فعالیت دیگر، همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد، نیاز به فضای مناسب و ابزار کار دارد. بنابراین ابتدا باید:

الف – محل مناسبی برای کودکان فراهم شود. این محل باید آرام و پر نور باشد. در ضمن به دست‌شویی نزدیک باشد.

- ب- محل نشستن باید متناسب با اندازه‌های کودک باشد و سطحی، که کاغذ را روی آن می‌گذارد، باید صاف و محکم باشد.
- ج- نقاشی‌های کودک نباید تصحیح شود و خود کودک، نباید تشویق به کپی برداری شود.
- د- هنگام کار باید کودک را به حال خود گذاشت.

ه- منظور از فعالیت هنری تنها نقاشی نیست، چه بسا کودک به سایر رشته‌های هنر (کاردستی، کولاژ و شعر و موسیقی) علاقه مند باشند.

بنابراین در زمینه‌های گوناگون می‌تواند فعالیت نماید.

و- تهیه مواد و وسایل مناسب برای فعالیت‌های هنری

وسایل مورد نیاز عبارت‌اند از:

* مداد شمعی در رنگ‌های گوناگون

- مدادهای رنگی و گچ رنگی و زغال

- ماژیک‌های قابل شست‌وشو

- قلم‌موهای ۱، ۲/۵ و ۵ گرد و پهن

- رنگ گواش و آبرنگ و پاستل روغنی

- کاغذ سفید یا کاهی در اندازه‌های ۳۰×۴۵ cm و ۴۵×۶۰ cm

- انواع خمیر (خمیر گل رس، آرد و کاغذ)

- ظرف‌های مخصوص رنگ، اسفنج

- کاغذهای رنگی برای نقاشی در اندازه‌های مختلف

- مواد گوناگون برای تهیه کولاژ (پارچه، حبوبات، سنگ، عکس و دور ریختنی‌ها و ...)

- انواع قیچی در اندازه‌های گوناگون

- انواع چسب (چوب، مایه و ...)

- پیش‌بند یا روپوش

پس از استفاده از وسایل، باید با همکاری کودکان آن‌ها را مرتب کنند و در جای مخصوص قرار دهند.

ز- تهیه مواد

بسیاری از موادی را، که در کار مورد استفاده قرار می‌گیرند، می‌توان به سادگی تهیه کرد و مورد استفاده قرار داد. در این جا

به چند نمونه‌ی آن اشاره می‌شود:

۱- ساخت رنگ برای نقاشی با انگشتان: نشاسته $\frac{1}{4}$ فنجان، گلیسیرین ۱ قاشق چای‌خوری، آب جوش $\frac{1}{4}$ فنجان، گرد

صابون $\frac{1}{4}$ فنجان ترجیحاً گرد صابون بچه و پودر رنگ خوراکی

طرز تهیه: نشاسته را در آب سرد حل می‌کنیم تا خمیر شود. آب جوش را به آن اضافه می‌کنیم و روی آتش ملایم قرار

می‌دهیم تا به آرامی بپزد. پس از پختن و سرد شدن، پودر صابون و گلیسیرین را به آن اضافه می‌کنیم. به هنگام استفاده، می‌توان از

پودر رنگ به مقدار کم و زیاد استفاده کرد. این رنگ برای نقاشی با انگشتان به کار می‌رود.

۲- چسب خانگی: نصف فنجان آرد، چند قطره روغن خوراکی

طرز تهیه: نصف فنجان آرد را در آب سرد حل می‌کنیم، محلول نباید رقیق باشد. سپس به مدت پنج دقیقه آن را روی آتش

ملايم قرار مي دهيم و مدام هم مي زنيم. پس از سرد شدن چند قطره روغن به آن اضافه مي كنيم. چسب را در ظرف دردار در يخچال نگه داري كنيد.

۳- خمير آرد: آرد $2\frac{1}{4}$ فنجان، آب ۱ فنجان، روغن خوراكي مایع $\frac{1}{4}$ قاشق غذاخوري و بودر رنگ خوراكي در صورت تمايل $\frac{1}{4}$ قاشق چای خوري

طرز تهيه: همه ي مواد را در ظرفي مي ريزيم و خوب مالش مي دهيم تا به صورت خمير درآيد و به دست نچسبد. در صورتي كه بخواهيم خمير حالت شفافى به خود بگيرد يك ورقه ژلاتين را در آب حل و به آن اضافه كنيد. خمير نبايد خيلي چسبناك و يا خيلي خشك و سفت باشد.

انواع فعاليت هاي هنري ترسيمى

الف - نقاشى:

نقاشى مي تواند به صورت انفرادى و يا گروهى به صور گوناگون و با تكنيك هاي مختلف اجرا شود:

۱- نقاشى خيالى آزاد: يكي از نمونه هاي نقاشى، نقاشى خيالى آزاد است. كودك با توجه به موضوعى ملموس كه برداشت از محيط زندگى اش و يا واحد كار است با تجربه ي شخصى خود اقدام به كشيدن مي كند. طبيعتاً موضوعات بايد براي كودك شناخته شده باشد. مثل خانواده ي من، درخت ها، حيواناتي كه دوست دارم، يك شهر شلوغ و بالاخره كشيدن قهرمان داستان مورد علاقه. در اين نوع نقاشى كودك علاوه بر آزاد بودن در انتخاب موضوع بايد در تكنيك و روش كار و رنگ نيز آزاد باشد.

۲- نقاشى با انگشت: كودك، با آغشته كردن انگشت يا دست خود به رنگ، نقاشى هاي جالبى را روي كاغذ مي كشد (شكل ۴-۳).



شكل ۴-۳

۳- نقاشى لکه: رنگ هاي مختلفى روي كاغذ مي ريزيم. از كودك مي خواهيم تا كاغذى روي رنگ ها بگذارد و آن را بادست فشار دهد يا كاغذ را تا كند. حالا كاغذها را برداريد. شكل هاي جالبى روي كاغذ دومى نيز افتاده است (شكل ۵-۳).



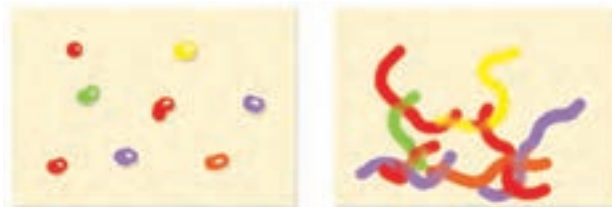
شكل ۵-۳

۴- نقاشی با فوتک: چند قطره رنگ روی کاغذ می‌ریزیم تا کودک به وسیله فوتک (نی نوشابه، خودکار توخالی، قلم نی و ...) روی آن‌ها فوت کند (شکل ۳-۶).



شکل ۳-۶

۵- نقاشی حرکتی: روی کاغذ، چند قطره از رنگ‌های مختلف می‌ریزیم. حال کاغذ را با دست به اطراف حرکت می‌دهیم. شکل‌های جالبی روی آن ظاهر می‌شود (شکل ۳-۷).



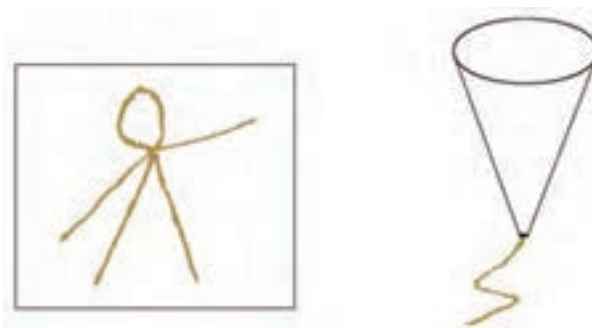
شکل ۳-۷

۶- نقاشی با مرکب سیاه: با استفاده از مرکب و قلم مو شکل‌هایی روی کاغذ می‌کشیم (شکل ۳-۸).

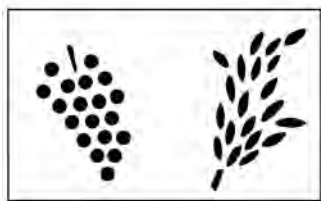


شکل ۳-۸

۷- نقاشی با شن: روی یک ورق کاغذ را چسب می‌زنیم. با کاغذ دیگر، قیفی می‌سازیم و در داخلش شن می‌ریزیم و با پاشیدن شن بر روی چسب، شکل‌های جالبی می‌کشیم (شکل ۳-۹).

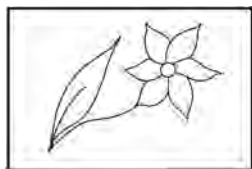


شکل ۳-۹



شکل ۱۰-۳

۸- نقاشی با قطره چکان: بر روی یک کاغذ و با استفاده از قطره چکان رنگ، شکل‌های جالبی را خلق می‌کنیم (شکل ۱۰-۳).



شکل ۱۱-۳

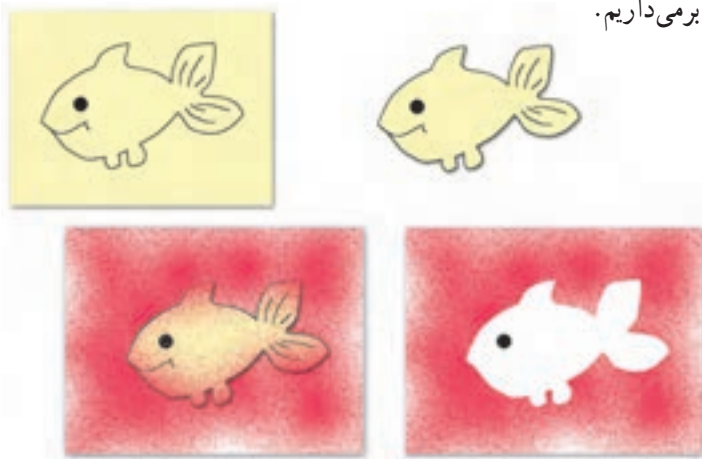
۹- نقاشی با گلوله‌های کاغذی: دستمال کاغذی را به تکه‌های کوچک ریز می‌کنیم و با دست به شکل گلوله‌های ریز درمی‌آوریم. یک نقاشی روی کاغذ می‌کشیم و گلوله‌ها را با چسب داخل نقاشی می‌چسبانیم. سپس با رنگ و قلم‌مو، روی گلوله‌های دستمال را رنگ می‌کنیم (شکل ۱۱-۳).

۱۰- نقاشی با حباب: در داخل یک کاسه رنگ، آب و کمی مایع ظرفشویی می‌ریزیم و هم می‌زنیم تا حباب‌ها ظاهر شوند. حالا کاغذ را روی حباب‌ها می‌گذاریم و برمی‌داریم. شکل‌های حباب رنگی روی کاغذ دیده می‌شود. برای خشک شدن، آن‌ها را از طناب آویزان می‌کنیم (شکل ۱۲-۳).

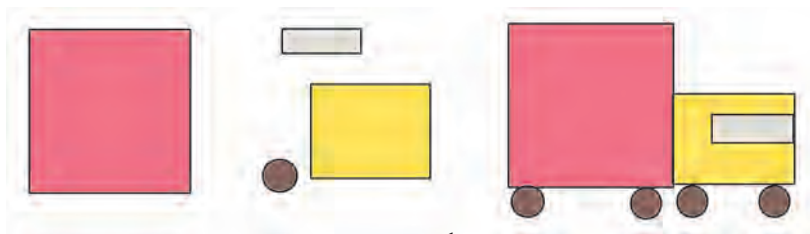


شکل ۱۲-۳

۱۱- نقاشی با مسواک و تورسیمی: شکل دل‌خواهی را از مقوا قیچی می‌کنیم و روی کاغذ قرار می‌دهیم. سپس مسواک را به رنگ آغشته می‌کنیم و روی تورسیمی‌ای که بالای تصویر نگه داشته‌ایم می‌کشیم (افشانگری) (شکل ۱۳-۳). حال، شکل مقوایی را برمی‌داریم.



شکل ۱۳-۳



شکل ۱۴-۳

۱۲- نقاشی با خط و نقطه: با ترکیب دو عنصر خط و نقطه، کودک با یک روش نقاشی آشنا شود (شکل ۱۴-۳).



شکل ۱۵-۳

۱۳- نقاشی با شانه: دندان‌های شانه را در داخل رنگ فرو می‌کنیم و روی کاغذ می‌کشیم (شکل ۱۵-۳).

۱۴- نقاشی با مداد شمعی و اتو: خرده‌های مداد شمعی را روی کاغذ می‌ریزیم. کاغذ دیگری روی آن قرار می‌دهیم و با اتوی گرم، آن را اتو می‌کنیم. مدادها آب می‌شوند و شکل‌های جالبی می‌سازند (شکل ۱۶-۳). این فعالیت باید زیر نظر مربی صورت گیرد و نکات ایمنی آن گوشزد شود.



شکل ۱۶-۳

۱۵- نقاشی با قطره‌های مداد شمعی: مداد شمعی‌ها را روی شمع یا کبریت می‌گیریم تا گرم شوند. وقتی آب می‌شوند می‌توانیم با استفاده از قطرات آن، شکل‌های جالبی بسازیم (شکل ۱۷-۳). این فعالیت باید زیر نظر مربی صورت گیرد و نکات ایمنی آن گوشزد شود.



شکل ۱۷-۳

۱۶- نقاشی گروهی: کودکان با همکاری هم برای خلق یک نقاشی کمک می‌کنند. هدف مهم این کار، کمک متقابل، بحث دست‌جمعی، مطرح‌شدن در گروه و پرورش خلاقیت است (شکل ۳-۱۸).



شکل ۳-۱۸

تمرین

با توجه به نمونه‌ها خودتان این روش‌ها را تجربه کنید.

چاپ

یکی دیگر از فعالیت‌های هنری جذاب و مورد علاقه‌ی کودکان، چاپ است. آن‌ها به وسیله‌ی اشیای گوناگون می‌توانند نقوش خود را روی کاغذ، مقوا، پارچه، چوب، پلاستیک و یا سنگ منتقل کنند. این فعالیت، علاوه بر این که حس کنجکاوی و کاوش را در آن‌ها تقویت می‌کند، آنان را با بافت‌های مختلفی که هر یک از این وسایل بر جای می‌گذارد آشنا می‌کند و حس زیباشناسی‌شان را پرورش می‌دهد.

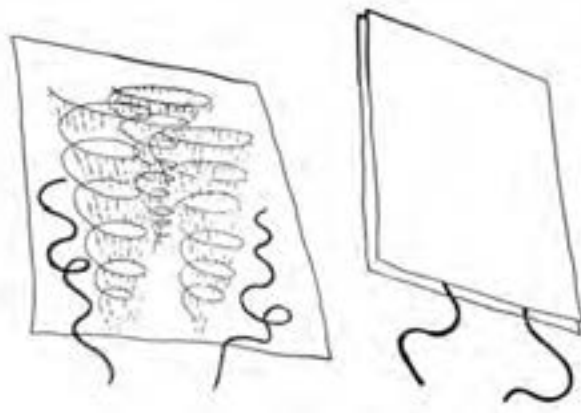
انواع چاپ

۱- چاپ با استفاده از اسباب‌بازی‌ها، کف کفش ... (شکل ۳-۱۹).



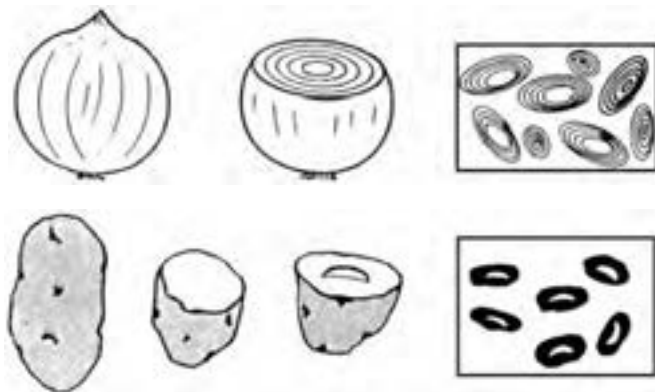
شکل ۳-۱۹

۲- چاپ با استفاده از نخ و پر: برای اجرای این کار انواع نخ‌ها، طناب‌ها، رشته‌ها و پر را به رنگ آغشته می‌کنیم و لای دو برگ کاغذ می‌گذاریم و با دست روی کاغذ فشار می‌آوریم. با این روش می‌توانیم به یک چاپ قرینه دست پیدا کنیم و کودکان را به راحتی متوجه دو شکل قرینه و اجزای متناظر نماییم (شکل ۳-۲۰).



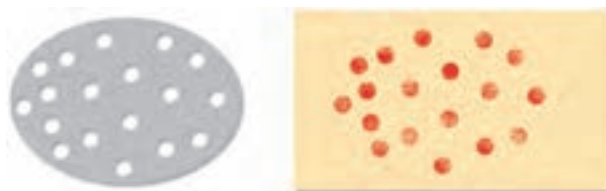
شکل ۳-۲۰

۳- چاپ با استفاده از سیب‌زمینی، هویج و سبزیجات دیگر: برای چاپ با سیب‌زمینی و هویج، ابتدا باید نقش ساده‌ای را روی آن ایجاد کرد. نیز می‌توان از شکل سطح مقطع آن‌ها، برای چاپ استفاده نمود (شکل ۳-۲۱).



شکل ۳-۲۱

۴- چاپ با استفاده از قالب (شابلن): برای این کار، می‌توان از قالب‌هایی که در اطراف خود داریم و یا وسایلی که دارای سوراخی به شکل خاص هستند و یا از قالب‌هایی که شکل‌های ساده‌ای چون اشکال هندسی و چیزهای دیگر در آن‌ها ایجاد کرده‌ایم، استفاده کنیم. پس از تهیه قالب، آن را روی یک کاغذ ضخیم یا مقوا می‌چسبانیم تا ثابت بماند. برای پاشیدن رنگ و رنگ آمیزی نمودن، می‌توان از ابزاری چون مسواک آغشته به رنگ، اسفنج آغشته به رنگ، پودر گچ یا مداد رنگی استفاده نمود (شکل ۳-۲۲).



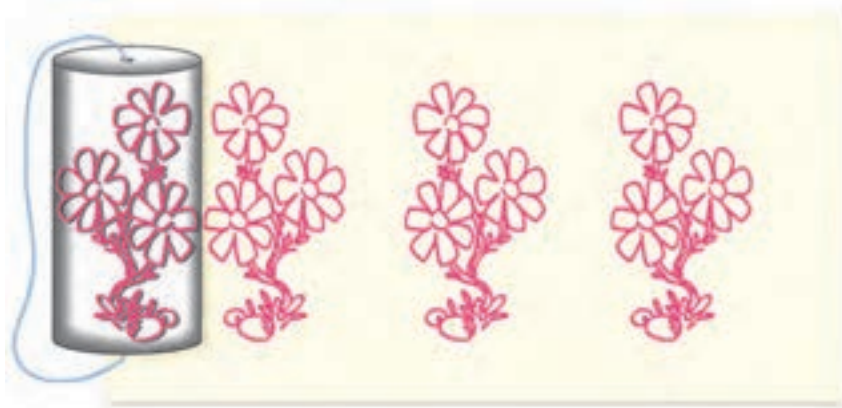
شکل ۳-۲۲

۵- چاپ با استفاده از قوطی کبریت: ابتدا، رویه‌ی قوطی کبریت را به رنگ آغشته می‌کنیم. سپس آن را به روی کاغذ فشار می‌دهیم (شکل ۳-۲۳).



شکل ۳-۲۳

۶- چاپ با استفاده از غلتک: قوطی خالی کنسرو را از دو طرف سوراخ می‌کنیم و با یک وسیله‌ی نوک تیز یا میخ، شکل‌های مختلفی بر روی آن می‌کشیم. حال غلتک را به داخل رنگ می‌زنیم و روی کاغذ حرکت می‌دهیم (شکل ۳-۲۴).



شکل ۳-۲۴

۷- چاپ با استفاده از برگ: قسمت پشت برگ‌ها را، که برجسته هستند، به رنگ آغشته می‌کنیم و روی کاغذ فشار می‌دهیم (شکل ۳-۲۵).



شکل ۳-۲۵

۸- چاپ با استفاده از پوست درخت: پوست درخت‌های مختلف را پس از جمع‌آوری و آغشته نمودن با رنگ، روی کاغذ چاپ می‌کنیم (شکل ۲۶-۳).



شکل ۲۶-۳

۹- چاپ با استفاده از قرقره خالی: دو طرف قرقره را به رنگ آغشته می‌کنیم و با نخ یا کاموا یا ریسمانی، که از داخل قرقره رد کرده‌ایم، آن را روی کاغذ به حرکت درمی‌آوریم (شکل ۲۷-۳).



شکل ۲۷-۳

۱۰- چاپ با استفاده از بلال: بلال را به رنگ آغشته می‌کنیم و روی کاغذ حرکت می‌دهیم (شکل ۲۸-۳).



شکل ۲۸-۳

تمرین

با توجه به مثال‌ها، از هر نوع نمونه‌ای تهیه کنید.

کولاژ

کولاژ^۱ (کلاژ)، که کلمه‌ای فرانسوی است (به معنی بریدن و چسباندن)، یک هنر تجربی (آبستره) است که در آن به جای رنگ کردن از چسب‌کاری استفاده می‌شود. در سال ۱۹۱۰، براک نقاش فرانسوی، در بیان تصاویر و سطوح کوبیسمی و مجرد، به نقش طبیعی بعضی از اشیاء پرداخت و راه تازه‌ای در ترکیب این نقوش آغاز کرد. پیکاسو، نقاش اسپانیولی الاصل نیز، به تقلید از بعضی اشیاء و مصالح، مانند، چوب، مرمَر، ... به نقاشی پرداخت و در میان نقوش تجربی راهی به سوی عالم طبیعت باز کرد. در سال ۱۹۱۲، پیکاسو قدم تازه‌ای برداشت و به جای توصیف دقیق برخی اشیاء، خود آن‌ها را در پرده نشانده و در نتیجه قطعاتی از مقوا، کاغذ پاره‌ی

روزنامه، پارچه، پاکت و ... را در میان نقوش پرده ظاهر کرد و با این اقدام راه تازه‌ای در نقاشی، که به نام کولاژ معروف است، گشود. کودکان از انجام چنین عملی لذت می‌برند و این فرصت مناسبی است تا آنان انتخاب و نظم و ترتیب را بیاموزند. در این کار، از چسباندن هر نوع ماده‌ای که قابل چسباندن باشد می‌توان استفاده نمود. مانند انواع کاغذ، انواع پارچه، و حبوبات و مواد خوراکی و دور ریختنی (شکل ۲۹-۳).



شکل ۲۹-۳

تمرین

با توجه به انواع کولاژها، از هر روش نمونه‌ای تهیه کنید و در پوشه‌ی فعالیت‌های خود قرار دهید.

کار با خمیر

کودکان کار با خمیر را دوست دارند و نسبت به ابداع، ساختنی و قالب‌گیری اشیاء، علاقه نشان می‌دهند. کودک دوست دارد با خمیر بازی کند و آن را به صورت‌های مختلفی درآورد.

از لحاظ استعداد هنری، بین کودکان تفاوت زیادی وجود دارد. از این رو، میزان لذت ناشی از این فعالیت مهم نیست بلکه مهم آن است که هر کودکی بتواند با استفاده از ابزارهای گوناگون استعداد خاص خود را بروز دهد. در عین حال، باید او را تشویق کرد تا به این هنر لطیف ادامه دهد. خمیر آماده و یا خمیری که طرز ساخت آن بیان شده است.

امکاناتی در اختیار کودکان قرار می‌دهد عبارت است از:

- بازی با آن برای کودکان خردسال آسان و آرام‌بخش است.

- به راحتی خم می‌شود و به شکل دل‌خواه درمی‌آید.

- دست‌مالی و به شکل درآوردنش لذت‌بخش است.

- چیزهای کوچک به آسانی در خمیر فرو می‌رود و پیدا شدن دوباره‌ی آن‌ها از توی خمیر، برای کودکان جالب و جذاب است.

- کودکان می‌توانند آن را لوله کنند، چنگ بزنند و در آن حفره ایجاد کنند یا بر آن فشار آورند تا پهن شود. هم چنین می‌توانند

با مواد و ابزار مختلف، بافت‌های متفاوتی در آن به‌وجود آورند.

– در بازی با آن می‌توان از دکمه، صدف، چوب کبریت، چوب بستنی، نی نوشابه و ... برای ساختن چشم، بینی، دست و ... استفاده نمود یا با آن‌ها بافت ایجاد کرد.

– کودکان، با خمیر بازی می‌توانند در به‌کارگیری انگشتان خود مهارت یابند.

– کودک با یک گلوله خمیر بازی و حرکت هماهنگ، یک سان و قرینه‌ای انگشتان دو دست، می‌تواند صورت را بازسازی کند و به این واقعیت برسد که برای ساخت حجم‌های قرینه باید از دست‌ها که قرینه‌اند و حرکات قرینه‌ی آن‌ها استفاده کند. در واقع بهترین عامل برای تعریف قرینگی در نزد کودک همین است.

تمرین

ضمن تهیه‌ی خمیر، خودتان، نیز تمرین کنید و اشکال گوناگون بسازید.

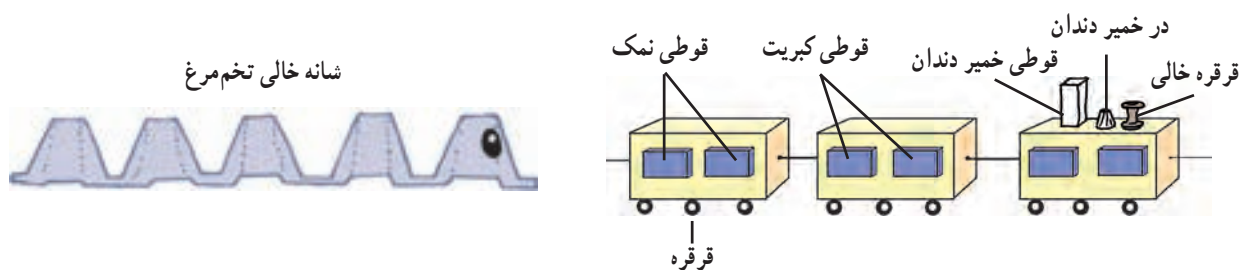
کار با دور ریختنی‌ها

جمع‌آوری اشیاء و مواد دور ریختنی، یکی از سرگرمی‌های مورد علاقه‌ی کودکان است. دختران بیش‌تر از پسران به این کار علاقه نشان می‌دهند. وقتی کودکان وسایل را جمع‌آوری می‌کنند باید، با دادن اطلاعات و امکانات کم، این مواد و وسایل را به وسایل بازی و سرگرمی تبدیل کنند. وسایلی که می‌تواند به دست خود آن‌ها تهیه شود و خلاقیت آنان را شکوفا کند.

موادی از قبیل سنگ، سنگ‌ریزه، پر، صدف، گوش‌ماهی، هسته‌ی میوه‌ها، پوست آجیل، برگ درختان، گل‌ها، حبوبات چرب، (پسته – گردو)، شانه‌ی تخم‌مرغ خالی، قوطی‌های خالی، جعبه‌های شیرینی، کفش، لوله‌های خالی استوانه‌ای مقوایی، قرقره‌های خالی، در نوشابه و شیشه شیر، چوب بستنی و ...

البته کودکان ضمن جمع‌آوری مواد گوناگون و شناخت آن‌ها، تخیل و تصور خود را هرچه بیش‌تر در این مسیر به کار خواهند گرفت.

۱- ساخت قطار با استفاده از قوطی‌های مختلف کوچک و بزرگ (شکل ۳-۳۰).



شکل ۳-۳۰



شکل ۳-۳۱

۲- ساختن کاردستی‌های گوناگون

الف – کاردستی با قوطی خالی: ساختن عروسک با

قوطی‌های خالی مواد شوینده و شامپو و ... (شکل ۳-۳۱).

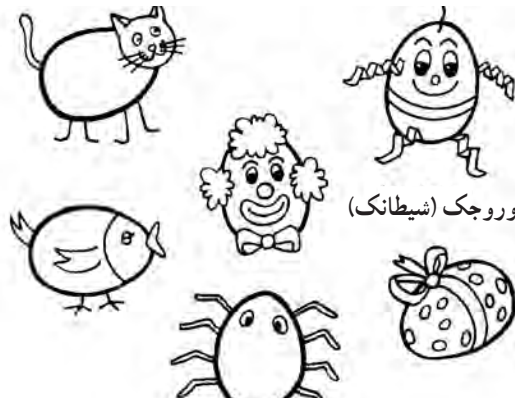


شکل ۳-۳۲

ب - کاردستی با سنگ‌ها: سنگ‌ها را در اندازه و فرم‌های گوناگون جمع‌آوری می‌کنیم و در اختیار کودکان قرار می‌دهیم تا روی آن‌ها نقاشی کنند (شکل ۳-۳۲).

ج - کاردستی با تخم مرغ پخته: بعد از پختن تخم مرغ، می‌توانند آن‌ها را با رنگ کردن و یا با کاغذ تزیین کنند (شکل

۳-۳۳).



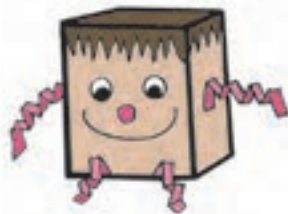
شکل ۳-۳۳

۳- چند نمونه دیگر از کاردستی با وسایل بی‌مصرف: در این نمونه‌ها از قرقره، قوطی، لوله‌های کاغذی، شانه تخم مرغ

و قوطی‌های مقوایی استفاده شده است (شکل ۳-۳۴).



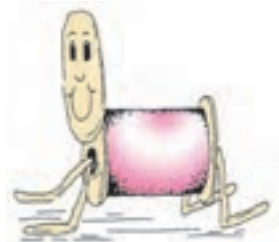
د: قایق با قوطیها



ج: آدمک با قوطی بودر لباس‌شویی



ب: آپارتمان چند طبقه با قوطی



الف: بچه با قرقره و مقوا

ه: موشک از لوله دستمال کاغذی



ی: کاتر بیلار ساخته شده از مقوای جا تخم مرغی



و: دلقک از لوله دستمال کاغذی



ن: صدپا از شانه تخم مرغ

شکل ۳-۳۴ - چندین نمونه ساخته شده با مواد دور ریختنی

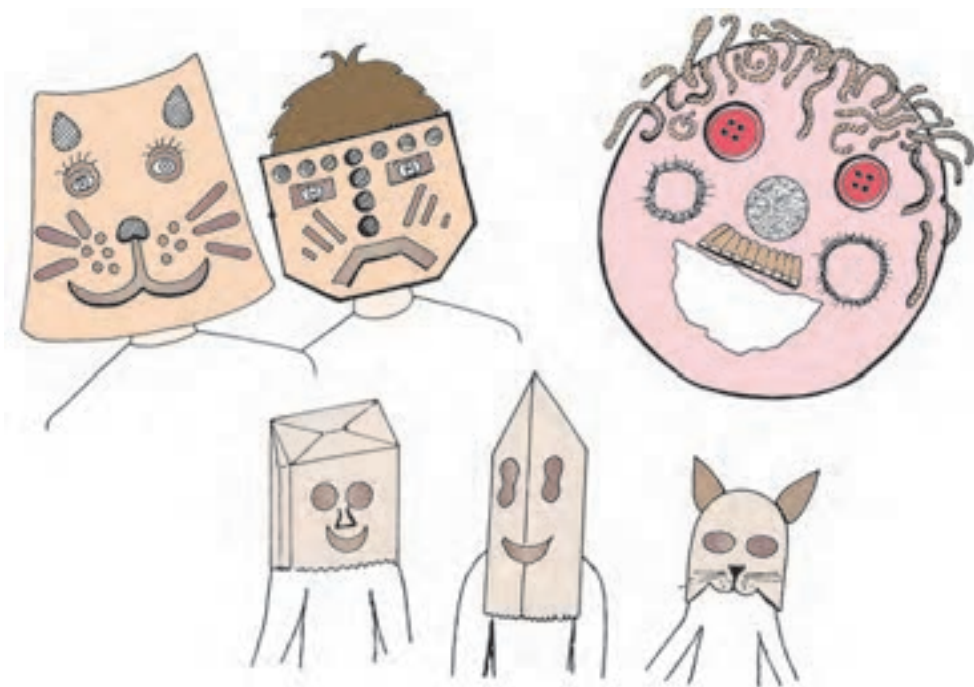
تمرین

از شما می‌خواهیم که با توجه به روش‌های ارائه شده، نمونه‌هایی بسازید.

ماسک‌ها و شکل‌سازی

یکی از هیجان‌انگیزترین بازی‌ها، بازی‌های تقلیدی و تخیلی است. برای این منظور استفاده از ماسک‌ها بسیار مناسب به نظر می‌رسد. کودکان از این نوع بازی‌ها لذت می‌برند و اجرای این فعالیت‌ها، قوه‌ی تخیل آن‌ها را تحریک و تقویت می‌کند. ماسک‌هایی که توسط کودکان می‌تواند تهیه شود معمولاً از جنس کاغذ و مقوا و یا ترکیبی از آن‌هاست.

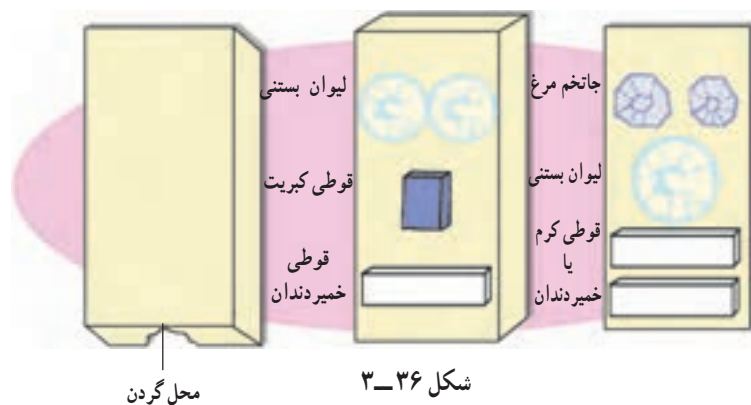
۱- ساخت ماسک‌ها با استفاده از پاکت‌های کاغذی: ساختن این ماسک‌ها بسیار آسان است. پاکت را روی سر کودک بگذارید. محل چشم‌ها، بینی و دهان آن‌ها را با مداد بر روی پاکت مشخص کنید. حالا آن‌را از سر کودک خارج و چشم‌ها را قیچی کنید و به هر شکلی که کودک دوست دارد آن‌را تزئین نمایید (شکل ۳۵-۳).



شکل ۳۵-۳

۲- ساخت ماسک با استفاده از جعبه‌های مقوایی:

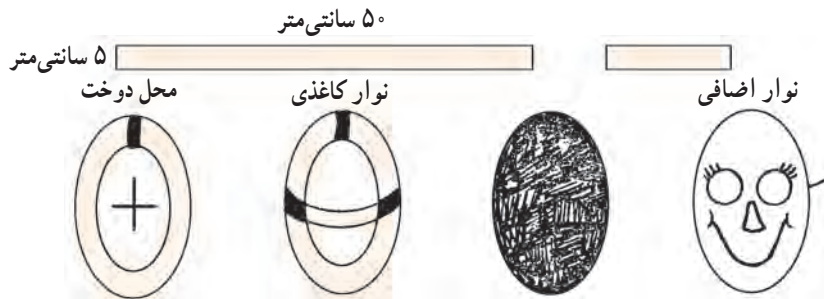
برای ساختن این نوع ماسک‌ها می‌توان از جعبه‌های کفش، شیرینی، قوطی کبریت، انواع قوطی‌های خالی کوچک و بزرگ، شانه‌ی تخم‌مرغ و ... استفاده نمود. جعبه، در حکم قالب است. در یک طرف از سطوح کوچکتر، که می‌تواند به جای گردن باشد، یک نیم‌دایره ببرید. حالا محل



شکل ۳۶-۳

چشم‌ها، دهان، بینی را روی سطح جعبه با مداد مشخص کنید و آن محل‌ها را ببرید. با استفاده از سایر قوطی‌های کوچک، روی آن‌را تزیین کنید و رنگ بزنید (شکل ۳-۳۶).

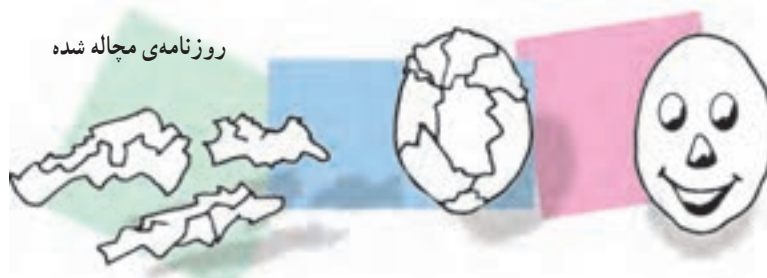
۳- ساخت ماسک با استفاده از کاغذ و خمیر: برای ساختن این ماسک‌ها، مقوایی به طول $5 \times 5^{\circ}$ سانتی‌متر تهیه می‌کنیم. دو سر مقوا را با چسب یا ماشین دوخت به هم وصل می‌کنیم. سطح یک ورق روزنامه را به چسب آغشته می‌کنیم و روی قالب می‌چسبانیم و سپس چند ورق دیگر روی آن قرار می‌دهیم تا قالب محکم شود (توجه: محل بینی را طوری در نظر بگیرید که فضای کافی برای تنفس باشد). اجازه می‌دهیم تا قالب خشک شود. سپس، محل چشم‌ها، دهان و بینی کودک را روی قالب مشخص می‌کنیم و آن محل‌ها را با کارد یا تیزبر می‌بریم. حالا رنگ‌آمیزی لذت دارد (شکل ۳-۳۷).



شکل ۳-۳۷

هم‌چنین، می‌توانید صفحات روزنامه را مجاله کنید و به اندازه‌ی صورت یک کودک درآورید. حالا روزنامه‌ی دیگری را با چسب آغشته کنید و روی آن‌ها بچسبانید، طوری که تمام سطح آن را در برگیرد. برای ساختن بینی و گونه‌ها، از قطعات کوچک‌تر روزنامه، که مجاله کرده‌اید، استفاده کنید.

اجازه دهید تا قالب خشک شود. حالا محل چشم‌ها را با تیزبر ببرید و ماسک را به دل‌خواه تزیین کنید. می‌توانید این ماسک‌ها را در شکل‌های مختلف عروسکی، حیوانات و ... بسازید (شکل ۳-۳۸).



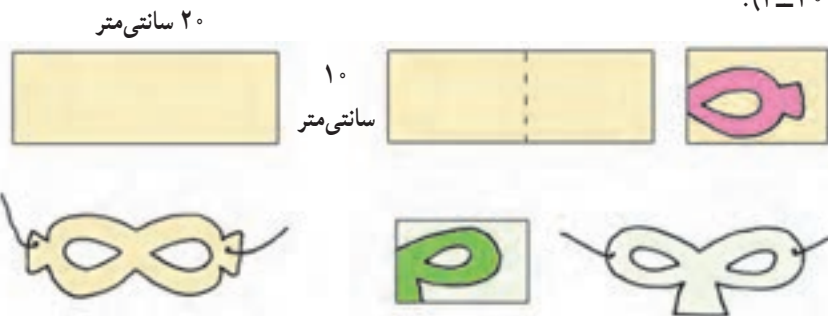
شکل ۳-۳۸

۴- ساخت ماسک با استفاده از بشقاب‌های مقوایی یا کاغذی: بشقاب‌های مقوایی گرد را روی صورت کودک قرار دهید. محل چشم‌ها، بینی و دهان را مشخص کنید. حالا به هر شکل که دوست دارید آن‌ها را تزیین کنید (شکل ۳-۳۹).



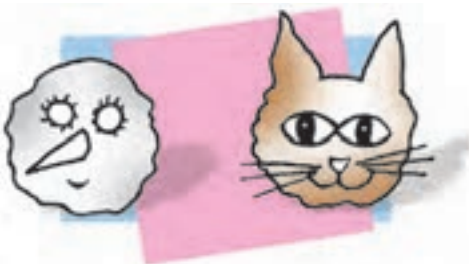
شکل ۳-۳۹

۵- ساخت ماسک با استفاده از مقوا: ماسک‌های متعددی را می‌توان به صورت عینکی، برای کودک تهیه نمود. مقوا را به اندازه 10×20 سانتی‌متر ببرید. آن را از وسط تا کنید به گونه‌ای که وسط مقوا، وسط صورت کودک باشد. محل چشم‌ها را روی آن مشخص کنید و ببرید. به وسیله کش یا نخ، دو طرف مقوا را سوراخ کنید و ببندید. کودک می‌تواند آن را روی صورت خود نگهدارد (شکل ۳-۴۰).



شکل ۳-۴۰

۶- ساخت ماسک با استفاده از خمیر روزنامه: قطعات روزنامه را در سطل بزرگی، که تا نیمه از آب پر کرده‌اید، بریزید و خیس کنید تا به صورت خمیر درآید. سپس خمیر را از سطل بیرون آورید و آب اضافی آن را بگیرید. در یک ظرف، چسب چوب آماده نمایید و گلوله‌های کاغذی را به آن آغشته کنید و به خمیر روزنامه شکل بدهید و بگذارید کاملاً خشک شود. سپس به دل‌خواه رنگ‌آمیزی کنید (شکل ۳-۴۰).



شکل ۳-۴۱

تمرین

با توجه به انواع ماسک‌ها از هر نمونه یک مدل بسازید.

عروسک‌های نمایشی

فعالیت‌های نمایشی، یکی از مؤثرترین امکانات آموزشی و تربیتی برای کودکان است و دارای ارزش‌های فراوانی است. بازی‌های نمایشی، ابزار و عامل تکامل کودک و پرورش ادراک، حافظه و تخیلات او می‌شود و نیروی عضلانی کودک را تقویت می‌کند. استفاده از مهارت‌های حرکتی در فعالیت‌های نمایشی، باعث نشاط و شادمانی کودک می‌گردد. اجرای نمایش‌های عروسکی برای کودکان، فرصتی است تا آن‌چه را که روزانه برایشان اتفاق افتاده و آنان را تحت تأثیر قرار داده است، ابراز نمایند و در نتیجه از فشارهای روزانه خود بکاهند. در این جا، به طرز ساختن چند نمونه از عروسک‌های نمایشی اشاره می‌شود. کودکان به کمک شما می‌توانند در ساخت این عروسک‌ها شریک شوند.

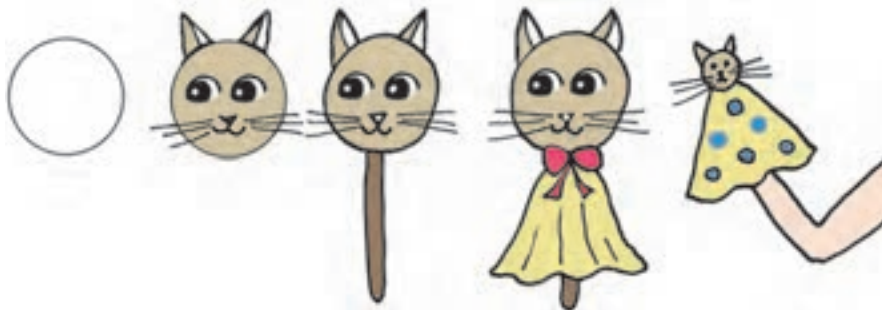
انواع عروسک‌ها

۱- عروسک‌های متحرک: برای ساختن این نوع عروسک‌ها، بادکنک گلابی شکلی را انتخاب کنید. آن را باد کنید و سپس دور آن را با کاغذ روزنامه و چسب بپوشانید. اجازه دهید خوب و کاملاً خشک شود. به وسیله‌ی تیزر یا تیغ، قسمت بالای آن را ببرید. سنگی به اندازه‌ی یک مشت را به چسب آغشته کنید و در داخل و ته بادکنک بچسبانید. اطراف سنگ را با کاغذ روزنامه و چسب ببندید. روی بادکنک را تزیین کنید. وقتی دست به بادکنک بزنید به طرف چپ و راست حرکت خواهد کرد (شکل ۴۲-۳).



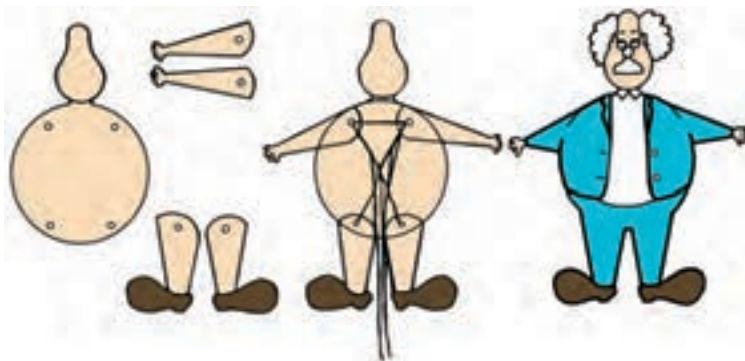
شکل ۴۲-۳

۲- عروسک‌های میله‌ای: با استفاده از خمیر روزنامه، صورت‌های مختلف حیوانات را بسازید و در بالای آن تکه چوبی بچسبانید. برای این که دست و چوب دیده نشود، برای آن‌ها از کاغذ یا پارچه لباس یا شنل تهیه کنید (شکل ۴۳-۳).



شکل ۴۳-۳

۳- عروسک متحرک مقوایی: از یک تکه مقوا، قطعات سر و تنه، دو پا و دو تا دست را ببرید. قسمت بالای دست‌ها و پاها



شکل ۴۴-۳

را با سوراخ‌کن طوری سوراخ کنید که از بالا یک سانتی‌متر فاصله داشته باشد. چهار قسمت تنه (شانه‌ها و ران‌ها) را نیز با سوراخ‌کن سوراخ و به وسیله‌ی دگمه‌ی فشاری یا گیره‌ی دو شاخ کاغذ به هم متصل کنید. حالا دست‌ها و پاها را با نخ، یکی یکی وصل کنید. سپس از وسط نخ، دست‌ها و پاها را محکم به هم ببندید. حالا نخ اضافی را بکشید، عروسک حرکت خواهد کرد (شکل ۴۴-۳).

۴- عروسک کاموایی: کاموا را دور کتاب ضخیمی آن قدر بیچید تا پهنای آن به ۸ سانتی متر برسد. سپس، با خارج کردن آن از کتاب و به هم بستن وسط کاموا، قسمت سر آن را ببرید. کمی پنبه یا پارچه گلوله کنید و در وسط کاموا قرار دهید و خوب از قسمت گردن ببندید، طوری که تنه و سر معلوم شود. حالا کاموا را به چهار بخش قسمت کنید و دست‌ها و پاها را بیافید (شکل ۳-۴۵).



شکل ۳-۴۵

همان گونه که قبلاً گفته شد، شما می‌توانید با استفاده از مقوا، قوطی کبریت، تخم مرغ شکسته، بطری خالی، قاشق، جوراب، دورریختنی‌ها عروسک‌های جالبی بسازید، که نمونه‌هایی از آن‌ها در شکل (۳-۴۶) آمده است. از این عروسک‌ها در نمایش و کتاب‌خوانی و قصه‌گویی می‌توانید استفاده کنید.



شکل ۳-۴۶

خود را بیازمایید

- ۱- فعالیت‌های هنری چه تأثیری بر کودکان می‌گذارد؟
- ۲- در مورد آموزش هنر به کودکان، مریبان چه نکاتی را باید رعایت کنند؟
- ۳- مراحل رشد هنری کودکان را نام ببرید.
- ۴- در مرحله‌ی حرکات عضلانی و اثرگذاری، وسایلی را، که می‌توان در اختیار کودکان قرارداد، نام ببرید.
- ۵- بررسی‌های گلوگ در مورد نقاشی کودکان جهان، مؤید چه نکاتی است؟
- ۶- در مرحله‌ی خط‌خطی، کودکان چگونه به موضوع نقاشی خود می‌پردازند؟
- ۷- نام‌گذاری تصاویر در مرحله‌ی طرح‌ریزی، چگونه صورت می‌گیرد؟
- ۸- چرا آموزش مستقیم تکنیک‌های نقاشی به کودکان درست نیست؟
- ۹- چگونه باید با تفاوت‌های فردی کودکان در فعالیت‌های هنری برخورد کرد؟
- ۱۰- برای توسعه‌ی دید کودکان چه راه‌کارهایی پیش‌نهاد می‌کنید.

کتابنامه

- ۱- اولیور فراری، آنا: نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه‌ی عبدالرضا صرافان، انتشارات دبستان، زمستان، ۱۳۷۱.
- ۲- انگجی لیلی و سعدیه فرشچی: من و دنیای من (جلد ۱ و ۲)، ترجمه و تألیف، چاپ سوم - تهران، نشر شورا، ۱۳۷۲.
- ۳- دی لئو، جوزف، تفسیر نقاشی کودکان، ترجمه‌ی فاطمه فروزان، تهران، سازمان بهزیستی کشور، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۱۳۷۵.
- ۴- سرگرمی‌ها، ترجمه‌ی لیلی انگجی، چاپ اول، انتشارات نشر شورا، ۱۳۷۲.
- ۵- مقدمه‌ای بر روان‌شناسی نقاشی کودکان، ترجمه‌ی عباس فجر، چاپ اول، تهران، نشر دنیای نور، ۱۳۷۵.
- ۶- کرمن، ل: نقاشی کودکان، کاربرد تست ترسیم خانواده در کلینیک، ترجمه پروین دادستان و محمود منصور، چاپ اول، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۷۱.
- ۷- ماهنامه‌ی جامعه‌ی سالم، فاطمه قاسم‌زاده، سال دوم ص ۴۳، شماره نهم، خرداد ۱۳۷۲.
- ۸- مختاری، فرحناز: روان‌شناسی نقاشی کودکان، تهران، افاقی، ۱۳۷۶.
- ۹- رید، هربرت: هنر و آموزش و پرورش، ترجمه‌ی مهدی جلالی، چاپ اول، تهران، انتشارات کمسیون در ایران، ۱۳۴۰.
- ۱۰- مقدسی حمیده: روان‌شناسی هنر برای کودکان عادی و استثنایی، انتشارات چاپار فرزندگان، ۱۳۷۲.
- ۱۱- واثقی مینو: آموزش هنر، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول ۱۳۷۴.

نقش و اهمیت سلامت در دوران پیش از دبستان



هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، دانش‌آموز باید بتواند:

- ابعاد مختلف سلامت را شرح دهد.
- نقش و اهمیت شناخت بدن را در سلامت توضیح دهد.
- نکاتی را، که والدین و مربیان باید درباره‌ی شناخت بدن بدانند، توضیح دهد.
- فعالیت‌هایی را، که برای تقویت حواس باید اجرا کرد، فهرست نماید.
- فعالیت‌ها و بازی‌هایی برای پرورش حواس طراحی کند.
- فعالیت‌ها و بازی‌هایی برای پرورش جسمانی کودکان طراحی کند.

مقدمه

«سلامت» یکی از مفاهیم بنیادی بهداشت روان و تن است که از جنبه‌های مختلف به آن توجه شده است. از طرفی، «سلامت» یکی از نعمت‌هایی است که همه‌ی انسان‌ها در جست‌وجوی آن‌اند و بدون آن، زندگی از معنای اصلی خود تهی است. از این دید، سلامت در کنار مفاهیمی، چون خوشبختی، موفقیت و رستگاری قرار می‌گیرد که خواست همه‌ی انسان‌هاست.

سلامت، به تعریف سازمان بهداشت جهانی، به معنای دست‌یابی به وضعیت کامل و سالم از نظر جسمی، روانی و اجتماعی است. بنابراین تعریف، سلامت سه بعد اساسی دارد: یک بُعد آن سلامت جسمی است که به معنای برخورداری فرد از وضعیتی است که نه تنها هیچ بیماری‌ای او را تهدید نکند بلکه با مشکلات جسمی نیز روبه‌رو نباشد. بُعد دیگر، سلامت روانی است که در زندگی انسان‌ها از اهمیت فراوانی برخوردار است. سلامت روانی نیز تنها به معنای نداشتن بیماری روانی نیست بلکه منظور این است که فرد دارای خصوصیات روانی مناسبی باشد. به عنوان مثال، ممکن است فردی دچار بیماری روانی خاصی نباشد اما از مهارت‌های لازم برای ادامه‌ی یک زندگی

موفق بی بهره باشد و نتواند با دیگران روابط مناسبی برقرار سازد. چنین فردی از سلامت روانی کامل برخوردار نیست. بعد دیگر سلامت، سلامت اجتماعی است. انسان موجودی است که یکی از مشخصه‌های او اجتماعی بودن است. از این رو، انسان سالم فردی است که، علاوه بر برخورداری از سلامت جسمی و روانی، توانایی سازگاری با دیگران و مشارکت فعال در جامعه را داشته باشد. سلامت اجتماعی فقط به این معنا نیست که فردی ضد اجتماعی و بزهکار نباشد بلکه باید از مهارت‌های دیگر زندگی اجتماعی نیز برخوردار باشد. بدون تردید، دستیابی به سلامت فردی، با توجه به ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی آن، مهم‌ترین عامل در ایجاد خانواده و جامعه‌ی سالم است.

نقش و اهمیت سلامت و ایمنی در آموزش کودکان

یادگیری با تولد شروع می‌شود. از همان روزهای اول زندگی، کودکان مشغول یادگیری مهارت‌هایی می‌شوند که در بقیه‌ی دوران زندگی به آن‌ها نیاز دارند.

کودکان باید هماهنگی چشم و دست و حرکات و راه رفتن را یاد بگیرند؛ حرف زدن را بیاموزند و مهارت‌های فکر کردن را فراگیرند. آن‌ها باید خود و توانایی‌های خود را بشناسند؛ موقعیت و وضعیت خود را نسبت به دیگران یاد بگیرند و رفتارهای مورد قبول اجتماع را فراگیرند.

رشد مفاهیم از دوران شیرخوارگی آغاز می‌شود. کودک در این دوران با استفاده از حواس خود به اکتشاف جهان پیرامونش می‌پردازد. وی با نگاه کردن، لمس کردن، بویدن، چشیدن، حرکت کردن و...، اندازه، وزن، شکل، فضا و زمان را در ذهن خود شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، جست‌وجو و کشف کودک از جهان پیرامون، از کشف وجود خودش شروع می‌شود و این، مهم‌ترین مبنای یادگیری است.

مباحث مرتبط با سلامت و ایمنی کودک، در سطوح قبل از دبستان بسیار مهم است. کودکان در سنین پایین‌تر، بیش‌تر در معرض سرماخوردگی و سایر بیماری‌ها قرار دارند و بسیار بیش‌تر از کودکان بزرگ‌تر در معرض حوادث گوناگون‌اند. به عبارت دیگر آسیب‌پذیری کودکان در سنین پایین، بسیار بیش‌تر است. از این رو مشاهده و زیر نظر داشتن وضعیت سلامت کودک و هم‌چنین اطمینان از ایمنی فیزیکی او در فعالیت‌های گوناگون، جایگاه ویژه‌ای در وظایف مربیان دارد.

مربیان باید به چهار جنبه‌ی سلامت و ایمنی توجه داشته باشند:

۱- پیش‌گیری از بیماری و مصدومیت‌ها؛

۲- تشخیص بیماری؛

۳- برخورداری از دانش و اطلاعات لازم در مورد کمک‌های اولیه؛

۴- و ایجاد عادات خوب برای سلامت و ایمنی در کودک.

با توجه به این که سه مورد از موارد فوق را در کتاب‌های دیگر مطالعه کرده‌اید، در این فصل تنها به قسمت چهارم پرداخته می‌شود.

ضرورت شناخت بدن به منزله‌ی گامی برای حفظ سلامت

سلامت جسمی و روانی کودک، نقش اساسی در امر یادگیری وی دارد. در جهان امروز کم‌تر کسی است که نسبت به اهمیت سلامت و بهداشت و تأثیر آن بر زندگی فردی و اجتماعی آگاهی نداشته باشد.

بهداشت مسئله‌ای است اجتماعی که تمام افراد جامعه با آن سر و کار دارند و بر روی فرد و جامعه اثر متقابل دارد. وقتی مردم به ارزش سلامت پی ببرند؛ رابطه‌ی بین بیماری و رفتار خود را درک کنند و بتوانند رفتار و عادات غیربهداشتی خود را تغییر دهند، به تندرستی یعنی رفاه جسمی، روانی و اجتماعی خواهند رسید. برای تأمین و حفظ سلامت، باید بهداشت به صورت فردی و اجتماعی رعایت شود تا سلامت جسم به دست آید و جسم سالم به سلامت روان کمک می‌کند. شخصی که از سلامت جسم و روان برخوردار باشد، در اجتماع مفیدتر واقع می‌شود. اگر قرار است قلب، چشم، گوش و دندان یک عمر برای انسان کار کنند باید به دقت از آن‌ها نگهداری شود. باید یاد گرفت که چگونه سلامت قلب تضمین می‌شود؛ چگونه باید از دید چشم محافظت کرد؛ به چه شیوه‌ای ممکن است شنوایی را حفظ و از دندان‌ها مواظبت نمود. پس از یادگرفتن این اصول، باید آن‌ها را عملاً به کار بگیریم. با این کار، ضمن حفظ سلامت و تندرستی خود، از بسیاری از بیماری‌ها پیش‌گیری کرده‌ایم و به آن‌ها مبتلا نخواهیم شد.

نکاتی که والدین و مربیان باید در این زمینه بدانند

۱- افزایش قد و وزن، نشان دهنده‌ی سلامت طبیعی کودک است. بنابراین، کنترل ماهانه و یا حداقل سه ماه یک‌بار قد و وزن هر کودک لازم است. اگر کودک کاهش وزن داشته باشد و یا از نظر قد افزایشی نشان ندهد باید به پزشک مراجعه کرد. هدف اصلی از کنترل رشد کودکان، جلوگیری از سوء تغذیه و در نتیجه، رشد سالم آنان است.

برای دستیابی به برآوردی از الگوی رشد هر کودک، تنظیم نمودار رشد بسیار کمک کننده است. بررسی و معاینه‌ی پزشکی همه‌ی کودکان، حداقل یک‌بار در سال ضروری است. این اطمینان نیز باید حاصل شود که همه‌ی کودکان واکسن‌های لازم را دریافت کرده و مصونیت یافته‌اند.

۲- رشد جسمی و حرکتی کودک را، که تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند عوامل ژنتیکی، وضعیت تغذیه، شرایط عمومی بدن و نیز فرصت برای حرکت و تمرین‌های ورزشی قرار دارد، زیر نظر بگیرید.

۳- کودکان در این مرحله کنجکاو و بیش‌تری دارند و در یادگرفتن امور جدید مشتاق‌ترند و کوشش بیش‌تری صرف می‌کنند. به همین سبب، محرکات محیطی لازم را برای کوشش در یادگیری فراهم می‌آورند.

۴- فعالیت‌های گوناگون و متنوعی برای کودکان انتخاب کنید تا علاقه‌ی کودک را برانگیزد و استفاده از ماهیچه‌های مختلف و رشد هماهنگ بین آن‌ها را میسر سازد. تعادلی بین فعالیت‌های آرام و فعال و نیز فعالیت‌های بازی در محیط داخل و خارج برای کودکان فراهم آورید.

۵- پس از هر دوره فعالیت شلوغ و پر جنب‌وجوش، یک دوره‌ی استراحت برای کودکان تدارک ببینید.

۶- به هنگام اجرای بازی‌های کودکان در محیط باز و بسته، هوشیار باشید تا از بروز حوادث و رویدادهای ناگوار جلوگیری شود. برای این کار باید از ایمنی وسایل و مکان، اطمینان کافی داشته باشید. (لغزنده بودن کف زمین بازی، قفل درها، محکم نبودن وسایل بازی نصب شده)

۷- در حالی که کنترل کامل ادرار تا سه سالگی حاصل می‌شود حوادث ناخوشایند مربوط به کنترل ادرار به علت بیماری یا ناراحتی‌های عفونی و یا مشغول شدن به فعالیت، ممکن است برای کودکان پیش‌آید و موجب اضطراب و نگرانی آن‌ها شود. به همین جهت، یادآوری مناسب تخلیه‌ی ادرار، در این سنین برای آن‌ها بسیار ضروری است ولی کودک هرگز نباید به دلیل این‌گونه «حوادث اتفاقی»، احساس گناه و حقارت کند.

۸- کودکان از فعالیت بیش از حد، یا نشستن در یک محل بدون حرکت برای مدتی زیاد، خیلی زود خسته می‌شوند.

۹- کودکان را با نشانه‌های مواد سمی و غیرخوراکی آشنا کنید تا از دست زدن به آن‌ها و یا خوردن آن‌ها پیش‌گیری شود. (گیاهان، آب نوشیدنی)

۱۰- کودکان را با خطرات محیط پیرامون خود، مانند پریز برق، سیم‌های برق و ... آشنا کنید. به کودکان بزرگ‌تر (۴ تا ۶ ساله) شماره تلفن‌های خاصی (مانند آتش‌نشانی ۱۲۵، پلیس ۱۱۰ و ...) را بیاموزید.

۱۱- به کودکان بیاموزید که به بهداشت دیگران نیز توجه داشته باشند و به هنگام بروز سرفه یا عطسه کردن، با گرفتن دستمال در جلوی بینی خود، از انتقال بیماری‌ها به دیگران جلوگیری کنند.

۱۲- خواندن کتاب‌هایی که تأکید بر سلامت دارد، برای کودکان ضروری است.

چگونه می‌توان مهارت‌های دیداری را پرورش داد

برای این که کودک بتواند از طریق حس بینایی خود، با دنیای خارج ارتباط برقرار کند، علاوه برداشتن اعضای بینایی سالم، باید بتواند به آن چه که می‌خواهد نگاه کند؛ نگاه خود را از روی اراده از جایی به جای دیگر متمرکز کند؛ بتواند آن چه را در دایره دیدش قرار دارد به هم مربوط کند و روابط موجود بین آن‌ها را ببیند و درک کند؛ بتواند آن چه را می‌بیند درک کند و به خاطر بسپارد، و سرانجام توان به کارگیری ادراکات خود را داشته باشد.

از این رو، برای پرورش حس بینایی، باید فعالیت‌هایی در زمینه‌ی نگاه کردن، تشخیص تفاوت‌ها و تشابهات تصاویر و حافظه بینایی، در برنامه‌ی آموزشی او گنجانده شود. بدیهی است کسب این مهارت‌ها، کودک را برای تشخیص شکل حروف و اعداد نیز آماده می‌سازد.

فعالیت‌های مربوط به کسب مهارت‌های دیداری

۱- نگاه کردن

هدف: تقویت تشخیص دیداری

ابزار مورد نیاز: اشیای مختلف مثل توپ، قوری، عروسک

مراحل اجرا

- اشیای مختلف را در مقابل کودک قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم با آن‌ها بازی کند. سپس با اشاره به یکی از اشیاء، از او می‌خواهیم آن را به ما بدهد. (توجه! نباید نام شیئی را ذکر نمود، بلکه باید تنها به ذکر جمله‌ی «آن را به من بده» اکتفا کرد) (شکل ۴-۱).



شکل ۴-۱

تعدادی کارت تصاویر و حیوانات مختلف را در مقابل کودک قرار می‌دهیم و با اشاره به یکی از آن‌ها، از او می‌خواهیم آن را به ما بدهد (شکل ۲-۴).



شکل ۲-۴

۲- تشخیص تفاوت و تشابه

هدف: تشخیص تشابه و تفاوت اشیا و تصاویر

هدف از این مرحله، این است که کودک بتواند تفاوت و تشابه اشیا و تصاویر را بداند و آن‌ها را از یکدیگر تمیز دهد (بدون این که نام آن‌ها را ذکر نماید). به عبارت دیگر، او باید بتواند همانندی یا ناهمانندی اشیا و تصاویر را، براساس شکل، رنگ و اندازه تشخیص دهد. برخی از فعالیت‌های مربوط به این زمینه عبارت‌اند از فعالیت‌های مربوط به تشخیص تفاوت و تشابه

ابزار مورد نیاز: اشیای مختلف مثل توپ، قاشق، عروسک

مراحل اجرا:

تعدادی اشیای آشنا (مثل قاشق، توپ، عروسک و ...) از هر یک دو عدد تهیه می‌کنیم. ابتدا دو شیء، مثل قاشق و توپ را انتخاب می‌نماییم و یک دسته از آن‌ها را در اختیار کودک قرار می‌دهیم. سپس با قرار دادن یکی از آن‌ها در مقابل کودک از او می‌خواهیم شیء مشابه آن را در کنارش بگذارد (مثلاً قاشق را کنار قاشق). در مرحله‌ی بعد، برای کمی دشوارتر شدن فعالیت، به تعداد اشیا اضافه می‌کنیم. یعنی: ابتدا سه و بعد چهار و پنج و ... شیء را در اختیار کودک می‌گذاریم و یکی یکی اشیای در اختیار گذاشته شده را در مقابل او قرار می‌دهیم تا او شیئی همانند را پیدا کند و در کنارش بگذارد (شکل ۳-۴).

فعالیت فوق را با استفاده از تصاویر اشیا، مرحله به مرحله اجرا می‌کنیم.



شکل ۳-۴

— تعدادی تصاویر اشیای شناخته شده را در مقابل کودک قرار می‌دهیم و با نام بردن یک یک اشیا، از او می‌خواهیم تصاویر آن‌ها را نشان دهد (شکل ۴-۴).



شکل ۴-۴

— تعدادی تصویر اشیای ساده را که هر یک در زمینه‌ای ترسیم شده است در مقابل کودک قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم اشیا را نام ببرد.

— جور کردن بر اساس شکل: تعدادی اشکال هندسی مختلف با رنگ‌های متفاوت (مثلاً، دو عدد چهارگوش قرمز، دو عدد چهارگوش زرد، دو عدد چهارگوش سبز، دو عدد سه گوش قرمز، دو عدد سه گوش زرد و ...) تهیه می‌کنیم، یک دسته از آن‌ها را در اختیار کودک قرار می‌دهیم و دسته‌ی دیگر را یک‌به‌یک در مقابل او می‌گذاریم و از او می‌خواهیم اشکال و هم شکل را در کنار هم قرار دهد. می‌توان از اشکال دیگر نیز برای جور کردن شکل استفاده کرد (شکل ۴-۵).



شکل ۴-۵

— جور کردن بر اساس رنگ: تعدادی مکعب‌های رنگی (از هر رنگ دو عدد) تهیه می‌کنیم. یک دسته از آن‌ها را در اختیار کودک قرار می‌دهیم و دسته‌ی دیگر را یک‌به‌یک در مقابل او می‌گذاریم و از او می‌خواهیم مکعب‌های هم رنگ را پیدا کند و در کنار مشابه آن قرار دهد. این فعالیت را می‌توان با مهره‌های رنگی، ماژیک، مداد رنگی و اسباب‌بازی‌های مینیاتوری نیز تمرین نمود (شکل ۴-۶).



شکل ۶-۴

— جور کردن اشیاء بر اساس بزرگی و کوچکی: تعدادی اشیاء (توپ و عروسک و ...) را در دو اندازه‌ی بزرگ و کوچک (از هر اندازه دو عدد) تهیه می‌کنیم و در مقابل کودک قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم اشیاء هم اندازه را در کنار یکدیگر قرار دهد.

— جور کردن اشیاء بر اساس بلندی و کوتاهی: تعدادی خط‌کش، مداد و ... را در دو اندازه‌ی بلند و کوتاه (از هر اندازه دو عدد) در مقابل کودک قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم اشیاء هم اندازه را با یکدیگر جور کند.

فعالیت فوق را با تصاویر اشیاء نیز اجرا می‌کنیم.

۳- حافظه‌ی بینایی و شناخت محرک‌های بینایی

هدف: شناخت، به خاطر سپردن و بازشناسی محرک‌های بینایی

هدف از این مرحله «شناخت»، «به خاطر سپردن» و «بازشناسی» محرک‌های بینایی است، که به منظور تقویت ادراک و حافظه‌ی بینایی صورت می‌گیرد. بدیهی است که در نتیجه‌ی تقویت حافظه‌ی بینایی، کودک خواهد توانست شکل حروف و اعداد را به خاطر بسپارد و بازشناسی کند.

برخی از فعالیت‌هایی که در زمینه‌ی شناخت محرک‌های بینایی و تقویت حافظه‌ی بینایی می‌توان اجرا کرد، به شرح زیر است:

— شناخت رنگ: پس از این که کودک جور کردن بر اساس رنگ را یادگرفت تعدادی مکعب یا مهره و یا کارت رنگی (از هر رنگ ۲ تا ۳ عدد) را در مقابل او قرار می‌دهیم. سپس مکعب آبی را برمی‌داریم و به کودک نشان می‌دهیم و می‌گوییم «این آبی است». تو مکعب‌های آبی رنگ مثل این را به من بده. او باید مکعب‌های آبی را پیدا کند و به مربی نشان دهد. در مرحله‌ی بعد بدون نشان دادن مکعب و فقط با گفتن نام رنگ (یعنی آبی)، کودک باید مکعب‌های آبی را پیدا کند و نشان دهد. این فعالیت را تا یادگیری کامل رنگ آبی ادامه می‌دهیم. در مورد رنگ‌های دیگر نیز، به همین ترتیب، عمل می‌کنیم. وقتی به آموزش دو یا چند رنگ می‌پردازید، باید همواره رنگ یا رنگ‌های قبل را نیز تکرار کنید.

— شناخت اندازه:

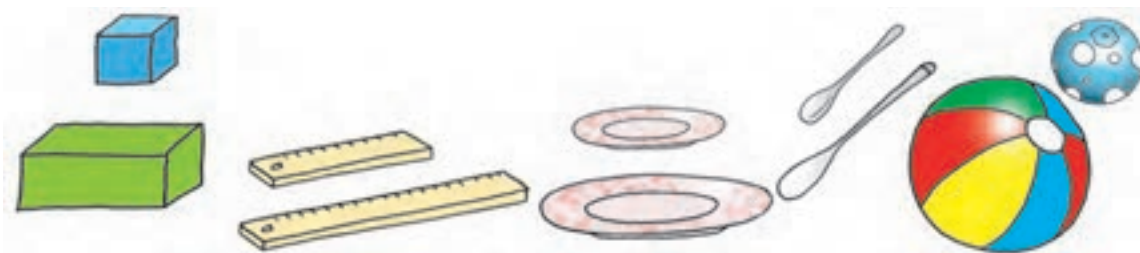
هدف: تشخیص اندازه‌ها

ابزار مورد نیاز: توپ، بشقاب، مکعب‌های چوبی در اندازه‌های کوچک و بزرگ — خط‌کش‌های بزرگ و کوچک

مراحل اجرا:

— تعدادی اشیاء (نظیر توپ، بشقاب، قاشق و ...) را در دو اندازه‌ی بزرگ و کوچک در اختیار کودک قرار می‌دهیم. سپس

با نشان دادن یکی از اشیای کوچک (مثلاً توپ کوچک) می‌گوییم «این توپ کوچک است» توپ‌های کوچک را به من بده. این فعالیت را با اشیای دیگر هم آن قدر تکرار می‌کنیم تا کودک این مفهوم را کاملاً یاد بگیرد. در مورد مفهوم بزرگ نیز، همین فعالیت را اجرا می‌کنیم. در مرحله‌ی بعد، بدون نشان دادن توپ بزرگ و یا کوچک، از کودک می‌خواهیم توپ‌های بزرگ و کوچک را به ما نشان بدهد (شکل ۴-۷).



شکل ۴-۷

– فعالیت فوق را با اشیای کوتاه و بلند و پهن و باریک و مفاهیم کم و زیاد، سبک و سنگین و ... اجرا می‌کنیم.
 – تصویری را به مدت ۵ ثانیه به کودک نشان می‌دهیم. سپس چند تصویر را که تصویر مذکور نیز یکی از آنهاست به او نشان می‌دهیم و از او می‌خواهیم تصویری را که قبلاً دیده است نشان دهد. (این کار را از دو تصویر و هم‌چنین از تصاویر اشیای آشنا شروع می‌کنیم).
 – با استفاده از مکعب‌های چوبی، برج یا شکل ساده‌ای ساخته، در مقابل کودک قرار می‌دهیم تا آن را مشاهده کند سپس آن را برمی‌داریم و از او می‌خواهیم شکلی مانند آن بسازد (شکل ۴-۸).

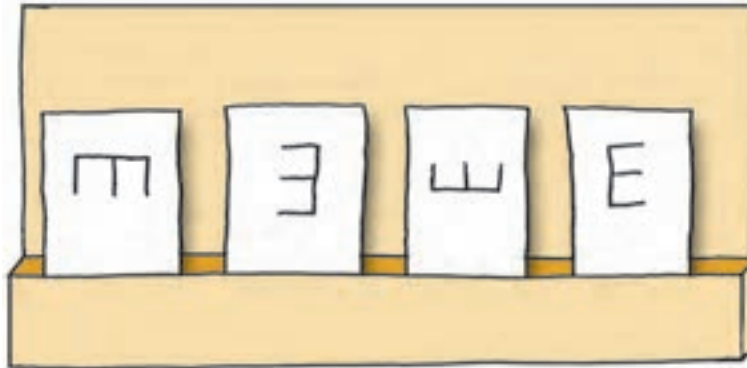


شکل ۴-۸

– تصویر^۱ و یا شبیه‌ی را، که قسمتی از آن ناقص است. در مقابل کودک قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم بگوید چه قسمتی حذف شده است. مثلاً عروسکی که یک دست ندارد.
 – یک شکل هندسی را به مدت چند ثانیه به کودک نشان می‌دهیم. سپس آن را برمی‌داریم و از او می‌خواهیم آن چه را که دیده است، بکشد.

۱- در مورد تصاویر از پازل استفاده کنید

– اشکالی مانند شکل زیر را یک به یک نشان می‌دهیم. پس از برداشتن آن‌ها، از او می‌خواهیم آن‌چه را دیده است، بکشد (شکل ۹-۴).



شکل ۹-۴

موارد یاد شده، فقط نمونه‌هایی از فعالیت‌هایی است که می‌توان در زمینه‌ی تشخیص تشابه و تفاوت محرک‌های بینایی اجرا کرد.

بدیهی است برای تعمیم و تثبیت مفاهیم آموزش داده شده، باید از فعالیت‌های مشابه دیگر استفاده نمود. در اجرای این فعالیت‌ها باید به دو نکته توجه داشت:

اول در ارائه‌ی اشیا و تصاویر ابتدا باید از دو شیء یا دو تصویر شروع نمود و به تدریج به تعداد تصاویر و اشیا افزود. دوم، از تفاوت‌های کاملاً محسوس و مشخص باید آغاز کرد و به تدریج از تفاوت‌ها کاست. به عنوان مثال برای نشان دادن تفاوت، اگر ابتدا از دو خط کش 10° و 50° سانتی متری شروع کرده‌ایم باید به تدریج تفاوت اندازه‌ها را کم کنیم تا به خط‌کش‌هایی با تفاوت اندازه‌ی ۵ سانتی متر یا کم‌تر برسیم.

تمرین

با توجه به آن‌چه که تاکنون آموخته‌اید نکات مهم بهداشت چشم را که کودکان باید رعایت کنند فهرست کنید.

چگونه می‌توان مهارت شنیداری را پرورش داد؟

یکی از راه‌های ارتباط با دنیای خارج، حس شنوایی است. برای استفاده از این حس، علاوه برداشتن اندام‌های شنوایی سالم، کودک باید قادر به شنیدن باشد؛ تفاوت و تشابه صداها را دریابد و آن‌چه را که شنیده است به خاطر آورد و بالأخره درک کند. اجرای تمرین و فعالیت در زمینه‌های فوق، سبب تقویت حس شنوایی می‌شود و استفاده‌ی بیش‌تر از این حس را امکان‌پذیر می‌سازد. از این رو، برای تقویت ادراک و حافظه‌ی شنوایی، باید فعالیت‌هایی را در زمینه‌ی شنیدن صدا، تشخیص تفاوت و تشابه صداها و شناخت صداها اجرا کرد.

فعالیت‌های مربوط به کسب مهارت شنیداری

۱- گوش دادن به صداها: هدف از این قسمت، گوش دادن صداهای مختلف از سوی کودک، بدون ذکر نام آن‌هاست،

هنگام ایجاد این صداها، باید صداهای مزاحم را حذف نمود و به کودک فن شنیدن را آموخت. به عبارت دیگر، کودک باید یاد بگیرد که موقع ایجاد صدا به آن توجه کند و به صدای مورد نظر گوش فرادهد. برخی از فعالیت‌های مربوط به این زمینه، عبارت‌اند از:

– به صدا درآوردن سازهای گوناگون (طبل، شیپور، بوق، سوت، زنگ، سازدهنی و ...).

– تکان دادن قوطی‌های پرشده از حبوبات یا شن و سنگ‌ریزه و ...

– ترکاندن بادکنک و یا کیسه نایلون بادکرده

– چرخاندن قاشق در لیوان

– به صدا درآوردن اسباب بازی‌های صدادار (جغجغه، ماشین کوکی و ...)

– مچاله کردن کاغذ

– به صدا درآوردن پول خرد در دست یا تکان دادن دسته کلید

در ادامه، فعالیت شنوایی را با مهارت‌های حرکتی توأم کنید.

– کودک باید در حالی که ایستاده است با شنیدن صدای طبل بنشیند و نشستن را آن قدر ادامه دهد تا با شنیدن مجدد صدای طبل، از جا برخیزد.

– چشمان کودک را می‌بندیم و با به صدا درآوردن طبل، از او می‌خواهیم به سمت صدا حرکت کند.

موارد ذکر شده، فقط نمونه‌هایی از فعالیت‌هایی است که می‌توان در این زمینه به اجرا درآورد و نباید تنها به این موارد، بسنده کرد. در انجام این فعالیت‌ها، ابتدا باید از صداهای بلند شروع نمود و به تدریج به صداهای کوتاه رسید.

۲- تشخیص تفاوت و تشابه صداها: کودک باید بتواند تفاوت و تشابه صداها را تشخیص دهد و یا نام آن‌ها را یاد بگیرد. برای این کار، آموزش را از دو صدای بسیار متفاوت مثل صدای طبل و صدای دست، آغاز می‌کنید و پس از این که کودک تفاوت این دو صدا را آموخت، به تدریج، تعداد صداهای شبیه به هم را افزایش دهید. به طوری که کودک بتواند تفاوت صداهای نزدیک به هم را تشخیص دهد. در این مرحله، هم چنین کودک باید بتواند تفاوت ریتم صداها (تندی و آهستگی) و جهت آن‌ها را نیز تشخیص دهد. از جمله فعالیت‌هایی که می‌توان در این زمینه اجرا کرد، عبارت‌اند از تولید دو صدای کاملاً متفاوت، مثل صدای طبل و صدای شیپور (شکل ۱۰-۴). کودک باید به یکی از این دو صدا، عکس‌العمل نشان دهد و فعالیتی را اجرا کند.



شکل ۱۰-۴

به عنوان مثال، ابتدا به کودک یاد می‌دهیم با شنیدن صدای طبل، از جای خود بلند شود و بایستد. پس از این که کودک این عمل را یادگرفت دو صدای مذکور را ایجاد می‌کنیم. او باید بتواند در حالی که نشسته است با شنیدن صدای طبل از جای خود برخیزد و با صدای شیپور بنشیند.

– تعدادی قوطی هم شکل و هم رنگ، حاوی مواد مختلفی از قبیل نخود، برنج، آرد، سکه و ... (از هر کدام دو عدد) تهیه می‌کنیم. دو قوطی حاوی موادی را که صدای آن‌ها کاملاً متفاوت است (مثل قوطی آرد و سکه) در اختیار کودک قرار می‌دهیم، با صدا درآوردن یکی از آن دو قوطی، از او می‌خواهیم صدای مشابه آن را پیدا کند. به تدریج به تعداد قوطی‌هایی که در اختیار کودک قرار می‌دهیم می‌افزاییم. چهار قوطی و بعد شش قوطی را در مقابل کودک قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم صداهای همانند را پیدا کند و در کنار هم قرار دهد.

– از کودک می‌خواهیم تا راه رفتن خود را، با توجه به ضرب‌آهنگی که می‌شنود، تنظیم کند. با ضربه زدن تند و کند روی میز، کودک باید ریتم حرکت خود را تند و یا کند کرده و راه برود.

۳- **شناخت صداهای:** کودک باید در این مرحله صداهای مختلفی را که در محیط با آن‌ها سروکار خواهد داشت بشناسد و بتواند مثلاً صدای هواپیما را از صدای ماشین، صدای آژیر را از صدای بوق و صدای حیوانات مختلف را از همدیگر تشخیص داده، نام ببرد.

فعالیت‌هایی که در این زمینه می‌توان اجرا کرد عبارت‌اند از:

– صداهای مختلفی را که در محیط زندگی وجود دارد (از قبیل صدای حیوانات، ماشین، هواپیما، زنگ تلفن، رعد و برق و باد و ...) همزمان با نشان دادن تصاویر آن‌ها، برای کودک پخش می‌کنیم و نام منبع صدا را می‌گوییم. مثلاً هنگام پخش صدای سگ، تصویر آن را نشان می‌دهیم و می‌گوییم این صدای سگ است.

– تصویرهای مربوط به منابع صداهای آموزش داده شده را در مقابل کودک قرار می‌دهیم و با پخش یکی از صداهای آن‌ها، از او می‌خواهیم تصویر منبع صدا را نشان بدهد. به عنوان مثال، تصویر چند حیوان مثل (اسب، خروس، گربه، گاو و ...) را در مقابل کودک قرار می‌دهیم و صدای خروس را پخش می‌کنیم. او باید با شنیدن این صدا، بتواند تصویر خروس را نشان دهد (شکل ۴-۱۱).



شکل ۴-۱۱

– در مراحل بعدی، صداهای آموزش داده شده را پخش می‌کنیم و از کودک می‌خواهیم نام منبع صدا را بگوید. با نشان دادن تصاویری از منابع صداهای آموزش داده شده به کودک از او می‌خواهیم صدای آن‌ها را تقلید کند. با گفتن نام منابع صداهای آموزش داده شده، از کودک می‌خواهیم صدای آن‌ها را تقلید کند (برای تقلید صدای حیوانات می‌توان از بازی عمو زنجیرباف استفاده نمود). در آموزش صداهای باید توجه داشت تا زمانی که کودک صدایی را به خوبی یاد نگرفته است، نباید آموزش صدای دیگر را شروع کرد و بهتر است در هر بار، بیش از دو یا سه صدا، آموزش داده نشود. در اجرای فعالیت‌های بعدی، از تعداد کم (دو تصویر یا صدا) شروع می‌کنیم و به تدریج به تعداد آن‌ها می‌افزاییم.

نکات مهم بهداشت گوش را، که کودکان باید رعایت کنند، فهرست کنید.

چگونه می‌توان مهارت لامسه را پرورش داد؟

کودکان، بسیاری از دانسته‌های خود را از طریق لمس و دست‌کاری کردن اشیاء به دست می‌آورند. بنابراین، لازم است با تمرین‌های مختلف، این حس را تقویت نمود و در زمینه‌های لمس کردن، تشخیص تشابه و تفاوت و شناخت اشیاء از طریق لمس آن‌ها، فعالیت‌هایی را اجرا کرد.

فعالیت‌های مربوط به کسب مهارت لامسه

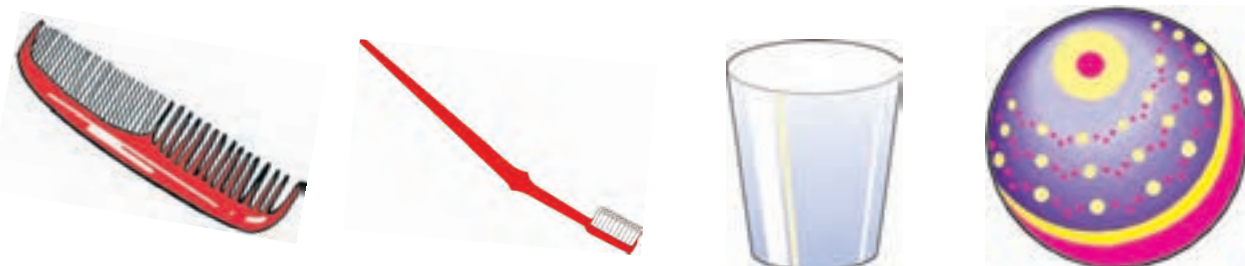
۱- لمس کردن

هدف: تقویت حس لامسه

وسایل مورد نیاز: پارچه‌های مخمل، ساتن، گونی، قطعات چوبی، شیشه، آرد، نمک و اشیاء گوناگون

نحوه‌ی اجرا: فعالیت‌هایی که در این زمینه می‌توان اجرا کرد عبارت‌اند از:

- اشیایی را (از قبیل کاغذ معمولی و کاغذ سمباده، پارچه‌های مخمل، ساتن، پشمی و گونی، قطعات چوبی صاف و کنگره‌دار، شیشه‌های معمولی و موج، اسفنج و ...) در اختیار کودک قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم که آن‌ها را دستکاری نماید.
- مواد مختلفی از قبیل آرد، نمک، شکر، شن و ... را در اختیار کودک قرار می‌دهیم تا آن‌ها را لمس کند.
- اشیاهایی را، در اندازه‌ها و حجم‌های مختلف (نظیر انواع توپ، شانه، لیوان، مسواک و ...)، در اختیار کودک قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم آن‌ها را دستکاری کند (شکل ۱۲-۴).



شکل ۱۲-۴

از آن‌جا که در این مرحله هدف به کار گرفتن حس لامسه است، باید شرایطی ایجاد نمود که کودک حواس دیگر خود، از جمله حس بینایی را به کار نگیرد (مثلاً با بستن چشم کودک و یا قرار دادن اشیاء مورد نظر در پشت یک مانع یا داخل جعبه‌ای که کودک نتواند داخل آن را ببیند و تنها با لمس آن، به شناخت برسد).

باید توجه داشت برای این که این فعالیت‌ها برای کودک خوشایند باشد بهتر است به صورت بازی صورت گیرد.

۲- تشخیص تفاوت و تشابه

هدف: تشخیص تفاوت و تشابه اشیاء با استفاده از حس لامسه

وسایل مورد نیاز: مداد، سکه، قوطی کبریت، توپ پینگ‌پونگ، شانه، مسواک.

نحوه‌ی اجرا: فعالیت‌هایی که در این زمینه می‌توان اجرا کرد، عبارت‌اند از:

– تعدادی اشیای مختلف (نظیر مداد، جوراب، مسواک، توپ پینگ‌پونگ، شانه و ...) را در داخل کیسه می‌ریزیم، سپس با نشان دادن یکی از آن‌ها به کودک، از او می‌خواهیم شبیه همانند آن را، با استفاده از حس لامسه، در درون کیسه پیدا کند و به ما بدهد. پس از کسب این مهارت، او باید بتواند به جای نشان دادن، با لمس کردن یک شیء، همانند آن را از درون کیسه پیدا کند (شکل ۱۵-۴).



شکل ۱۳-۴

– تعدادی کارت یک اندازه (۱۵ × ۱۵) را که بر روی آن‌ها کاغذ سمباده و پارچه چسبانده شده (از هر کدام دو عدد)، در اختیار کودک قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم با لمس کردن آن‌ها، کارت‌های همانند را پیدا کند.
 – موادی از قبیل آرد، نمک، شکر، شن، لوبیا و ... را در ظرف‌های جداگانه می‌ریزیم. سپس یکی از این مواد را در اختیار کودک قرار می‌دهیم. او پس از لمس کردن، باید ماده‌ی همانند آن را از بین دیگر مواد پیدا کند. برای این کار می‌توان چشم‌های کودک را بست و یا ظرف‌ها را به گونه‌ای زیر میز قرار داد که کودک آن‌ها را نبیند و یا پارچه‌ای روی ظرف‌ها کشید تا مانع از دیدن وی گردد.
 – تعدادی کارت یک اندازه را، که انواع پارچه (پشمی، مخمل، نخ و ...) روی آن‌ها چسبانده شده است، در اختیار کودک قرار می‌دهیم (از هر کدام دو عدد) و از او می‌خواهیم کارت‌های شبیه به هم را پیدا کند.



شکل ۱۴-۴

– تعدادی قاشق در اندازه‌های مختلف (چای خوری، مرباخوری، غذاخوری) را در کیسه‌ای می‌ریزیم. سپس با نشان دادن یکی از آن‌ها، از او می‌خواهیم که همانند آن را از بین قاشق‌های درون کیسه پیدا کند و به ما بدهد. پس از کسب مهارت در این کار، به جای نشان دادن قاشق، از او می‌خواهیم قاشق موردنظر را لمس کند و همانند آن را از درون کیسه پیدا نماید (شکل ۱۴-۴). این فعالیت را با مواد دیگری نیز می‌توان اجرا کرد، مثلاً تعدادی مهره به اندازه‌های مختلف (از هر کدام دو عدد) در کیسه‌ای می‌ریزیم و از کودک می‌خواهیم مهره‌های هم اندازه را پیدا کند.

۳- شناخت اشیاء: هدف از این مرحله، شناخت اشیای روزمره با استفاده حس لامسه است و هم‌چنین شناخت برخی از ویژگی‌های اشیاء که، با استفاده از حس لامسه، قابل درک‌اند از قبیل مفهوم نرمی و زبری و سفتی، بزرگی و کوچکی، پهنی و باریکی و فعالیت‌هایی که در این زمینه می‌توان اجرا کرد عبارت‌اند از:

- کیسه‌ای حاوی اشیای مختلف، از قبیل مداد، توپ، عروسک کوچک، قاشق و ... ، در اختیار کودک قرار می‌دهیم و با نام بردن هر یک از اشیاء، از او می‌خواهیم (بدون دیدن آن‌ها) آن را از درون کیسه پیدا کند و به ما بدهد.
- کارت‌هایی را، که روی آن کاغذ سمباده و پارچه‌ی نرم چسبانده شده است، در اختیار کودک قرار می‌دهیم و به او می‌گوییم کارت نرم را (بدون دیدن) نشان بده.

تمرین

نکات مهم بهداشت پوست را، که کودکان باید رعایت کنند، فهرست کنید.

چگونه می‌توان مهارت چشایی را پرورش داد؟

حس چشایی، یکی دیگر از حواسی است که انسان از طریق آن، اطلاعاتی پیرامون محیط اطراف خود کسب می‌کند و عملکرد آن به زمینه‌ی شناخت مزه مربوط می‌شود. بدیهی است پرورش این حس، توانایی کودک را در تشخیص مزه‌های مختلف افزایش خواهد داد. بدین منظور باید فعالیت‌هایی در زمینه‌ی چشیدن، تشخیص تفاوت و تشابه مزه‌ها و شناخت آن‌ها، در برنامه‌ی قبل از دبستان گنجانده شود.

۱- چشیدن

هدف: تحریک حس چشایی

وسایل مورد نیاز: شکر، آب‌لیمو، فلفل، نمک و

نحوه‌ی اجرا: هدف از این مرحله، صرفاً تحریک حس چشایی با محرک‌های مختلف است. بدیهی است در این مرحله، آموزش نام مزه‌ها نیاز نیست.

مواد مختلفی، نظیر شکر، آب‌لیمو، فلفل، نمک و ... را، که به ترتیب دارای مزه‌ی شیرین، ترش، تند و شورند، در اختیار کودک قرار می‌دهیم و از او می‌خواهیم آن‌ها را بچشد.

۲- تشخیص تفاوت و تشابه و شناخت مزه‌ها

هدف: تحریک و تقویت حس چشایی

نحوه‌ی اجرا: هدف از این مرحله، تشخیص همانندی و ناهمانندی مزه‌ها و شناخت آن‌ها بدون استفاده از حواس دیگر است. از جمله فعالیت‌هایی که در این زمینه می‌توان اجرا کرد عبارت‌اند از:

موادی را که کودک قبلاً مزه‌ی آن‌ها را چشیده است، در ظرف‌هایی، که محتویات آن‌ها دیده نمی‌شود، می‌گذاریم. (از هر کدام دو عدد). یک دسته از مواد را در مقابل کودک قرار می‌دهیم. سپس یکی از مواد را به او می‌دهیم و از او می‌خواهیم با چشیدن آن، مزه‌ی همانند آن را از بین گروه مقابلش تشخیص دهد.

- خوراکی‌هایی با مزه‌های مختلف، در اختیار کودک قرار می‌دهیم. همراه با چشیدن هر یک از آن‌ها از سوی کودک، نام آن مزه را به او می‌گوییم.

مثلاً با چشیدن عسل به او می‌گوییم «این شیرین است» و با خوردن گوجه سبز به او می‌گوییم «این ترش است» و همین‌طور تا آخر.

با خوردن مواد مذکور، از او می‌خواهیم که نام مزه‌ها را بگوید. مثلاً با چشیدن آب‌لیمو بگوید این ترش است. – نوشیدنی‌های مختلف از قبیل، آب‌هویج، آب‌پرتقال، آب‌لیمو و ... را در اختیار کودک قرار می‌دهیم. پس از آموزش نام آن‌ها، از او می‌خواهیم که با نوشیدن هر یک، نام آن‌ها را بگوید. (مثلاً آب‌پرتقال و ...). این مواد باید در ظرفی ریخته شوند که رنگ آن‌ها دیده نشود.

توجه: در اجرای فعالیت‌های فوق باید از تعداد کم شروع کنیم و پس از کسب مهارت کامل، بر تعداد آن‌ها بیفزاییم. در شناخت مزه‌ها باید آن‌ها را یک‌به‌یک آموزش داد و پس از حصول اطمینان از یادگیری یک مزه، به آموزش مزه‌ی دیگر پرداخت. چون هدف پرورش حس چشایی است، باید سعی شود کودک در اجرای فعالیت‌ها، از حواس دیگر خود به‌ویژه حس بینایی، استفاده نکند.

مناسب‌ترین زمان برای پرورش حس چشایی موقع صرف غذاست.

چگونه می‌توان مهارت بویایی را پرورش داد؟

تقویت حس بویایی و شناخت بوهای مختلف، نه تنها به شناخت مواد کمک می‌کند، که از نظر ایمنی و اجتناب از خطر نیز برای کودکان بسیار لازم و ضروری است. برخی از کودکان، به دلیل نداشتن شناخت و ناآشنایی با بوی موادی مثل نفت یا بنزین، ممکن است دست به اعمالی بزنند که خطراتی برای آن‌ها ایجاد کند.

به عنوان مثال، ممکن است نفت را به جای آب بنوشند و یا در محلی که نفت یا بنزین وجود دارد با کبریت بازی کنند. در این مرحله، علاوه بر پرورش این حس، به هنگام اجرای تمرین‌های مربوط، خطرات ناشی از هر یک از مواد مذکور را به کودکان یادآوری می‌کنیم. پرورش این حس نیز، همانند پرورش دیگر حواس، در زمینه‌های بوئیدن، تشخیص تفاوت و تشابه و شناخت بوهاست.

۱- بوئیدن: هدف از این مرحله، تحریک حس بویایی با محرک‌های بویایی است. از این‌رو، آموزش نام موادی، که برای بوئیدن در اختیار کودک قرار می‌گیرد، ضرورتی ندارد. هدف صرفاً تحریک حس بویایی آن‌هاست.

– مواد مختلفی (مثل گل، عطر، گلاب، سیر، دارچین، خیار، نفت، بنزین و ...)، که دارای بوهای مشخصی هستند، در قوطی‌های جداگانه می‌گذاریم و آن‌ها را یک‌به‌یک و در فاصله‌های مختلف، در اختیار کودک قرار می‌دهیم تا آن‌ها را بو کند.

۲- تشخیص تفاوت و تشابه و شناخت بوها: هدف از این مرحله، تشخیص تشابه و تفاوت بوها و شناخت آن‌هاست. کودک باید بدون استفاده از حواس دیگر (به‌ویژه حس بینایی) بتواند بوها را از یکدیگر تشخیص دهد و پس از آموزش قادر باشد از طریق حس بویایی، آن‌ها را بشناسد. از جمله فعالیت‌هایی که در این زمینه می‌توان اجرا کرد، عبارت‌اند از:

– ظرف‌هایی حاوی موادی که کودک قبلاً آن‌ها را بو کرده است، تهیه می‌کنیم و یک دسته از آن‌ها (از هر یک دو عدد) را در مقابل او قرار می‌دهیم. سپس، یکی از ظرف‌ها را به کودک می‌دهیم و از او می‌خواهیم با بوئیدن آن، بوی همانند آن را از بین ظرف‌هایی، که در برابرش قرار دارند، تشخیص دهد.

مواد بودار موجود در محیط پیرامون کودک (نظیر نفت، بنزین، خیار، گلاب و ...) را در اختیار کودک قرار می‌دهیم و با ارائه‌ی هر یک از آن‌ها به کودک، نام آن ماده را آموزش می‌دهیم، مثلاً با ارائه‌ی قوطی حاوی نفت و بوئیدن آن از سوی کودک، به او می‌گوییم: «این بوی نفت است».

– ظرف‌هایی حاوی مواد مذکور را (بدون دیدن) در اختیار کودک قرار می‌دهیم، او باید با بویدن هر یک از آن‌ها، نام آن ماده را بگوید. مثلاً با بویدن گلاب بگوید: «این گلاب است».

در شناخت بوها، باید مواد را یک به یک آموزش داد و پس از حصول اطمینان از یادگیری آن، به آموزش دیگر بوها پرداخت. برخی از بوها، که آموزش آن‌ها ضروری است، باید در موقعیت‌های مناسب و یا واقعی آموزش داده شوند (مثلاً بوی نم‌باران، پس از باریدن باران، یا بوی سوختگی، هنگامی که این بو در محیط وجود دارد).

تمرین

نکات مهم بهداشت بینی را، که کودکان باید رعایت کنند، فهرست کنید.

چگونه می‌توان مهارت‌های جسمانی را پرورش داد؟

کودک از همان بدو تولد، از نظر جسمانی، به مراقبت و توجه نیاز دارد. وی با کسب مهارت بیشتر، به تدریج قادر می‌شود کنترل بر اعضای بدنش را کسب کند و یاد می‌گیرد که چگونه آن‌ها را به کار بندد. توالی رشد کودکان از طرف سر به سوی پاها و از مرکز به سمت انتهای بدن است. به همین جهت کودک در مراحل اولیه، ابتدا توانایی کنترل سر، سپس گردن، تنه، دست‌ها و پاها را کسب می‌کند. در همین راستا مهارت‌های حرکتی کودک از حرکات ماهیچه‌های بزرگ به سمت ماهیچه‌های ظریف صورت می‌گیرد. با توجه به جدول رشد (فصل اول) و توانایی کودکان، فعالیت‌های مربوط به کسب مهارت‌های حرکتی را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی نمود:

الف – مهارت‌های جابه‌جایی؛

ب – مهارت‌های غیرجابه‌جایی؛

ج – مهارت‌های دستکاری یا کنترلی.

الف – مهارت‌های جابه‌جایی: در این نوع مهارت، فرد از یک نقطه به نقطه‌ی دیگر جابه‌جا می‌شود، که به آن «مهارت انتقالی» می‌گویند. این گونه مهارت‌ها به صورت ترکیبی در همه‌ی ورزش‌ها به کار می‌روند و عبارت‌اند از: دویدن، راه رفتن، سُر خوردن، پریدن، جهیدن، خزیدن و لی‌لی کردن. این مهارت‌ها هم با ابزار و هم بدون ابزار به کار می‌روند.

● فعالیت ۱- راه رفتن روی یک خط:

هدف – کسب مهارت در راه رفتن و حفظ تعادل: با گچ خطی روی زمین بکشید و از کودکان بخواهید روی خط راه بروند. آن‌ها باید بتوانند بدون این که از خط بیرون بروند روی آن حرکت کنند.

این فعالیت در فضای باز می‌تواند زیر نظر مربیان اجرا شود. هم‌چنین می‌توانید با کشیدن جای پا روی مقوا و پریدن آن‌ها به تعداد دلخواه و شماره‌گذاری آن‌ها، براساس مثلاً یک تاده، یا رنگ‌آمیزی آن‌ها به چند رنگ، آن‌ها را با فاصله روی زمین قرار دهید و از کودکان بخواهید با گذاشتن پای خود روی جاپاها، در این انتقال مهارت کسب کنند (شکل ۱۵-۴).



شکل ۱۵-۴

در این فعالیت، کودکان علاوه بر دست‌یابی به حفظ تعادل خود با ترتیب اعداد یا رنگ‌ها نیز آشنا می‌شوند.

● فعالیت ۲:

هدف — کسب مهارت در پریدن: در این فعالیت، می‌توان همزمان، در هر مرحله از چندین بازی کن یا فقط دو بازی کن استفاده کرد.

تعدادی کیسه پارچه‌ای، که کودک به راحتی درون آن‌ها قرار گیرد، تهیه کنید و بالای کیسه را روی کمر کودک محکم کنید. روی زمین دو خط شروع و پایان را بکشید و از کودکان بخواهید روی خط شروع بایستند و با علامت شما شروع به جهیدن کنند. هر که زودتر به خط پایان رسید برنده است. چنان‌چه بازی با دو بازی کن شروع شود در نهایت برنده‌های بازی دونفره با یکدیگر رقابت خواهند کرد. آن‌چه در کلیه فعالیت‌های مهارت جابه‌جایی مهم است، داشتن فضای کافی و مناسب برای حرکت است به طوری که فعالیت‌ها بدون برخورد با اشیاء و افراد صورت گیرد و خطری برای کودک ایجاد نکند.

تمرین

با توجه به جدول رشد برای کودکان ۳ و ۴ ساله چند بازی از نوع مهارت‌های انتقالی طراحی کنید.

ب — مهارت‌های غیرجابه‌جایی: در این نوع مهارت‌ها کل بدن جابه‌جا نمی‌شود و تنها بخش‌هایی از بدن سر، تنه، کمر و گردن حرکت می‌کنند، مثل خم شدن، چرخیدن، بلند کردن دست‌ها، خم کردن پاها و ... این فعالیت‌ها نیز می‌توانند با ابزار و یا بدون ابزار در فضای باز و یا بسته انجام گیرند.

● فعالیت ۱- دست رشته:

هدف — کسب مهارت در گرفتن توپ و

هماهنگی چشم و دست: با گچ، دایره‌ای روی زمین می‌کشید و یا می‌توانید یک سفره‌ی پلاستیکی آبی رنگ را، به صورت دایره بپريد و همیشه از آن استفاده کنید. از کودکان بخواهید دور دایره بنشینند. مربی در وسط دایره قرار می‌گیرد و توپ را برای کودکان پرتاب می‌کند، کودک پس از گرفتن، آن را دوباره به مربی برمی‌گرداند. در مراحل بعدی، این فعالیت بدون مربی صورت می‌گیرد و هر یک از کودکان، با نام بردن کودک دیگر، توپ را به سمت او پرتاب می‌کند. به همین ترتیب توپ بین کودکان رد و بدل می‌شود. کسی که نتواند توپ را بگیرد از بازی خارج می‌شود (شکل

۴-۱۶).



شکل ۱۶-۴

● فعالیت ۲- حرکات موزون:

هدف – بالا بردن توجه و دقت و هماهنگی بین شنیدن و اجرا: کودکان روی خط یک دایره می‌نشینند. مربی با پخش موسیقی از آن‌ها می‌خواهد به حرکت خاصی بپردازند. به محض قطع موسیقی، آن‌ها باید گوش به فرمان حرکت دیگر باشند (از جمله: تکان دادن دست‌ها، حرکت گردن، بالا و پایین بردن دست و چرخیدن به سمت راست و چپ).

فعالیت‌های مربوط به مهارت‌های غیرجابه‌جایی، معمولاً پس از یک بازی پر جنب و جوش، به آرامش کودکان کمک می‌کند. می‌توانید با تغییر موسیقی، سرعت حرکات را نیز تغییر دهید.

تمرین: با توجه به جدول رشد برای کودکان ۵ ساله، دو نوع بازی جهت کسب مهارت در تقویت پا طراحی کنید.

ج – مهارت‌های دستکاری یا کنترلی: این نوع مهارت‌ها به کودک کمک می‌کند تا با استفاده از حرکات بدن شیئی را کنترل کند. معمولاً مهارت دستکاری به وسیله‌ی دست‌ها و یا پاها به وسیله‌ی یک چوب یا راکت اجرا می‌شود.

● فعالیت ۱- توپ و دیوار:

هدف – کسب آمادگی و مهارت برای ضربه زدن به توپ: کودک توپ را به سمت دیوار پرتاب می‌کند. پس از اصابت توپ به دیوار و برگشت، مجدداً آن را به وسیله راکت و یا دست به دیوار پرتاب می‌کند. چنانچه تعداد بازی‌کنان بیش‌تر باشند، پس از پرتاب توپ توسط نفر اول، توپ برگشتی باید توسط نفر بعدی زده شد.

● فعالیت ۲- توپ و هدف (بولینگ):

هدف – مهارت در ضربه زدن و هماهنگی چشم و دست: تعدادی شیشه‌ی پلاستیکی نوشابه را کنار هم قرار می‌دهیم. کودکان با پرتاب توپ یا در صورت مسطح بودن زمین با غلتاندن توپ به سمت شیشه‌ها، باید آن‌ها را واژگون کنند. در این نوع فعالیت‌ها باید فضای کافی در اختیار کودکان قرار گیرد تا با همبازی‌ها و اشیاء برخورد نکنند. رعایت نوبت و اقدام به همبازی از اصولی است که باید مدام گوشزد شود.

تمرین

برای کودکان ۵ ساله ۲ بازی از نوع مهارت‌های کنترلی یا طناب و راکت طراحی کنید.

در خاتمه به نکاتی، که در پرورش مهارت‌های جسمانی باید بدان‌ها توجه کرد، اشاره می‌شود:

- لباس کودکان هنگام فعالیت جسمانی باید آزاد و راحت باشد.
- هنگام فرود آمدن یا لی‌لی کردن و یا پریدن، زانوهای خود را خم کنند و حالت خیزی به بدن بدهند.
- زمانی که به پهلو حرکت می‌کنند، به مسیر حرکت خود توجه کنند تا به همبازی دیگر برخورد نکنند.
- زمانی که عقب عقب حرکت می‌کنند، از کنار شانه‌ی خود به مسیر حرکت توجه کنند و به آرامی جابه‌جا شوند.
- مطمئن باشید که سطح زمین بازی لغزنده نیست.
- حرکات را از ساده به مشکل طراحی کنید.
- برای خط کشیدن روی زمین، بهتر است از نوار چسب یا گچ استفاده کنید.

- فضای بازی را با توجه به تعداد کودکان تنظیم کنید.
- در مناطق گرم‌سیر، مدت بازی در فضای باز را محدود کنید و یا از سایه استفاده کنید.
- در مسابقه‌ها رفاقت را جانشین رقابت کنید.
- پس از هر فعالیت شستن دست‌ها الزامی است.

خود را بیازمایید

- ۱- فعالیتی را به منظور پرورش مهارت دیداری در زمینه‌ی نگاه کردن، شرح دهید.
- ۲- از طریق یک فعالیت، تشخیص تفاوت و تشابه صداها را توضیح دهید.
- ۳- برای پرورش مهارت بویایی در کودکان، یک فعالیت را طراحی کند و توضیح دهید.
- ۴- سه فعالیت را در زمینه‌های مختلف پرورش مهارت لامسه نام ببرید.
- ۵- بازی با مکعب‌های چوبی‌رنگی، به پرورش چه حس‌هایی کمک می‌کند؟ نام ببرید.
- ۶- با توجه به نقش فعالیت‌ها در پرورش حواس، نقاشی با انگشتان، چه حواسی را تقویت می‌کند؟ توضیح دهید.
- ۷- برای پرورش و تقویت حس چشایی از چه فعالیت‌هایی می‌توان استفاده نمود؟ شرح دهید.
- ۸- انواع مهارت‌های حرکتی را نام ببرید.
- ۹- تفاوت مهارت جابه‌جایی و غیر جابه‌جایی را شرح دهید.

کتاب‌نامه

- ۱- صادقی، رؤیا. بهداشت فردی و عمومی، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، ۱۳۸۰.
- ۲- عابدین‌زاده و دیگران: از تکلم تا مدرسه، انتشارات خدمات آموزشی کودکان، ۱۳۶۹.
- ۳- عالی‌پور معشوره: رشد و تکامل کودکان خردسال، صندوق کودکان سازمان ملل یونیسف، ۱۳۷۸.
- ۴- کول، ونیتا: برنامه‌ی آموزش و پرورش در دوره‌ی پیش از دبستان، ترجمه‌ی فرخنده مفیدی، سمت، ۱۳۷۴.
- ۵- مؤسسه هیومن کینتیک، بازی و تفریح، مترجمان: جواد آزمون، ماندانا آجودان‌گرکانی، انتشارات مدرسه، تهران ۱۳۸۵.

نقش و اهمیت زبان در برقراری ارتباط



هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، دانش‌آموز باید بتواند:

- مراحل رشد کلامی کودکان را بیان کند.
- نظریه‌های مختلف در زمینه‌ی رشد کلامی را توضیح دهد.
- نکاتی را، که والدین و مربیان در امر زبان‌آموزی باید بدانند، توضیح دهد.
- مراحل اجرای قصه‌گویی برای کودکان را بنویسد.
- درباره‌ی کتاب‌خواندن برای کودک توضیحاتی ارائه دهد.
- نحوه‌ی شعرخوانی برای کودکان را توضیح دهد.
- در مورد زبان‌آموزی، فعالیت‌هایی را طراحی کند.

ضرورت و اهمیت زبان‌آموزی

تکلم، ابزار برقراری ارتباط و وسیله‌ای است که انسان‌ها به کمک آن، افکار و احساسات خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند. در حقیقت تکلم، میهمان ناشناخته‌ی وجود ما را به ما می‌شناساند و در بسته‌ی دنیای درونی زندگی ما را می‌گشاید و به ما امکان می‌دهد که از آن خارج شویم و به عبارت کامل‌تر، «تکلم» آفریننده و نماینده‌ی زندگی اجتماعی ماست. رابطه‌ی نقش نمادی تکلم و نظام علائم صوتی مربوط به آن «زبان» نامیده می‌شود.

در واقع زبان، بخش معین و اساسی تکلم است. «زبان» در معنی وسیع کلمه، عبارت است از ابزار برقراری ارتباط یک نظام علائم صوتی خاص یک گروه اجتماعی^۱. فراگیری تکلم یا فراگیری زبان در کودکان، پدیده‌ای کاملاً طبیعی است و یک کودک سالم تا پایان چهارسالگی، زبان مادری یا هر زبان مورد استفاده در محیط اجتماعی خود را به‌خوبی از اطرافیان می‌آموزد. در حالی که زبان نوشتاری، برای آموختن نیاز به برنامه‌ریزی آموزشی و برخوردار از آموزش رسمی دارد.

زبان‌آموزی یکی از مهمترین زمینه‌های یادگیری در آموزش کودکان خردسال است و هرچند در یادگیری‌های رسمی بیش‌تر به خواندن توجه می‌شود اما سایر جنبه‌های زبان‌آموزی، مثل گوش دادن و صحبت کردن نیز به همان نسبت اهمیت دارد و پایه‌های

۱- آذری نجف‌آباد الله وردی، یادگیری زبان و رشد وازگان کودک، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۴.

خواندن را بی‌ریزی می‌کند. کودکان از لحاظ رشد زبان با یکدیگر تفاوت دارند. عده‌ای از آن‌ها زود به حرف می‌آیند، گروهی دیرتر. اما در هر حال، آن‌ها باید زبان را بیاموزند. برنامه‌های مهارت‌های زبانی در سال‌های اول کودکی چند هدف را دنبال می‌کند، که عبارت‌اند از:

۱- پیشرفت در مهارت‌های ارتباط کلامی؛

۲- افزایش محتوای فکری به کمک زبان؛

۳- افزایش قدرت تکلم در اثرگذاری و اثرپذیری؛

۴- افزایش رضایت شخصی و تحسین زیبایی با زبان.

برای نیل به این اهداف، ابتدا باید چگونگی رشد زبان در کودکان را مورد توجه قرار داد و براساس آن برنامه‌هایی را برای زبان‌آموزی آن‌ها فراهم ساخت.

مراحل رشد کلامی کودکان

رشد کودک در اولین سال زندگی، با تحولات چشم‌گیر حرکتی همراه است. او یاد می‌گیرد که سرش را بالا نگه‌دارد، بدنش را بچرخاند، اشیا را بگیرد، بنشیند، روی پا بایستد و بالأخره راه برود. همزمان با این تحولات، رشد زبان او، یکی از مهم‌ترین خصوصیات رشد آدمی است.

نوزاد، در ابتدا فقط از طریق گریه کردن با دیگران ارتباط برقرار می‌کند. این سیستم ساده‌ی ارتباطی، کارایی بسیاری دارد و والدین می‌توانند از گریه‌ی فرزند خود بفهمند که خسته یا گرسنه است و یا دردی دارد. هرچند این قدرت تشخیص، در ابتدا با در نظر گرفتن موقعیت کودک مورد قضاوت قرار می‌گیرد، اما از ۷ یا ۸ ماهگی والدین می‌توانند به درستی بین گریه‌ی ناشی از «گرسنگی»، «خواستن چیزی» و یا «درد و ناراحتی» تمیز قائل شوند^۱.

از فاصله‌ی ۲ تا ۳ ماهگی، کودک صدای خود را کشف می‌کند و در پاسخ به دیگران مصوت‌های زیر و نرم را به کار می‌برد. این واکنش کودک ممکن است آغاز «رعایت نوبت» به هنگام گفت‌وگو باشد که بعدها در محاورات کودک و والدین دیده می‌شود^۲. به همین ترتیب، کودک صداهایی را تولید می‌کند و از تکرار آن‌ها لذت می‌برد و از طرف والدین نیز تقویت می‌شود.

در شش ماهه‌ی دوم سال اول زندگی، کودک موفق به ایجاد صداهای متنوعی می‌شود. آواهای مصوت و بی‌صدا را برای ساختن هجاهایی مانند دا - دا - با - با - با ترکیب می‌کند. در مرحله‌ی غان و غون^۳، گاهی این هجاها به گفتار واقعی شباهت پیدا می‌کنند (کودکان لال تا این مرحله شبیه کودکان سالم‌اند).

در فاصله‌ی بین ۹ تا ۱۲ ماهگی غان و غون کودک افزایش می‌یابد. سپس با بیان اولین کلمات واقعی، از میزان آن کاسته می‌شود. کودکی در این مراحل، با استفاده از حرکات و اشارات، نیاز خود را بیان می‌کند. مثلاً کودکی که شیر می‌خواهد، با ایجاد یک صدا، توجه مادر را به خود جلب و با دست به شیر اشاره می‌کند. به تدریج صداهای تصادفی، جای خود را به علائم و سپس، به کلمات می‌دهند.

تولید اولین کلمات معمولاً در حول و حوش سال اول تولد کودک صورت می‌گیرد، هرچند بسیاری از کودکان، زودتر و یا دیرتر، سخن گفتن را شروع می‌کنند. این کلمات یک یا دو هجایی هستند. در این مرحله «واژگان درکی» کودک ۵ برابر «واژگان

۲- تروارتن (۱۹۷۴)

۱- ریکتر (۱۹۷۵)

تولیدی» است. یعنی کودکی که بتواند ۱۰ کلمه بگوید معنای ۵۰ کلمه را می‌فهمد. کودک در این مرحله نیز گفته‌های تک کلمه‌ای خود را با حرکات همراه می‌کند تا بهتر بتواند خواسته‌هایش را بیان و حالاتش را ابراز کند. استنباط کودکان در مراحل اولیه از کلمات با بزرگ‌سالان تفاوت دارد.

کودکان معمولاً از میان مجموعه ویژگی‌های ذی‌ربط یک مفهوم، فقط چند ویژگی را برمی‌گزینند. به‌طور مثال، کودک ۲ ساله چنان‌چه با دیدن یک سگ کلمه‌ی «هاپو» را می‌شنود، فقط به این توجه می‌کند که این حیوان حرکت می‌کند و چهار پا دارد. بعدها او این واژه را برای گربه، گاو و همه‌ی چهارپایان استفاده می‌کند. در این جا می‌گوییم او کلمه‌ی «هاپو» را بیش‌گستری کرده است. با افزایش سن کودک و افزایش معانی بیش‌تر به این واژه (صدای سگ، اندازه، فرم...)، کاربرد این واژه محدودتر می‌شود و کلمه‌ی «هاپو» را تنها برای سگ به کار می‌برد «کم‌گستری». معمولاً از ۳ تا ۴ سالگی از میزان بیش‌گستری کاسته می‌شود. تقریباً در ۱۸ تا ۲۴ ماهگی، هنگامی که واژگان گفتاری کودک به حدود ۵۰ کلمه رسید، عبارات او دو کلمه‌ای می‌شود (گفتار تلگرافی).

«بابا آمد» «کفش نیست». با این تغییر، جهشی در رشد کلامی کودک دیده می‌شود و تعداد لغات و عبارات او به شدت افزایش می‌یابد. در این مرحله، جملات کودکان شامل کلمات اصلی است. فعل، اسم و تعدادی صفت. جالب این که حتی در گفتار تلگرافی کودک، ترتیب درست کلمات حفظ می‌شود و کودک از همان ابتدا قواعد ساده‌ی دستور زبان را رعایت می‌کند. در مراحل بعدی، کودک با حروف تعریف و اضافه جملات خود را کامل‌تر می‌کند و در حدود دو و سه سالگی، جملات ساده‌ی چهار کلمه‌ای را به کار می‌برد و گفتارش سنجیده‌تر می‌شود و کم‌کم به سؤالاتی که با «چرا» آغاز می‌شود، جواب مناسب می‌دهد. گفتار کودکان ۴ و ۵ ساله، نمایانگر تسلط خوب آنان بر قواعد پیچیده‌ی دستور زبان و معناست. از این مرحله به بعد، کودکان می‌توانند جملات کامل و پیچیده و بزرگ‌سالانه را به کار برند و زبان به خودی خود برای کودک موضوعی می‌شود تا درباره‌ی آن فکر کند؛ آن را درک کند؛ با آن بازی کند و بالأخره افکارش را با آن بیان نماید و در نتیجه، در برقراری روابط اجتماعی‌اش مؤثرتر باشد.

نظریه‌های مختلف رشد زبان

نظریه‌های مختلفی در مورد چگونگی رشد زبان در کودکان ارائه شده است. تفاوت اصلی بین این نظریه‌ها بیش‌تر مربوط به نقش والدین و مربیان، محیط و بالأخره فرایندهای شناختی است که در کنار یادگیری زبان قرار دارد. این نظریه‌ها، از آن جهت ارزشمندند که اولاً، با کمک آن‌ها معیاری به دست می‌آید که در برنامه‌ریزی و تعیین محتوای آموزشی و ارزیابی انواع مختلف مواد و وسایل آموزشی قابل استفاده است، ثانیاً، به ما امکان می‌دهد تا کودک معینی را از نظر رشد شناختی با سایر کودکان مقایسه کنیم و محتوا و روش آموزشی خود را با سطح رشد فکری کودک در مرحله‌ی سنی معینی متناسب نماییم. در این بخش، به مهم‌ترین این نظریه‌ها اشاره می‌شود:

۱- نظریه‌ی رفتارگرایان: این گروه معتقدند وجود عامل تقویت‌کننده و مشاهده، سرمشق عوامل تعیین‌کننده مهمی برای رشد زبان هستند^۱. والدین یا دیگران در برابر تولید آواهای که شبیه به کلمات است پاداش می‌دهند و به همین ترتیب هنگامی که کودک جملات و یا کلمات را درست ادا می‌کند، کار آن‌ها مورد تشویق قرار می‌گیرد و تقویت می‌شوند. مثلاً کودک صدای «مَم» را بیان می‌کند و با شادمانی و توجه خاص مادر، مواجه می‌شود و یا احياناً چیزی را به عنوان پاداش دریافت می‌کند (تقویت). بعداً مادر همان صدا را به شکل اصلاح شده‌ای به کار می‌برد و کودک برای ادای کلیه «مامان» تقویت می‌شود. به همین ترتیب کلمات دو

کلمه‌ای را به کار می‌برد. و برحسب تقویتی که صورت می‌گیرد، تکرار می‌کند. منتقدین این نظریه می‌گویند، صرف عامل تقویت، رشد حیرت‌آور زبان را توجیه نمی‌کند زیرا چه بسا کودکان لغاتی را می‌گویند که قبلاً شنیده‌اند و ترکیب منحصر به فرد و خلاقانه‌ی کودک است. «دستم سوزید» به جای دستم سوخت، «گل کاشیدم» به جای گل کاشتم» و یا «گوشتوایی» به تبعیت از «نانوایی»، برای گوشت‌فروشی. بنابراین، درست است که تقلید از دیگران و مشاهده‌ی آنان در تولید زبان، مؤثر است ولی صرف تقلید گفته‌ی دیگران ابزار اصلی فراگیری زبان نیست.

۲- نظریه‌ی طرفداران ویگوتسکی^۱: به اعتقاد ویگوتسکی، رشد زبان نه به صورت تحول یک نیروی درونی بلکه نتیجه مناسبات کودک با محیط اطراف است. به عبارت دیگر، فرایند یادگیری زبان به این صورت است که بزرگسالان اشیاء را نام‌گذاری می‌کنند و در مورد آن صحبت می‌کنند. سپس به تدریج کودکان با بلوغ و تحریک ارتباطات اجتماعی، زبان را می‌آموزند و به همین ترتیب، از میزان کمک بزرگ‌ترها نیز کاسته می‌شود. به نظر ویگوتسکی دوره‌ی پیش از دبستان را باید مرحله‌ی رشد زبان کودک نامید، زیرا در این مرحله‌ی عملکردهای منظم و طرح‌های زبانی او رشد می‌کند.

چنانچه بزرگسال مدام کلمات کودک را حدس بزند و به جای تشویق و استفاده از کلام درست، غلط‌های او را تکرار و یا به او در بیان و یا جایگزینی کلمات کمک نکند، کودک هیچ انگیزه‌ای برای پیشبرد زبان خود فراتر از آنچه دارد پیدا نمی‌کند.

۳- نظریه‌ی شناختی و رشد: پیازنه و پیروانش معتقدند که رشد شناختی فراگیری زبان را هدایت می‌کند و رشد زبان بستگی به رشد تفکر دارد و عکس آن صادق نیست. به نظر پیازنه کودک، دانش خود را ابتدا از راه تجربیات حسی‌اش در محیط کسب می‌کند. برطبق این نظریه اولین کلمات کودک روی اعمال خودش متمرکز می‌شود و یا خودپسندانه است. کودکان در پایان مرحله‌ی حسی حرکتی (۱۸ ماهگی) قادرند در بازی و فکر کردن از نمادها استفاده کنند. آن‌ها یاد می‌گیرند که اشیاء ثابت دارند و توانایی تصورات خیالی را دارند، (چوب دستی اسب می‌شود و یک قطعه چوب تفنگ).

پیازنه با مشاهده‌ی کودکان و تحلیل مشاهدات خود، به دو نوع تکلم اشاره می‌کند. «تکلم خود مرکزگرا»^۲ و «تکلم اجتماعی شده»^۳. در مراحل اولیه (۲ تا ۴ سالگی) تکلم کاملاً خود مرکزگرا است. کودک به هرچه می‌اندیشد آن را بیان می‌کند، حتی اگر برای دیگران بی‌معنا باشد. صحبت کردن برای او یک تجربه‌ی حسی حرکتی لذت‌بخش است.

اساسی‌ترین شکل تکلم خود مرکزگرا تکرار است. غان و غون می‌کند زیرا از گوش دادن به آن لذت می‌برد. غان و غون او با فعالیت‌های همراه است (عروسک‌بازی) و سیلاب‌های بی‌معنی یا کلماتی ساده را تکرار می‌کند و یا در سنین بالاتر کلمات و جملات دیگران را تکرار می‌کند و این نوع تکرار^۴، شاید هفته‌ها ادامه یابد. یک کودک، چه تنها باشد چه در جمع، با خودش حرف می‌زند تک‌گویی‌ها^۵. می‌توان در بازی‌های موازی، این نوع تک‌گویی‌ها را مشاهده کرد. با افزایش سن کودک و تماس بیشتر او با دیگران، در حدود ۵ و ۶ سالگی، تکلم اجتماعی ظاهر می‌شود. جهش از تکلم خود مرکزگرا به تکلم اجتماعی، نشان‌دهنده‌ی قدرت کودک برای درک مفاهیم پیش‌تر و تفکرات مجردتر است.

۴- نظریه‌ی نهادگرایان: در این دیدگاه فراگیری زبان، بر عوامل تعیین‌کننده‌ی فطری و زیست‌شناختی زبان تأکید دارد یعنی بر تأثیر «طبیعت»، به جای «تربیت».

۱ - Vigotskiy

۲ - Ego centric speech

۳ - Socialized speech

منظور تکلمی که در آن صداها و کلمات تکرار می‌شوند. در این نوع تکلم کودک صحبت خود یا شخص دیگری را به صورت انعکاسی Echolalia - ۴

۵ - Mono logues

تکرارکند.

نوام چامسکی^۱ که از طرفداران این نظریه است معتقد است که در مغز انسان مکانیزمی ذاتی وجود دارد که به فراگیری زبان اختصاص دارد. او نام این مکانیزم را «دستگاه فراگیری زبان» نامیده است.^۲ به نظر او فطری بودن مکانیزم زبان از آنجا ناشی می‌شود که روند تولید آوا همگانی و دارای نظم است. همه‌ی کودکان، صرف‌نظر از این‌که چه زبانی را می‌آموزند توالی یک‌سانی را می‌گذرانند. غان و غون کردن، گفتن اولین کلمه در یک‌سالگی، ترکیب دو کلمه‌ای در نیمه‌ی دوم سال دوم، تسلط بر قواعد دستوری زبان در ۴ تا ۵ سالگی و ... این نظریه بعدها به نام نظریه مادری بودن زبان معروف گشت. بر طبق این نظریه، کودکان با درونی کردن دستور زبان نزد خود، به تجسم چگونگی کارکرد زبان می‌پردازند و این روند، بدون این‌که کسی به کودک کمک کند و الگویی به آن‌ها بدهد، صورت می‌گیرد.

بعضی از نظریه‌پردازان این گروه معتقدند که برای فراگیری زبان «دوره‌ی حساسی» وجود دارد (۱۸ ماهگی) و بعد از این دوره فراگیری زبان دشوار است. مهاجران بزرگ‌سالی که زبان دوم را آغاز می‌کنند آن را، به دشواری و تقریباً با لهجه، ادا می‌کنند. در حالی که فرزندان آن‌ها، که به مرحله‌ی بزرگ‌سالی نرسیده‌اند زبان دوم را به سرعت و بدون لهجه حرف می‌زنند. با توجه به گویش‌های گوناگون و زبان رسمی کشور، که معیار و ملاک زبان آموزش و پرورش و اجتماع نیز هست، کودکان باید قبل از ورود به مدرسه با زبان رسمی آشنا شوند. در غیراین‌صورت مسئله‌ی دوزبانه بودن می‌تواند در طول تحصیل به کودکان لطمه وارد کند.

هرچند امروزه استفاده از رسانه‌های ارتباطی (رادیو و تلویزیون) تا حد زیادی کودکان مناطق دوزبانه را با زبان رسمی آشنا کرده است، لیکن این یادگیری کافی نیست و افت تحصیلی در پایه‌ی اول دبستان مؤید این مطلب است. علاوه بر این، امروزه آموزش زبان‌های خارجی نیز از جمله مسائلی است که خانواده‌ها بر آن تأکید دارند و آموزش زبان خارجی در مراکز پیش از دبستان گواه بر آن است. از این‌رو، اشاره به آموزش زبان دوم کاملاً ضروری است.

دوزبانگی

از موضوعات عمده‌ای که امروزه با آن روبه‌رو هستیم مسئله‌ی «دوزبانگی» است، که قبل از هر چیز باید تعریف شود. انواع دوزبانگی می‌تواند از طریق روش‌های «دوزبانه شدن فرد» تعریف شود:

- ۱- زبان دوم را کودک همزمان با یادگیری زبان اول، با فاصله‌ای کم و بیش، اما در دوران کودکی بیاموزد. تحقیقات نشان داده است که در چنین صورتی هر دو زبان را به همان شیوه‌ای که هریک از آن‌ها را فرامی‌گرفت می‌آموزد. او قادر می‌شود با هر دوی آن‌ها بیندیشد و صحبت کند.
- ۲- کودک در خانواده تک‌زبانه رشد می‌کند و هنگام شروع مدرسه یا آموزش رسمی، با زبان دومی روبه‌رو می‌شود. زبان دوم زبان رسمی جامعه است.

کودک زبان دوم را خواهد آموخت. اما به سبب شرایط اجتماعی خاصی که در استفاده از دو زبان به وجود می‌آید، غیر متوازن خواهد ماند، یعنی کودک زبان مادری را برای موارد مشخصی یا مقاصد روزانه خود حفظ می‌کند و از زبان رسمی برای روابط اجتماعی استفاده خواهد کرد.

- ۳- کسب خودبه‌خودی زبان دوم، بعد از دوران کودکی: در چنین حالتی تماس با جامعه الزاماً فرد را مجبور به آموزش زبان دوم می‌کند، زیرا تماس دائم با محیط و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند زبان دوم را به او تحمیل کرده است و بیشتر به صورت

۱ - Chomsky

۲ - Language Acquisition Device (LAD)

محاوره و برنامه‌های روزمره است.

۴- کسب آکادمیک زبان دوم، بعد از دوران کودکی: در این جا فرد به کسب زبان دوم، به صورت آکادمیک می‌پردازد و با ساختار زبان و فهم لغات نوشته شده کاملاً و در حد مطلوبی برخوردار است.

برای فراگیری زبان دوم سه راه وجود دارد:

۱- در همان زمانی که زبان اول آموخته می‌شود؛

۲- پس از زبان اول، به وسیله‌ی یک فرایند اختیاری؛

۳- پس از زبان اول، به وسیله‌ی یک فرایند آکادمیک.

زمانی که کودک در خانواده‌های دوزبانه همزمان با یادگیری زبان اول، با فاصله‌ای کم و بیش در دوران کودکی زبان دوم را بیاموزد، هر دو زبان را به همان راحتی که زبان اول را آموخته است خواهد آموخت. او قادر است با هر دو زبان صحبت کند و بیندیشد.

یادآوری این نکته مهم است که از ابتدای سه‌سالگی، کودک قادر است دو سیستم زبانی را به‌طور همزمان توسعه دهد و زمانی که به سن مدرسه رسید برای آموزش زبان رسمی کاملاً آماده است. گاهی کودک دو زبان متفاوت را می‌شنود اما تماس و ارتباط او با یکی از زبان‌ها بیش‌تر است. در چنین حالتی زبان دوم نسبت به زبان اول در مرحله‌ی دیرتری آموخته می‌شود. مثلاً در خانه به زبان مادری صحبت می‌کند و در مهدکودک برای ارتباط با سایر کودکان و یا مربی با زبان دومی برخورد می‌کند. در چنین حالتی زبان دوم زمانی بهتر آموخته می‌شود، که زبان اول به‌طور ثابتی تحکیم یافته باشد، هرچند، امکان تداخل بین دو زبان وجود دارد. اما میل به برقراری ارتباط کلامی با همبازی‌ها و اطرافیان فرد را وادار می‌کند که سریع و مؤثر زبان دوم را فراگیرد.

در حالت سوم، که باز هم فراگیری زبان اول صورت می‌گیرد، فرایند یادگیری زبان دوم براساس قانون و قواعد زبان است، که بیش‌تر بر زمینه‌ی گرامری و دستوری تأکید دارد. این حالت، از نظر کسب مهارت قابل توجه است اما از جهت انگیزشی، قدرت و نیاز قبلی را ندارد.

با توجه به مطالب فوق در زمینه‌ی آموزش زبان دوم، به چند نکته‌ی اساسی باید توجه داشت:

– متناسب‌ترین سن برای آموزش زبان به‌طور کلی پیش از دبستان است.

– فراگیری زبان دوم در اوان کودکی مبتنی بر زیربنای زبان اول است. هرچه این زیربنا مستحکم‌تر باشد فراگیری زبان دوم آسان‌تر است.

– به‌کاربردن زبان مادری کودک در مراحل اول فرایند آموزشی و برای ادامه و گسترش آن تأکید می‌شود. (خلاصه‌ی قصه به

زبان مادری گفته شود و یا گاهی فعلی و یا صفتی به زبان مادری تکرار شود).

– در دوره‌های پیش از دبستان به فعالیت‌های زبانی کودکان توجه خاص شود.

– تا حد امکان سعی شود علاوه بر تنوع فعالیت‌ها، کودکان گنجینه‌ی لغاتشان افزایش یابد.

– به سؤالات کودکان به‌طور کامل پاسخ دهید و از پاسخ کوتاه اجتناب کنید.

– نسبت به جملات و کلمات کودکان بازخورد خوبی نشان دهید.

– حتی الامکان موضوعات و مفاهیم موردنظر را در قالب جمله‌های گوناگون تکرار کنید.

با توجه به نتایج تحقیقات و نظریه‌های مختلف در زمینه‌ی نحوه‌ی آموختن زبان و تفاوت‌های موجود در آن، در هر حال زبان

واسطه‌ی بین فکر و عمل است. زبان گذرگاهی است که فکر آدمی را به عمل او ارتباط می‌دهد و وسیله‌ای است برای ارتباط با دیگران.

مهم‌تر از همه این که کودکان، زبان را در پایگاه اجتماعی (خانواده، مهدکودک، مدرسه و ...) می‌آموزند. بنابراین، باید به عوامل رشد زبان و زبان‌آموزی کودکان توجه خاص نمود.

نکاتی که والدین و مربیان باید بدانند

- نوزادان نیاز به شنیدن کلام دارند. با آن‌ها حرف بزنید و برایشان لالایی بخوانید.
- از ده ماهگی، خواندن برای کودکان را با استفاده از کتاب‌های مصور، کتاب‌های پارچه‌ای و تصاویر اشیای محسوس، که در اطراف او است شروع کنید.
- شما می‌توانید با کشیدن و یا بریدن تصاویر قابل شناسایی از مجلات و روزنامه‌ها و چسباندن آن‌ها روی مقوا برای کودکان کتاب مصور تهیه کنید و با نشان دادن آن تصاویر در مورد آن‌ها صحبت کنید.
- کودکان را تشویق به صحبت کردن کنید. کلمات آن‌ها را تصحیح کنید و لغاتی را که نادرست تلفظ می‌کنند، هرگز تکرار نکنید.
- پاسخ کودکان را به صورت جملات کامل ادا کنید و هرگز تلگرافی به او پاسخ ندهید.
- محلی را برای کتاب‌خوانی اختصاص دهید و از همان ابتدا کتاب‌ها را از سایر وسایل بازی او جدا کنید.
- برای کودکان یک کتابخانه درست کنید. یک جعبه‌ی خالی، یا یک چمدان بی‌استفاده می‌تواند کتابخانه‌ی اختصاصی کودک باشد.
- زمان معینی را برای کتاب‌خوانی یا قصه‌گویی مشخص کنید و به هر دلیلی، زمان را تغییر ندهید.
- به کودکان کتاب هدیه کنید و او را برای خرید کتاب به کتاب‌فروشی‌ها ببرید.
- قبل از خواندن کتاب برای کودکان، آن را با صدای بلند برای خودتان بخوانید تا بتوانید کلمات را بهتر ادا کنید و احساس را القا نمایید.
- برای کودکان، با توجه به سنشان کتاب‌های متنوع (شعر، قصه، داستان) بخوانید.
- کودکان شنیدن و یا خواندن قصه‌ها و داستان‌های تکراری را دوست دارند. پس خواندن دوباره و یا چندباره را از آن‌ها دریغ نکنید.
- بعد از خواندن کتاب و یا گفتن قصه، هرگز پیام‌های کتاب را مستقیماً از او نپرسید، بلکه با او درباره شخصیت‌ها، قهرمان‌ها و حوادث صحبت کنید و نظر او را بپرسید. «اگر به جای آن شخصیت بود چه می‌کرد؟ یا چرا چنین شد؟»
- به کودک فرصت بدهید تا کتاب را نگاه کند و تصاویر را ببیند و در مورد آن صحبت و یا سؤال کند.
- کتاب‌های مورد علاقه‌ی کودک را شناسایی کنید و با توجه به علاقه او، کتاب معرفی کنید.
- او را تشویق کنید که برای یافتن پاسخ و یا راه حل مناسب، در کتاب‌های مرجع جست‌وجو کند.
- پس از کتاب‌خوانی و یا قصه‌گویی به او مداد و کاغذ بدهید تا نقاشی کند و یا کاردستی مناسبی بسازد.
- تعدادی نوار قصه برای او بخرید و قبل از این که او به تنهایی به آن گوش کند با او به قصه گوش دهید و سؤالات او را پاسخ دهید و یا نکات مبهم را روشن کنید.
- به او فرصت دهید تا در نقش قهرمانان کتاب ظاهر شود و احساس آن‌ها را بیان کند.
- به کودکان اجازه دهید کتاب‌های مورد علاقه‌شان را به مهدکودک ببرند.
- آن‌ها را تشویق کنید تا برای شما و دیگران قصه بگویند و یا براساس تصاویر کتاب، داستان را تعریف کنند.

– به دقت به سؤالات و صحبت‌های او گوش دهید. این پرسش و پاسخ‌ها، به ایجاد نوعی سازگاری بین والدین و کودک می‌انجامد.
– با توجه به محل سکونت، نزدیک‌ترین کتابخانه‌ی عمومی کودکان را شناسایی و کودک را عضو کتابخانه کنید.
– برای دیدن برنامه‌های تلویزیون جدولی تهیه کنید تا فرصت کتاب‌خوانی را از دست ندهد.
و بالأخره خودتان کتاب بخوانید، زیرا فرزندان والدین کتاب‌خوان به کتاب‌خوانی علاقه‌ی بسیار دارند و این گروه از کودکان، از نظر بلوغ حسی و اجتماعی و موفقیت‌های عمومی در مدرسه، در سطح پیشرفته‌تری قرار می‌گیرند.

چگونه می‌توان مهارت‌های کلامی کودکان را توسعه داد؟

هرچند تقلید و مدل‌سازی از عوامل اصلی رشد زبان است اما این بدان معنا نیست که دریافت پیام‌های کلامی برای زبان‌آموزی کافی است. کودکان صحبت کردن را با صحبت کردن می‌آموزند و در این راه باید به سایر جنبه‌های یادگیری زبان، یعنی گوش کردن و آمادگی برای خواندن و نوشتن نیز توجه شود، زیرا هریک به نوبه‌ی خود در رشد مهارت‌های کلامی سهم دارند.
صحبت کردن: یعنی پیشرفت در روانی کلام که نیاز به لغات جدید دارد.
گوش کردن: آموزش توجه به مکالمات و مفاهیم و قدرت تشخیص بین صداها
آمادگی برای خواندن: تشخیص حروف و صدا، اعداد، نمادهای دیداری و دنبال کردن مراحل داستان‌ها و توسعه‌ی مهارت‌های ادراکی.

آمادگی برای نوشتن: توسعه‌ی مهارت‌های حرکتی و آشنایی با نوشتن

این آمادگی، با توجه به نظام آموزش و پرورش کشور، بیش‌تر در مدارس باید صورت گیرد و فعالیت‌ها، در مراکز پیش از دبستان، بیش‌تر به‌نحوی در دست گرفتن مداد، تطابق چشم و دست، تمرین برای کسب مهارت کشیدن از راست به چپ و نیز آشنایی و تشخیص صدای حروف، متمرکز می‌شوند.

مربی با تجربه‌ای که به اهمیت زبان‌آموزی واقف باشد با برنامه‌ریزی درست باید فضا و محیط مناسبی برای اجرای فعالیت‌های زبان‌آموزی فراهم سازد. مربی می‌تواند، ضمن حضور و غیاب و بحث‌های متداول اولیه، از نمودارهای تصویری آب و هوا و کارهای روزانه‌ای که باید صورت گیرد (مثل آب دادن به گلدان‌ها، تقسیم مدادها، جمع‌آوری وسایل، توزیع لوازم بازی و ...) استفاده کند. معمولاً این فعالیت‌ها فهرست شده‌اند و روی مقوایی نوشته شده است. کودک با شنیدن نوع فعالیت و دیدن معادل تصویری آن با کلمات نیز آشنا می‌شود. این مسئله، در مورد سایر فعالیت‌های هنری نیز صادق است. علاوه بر این، زمان غذای نیم‌روزی و یا برنامه‌ی ناهار، نشان دادن تصاویر و گفتن کلمه‌ی آن، هریک به کودک فرصت می‌دهد تا مهارت کلامی بیش‌تری کسب کند. بنابراین، مربیان باید:

- از تصاویر مختلفی که مدام در حال تغییر باشد استفاده نمایند.
- علایم گوناگونی را برای نام‌گذاری کودکان و اشیا به‌کار گیرند.
- با زدن برچسب بر روی اشیا، آن‌ها را طبقه‌بندی کنند.
- از چارت‌های گوناگونی چون حضور و غیاب و آب و هوا بهره گیرند.
- کتابخانه‌ای در کلاس تهیه کنند. این کتابخانه می‌تواند یک سبد و یک طناب برای آویختن کتاب‌ها باشد.
- کتاب‌های مناسبی را در زمینه‌های مختلف تدارک ببینند.

فعالیت‌های مناسب برای صحبت کردن

زبان، فنی‌ترین و متنوع‌ترین شکل بیان است. صحبت کردن را کودکان از خانواده و مراکزی مثل مهدکودک می‌آموزند. کودکان تا قبل از ورود به دبستان، در مدت ۴ تا ۵ سال، به فراگیری مهارت گفتن می‌پردازند و به نظام زبان فارسی مسلط می‌شوند. در این بخش فعالیت‌هایی برای تمرین صحبت کردن طراحی شده است که اساساً هدف آن‌ها یاد دادن نظام زبان فارسی نیست. بلکه منظور آموزش مهارت‌های اساسی کاربرد گفتار (استفاده از کلمه و جمله متناسب، صحبت کردن با صدای بلند و رسا، استفاده از واژه‌های درست و کاربرد واضح و مشخص) است. بنابراین، بعضی از فعالیت‌ها شامل نام‌گذاری و شناخت است و بعضی به کودک کمک می‌کند تا الگوهای سخن‌گویی خود را از طریق توصیف و تشریح اشیا یا تجارب توسعه دهد.

● فعالیت ۱

هدف: درک کردن، صحبت کردن درباره افعال

وسایل لازم: تصاویری که در آن عملی به نمایش گذاشته شده باشد انتخاب و روی مقوا چسبانده شود.

مراحل اجرا

- ۱- تصویر را به کودکان نشان دهید و از آن‌ها بخواهید:
نگاه کنند و بگویند در این تصویر چه اتفاقی افتاده است؟
- ۲- از کودکان بخواهید آن‌چه را در تصویر می‌بینند تعریف کنند و بگویند «چه اتفاقی افتاده است»؟
- ۳- از آن‌ها بخواهید تا بگویند قبل از این عمل چه فعلیتی صورت می‌گرفته است؟ یا بعد از این عمل چه کاری باید صورت گیرد؟
- ۴- پاسخ‌های کودکان را بنویسید و بعد برایشان بخوانید.
- ۵- تک‌تک کودکان را تشویق کنید که جملات کودکان دیگر را تکرار کنند. گاهی اوقات، کودکان براساس تصاویر داستان‌های گوناگونی می‌سازند.

نکات قابل توجه:

- این فعالیت بهتر است در گروه‌های کوچک اجرا شود. به‌خصوص، برای کودکانی که به صحبت کردن در گروه بزرگ رغبتی ندارند. حتی می‌توانید این فعالیت را به صورت انفرادی اجرا کنید.
- قبل از اجرای فعالیت برای آن‌ها مثال بزنید.
- این فعالیت‌ها را می‌توانید به اجرا درآورید. از کودک بخواهید عملی را که در تصویر می‌بیند نمایش دهد.
- گاهی برای هر تصویر می‌توانید سرودی بخوانید یا قصه‌ای بگویید.
- برای اجراهای بعدی، تصاویر را در یک پاکت بایگانی کنید.

● فعالیت ۲

هدف: به‌کار بردن جملات کامل برای توضیح یک شیئی

وسایل لازم: اشیای گوناگون مثل توپ قرمز، گچ زرد، مکعب سیاه، خمیربازی سبز.

مراحل اجرا:

- ۱- یکی از اشیا را بردارید و یک جمله کامل در مورد آن بسازید. به‌طور مثال: این یک توپ قرمز است.
- ۲- از بچه‌ها بخواهید به سؤال شما پاسخ کامل بدهند، به‌طور مثال:

معلم: این چه هست؟

کودکان: این یک توپ قرمز است.

۳- همین پرسش را در مورد اشیای دیگر نیز به کار ببرید.

۴- وقتی کودکان با روش پاسخ‌گویی کاملاً آشنا شدند، صفت‌های توصیفی را زیاد کنید.

معلم: این توپ گرد و قرمز است. این چی هست؟

کودکان: این یک توپ گرد و قرمز است.

با گچ زرد کوچک چه می‌توانیم بکشیم. با گچ زرد کوچک یک بادکنک زرد بزرگ می‌توان کشید.

نکات قابل توجه:

– باید به این نکته توجه شود که یادگیری استفاده از جملات کامل، به این مسئله بستگی دارد که اطرافیان کودک، جملات را

به‌طور کامل استفاده کنند. به‌طور مثال، به‌جای گفتن «بیا نهار»، باید گفت «ناهار حاضر است بیا نهار بخوریم»

● فعالیت ۳

هدف: شناخت و توصیف یک شیئی

وسایل لازم: تصاویری در مورد انواع غذاها، حیوانات، وسایل نقلیه و اسباب‌بازی‌ها تهیه کنید و روی مقوا بچسبانید.

مراحل اجرا:

۱- فعالیت را با بازی «من یک رازی دارم» شروع کنید.

۲- تصاویر را از ابتدا به کودک نشان ندهید.

۳- تصویری را انتخاب کنید و، پشت‌رو، روی میز و یا تخته قرار دهید.

سپس نشانه‌هایی از تصویر را بگویید. به‌طور مثال، چنانچه تصویر زرافه را از میان تصاویر حیوانات انتخاب کرده‌اید، بگویید

این حیوان دارای گردن درازی است.

۴- به کودکان فرصت دهید تا حدس بزنند.

۵- چنانچه کودک حدس زد تصویر را به او بدهید.

۶- وقتی که همه‌ی تصاویر بین کودکان تقسیم شد، به آن‌ها فرصت دهید که هر یک نشانه‌ای از تصویر خود را بگویند تا دیگران

حدس بزنند.

۷- بچه‌ها را تشویق کنید تا حدسیات خود را به‌صورت جملات کاملی بیان کنند.

نکات قابل توجه:

– می‌توانید از صدای حیوانات یا وسایل نقلیه برای نشانه استفاده کنید.

– برای کودکانی که خزانه‌ی لغات محدودی دارند، تصاویر طبقه‌بندی شده از یک موضوع را به کار ببرید. به‌طور مثال،

حیوانات یا وسایل نقلیه. سپس نشانه‌هایی از تصویر به آن‌ها بدهید (تا راحت‌تر حدس بزنند). برای کودکان بزرگ‌تر با دامنه‌ی لغات

وسیع‌تر، می‌توان از تصاویری که تا به حال ندیده‌اند استفاده کرد.

● فعالیت ۴

هدف: به کار بردن یک جمله‌ی کامل برای توصیف یک فعالیت

وسایل لازم: تعدادی تصویر را که هر یک گویای یک فعالیت در مهد کودک یا مکان دیگر باشد، از مجلات ببرید و روی مقوا بچسبانید. در زیر تصویر، جای خالی برای نوشتن بگذارید.

مراحل اجرا:

۱- تصاویر را روی تخته یا تابلوی ماهوتی بچسبانید و به کودکان فرصت دهید که آن‌ها را ببینند.
۲- تصویری را بردارید و از بچه‌ها بپرسید که چه می‌بینند؟ و از آن‌ها بخواهید دیده‌هایشان را به گونه‌ای بگویند که شما بنویسید؟

۳- از دیگر بچه‌ها بخواهید چنانچه نکته‌ای بیان نشده است، آن را شرح دهند.

۴- به همین ترتیب سایر تصاویر را نشان دهید و جملات ناقص آن‌ها را کامل و تلفظ غلط آن‌ها را تصحیح کنید.

۵- کودکان را تشویق کنید که برای تصاویر داستان بسازند.

۶- برای اجراهای بعدی تصاویر را در پاکت، بایگانی کنید.

به مجموعه شما باید تصویرهای جدید افزوده شود. تصاویر باید بزرگ باشد تا کودک آن را خوب ببیند. از این فعالیت، می‌توان برای کودکانی که رغبتی به صحبت کردن در جمع ندارند، به‌طور انفرادی استفاده کرد.

نکات قابل توجه:

- جملات بچه‌ها را برایشان بخوانید و از آن‌ها بخواهید آن را تکرار کنند. کودک به مرور یاد می‌گیرد که بین گفتن و نوشتن ارتباط وجود دارد.

- مجموعه‌ی تصاویر خود را افزایش دهید.

- تصویر باید روشن و واضح و با توجه به تعداد کودکان و گروه شما بزرگ باشد.

● فعالیت ۵

هدف: شناخت رنگ و یادگیری اسم رنگ‌ها

وسایل لازم: کاغذ روغنی در سه رنگ قرمز، آبی و زرد (به صورت نوارهایی با طول ۱۵ و عرض ۳ سانتی متر)، چسب مایع، قلم مو باریک، ظروف پلاستیکی برای ریختن چسب^۱.

مراحل اجرا:

۱- به هر کودک به تعداد ۱۰ نوار از رنگ‌های مختلف بدهید.

۲- به کودک پیاموزید که چگونه با این کاغذها زنجیر درست کند.

۳- پس از آماده شدن زنجیرهای ۱۰ حلقه‌ای کودکان، تمرین برای اسم رنگ‌ها را شروع کنید.

۴- یک نوار مثلاً قرمز انتخاب کنید و با نشان دادن آن به کودکان، از آن‌ها بخواهید تا طبقه‌ی قرمز خودشان را پیدا کنند.

۵- اسم رنگ را دوباره بگویید و از کودکان بخواهید نام رنگ را تکرار کنند.

۶- نوار دیگری با رنگ قرمز بردارید و از کودکان بخواهید نام آن را بگویند.

۷- این فعالیت را با سایر رنگ‌ها ادامه دهید.

۸- از بچه‌ها بخواهید تعداد رنگ‌های قرمز یا آبی زنجیر خود را بشمارند.

۱- برای این منظور، از درهای فلزی و یا پلاستیکی شیشه‌ها نیز می‌توان استفاده کرد.

۹- با دادن نوارهای دیگر، می‌توانید آن‌ها را تشویق به ساخت زنجیر تک رنگ و یا دو رنگ نمایید.
نکات قابل توجه:

- می‌توانید فعالیت را با رنگ‌هایی که کودک نمی‌شناسد ادامه دهید.
- دقت کنید تا همه‌ی بچه‌ها نام رنگ‌ها را بگویند و آن را تشخیص دهند.
- در مورد کودکانی که در شناخت رنگ مشکل دارند با مشاور مرکز صحبت کنید.
- قصه‌هایی در مورد رنگ‌ها، قوس و قزح، و ترکیب رنگ‌ها انتخاب و پس از گفتن قصه، کودکان را تشویق کنید که عملاً آن را اجرا کنند.

● فعالیت ۶

هدف: نام‌گذاری و توصیف اشیای مفرد و جمع
وسایل لازم: تعدادی تصویر (ماشین، مداد، ماهی، توپ)، از هر تصویر چند عدد، مقداری گیره به تعداد ماهی‌ها، یک چوب بلند، مقداری نخ، یک قطعه آهن‌ربا و یک تشت کوچک.

مراحل اجرا:

- ۱- تصاویر گوناگون را، که روی مقوا چسبیده و بریده شده است، به کودکان بدهید تا رنگ کنند.
- ۲- گیره‌ها را به تصاویر وصل کنید.
- ۳- نخ را به چوب وصل کنید و آهن‌ربا را به سر دیگر نخ ببندید.
- ۴- تصاویر را درون ظرف قرار دهید.
- ۵- به کودکان فرصت دهید که هریک ماهی‌گیری کنند. تصاویر به قلاب گرفته را هریک نزد خود نگاه دارند.
- ۶- بعد از یک دور بازی، هریک باید بگویند که چه چیزهایی به دست آورده‌اند؛ مثلاً بگویند «من یک ماشین دارم» یا ۲ تا ماهی دارم.

۷- از کودک بخواهید با یک جمله آن‌چه را که به دست آورده است، توصیف کند؛ مثلاً: «من یک ماهی دارم که قرمز است» یا «یک ماشین که آبی است» و به همین ترتیب «ماهی‌های من قرمز هستند» و یا «ماشین‌های من آبی هستند».

نکات قابل توجه:

- اشیای منفرد و جمع را در کلاس به کودکان نشان دهید.
- در مورد اعضای بدنشان (مفرد و جمع) صحبت کنید. دست‌ها، پاها، چشم‌ها، سر، بینی، دهان و از آن‌ها بخواهید برای کار هریک جمله‌ای بسازند.

فعالیت‌های مربوط به استفاده از مفاهیم و لغات جدید

● فعالیت ۷

هدف: آموزش اعضای بدن

وسایل لازم: به تعداد کودکان کاغذهای بزرگ برش یا صفحات روزنامه، ماژیک نر، پهن مشکی، چند عدد رنگ گواش، چند عدد قلم مو ضخیم و قیچی.

مراحل اجرا:

۱- بحث را پیرامون بدن شروع کنید و بگویید:

بچه‌ها، کی از بین شما می‌داند که کلمه‌ی «بدن» یعنی چه؟ علی‌شما بدن دارید؟ پروانه شما چه طور؟ ... اعضای بدن ما را نام ببرید. دست‌ها؟ با دست‌ها چه می‌کنیم؟ و به همین ترتیب بحث را با حرکات ادامه دهید.

۲- یک کاغذ را روی زمین پهن کنید و از کودکی بخواهید روی کاغذ بخوابد و شما دورش را با ماژیک خط بکشید. در حال کشیدن، قسمت‌های مختلف بدن و چپ و راست را نام ببرید. «من در حال کشیدن سر هستم. حالا پای راست، بعد ...» سپس طرح‌ها را به کودک بدهید تا آن را با رنگ نقاشی کند (موی سر، اجزای صورت و بالأخره لباس برای تن کودک). اسم کودکان را زیر طرح بدنشان بنویسید.

۳- به کودکان فرصت دهید تا هریک طرح دیگری را بکشند و سپس آن را رنگ‌آمیزی کنند و ببرند.

۴- می‌توانید تصاویر را به دیوار وصل یا به وسیله‌ی گیره به نخ‌ی آویزان کنید.

۵- اشعار مناسب برای اعضای بدن را انتخاب کنید و با کودکان بخوانید.

۶- هرازگاهی از کلمات ناآشنا تر نیز استفاده کنید. آرنج، پاشنه‌ی پا، کتف و غیره

نکات قابل توجه:

- بچه‌ها بسیار دوست دارند که مربیان‌شان در تجارب یادگیری آن‌ها شرکت داشته باشند.

- اجازه دهید بچه‌ها طرح شما را هم بکشند.

- در ضمن کار، فعالیت‌های حرکتی را فراموش نکنید. به‌طورمثال دست‌هایتان را حرکت دهید. پای راست را بالا ببرید،

گردنتان را بلرزانید و ... (می‌توانید از ترانه‌های کودکان‌های مربوط به این مفاهیم نیز استفاده کنید).

- می‌توانید دو طرح (یک دختر و یک پسر) را بکشید و پس از نقاشی روی مقوا بچسبانید. سپس آن را چند قطعه کنید (جدا

کردن سر، تنه، دست و پا) و از کودکان بخواهید پازل بدن‌ها را کامل کنند.

- چنان‌چه طرح‌های بدن کودکان را، پس از نقاشی کردن، روی مقوای کلفت چسبانید، با قرار دادن پایه‌ای در پشت آن‌ها،

نمایشگاهی از تصاویر بچه‌ها را برگزار نمایید. یا به‌عنوان دکور از این تصاویر برای جشن‌ها و برنامه‌های بازدید والدین استفاده کنید.

- می‌توانید با جمع‌آوری تصاویری از افراد، در حین انجام کار، مجموعه‌ای تهیه کنید. تصاویر را روی مقوا بچسبانید و

درباره‌ی حالت تصاویر، احساس آن‌ها و نیز اعمال‌شان، از کودک سؤال کنید.

- این قبیل فعالیت‌ها را با حرکات بدون کلام (پانتومیم) نیز می‌توانید به اجرا درآوردید و کودک را تشویق کنید که حالت و یا

حرکت شما و یا دیگران را حدس بزند.

فعالیت‌های شنیداری (گوش کردن)

ما معمولاً در اوقات مختلف با انگیزه‌های متفاوتی گوش می‌دهیم. در واقع میزان دقت و توجه ما در نوع شنیدن ما اثر

می‌گذارد. بر همین اساس، برای شنیدن می‌توان چهار سطح قایل شد.

شنیدن حائیه‌ای (منفی): به شعر، ترانه، قصه و حرف‌های دیگران گوش می‌کنیم، بدون آن‌که الزاماً آن پیام‌ها برای ما باشد و

یا معنی تمام لغات را بفهمیم. معمولاً در این نوع گوش دادن شنونده در حین اجرای کاری، گه‌گاه به‌طور انتخابی، به قسمتی از

صحبت‌ها گوش می‌دهد. ولی اجرای کار برایش مهم‌تر از چیزی است که می‌شنود.

شنیدن التذادی (گوش دادن فعال): شنونده نسبت به تغییرات صدا، اوج، فرود و ویژگی‌های دیگر «شنیده‌ها» عکس‌العمل نشان می‌دهد. به طوری که آن را دنبال می‌کند و یا به آن پاسخ می‌دهد. در این حالت شنونده به طور تصادفی نسبت به آنچه می‌شنود حساس می‌شود و گاهی آن‌چنان‌چه گوینده در مقابلش باشد، با تغییری که در نگاه شنونده می‌بیند و یا حرکتی در تأیید، مثل تکان دادن سر، صحبت را ادامه می‌دهد.

شنیدن دقیق: شنونده نسبت به کلمات، قصه‌ها و سایر تجارب شنیداری، عکس‌العمل‌های هیجانی و خلاق نشان می‌دهد. شنیدن تحلیلی: شنونده آن‌چه را که می‌شنود ارزش‌یابی، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل می‌کند. در واقع شنونده با دقت کامل گوش می‌دهد.

معمولاً در یک محیط طبیعی، کودکان به گوش دادن‌های حاشیه‌ای می‌پردازند. در دوره‌های پیش از دبستان و دبستان، هدف اصلی شنیدن التذادی و دقیق است، که در این زمینه فعالیت‌هایی پیشنهاد می‌شود. این فعالیت‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند تا توجه کودکان به کلمات و صحبت کردن دیگران جلب شود. تا به این وسیله، آن‌ها به تفاوت صدا و تغییرات آن در محیط زندگیشان توجه می‌کنند و عکس‌العمل نشان دهند. هرچند در فصل چهارم در این زمینه صحبت شده است، اما نظر به اهمیت «گوش دادن» مجدداً فعالیت‌هایی پیشنهاد می‌شود.

● فعالیت ۱

هدف: تشخیص صدا

وسایل لازم: یک جعبه‌ی دردار، تعدادی شیئی مثل زنگوله، جفجغه، سوت، کاغذ (برای پاره کردن)، کاغذ سنباده، بوق یا

شیپور

مراحل اجرا:

- ۱- نکات زیر را برای کودکان توضیح دهید.
 - ما می‌خواهیم یک بازی برای گوش دادن اجرا کنیم.
 - چه موقعی ما می‌شنویم و چه می‌شنویم. وقتی صدایی باشد، صداها را محیط را چگونه می‌شنویم.
 - گوشه‌ایتان را محکم بگیرید و حالا گوش کنید، چه قدر می‌شنوید؟
 - من جعبه‌ای دارم با اشیای مختلف درونش که تولید صدا می‌کند. حدس بزنید صدایی که شنیدید صدای چیست؟ حالا چشم‌هایتان را ببندید و فقط گوش دهید.
- ۲- با یکی از اشیاء، صدا تولید کنید و از کودکان سؤال کنید که صدای چیست؟
- ۳- از تک‌تک بچه‌ها سؤال کنید (می‌توانید بین بچه‌ها راه بروید و نزدیک گوش هریک صدا را تولید کنید).
- ۴- سپس می‌توانید دو شیئی را باهم به صدا درآوردید تا حدس بزنند یا اشیای هم‌صدا را تشخیص بدهند.
- ۵- بعد از شناسایی و تشخیص صدا، ابزار را به کودکان بدهید تا هریک آن را شخصاً تجربه کنند و یا برای خواندن یک سرود شما را همراهی نمایند.

● فعالیت ۲

هدف: شنیدن صدا و تکرار آن‌ها

و وسایل لازم: تعدادی شیئی که تولید صدا کند (زنگوله، دایره، جفجغه، کاغذ سنباده، زنگ، کاغذ، تعدادی آجر چوبی) برای کوبیدن به هم

مراحل اجرا:

- ۱- سه شیئی را روی میز بگذارید.
 - ۲- شیئی را بردارید و از کودکان پرسید چیست؟ و چه کاربردی دارد؟
 - ۳- اجازه بدهید کودکان آن را لمس کنند. همین کار را با سایر اشیا اجرا کنید.
 - ۴- فعالیت را این چنین شروع کنید.
- می خواهم سه نوع صدا تولید کنم. اول جفجغه را تکان می دهم، بعد زنگ را به صدا درمی آورم و بالآخره کاغذ را پاره می کنم.
- اول چه صدایی شنیدید؟ بعداً چه صدایی شنیدید.
- ۵- مثال دیگری را مطرح کنید.
 - ۶- از بچه ها بخواهید چشم هایشان را ببندند. همان فعالیت ها را تکرار کنید.
 - ۷- می توانید چند شیء دیگر نیز به مجموعه تان بیفزایید و از کودکان بخواهید آن ها را تشخیص دهند که اول چه بوده و بعد و بعد ...
- ۸- از بچه ها بخواهید خودشان با حرکات بدن صدا تولید کنند. دست زدن، کوبیدن، داد زدن، پاشنه ی پا را به هم زدن، تیک تیک کردن و از بچه های دیگر بخواهید آن صداها را تکرار کنند.
- می توانید از ابزارهای ساده ی موسیقی، مثل دو قطعه چوب، سنج و طبل، استفاده کنید.

● فعالیت ۳

هدف: حدس زدن صدای اشیا

وسایل لازم: تصویر تعدادی شیء صدادار، مقوا، چسب و قیچی

مراحل اجرا:

- ۱- تصاویر را جداگانه روی مقوا بچسبانید.
 - ۲- کارت ها را به حالت پشت رو، روی میز قرار دهید تا هرکودک یک کارت بردارد.
- ابتدا خودتان یک کارت بردارید و با توجه به تصویر، صدای آن را نمایش دهید و از بچه ها بخواهید حدس بزنند که صدای چیست؟

- ۳- از بچه ها بخواهید که هر یک با نمایش صدای تصویری که در اختیار دارند، دیگران را تشویق کنند که حدس بزنند.
- ۴- پس از حدس زدن، تصویر را نشان دهید.

نکات قابل توجه:

- تصاویر باید واضح و قابل شناسایی باشد.
- با افزودن تصاویر در طی سال، مجموعه ی کارت های صدادار را کامل کنید.

- برای جالب بودن فعالیت می‌توانید حرکات را نیز به آن بیفزایید.
- در خاتمه‌ی فعالیت، از بچه‌ها بخواهید هم‌زمان، هر یک صدای کارت را اجرا کنند.
- می‌توانید صداها را براساس منبع صدا طبقه‌بندی کنید. (گروه ماشین‌ها، قطارها، حیوانات و غیره ...)
- می‌توانید صداها را روی نوار ضبط کنید و کودکان، ضمن پخش صدا، منبع صدا را حدس بزنند.

● فعالیت ۴

هدف: آموزش زیر و بم سازی و کم و زیاد کردن شدت صدا

وسایل لازم: تصاویر حیوانات مختلف و یا تصاویری از قهرمانان کتاب‌های قصه و یا شخصیت‌های تلویزیونی، مقوا، قیچی

و چسب

مراحل اجرا:

- ۱- تصاویر را ببرید و روی مقوا بچسبانید.
- ۲- به هر کودک یک تصویر بدهید.
- ۳- از کودکان بخواهید که هر یک با توجه به تصویرشان جمله‌ای را بگویند.
- ۴- تأکید کنید که هنگام اجرا، صدایشان را با توجه به تصویر که انتخاب کرده‌اند، تغییر دهند. مثلاً اگر تصویر یک خرس است، صدا بم و کلفت باشد و یا اگر تصویر از آن یک پرنده‌ی کوچک است، صدا زیر و نازک باشد.

نکات قابل توجه:

- می‌توانید پرده‌ای را در کلاس نصب کنید و کودکان تصویر را از بالای پرده نشان دهند و خودشان پشت پرده قرار گیرند.

- می‌توانید از کودکان بخواهید ابتدا صدا را تقلید کنند و بقیه حدس بزنند که صدای کیست؟
- این فعالیت را می‌توانید پس از قصه‌گویی دنبال کنید.
- می‌توانید از نوارهای موسیقی به‌عنوان زمینه‌ای برای فعالیت‌ها استفاده کنید.

● فعالیت ۵

هدف: آشنا کردن کودکان با کتاب‌های کودکان

وسایل لازم: مجموعه‌ای از کتاب‌های مناسب با توجه به ویژگی‌های سنی کودکان

نکات قابل توجه برای مربیان:

- لغات کتاب باید آسان باشد و چنانچه معنی لغتی دشوار بود قبل از خواندن داستان، لغت باید معنا شود.
- جلسات کتاب‌خوانی باید در یک جلسه پایان یابد.
- طرز نشستن باید به‌گونه‌ای باشد که همه بتوانند تصاویر را ببینند.
- مربی قبلاً باید کتاب را خوانده باشد و با لغات و ساختار و قصه‌ی آن آشنا باشد.
- قبل از خواندن کتاب، نام کتاب و نام نویسنده را اعلام کند.
- در خاتمه به‌صورت پرسش و پاسخ داستان را مرور کند.

به همین ترتیب می‌توانید برای کودکان قصه بگویید. در قصه‌گویی، علاوه بر نکات فوق، قصه‌گو باید از کاربرد حرکات کلیشه‌ای و تقلیدی پرهیزد.

– نقل قصه را با ضمیر سوم شخص شروع کند «خرگوش کوچولو توی جنگل تنها بود».

– کلمات را درست ادا کند و از مکث‌های به موقع سود جوید.

– نکات اخلاقی و پندها را به صورت ضمنی بیان کند نه به‌طور مستقیم.

– در مواقع ضروری کودکان را برای همراهی دعوت کند. مثلاً «بچه‌ها (زنبورها به خرس حمله کردند. صدای زنبورها چگونه

بود؟» و یا باد چگونه می‌وزید و یا درختان چگونه حرکت می‌کردند؟

– گاهی برای جالب کردن قصه از اشیاء یا عروسک‌های نمایشی استفاده کند. مثلاً «مقداری لوبیا برای قصه‌ی جک و لوبیای

سحرآمیز» و یا «سنگ» برای قصه‌ی آتش سنگ و یا عروسک پارچه‌ای حیوانی و ...

– فعالیت‌هایی را برای بعد و یا قبل از قصه‌گویی برنامه‌ریزی کنید، مثلاً ساختن کلاه قبل از اجرای قصه و یا بعد از اجرا و یا

کشیدن ماهی و چسباندن تمام ماهی‌های کودکان روی مقوا (کار گروهی) با توجه به کتاب یا قصه.

● فعالیت ۶

هدف: گوش کردن به شعر

وسایل لازم: پارچه، چسب، دکمه، کاموا (مواد لازم برای ساخت عروسک) انتخاب یک شعر یا ترانه‌ی کودکانه.

مراحل اجرا:

۱- می‌توانید ساختن یک عروسک نمایشی را با کودکان تجربه کنید و ضمن کار، به آرامی و وضوح مراحل ساخت عروسک

را گام به گام توضیح دهید.

۲- برای عروسک نامی انتخاب کنید.

۳- برای کودکان توضیح دهید که این عروسک می‌خواهد ترانه و یا شعری برای شما بخواند.

۴- می‌توانید وانمود کنید که عروسک شما خجالتی است و ابتدا شعر را در گوش شما می‌خواند. سپس شما آن را برای

کودکان تکرار می‌کنید.

۵- بسیار جالب خواهد بود که پس از فعالیت شما، مواد در اختیار کودکان قرار گیرد تا آن‌ها عروسکی بسازند و هریک نامی

برای عروسک خود انتخاب کنند. در مراحل اولیه، چنانچه ساخت عروسک دشوار است می‌توانید ماسک ساده‌ای با پاکت بسازید.

۶- به وسیله‌ی این عروسک می‌توانید مفاهیم دیگری چون صدای بلند و کوتاه، تند و آهسته صحبت کردن، حتی تقلید صدای

حیوانات و ... را تجربه کنید.

نکاتی برای آگاهی مربیان

استفاده از شعر و سرود: گوش کردن به شعر، برای کودکان لذت‌بخش و مطبوع است. زیبایی کلام در شعر به کودکان کمک

می‌کند تا نسبت به هر آنچه در محتوای شعر وجود دارد (مردم، اشیاء، گیاهان، جانوران) حساسیت بیشتری نشان دهند. کودکان با

گوش دادن به اشعار می‌آموزند که نیاز به مهربانی و زیبایی دوستی نیاز مشترک انسان‌هاست و آن‌ها می‌توانند از طریق شعر با این نیازها

آشنا شوند و پیوند عاطفی برقرار نمایند. شعرها در نهایت خزانه‌ی لغات را افزایش می‌دهند و سطح خواندن را بالا می‌برند.

آموزش شعر و سرود، تنها به مسائل عاطفی و زیباشناسی ختم نمی‌شود و چه بسا مفاهیم علمی را نیز می‌توان در این قالب به کودکان آموزش داد. هم‌چنان که شنیدن شعر تنها برای تقویت گوش دادن نیست بلکه با تقویت دایره‌ی لغات، سطح دانش خواندن کودکان نیز افزایش می‌یابد.

چگونه برای کودکان شعر انتخاب کنیم؟ (شعر مناسب برای کودکان)

۱- مضامین شعر کودکان باید به گونه‌ای باشد که همه کودکان جامعه، اگر هم نسبت به آن‌ها تجربه‌ی فردی ندارند، لااقل با آن‌ها آشنا باشند و از زندگی روزمره‌ی آن‌ها الهام گرفته باشد. این مضامین باید با ویژگی‌های سنی کودک و علایق وی نیز مرتبط باشند. درخشنده‌ی خورشید، شگفتی یک روز برفی، پرواز پرندگان، الاکلنگی که سوار می‌شود و... از جمله مفاهیم مورد علاقه‌ی آن‌هاست.

۲- معمولاً اشعار ویژه‌ی کودکان نباید زیاد طولانی باشند، مگر در مورد قصه‌های منظوم. زیرا کودک خیلی زود از یک نواختی خسته می‌شود و نمی‌تواند مدت طولانی تمرکز داشته باشد.

۳- استفاده از استعارات و تشبیهات زیاد در شعر کودکان مجاز نیست. زیرا کودک معنای شعر را درک نمی‌کند و در بمباران تصاویر و لغاتی قرار می‌گیرد که برایش مانوس نیست. در نتیجه هرگز از شعر لذت نمی‌برد. کودک سعی می‌کند که آهنگ شعر را به خاطر بسپارد.

۴- مریمان باید با مطالعه‌ی شعرهای مختلف، اشعار مناسب را برای کودکان انتخاب و فهرست نمایند تا در زمان مقتضی از آن‌ها استفاده کنند.

چگونه کودکان را به شعر خواندن ترغیب نماییم: هرگز نباید کودکان را به اجبار وادار به خواندن شعر نمود. خواندن یک بیت شعر از روی علاقه و رغبت، چه بسا با ارزش‌تر از حفظ کردن یک شعر کامل باشد، وقتی که از روی بی‌میلی خوانده شود. برای آموزش شعر به کودکان باید ...

- خودتان آن شعر را دوست داشته باشید. در غیر این صورت نمی‌توانید آن گونه که باید، احساس را چاشنی شعرخوانی نمایید.
 - اشعار را قبل از اجرا چندین بار (با صدای بلند) برای خودتان بخوانید تا کاملاً آن را حس کنید و وزنش را یاد بگیرید.
 - چنانچه گمان می‌کنید لغاتی در شعر برای کودک قابل درک نیست، قبل از شعرخوانی آن را معنا کنید.
 - قبل از شعرخوانی، برای کودکان توضیح دهید که می‌خواهید شعر جدیدی را با این نام و با این موضوع برایشان بخوانید.
 - در مناطق دوزبانه می‌توانید ابتدا خلاصه شعر را به زبان مادری تعریف کنید سپس شعر را بخوانید.
 - در شعر خواندن لغات را واضح بیان کنید و از مکث‌های به موقع استفاده کنید.
 - پس از خواندن شعر، چند لحظه سکوت کنید. سپس دوباره شعر را بخوانید.
 - از کودکان بپرسید که آیا دوست دارند با شما شعر را تکرار کنند؟ در صورت تمایل آن‌ها، شعر را با آن‌ها بخوانید. طبیعی است که بعضی از آن‌ها تنها بعضی لغات را تکرار می‌کنند و به تدریج شعر کامل می‌شود.
 - هرگز شعرها را بخش‌بخش نکنید، چون مفهوم شعر ناقص می‌شود.
 - گاهی از دست زدن و یا زدن دو قطعه چوب به هم، برای همراهی شعر استفاده کنید.
 - هرگز از کودکان نخواهید که با صدای بسیار بلند، که شبیه جیغ زدن است، شعر بخوانند.
 - یک نسخه از اشعار را به کودکان بدهید تا، در صورت تمایل، والدینشان برای آن‌ها بخوانند.
- وقتی کودکی شعری را حفظ کرد احساس لذت و غرور می‌کند و این احساس پایه و انگیزه‌ی یادگیری‌های بعدی او خواهد بود. برای آشنایی کودکان با ریتم، می‌توانید از بازی‌های مناسب، مثل بازی با لغات هم‌قافیه نیز استفاده نمایید.

آمادگی برای خواندن

کودکانی که برای خواندن آمادگی داشته باشند، به سرعت میل شدید خود را برای خواندن نشان می‌دهند. برای مثال آن‌ها داستان‌های مورد علاقه‌شان را حفظ می‌کنند، دوست دارند آن‌ها را بخوانند و با صدای بلند برای دیگران می‌خوانند. این گروه از کودکان مهارت کلامی و شنیداریشان پیشرفت کرده است و بسیار مشتاق‌اند که با کلمات چاپ شده و تصاویر کتاب ارتباط برقرار کنند. بعضی از مهارت‌ها که آن‌ها را به خواندن سوق می‌دهد شامل شناخت حروف و اعداد، شناخت صدای حروف و بالأخره آشنایی با مواد چاپی است. در این قسمت، به فعالیت‌هایی اشاره می‌شود که کودکان را برای خواندن آماده می‌سازد. شایان یادآوری است که هرگز نباید به کودکان برای خواندن فشار آورد و این برنامه جزو فعالیت‌های دوره‌ی ابتدایی است.

● فعالیت ۱

هدف: یادگیری مفاهیم چپ و راست

وسایل لازم: به ابزار خاصی نیاز نیست.

مراحل اجرا:

- ۱- فعالیت را با یک بازی شروع کنید و از کودکان بخواهید حرکات شما را تقلید کنند.
- ۲- حرکات را شروع کنید و ضمن حرکت نام آن عمل را بیان کنید. (پريدن، راه رفتن و ...)
- ۳- سپس از کودکان بخواهید که به صورت یک نیم‌دایره بایستند. مری باید جلوی بچه‌ها بایستد، در حالی که پشتش به طرف کودکان باشد.

۴- به سمت راست بچرخید، ضمن چرخیدن، اعلام کنید: «به سمت راست می‌چرخید. حالا به سمت چپ و ...»

۵- دست راست را روی پای راست قرار دهید.

۶- دست چپ را روی سرتان بگذارید.

نکات قابل توجه:

- برای کودکان کوچک‌تر می‌توانید دست راست و چپ را با دو نوار قرمز و سبز مشخص کنید و در مراحل اولیه نام رنگ‌ها را بگویید، سپس مفهوم راست و چپ را بیش‌تر توضیح دهید.
- در این فعالیت می‌توانید حرکات متفاوتی را با توجه به سن و توانایی کودکان اجرا کنید.

● فعالیت ۲

هدف: آشنایی با لغات هم‌قافیه

وسایل لازم: تعدادی تصویر اشیای آشنا

مراحل اجرا:

- ۱- تصویری را انتخاب کرده به کودکان نشان دهید.
- ۲- از بچه‌ها بخواهید نام شیء را با صدای بلند بیان کنند.
- ۳- از هر یک از کودکان بخواهید کلمه‌ای هم‌قافیه با تصویر را بگوید. مثلاً نشان دادن تصویر «شیر» و بیان کلماتی چون سیر،

تیر، دیر و یا موش، گوش، جوش. هر کودک باید سعی کند لغت تازه‌ای به این مجموعه بیفزاید.
نکات قابل توجه:

– این لغات برای کودکان چهار و پنج ساله ممکن است دارای معنا یا فاقد معنا باشند.

● فعالیت ۳

هدف: آشنایی با صدای اول کلمات

وسایل لازم: تعدادی تصویر که اولشان مثلاً با حروف «ب» یا «د» یا «م» شروع شود، بادکنک، بادام، برف، دارکوب، داس، دست، ماشین، موز، مداد

مراحل اجرا:

- ۱- تصاویر را به کودکان نشان دهید و از آن‌ها بخواهید آن‌ها را نام ببرند.
- ۲- از آن‌ها بخواهید اشیائی را، که صدای اولشان با «ب» شروع می‌شود، جدا کنند.
- ۳- این فعالیت را با سایر اشیاء ادامه دهید.
- ۴- از آن‌ها بخواهید اشیاء کلاس را، براساس صدای حرف اول، طبقه‌بندی کنند.

نکات قابل توجه:

– فقط به صدای حروف توجه کنید.

– می‌توانید این فعالیت را روی حروف آخر کلمات نیز تمرین کنید.

● فعالیت ۴

هدف: جمله‌سازی با یک کلمه (آغاز قصه‌گویی کودکان)

مراحل اجرا:

- ۱- یک کلمه‌ی مورد علاقه کودکان را انتخاب کنید. «توپ»
- ۲- ابتدا خودتان با کلمه‌ی «توپ» یک جمله بسازید: «من یک توپ آبی دارم»
- ۳- از بچه‌ها بخواهید هر یک جمله‌ای به جمله‌ی اول بیفزایند: «توپ من یک روز پاره شد». بعد چی شد؟ «مادر برای من یک

توپ سبز خرید» ...

نکات قابل توجه:

- کودکان را برای جمله‌سازی آزاد بگذارید.
- چنانچه جملات کودکان با یکدیگر ارتباط نداشت خودتان ارتباط را برقرار کنید.
- از همکاران بخواهید همزمان داستان کودکان را بنویسد.
- در خاتمه، داستان کودکان را برای آن‌ها بخوانید.
- از آن‌ها بخواهید، بعد از شنیدن داستان، در مورد آن نقاشی کنند.
- می‌توانید، براساس داستان و نقاشی کودکان، با کودکان کتاب بسازید.
- از کودکان بخواهید نامی برای کتابشان انتخاب کنند.

● فعالیت ۵

هدف: شناخت آدرس‌ها

وسایل لازم: مقوا با ابعاد $۷/۵ \times ۱۲/۵$ سانتی متر به تعداد کودکان، مازیک

مراحل اجرا:

- ۱- نام و آدرس هر کودک را روی یک کارت بنویسید.
 - ۲- در مورد شماره‌های منازل صحبت کنید.
 - ۳- در مورد نام خیابان‌ها صحبت کنید.
 - ۴- گوشزد کنید که چرا دانستن آدرس مهم است.
 - ۵- فعالیت را به صورت بازی ادامه دهید.
- آدرس کودکی را بخوانید و از دیگران بپرسید کسی را، که در این محل زندگی می‌کند، می‌شناسند؟
- کمی از مشخصات کودکی را، که در آن محل زندگی می‌کند، اعلام کنید (رنگ مو، چشم، رنگ لباس). وقتی کودکان فرد را شناسایی کردند آدرس کامل او را بخوانید و کارتش را به او بدهید. این بازی را با سایر کودکان ادامه دهید.

نکات قابل توجه:

- این فعالیت می‌تواند برای شماره‌ی تلفن نیز صورت گیرد.
- داشتن نقشه‌ی شهر محل سکونت برای نشان دادن خیابان‌ها ضروری است.
- می‌توانید به کودکان اجازه دهید که هر یک محل زندگی خود را، با درج یک مربع بر روی نقشه، مشخص کنند.
- می‌توانید اماکن آشنای دیگری را، که در محله وجود دارد، روی نقشه برای کودکان توضیح دهید. (پارک بازی، سینما، فروشگاه، مهدکودک، اداره‌ی پلیس، اداره پست و ...).

● فعالیت ۶

هدف: توصیف یک تصویر

وسایل لازم: تهیه‌ی تعدادی تصویر واضح و روشن در موضوعات مختلف (خرید در فروشگاه، بازدید از پارک، ایستگاه

اتوبوس و ...).

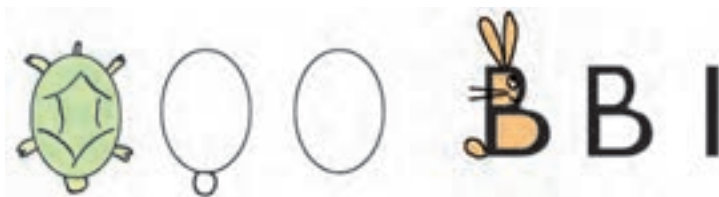
مراحل اجرا:

- ۱- تصاویر را به کودکان نشان دهید و از آن‌ها بپرسید که در تصویر چه می‌بینند.
- ۲- ضمن تکرار دیده‌های آن‌ها، از دیگر کودکان بخواهید تا گفته‌ها را تکمیل کنند.
- ۳- در مراحل بعدی با طرح سؤالات جدید، تخیلات آن‌ها را برانگیزید. مثلاً «در فروشگاه چه چیزهایی می‌توان خرید؟» و یا «اگر در پارک ماشین حرکت کند چه می‌شود؟» و ...

نکات قابل توجه:

- مجموعه تصاویرتان را افزایش دهید.
- پس از بحث درباره‌ی تصاویر، می‌توانید کودکان را تشویق به قصه‌گویی نمایید.
- می‌توانید از کودکان بخواهید که وانمود کنند در فروشگاه و یا پارک هستند و آن‌چه را در خیال می‌بینند بیان کنند.

– می‌توانید، به جای استفاده از تصویر، چند طرح ساده بر روی تخته نقاشی کنید و به کودکان فرصت دهید تا به دل‌خواه در مورد آن‌ها داستان بسازند.
 – طرح‌ها باید ساده، آشنا و بدون کشیدن جزئیات باشد.



– می‌توانید در مراحل تکمیل طرح، کودکان را تشویق کنید که حدس بزنند. به چند نمونه توجه کنید (شکل ۱-۵).



شکل ۱-۵

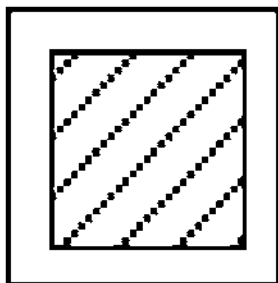
● فعالیت ۷

هدف: بیان مراحل اجرای یک فعالیت به ترتیب

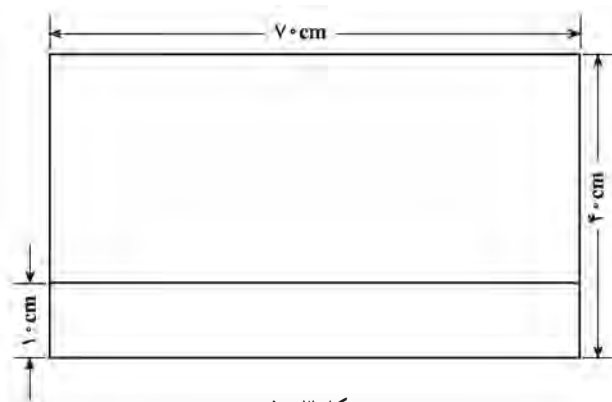
وسایل لازم: چند دسته عکس، که هر یک به گونه‌ای با یکدیگر در ارتباط باشند و مراحل اجرای یک فعالیت یا دگرگونی را نشان دهند (مراحل دگردیسی قورباغه؛ مراحل تبدیل گل به میوه، یا تخم به جوجه و بیدار شدن و آماده شدن برای رفتن به مدرسه و ...)، چند عدد مقوا، قیچی، چسب.

● تصاویر را یک به یک روی مقوا بچسبانید، در حالی که هر مقوا در طول و عرض ۲ cm بزرگ‌تر از تصویر باشد (حاشیه داشته باشد) (شکل ۲-۵).

● مقوای دیگری را با طول ۷۰ سانتی متر و عرض ۴۰ سانتی متر ببرید (شکل ۳-۵).

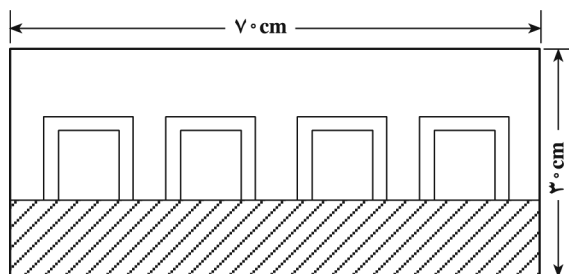


شکل ۲-۵



شکل ۳-۵

● لبه‌ی زیرین را با عرض ۱۰ cm روی نوار بالا برگردانید و با چسب بچسبانید (شکل ۴-۵). یا با ماشین دوخت بدوزید. این قاب برای قرار دادن تصاویر مناسب است. اندازه‌ی عکس‌ها باید کوچک‌تر از قاب باشد تا کودکان به راحتی تصاویر را در آن قرار دهند.



شکل ۴-۵

مراحل اجرا:

۱- قاب را در جای مناسبی به دیوار نصب کنید.

۲- تصاویر یک موضوع را به کودک بدهید و از او بخواهید تا آن‌ها را بر اساس نظم خاصی که فکر می‌کند و یا اتفاقی که

در داستان می‌افتد، درون قاب قرار دهد.

۳- سپس از آن‌ها بخواهید تصاویر را شرح دهند.

نکات قابل توجه:

- موضوع تصاویر برای کودکان باید آشنا باشد (مشاغل، قصه‌های آشنا و ...)
 - در مراحل اولیه، می‌توان از تصاویر محدود (حداقل ۲) شروع کرد. سپس تصاویر را افزایش داد (حداکثر ۸ تصویر).
 - تصاویر هر مجموعه را در پاکتی قرار دهید و نام مشخصی برای آن انتخاب کنید.
 - در صورتی که کودکان نیاز به یاری شما دارند آن‌ها را راهنمایی کنید.
 - می‌توانید چند مجموعه را باهم ادغام کنید و به کودکان بدهید تا آن‌ها را جدا سازند.
 - پس از مرتب کردن تصاویر، تأکید بر روی شرح و توصیف هرچه بیشتر تصاویر باشد.
 - کارت‌ها باید از راست به چپ (در قاب) قرار گیرد تا چشم کودک به دیدن از راست به چپ عادت کند (در زبان فارسی).
- (شکل ۵ - ۵).



شکل ۵-۵

● فعالیت ۸

هدف: ساختن کتاب توسط کودکان

وسایل لازم: کاغذ سفید یا کاغذ کلاسور، چسب، مداد رنگی، عکس‌های بریده از مجلات

مراحل اجرا:

- ۱- برای ساختن چنین کتابی چند عدد کاغذ سفید را در کلاسوری قرار دهید و یا به صورت کتابچه بدوزید.
- ۲- با کودک مشورت کنید که چه نوع کتابی را دوست دارد؟ کتابی درمورد اسباب بازی‌ها، ماشین‌ها و ...
- ۳- کودک را به کشیدن تصاویر مربوط تشویق نمایید یا تصاویر موردنظر کتاب را از مجلات ببرید.
- ۴- تصاویر بریده شده را در دفتر به گونه‌ای بچسبانید که بتوانید زیر آن بنویسید.
- ۵- کتاب باید کوشش مشترک بزرگ‌سال و کودک باشد (لااقل در کتاب‌های اولیه).
- ۶- از کودک بخواهید تا درباره‌ی آن تصویر هرچه را که دوست دارد برای شما بگوید و شما آن را زیر تصویر بنویسید.
- ۷- کتاب را باید با حروف ساده و درشت بنویسید.
- ۸- او را تشویق کنید جملات را با شما بلند بخواند.
- ۹- این کتاب را بدون شما نیز می‌تواند بخواند.

● فعالیت ۹

هدف: گفتن داستان براساس کارت‌های قصه

وسایل لازم: تخته‌ی مغناطیسی یا ماهوتی و یا تخته‌ی معمولی، پاکت یا کیسه‌های نایلونی مناسب برای قراردادن تصاویر جمع‌آوری شده. می‌توانید از کتاب‌های تصویری بدون نوشته نیز استفاده کنید.

مراحل اجرا:

- ۱- این فعالیت برای درس علوم نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. به‌طور مثال، مراحل دگردیسی قورباغه یا تغییر شکل کرم به پروانه و یا مراحل رویش گیاه و یا برای رفتارهای اجتماعی، مراحل غذا خوردن و آداب معاشرت.
- ۲- در صورت امکان، تصاویر کتاب را روی مقوا بچسبانید (به‌خصوص در مورد کتاب‌های پاره شده) یا تصاویر را کپی و سپس رنگ کنید.
- ۳- تصاویر هر کتاب را جداگانه در پاکت قرار دهید و نام کتاب را روی آن بنویسید.
- ۴- کتاب را برای کودکان بخوانید.
- ۵- تصاویر را در اختیار کودکان قرار دهید تا شخصاً مراحل قصه را گام به گام روی تخته بچسبانند و شرح تصاویر را بیان کنند.

- ۶- تصاویر را بدون ترتیب در اختیار کودکان قرار دهید تا خود مراحل داستان را کشف کنند.
- ۷- گاهی می‌توان کارت‌های دو داستان را مخلوط کرد تا کودکان خود، آن‌ها را تشخیص دهند و از هم جدا سازند.
- ۸- به هر کودک یک کارت بدهید تا هر یک قسمت خود را بیان کنند.
- ۹- پس از چند اجرا، دوباره داستان را از روی کتاب برایشان بخوانید.
- ۱۰- توجه داشته باشید که این تمرین (درک مرحله به مرحله)، در پیشرفت خواندن و نوشتن بسیار پرارزش است.

● فعالیت ۱۰

هدف: تمرین برای سخنرانی در برابر جمع

وسایل لازم: یک جعبه‌ی مقوایی بزرگ

مراحل اجرا:

- ۱- سوراخ بزرگی وسط جعبه‌ی مقوایی ایجاد کنید و جعبه را شبیه صفحه تلویزیون درآورید.
- ۲- کنار و یا پایین جعبه چند دکمه (خاموش و روشن کردن - تغییر صدا و کانال) بچسبانید (شکل ۶-۵).
- ۳- جعبه را روی میز قرار دهید و سطح پشت آن را ببرید.
- ۴- از کودکان بخواهید هر یک غذای مورد علاقه خود را از پشت صفحه‌ی تلویزیون آگهی کنند و یا یک کالا را تبلیغ کنند.

۵- به کودکان بیاموزید که هدف و روش تبلیغات چیست؟ و به آن‌ها گوشزد کنید تا حد امکان طوری عمل کنند که مخاطبانشان به خرید آن کالا تشویق شوند.

۶- آگهی‌ها می‌تواند به صورت گروهی و یا انفرادی اجرا شود.

۷- به همه‌ی کودکان فرصت دهید تا این فعالیت را اجرا کنند.

آمادگی برای نوشتن

کودکان قبل از آن که در مورد نوشتن فکر کنند، با مداد و یا ماژیک خطوطی را بر روی کاغذ رسم می کنند و گه گاه وانمود می کنند که دارند چیزی را می نویسند. اغلب کودکان در سال های آخر پیش از دبستان حتی توانایی نوشتن حروف را دارند. اما از آنجا که آموزش رسمی نوشتن در کشور ما در دوره ابتدایی شروع می شود، قبل از پرداختن به فعالیت های مربوط به این بخش، لازم است به چپ دستی بعضی از کودکان توجه شود. اکثر کودکان به طور طبیعی راست دست و درصد کمی از آن ها چپ دست اند. برای مشخص شدن چپ دستی یا راست دستی کودکان باید آن ها را تشویق کرد با هر دستی که احساس راحتی می کنند فعالیت کنند، گاهی اوقات کودکان چپ دست به دلیل مناسب نبودن شرایط فیزیکی فضا در اجرای فعالیت ها دچار مشکل می شوند. بنابراین، لازم است به چند نکته توجه شود:

۱- وضعیت نشستن

کودکان چپ دست باید به گونه ای قرار گیرند که در سمت چپ آن ها کسی ننشسته باشد، تا حرکت آرنج آن ها در زمان اجرای فعالیت مزاحم کودکان راست دست نشود.

۲- در دست گرفتن مداد و یا سایر ابزار نوشتاری

باید نحوه ی صحیح در دست گرفتن مداد، ماژیک و یا قلم مو را به آن ها آموزش داد تا به راحتی بتوانند آن ها را حرکت دهند. این مسئله در مورد استفاده از قیچی و دیگر وسایل نیز صادق است. نهایتاً باید به این کودکان فرصت داد تا با کسب مهارت لازم نگرانی احتمالی آنان که موجب عدم کارایی می شود، رفع گردد. چپ دستی مشکل نیست و هرگز مانع از اجرای فعالیت های هنری، که با دست راست صورت می گیرد نشده و نخواهد شد. در این قسمت، فعالیت هایی برای تقویت ماهیچه های ظریف دست و تطابق چشم و دست و نیز تمرین برای نوشتن از راست به چپ ارائه می شود.

● فعالیت ۱

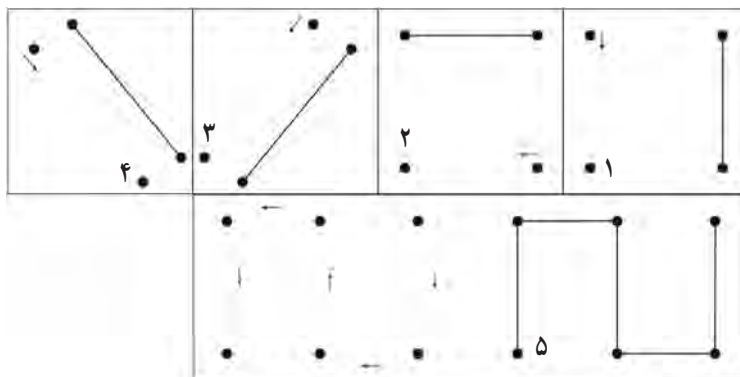
هدف: هماهنگی چشم و دست

وسایل لازم: مداد و کاغذ

مراحل اجرا:

به هر کودک کاغذی بدهید که رویش نقطه گذاری شده باشد و از او بخواهید با توجه به الگو، نقاط را به هم وصل کند (شکل

۵-۷).



شکل ۵-۷

نکات قابل توجه:

- طرز کار (نقطه‌ی آغاز و پایان) و نیز طرز صحیح گرفتن مداد تذکر داده شود.
- تازمانی که فعالیت‌های اولیه را یاد نگرفته است، تعداد نقطه‌ها و خطوط را زیاد نکنید.

● فعالیت ۲

هدف: تقویت دقت و مهارت‌های حرکتی دست

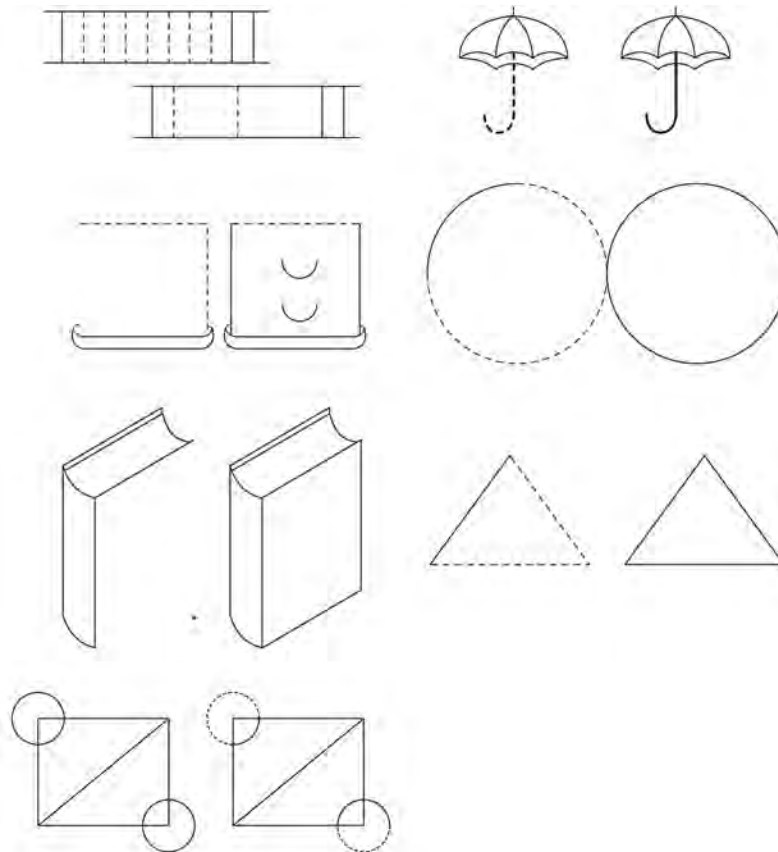
وسایل لازم: کاغذ و مداد

مراحل اجرا:

۱- چند تصویر را، که دو به دو مشابه هستند و یکی از تصاویر کامل و دیگری ناقص است، روی کاغذ بکشید و به کودک

بدهید.

۲- از کودک بخواهید تصاویر ناقص را کامل کنند (شکل ۸ - ۵).



شکل ۵-۸

● فعالیت ۳

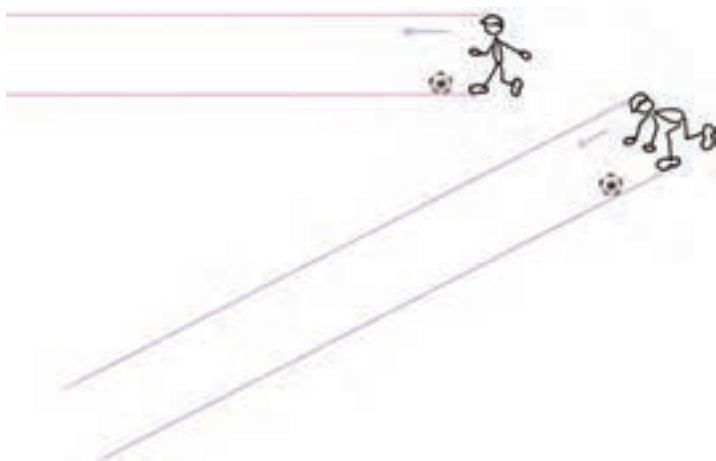
هدف: تطابق چشم و دست و حرکت چشم از راست به چپ

وسایل لازم: مداد و کاغذ

مراحل اجرا:

تصاویری شبیه موارد زیر را کشیده به کودک بدهید و از او بخواهید.

۱- با ترسیم خط مستقیم توپ را از سمت راست به چپ ببرد (شکل ۹-۵).



۲- بچه گربه را به مادرش برساند.



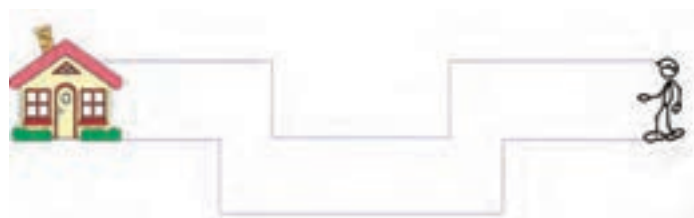
۳- مرد دوچرخه‌اش را پیدا کند.



۴- و به همین ترتیب رسیدن به بستنی



۵- رفتن به خانه



۶- راندن در جاده



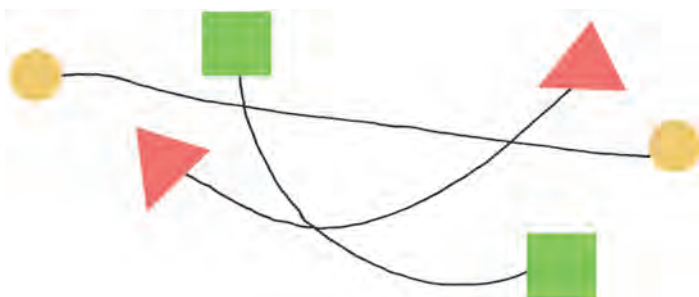
● فعالیت ۴

هدف: تقویت ماهیچه‌های ظریف و تشخیص اشکال

وسایل لازم: کاغذ و مداد

مراحل اجرا:

چند شکل هندسی را، که دو به دو مشابه هستند، روی کاغذ بکشید و به کودکان بدهید و از آن‌ها بخواهید که با ترسیم خط، اشکال مشابه را به هم وصل کنند (شکل ۱۰-۵).



شکل ۱۰-۵

نکات قابل توجه:

– کودکان می‌توانند اشکال مشابه را با یک رنگ مشخص کنند: مثلاً دایره را با خط قرمز و یا مربع را با خط سبز.

– می‌توانید تعداد اشکال را بیش‌تر کرده، اندازه‌ها را متفاوت کنید مثلاً چند دایره با قطرهای مختلف و یا چند لیوان. سپس از کودکان بخواهید، ضمن رنگ کردن حیوانات، هر حیوان را با یک طناب رنگی به حیوان مشابهش وصل کند. این فعالیت می‌تواند با پررنگ کردن خطوط و یا کشیدن پریچ و تاب ادامه یابد (شکل ۱۱-۵).



شکل ۱۱-۵

- ۱- با جمع‌آوری چند تصویر، فعالیت‌هایی برای صحبت کردن کودکان سه و پنج سال مهیا سازید.
- ۲- برای یک کودک سه ساله قصه بگویید و مراحل اجرای آن را بنویسید.
- ۳- همان قصه را برای یک کودک پنج ساله بخوانید و آن دو را مقایسه کنید.
- ۴- نواری از صداهایی را، که در محیط شهری می‌توانید بشنوید، ضبط کنید.
- ۵- براساس قصه‌ی موردعلاقه خود، عروسک نمایشی بسازید و قصه‌گویی با عروسک را تمرین کنید.
- ۶- به دل‌خواه یک کتاب تصویری بسازید.
- ۷- برای دوستانتان قصه بگویید و از آن‌ها بخواهید قصه‌گویی شما را ارزیابی کنند.
- ۸- برای تقویت ماهیچه‌های ظریف کودکان، یک فعالیت تصویری طراحی کنید.
- ۹- فهرستی از لوازم و تجهیزات برای زبان‌آموزی کودکان پیش از دبستان تهیه نمایید.

مطالعه‌ی آزاد

از تولد تا ۶ سالگی

در این دوره کودکان به مرور گوش می‌کنند، حرف می‌زنند و ماهیچه‌هایشان آمادگی برای نوشتن را دارد و آماده برای خواندن می‌شوند.

● **نوزادان:** گوش می‌کنند و نسبت به صدای شما و دیگر صداها عکس‌العمل نشان می‌دهند. آن‌ها احساساتشان را به وسیله‌ی آواها، غان و غون و لبخند و گریه نشان می‌دهند. و از لالایی لذت می‌برند، هرچند معنای کلمات را درک نمی‌کنند.

● **۸ ماهگی:** با صداها و غان و غونش بازی می‌کند. می‌تواند قایم باشک بازی کند و با حرکت دادن بازوان و لگد زدن، هیجان‌اتش را نشان می‌دهد. از اشعار شاد و لالایی لذت می‌برد.

● **۱۲ ماهگی:** کلمات ساده را می‌فهمد. حرکات دست، صورت و تغییرات صدا را می‌فهمد و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. کتاب را به دهانش می‌برد و صفحات کتاب‌های ضخیم را ورق می‌زند. و از دیدن عکس کتاب‌ها لذت می‌برد.

● **۲۴ ماهگی:** با ۲ یا ۳ کلمه جمله می‌سازد. سوالات ساده را می‌پرسد، یا پاسخ می‌دهد. می‌تواند صدا، کلمات و حرکات بزرگ‌ترها را تقلید کند. از مداد برای خط‌خطی کردن استفاده می‌کند. دوست دارد با صدای بلند برایش کتاب بخوانند.

● **۳۶ ماهگی:** به قصه‌های خوانده شده به دقت گوش می‌دهد. وانمودبازی را دوست دارد. بسیار دوست دارد بپرسد «چرا». خط‌خطی‌هایش بیش‌تر شبیه نوشتن می‌شود.

در این دوره چگونه می‌توان به کودک کمک نمود:

● در طول روز و در حین بازی و سایر فعالیت‌ها با کودکان حرف بزنید.

ادامه‌ی مطالعه‌ی آزاد

- هر روز برایشان کتاب بخوانید.
- کودکان را به کتابخانه ببرید و برایشان کتاب انتخاب کنید تا در خانه برایشان بخوانید.
- جایی را در منزل برای خواندن و نوشتن مشخص کنید.
- کتاب‌ها را در دسترس او قرار دهید.
- مدادهای غیر سمی برایش بخرید و کاغذ در اختیارش قرار دهید.
- هر کجا که می‌روید با خودتان کتاب و مداد همراه داشته باشید.
- خودتان در طول روز بخوانید و بنویسید تا کودک ببیند.
- وقتی کودک خود تمایل دارد به او اجازه دهید که کارهایش را بدون کمک شما اجرا کند (مثل پوشیدن لباس و کندن آن).
- سه و چهار سالگی: اغلب کودکان لغات را کندوکاو می‌کنند و یاد می‌گیرند که چگونه بخوانند و بنویسند. پس از سه سالگی می‌توانید بعد از خواندن از او سؤال کنید.

خواندن

- صدای حروف را می‌داند. می‌تواند صداها و بعضی حروف و اعداد را تطبیق دهد.
- معنای بعضی مفاهیم، مثل درون، بیرون، بالا، پایین، نزدیک و دور را می‌فهمد.
- گوش می‌کند. جهت را تشخیص می‌دهد و می‌تواند روی موضوع خاصی تمرکز کند.
- صحبت کردن را به مکالمه تغییر می‌دهد.
- دوست دارد کتاب‌ها را بخواند و در مورد آن‌ها بداند. از چهار سالگی علاقه به خواندن بیش‌تر می‌شود و دوست دارد با همه صحبت کند حتی با اسباب بازی‌ها.

نوشتن

- به ارتباط بین صحبت کردن و نوشتن کلمات پی می‌برد.
- می‌تواند بشمارد؛ جور یا مقایسه کند و بالأخره اشکال را بشناسد.
- مداد را درست در دست می‌گیرد.
- سعی می‌کند با خط خطی کردن «تمرین» نوشتن کند.
- هر روز در ساعت مشخصی برنامه‌ی کتاب‌خوانی برای او ترتیب دهید.
- کودکان را با خود برای دیدن کار کتابخانه‌ی کودکان به این مراکز ببرید.
- برایش آوازهای کودکانه بخوانید و چنانچه کودکان شعر می‌خواند او را همراهی کنید.
- به بچه‌ها فرصتی برای نقاشی کشیدن، پازل و بریدن کاغذ بدهید.
- در مورد حوادث روزانه با او صحبت کنید. (این که شما چه می‌کنید و اشیا چگونه کار می‌کنند).
- به کودکان اجازه دهید که در کارخانه با شما همراه شوند. (جور کردن، شمردن، اندازه گرفتن و آشپزی).
- بازی‌هایی را اجرا کنید که به شنیدن، حل مسئله و تغییر دادن نیاز داشته باشد.

- او را زمانی که سعی در خواندن و نوشتن دارد تشویق کنید.
- برای او الگوی خوبی باشید و نشان دهید که یادگیری لذت بخش و مهم است.
- پنج و شش ساله‌ها: اغلب بچه‌ها در خواندن و نوشتن بهتر می‌شوند، چرا که صحبت می‌کنند و حروف را می‌شناسند. هم‌چنین صداها و حروف را.

خواندن

- می‌فهمد که چاپ کردن از راست به چپ است.
- حروف و صداها را می‌شناسد.
- کلمات ساده‌ای مثل حروف اضافه و امثال آن را می‌شناسد.
- شروع به خواندن علایم می‌کند. هم‌چنین خواندن بسته‌بندی غذاها و برنامه‌های تلویزیون (آنچه هر روز می‌بیند).

- دوست دارد کتاب‌ها و قصه‌های موردعلاقه‌اش را بخواند.

نوشتن

- از خط‌خطی و بی‌معنا نوشتن، کشیدن و نوشتن بعضی حروف (برای گفتن قصه) استفاده می‌کند.
- نام خود و بعضی کلمات را می‌تواند بنویسد.
- سعی می‌کند با استفاده از حروف و صداهایی که می‌داند بنویسد و فهرست تهیه کند.

چگونه

- بلندخوانی، صحبت کردن و خواندن روزانه؛
- عضو کتابخانه شدن و درخواست کتاب‌های شعر و لالایی؛
- خواندن ترانه‌ها با هم؛
- با معلم فرزندان درمورد کارهایش سؤال کنید؛
- بگذارید کودک ببیند که شما چگونه با لذت کتاب می‌خوانید؛
- در طول روز از مدرسه و مسائش سؤال کنید؛
- مداد و کاغذ به او بدهید؛
- برنامه‌ی تلویزیون را، که شامل آموزش صدای حروف و کلمات است، ببینید و دیدن بقیه برنامه‌ها را محدود کنید؛

- به صحبت‌های کودکان گوش دهید و پیامزید که به سخنان دیگران گوش دهد؛
- زیرکی حیوانات، موضوعات باورنکردنی و خیالی، همراه با تصاویر ساده، می‌تواند از کتاب‌های موردعلاقه‌ی او باشد.

پایان مطالعه‌ی آزاد

خود را بیازمایید

- ۱- مراحل رشد کلامی کودکان را نام ببرید.
- ۲- منظور از «بیش گستری» چیست؟
- ۳- درک واژگان کلامی کودکان نسبت به واژگان تولید در حول و حوش یک سالگی چگونه است؟
- ۴- نظریه‌ی رفتارگرایان را پیرامون رشد زبان بنویسید.
- ۵- منظور از «تکلم خود مرکزگرا» چیست؟
- ۶- در چه بازی‌هایی می‌توان نشانی از تک‌گویی کودکان را مشاهده کرد؟
- ۷- فرق بین تکلم خودمرکزگرا و تکلم اجتماعی شده را بنویسید.
- ۸- ویگوتسکی چه دوره‌ای را دوره‌ی رشد زبان کودک می‌نامد؟ و چرا؟
- ۹- مشکلات آموزش زبان دوم به کودکان و بزرگسالان را بنویسید.
- ۱۰- کتابخوانی برای کودکان از چه سنّی پیش‌نهاد شده است؟
- ۱۱- فضای مناسب کلاس برای پرورش مهارت‌های کلامی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟
- ۱۲- در یادگیری استفاده از جملات کامل، در کودکان، چه عواملی نقش دارند؟
- ۱۳- در توصیف اشیاء، برای کودکانی که خزانه‌ی لغات محدودی دارند، چه باید کرد؟
- ۱۴- در انتخاب شعر برای کودکان چه ملاک‌هایی را باید در نظر گرفت؟
- ۱۵- چهار راهکار برای آموزش زبان دوم به کودکان را بنویسید.

کتاب‌نامه

فارسی

- ۱- ماسن پاول هنری: رشد شخصیت کودک، ترجمه‌ی مهشید یاسائی، نشر مرکز تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۰
 - ۲- آندروا ولودیا: رشد و آموزش زبان در کودکان دبستانی، ترجمه‌ی محمدجعفر مدیرنیا، دنیای نو، تهران ۱۳۷۳
 - ۳- لطف‌آبادی حسین: روان‌شناسی رشد زبان، آستان قدس رضوی
 - ۴- لاریک نانسی: چگونه بچه‌هایمان را به مطالعه تشویق کنیم ترجمه‌ی مهین محتاج، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۶۸
 - ۵- پلوفسکی آنا: قصه‌گویی در خانه و خانواده، مصطفی رحماندوست، انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶
 - ۶- مهاجری زهرا: قصه و قصه‌گویی، خانه آبی، مشهد، ۱۳۷۸
- ### انگلیسی

- 7- Jones Maggie, Play and learn.
- 8- Anderson Poul: Storytelling with FlannelBoard, Minnea Polis, MN: T.S Denison, 1999.
- 9- Zipes Jack: Creative Story telling. G.B. 1995.
- 10- Pellowski ANNE: The story telling handbook, simon and schuster books 1995.
- 11- Croft . Doreen J: An Activities handbook for teachers of young Children. Sixth Edition

نقش و اهمیت آموزش مفاهیم دینی و اخلاقی در دوران پیش از دبستان



- هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، دانش‌آموز باید بتواند:
- ضرورت و اهمیت تعلیم و تربیت دینی کودکان را توضیح دهد.
 - برخی ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان را، به‌طور مختصر، توضیح دهد.
 - نکات مهم در تعلیم و تربیت دینی کودکان را توضیح دهد.
 - نحوه‌ی پاسخ به برخی مفاهیم دینی کودکان را توضیح دهد.
 - نقش سؤال و جواب را در تربیت دینی کودکان تشریح کند.
 - مهم‌ترین وظایف مربی را در تعلیم و تربیت دینی کودکان توضیح دهد.
 - اصول تربیت دینی کودکان را توضیح دهد.
 - برنامه‌ریزی برای تربیت دینی کودکان را توضیح دهد.
 - شیوه‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی را توضیح دهد.

مقدمه

بی‌تردید، خالق آدمی به تمامی صفات و ویژگی‌ها و نیز مسیر تکامل و رشد آفریده‌اش - آدمی - آگاه است. بنابراین، بهترین و کامل‌ترین برنامه‌ی تربیتی همان است که خداوند از طریق پیامبران شایسته‌ی خود برای هدایت آدمی فرستاده و در اختیارش قرار داده است. به این ترتیب، مهم‌ترین و والاترین وظیفه‌ی بزرگ‌ترین معلمان بشریت، پیامبران بزرگ خدا و امامان راهنما علیهم‌السلام، «تعلیم و تربیت» است.

آنان که برای هدایت آدمی برانگیخته شده و سرچشمه‌های سعادت و نیک‌بختی را به روی او گشوده‌اند، پیش از آن که راه

بنمایانند، همراهان خود را به خوبی شناخته و از راز و رمزهای وجود آنها و پیچیدگی‌های درون و بیرونشان آگاه گردیده‌اند. پس مهم‌ترین وظیفه‌ی راهنمایان بشر، تعلیم و تربیت، و تنها راه رسیدن به این هدف مهم، شناخت صحیح و کامل کسانی است که می‌باید تحت این تربیت قرار گیرند.

تعلیم و تربیت دینی را می‌توان به پرورش و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی آدمی تعبیر نمود. تربیتی که تابع و پیرو فطرت آدمی است و بر آن است که با تکیه بر این استعدادها، او را به تکامل حقیقی و مقام شایسته و در خور او برساند. تربیت دینی را باید وظیفه‌ای خطیر و درعین حال مشکل بدانیم؛ وظیفه‌ای که نمی‌توان آن را دست کم گرفت و یا از زیر بار آن شانه خالی نمود. وظیفه‌ای که در صورت سروکار داشتن مربی با کودکان، توانایی فراوان و دانش بسیار می‌طلبد. این دانش و توانایی عبارت است از: ۱- آگاهی از ویژگی‌های کودک ۲- آشنایی با معارف دینی و آموزه‌های آن ۳- آشنایی با رویکردها، روش‌ها، شیوه‌ها، قالب‌ها و ابزارهای تربیت دینی کودکان ۴- برخورداری از هنر معلمی.

ضرورت و اهمیت تربیت دینی و اخلاقی

از همان لحظه‌ای که برای اولین بار، کودک را در آغوش می‌گیریم، با اعجاب و شگفتی، خلاقیت خدا را با دستان خود لمس می‌کنیم و جلوه‌ی پروردگاری را بر موجود زنده‌ای، که نفس می‌کشد و نمود زیبای هستی و حیات است، می‌بینیم. لذا از همان لحظه خود را نسبت به او متعهد احساس می‌کنیم و نگرانی‌هایی در ما به وجود می‌آید که او را باید چگونه پرورش دهیم و چگونه سلامتی و خوش‌بختی او را فراهم سازیم.

بی‌تردید همه‌ی ما فرزندانمان را دوست داریم و در پی برطرف کردن موانع راه و آینده‌نگری برای آنها هستیم. دلمان می‌خواهد

انسان‌هایی مفید و ارزشمند، صاحب نام و پرآوازه، درست‌کار و مؤمن و در یک کلام سعادتمند باشند.



به خوبی می‌دانیم که اندیشمندان، فیلسوفان و معلمان بزرگ در این‌باره بسیار نوشته و گفته‌اند. نظرهای فراوانی ارائه کرده و راه‌های بسیاری نشان داده‌اند. اینان همگی در فکر ترقی بشر و رسانیدن او به چیزی بوده‌اند که آن را سعادت دانسته‌اند. اما با کمی دقت می‌بینیم که سعادت در نظر هر یک معنایی دارد و راه‌های رسیدن به آن، بسیار متفاوت و گاهی اوقات متناقض است. این‌گونه بوده است که ما همواره از خود

پرسیده‌ایم: به راستی چه کس یا کسانی می‌توانند سعادت را برای بشر معنا و رسیدن به آن را تضمین کنند؟ آیا آدمی، هر قدر هم که دانشمند و متفکر باشد، می‌تواند قدم در جای پای صانع هستی بگذارد؟ آیا این امکان برای ما وجود دارد که همانند آفریدگار آدمی، تمامی نیازهای حقیقی او را تشخیص دهیم و راه رسیدن به رستگاری را به روی او بکشاییم؟

در پاسخ باید گفت، بی‌تردید، تنها توانای واقعی در رسانیدن آدمی به تکامل و یگانه هدایت‌گر او به سرای نیک‌بختی و سعادت ابدی، خداوند یکتاست که راهنمایی‌های او را برای هدایت بشر فرستاده است و تنها شیوه رساننده‌ی آدمی به سعادت و رستگاری «تربیت دینی» است. از طرفی کودکی، آغاز همه حرکت‌ها و تلاش‌ها برای زیستن است. مرحله‌ای که باید آن را به خودی خود به رسمیت شناخت و هم‌چون بخشی از حیات آدمی به حسابش آورد. کودک، انسانی است مستقل با تمام خصوصیات انسانی، یا به عبارت بهتر، با بهترین و ناب‌ترین خصوصیات و احساسات انسانی. با این همه، کودکی، مقدمه جوانی و بزرگسالی است و خوب می‌دانیم که

پایه‌های اساسی زندگی بزرگسال‌ها به کیفیت دوران کودکی آن‌ها وابسته است. این کیفیت نیز بستگی کاملی به چگونگی تعلیم و تربیت در این دوران دارد. چرا که در این دوره است که احساسات و عواطف کودک و رفتارها (به‌خصوص رفتارهای اجتماعی وی) بر اثر ارتباط او با سایرین شکل می‌گیرد. بی‌دلیل نیست که پیشوایان دینی، بیش و پیش از هر چیز، به دوره‌ی کودکی توجه نموده و راهنمایی‌های لازم را در این باره ارائه کرده‌اند. برای نمونه به گفتاری از امیرمؤمنان علیه‌السلام توجه نمایید:

«هرکس در دوران کودکی تعلیم نبیند، در بزرگسالی روی تکامل و پیشرفت را نخواهد دید». بنابراین، برای تحقق چنین تعلیم و تربیتی باید سریع‌تر اقدام کنیم که فردا دیر است.

مختصری درباره‌ی ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان

پیش از این در فصل اول کتاب، با ویژگی‌های کلی کودکان آشنا شدید. در این جا مجدداً توجه شما را به چند ویژگی تفکر کودک جلب می‌کنیم:

خودمحوری: به این معنا که داوری‌های کودک صرفاً مطابق نظر خود او صورت می‌گیرد. او نمی‌تواند خود را به جای دیگران بگذارد و از چشم آنان به مسائلی بنگرد. او خود را محور کائنات می‌پندارد و تصور می‌کند همه چیز فقط در حول و حوش او اتفاق می‌افتد.

جاندارپنداری: به نظر او همه چیز جهان، از جمله جمادات و نباتات، دارای جان، شعور، درک و فهم‌اند. **ساخته‌پنداری:** تصور کودک این است که همه چیز محصول خلاقیت انسان است. بنابراین، او دخالت هیچ موجود یا فرایند دیگری را درک نمی‌کند. این ویژگی خود محور بودن ذهن کودک است.

بد نیست درباره کودکان نکات پیش‌تری بدانیم:

یکی دیگر از ویژگی‌های کودکان این است که به هنگام مشاهده‌ی یک رویداد، تنها یک قسمت آن را جدا می‌کنند (قسمتی که همواره و ضرورتاً مهم‌ترین بخش آن نیست). سپس آن را تعمیم می‌دهند (و در این کار غالباً مرتکب اشتباه می‌شوند). به همین دلیل است که تنها بخش محدودی از یک مسئله را می‌بینند، بخشی که غالباً مجذوب آن می‌شوند (و به‌طور کلی به ابعاد غیرمهم و غیرضروری آن توجه می‌کنند). بنابراین، چیزی که ممکن است برای پدر و مادر یا حتی مربی مهم باشد در نظر آنان مبهم و غیرمهم و پیش‌پا افتاده جلوه می‌کند و بالعکس. بسیاری چیزها که برای ما بزرگ‌ترها بی‌اهمیت است، برای آنان بسیار مهم است. به همین جهت است که مربی باید حتی به کاغذهای پاره، عروسک‌های بی‌دست و پا و خرت و پرت‌های آن‌ها اهمیت بدهد! شاید خیلی از بزرگ‌ترها فکر می‌کنند کودک آن‌ها لجوج و سر به هواس است، اما یک مربی بی‌شک این‌گونه فکر نمی‌کند و می‌داند اگر خود او نیز به جای آن کودک بود، در چنین حال و هوایی به حرف بزرگ‌ترها خیلی اهمیت نمی‌داد.

ویژگی‌های فوق در زمینه تفکر دینی کودکان نیز صادق است. بسیاری از امور مقدس که برای ما بزرگ‌ترها مهم جلوه می‌کنند برای بچه‌ها هیچ معنای روشنی ندارند. به همین جهت، مقدس و قابل احترام نیستند. بچه‌ها در مراسم عزاداری بازی می‌کنند، می‌خندند، شوخی و شیطنت می‌کنند. در زیارتگاه‌ها بازی می‌کنند، پرحرفی می‌کنند و همه چیز را به هم می‌ریزند... مفاهیم دینی نظیر خدا، پیامبر، دعا، کتاب آسمانی، شیطان، مرگ، دوزخ و بهشت و... بعضاً برای آنان معنا و مفهومی کاملاً متفاوت با آنچه در ذهن بزرگسالان است دارد. آنان در این سنین واژه‌های بسیاری را به زبان می‌آورند، بی‌آن که آن را بفهمند و تصور دقیق و واضحی از آن در ذهن داشته باشند و حتی امور مقدس و مفاهیم را با زبان و نگاه خود تفسیر و تصویر می‌کنند. بی‌توجهی به این نکته به هنگام برخورد با بچه‌ها، ما را دچار خطا می‌کند و موجب می‌شود تصور ناصحیحی از میزان درک بچه‌ها داشته باشیم و خیال کنیم کودکان از فهم مذهبی بالایی برخوردارند.

مطالعه آزاد



با تو آشنا هستم ...

من درباره‌ی بچه‌ها زیاد مطالعه کرده‌ام و اکنون که قرار است به عنوان مربی با آن‌ها فعالیت کنم، به خوبی می‌دانم که آن‌ها چه ویژگی‌هایی دارند. این ویژگی‌ها را در کودکانی که دوروبر خود من هستند نیز به خوبی مشاهده کرده‌ام.
من در این باره یادداشت‌هایی تهیه کرده‌ام که شاید به کار شما نیز بیاید :



او رضا است. چهار سالش تمام شده است.

او دیگر تصویری کلی از پیرامون خود به دست آورده است. چرا که تفاوت خود را با غیر خود درک می‌کند و به تدریج از دنیای خارج و مستقل از خود، اطمینان پیدا کرده است و اکنون به آزمایش آن می‌پردازد.
این یکی از خصوصیات کودکان است.



مریم بسیار دوست‌داشتنی و مهربان است.

اگر بخواهم خوب او را معرفی کنم باید بگویم تصوّرات او، گرچه محصول تماس وی با واقعیت‌های بیرونی (عینی) است، اما پیش از آن که نتیجه‌ی درک عینی واقعیت باشد مخلوق ذهن خود اوست.
این یکی دیگر از خصوصیات کودکان است.



محسن را می‌شناسید؟

او از آن‌جا که هنوز قادر به تجزیه و تحلیل مجموعه ادراکات خویش نیست (به هنگام پاسخ به سوالات)، با این که خوب حرف می‌زند اما از توصیف و تبیین آن‌ها عاجز می‌ماند و بدون آن که به روابط قابل مشاهده (عینی) میان واقعیت‌ها توجه کند و یا موقع توضیح (تبیین) پدیده‌ها به قانون علیّت پای بند باشد، بیش‌تر ابداع می‌کند (مثلاً به پدیده‌های طبیعی انگیزه‌های انسانی می‌دهد).



لیلا در توجیه نظرهای خود، برخلاف بزرگ‌ترها، هیچ علاقه‌ای به رعایت روابط منطقی ندارد و در ارزیابی‌های خود قسمتی از داده‌ها را به حساب می‌آورد و از قسمت دیگر غافل می‌ماند و وقتی نیز توجهش به قسمت اخیر جلب می‌شود، داده‌های سابق خود به خود از نظرش محو می‌شود. راستش او قادر نیست برای ارزیابی موقعیت‌ها به همه‌ی داده‌ها به‌طور همزمان توجه کند.

نکات کلی ای که در تعلیم و تربیت دینی کودکان باید در نظر داشت

— ایمان به خدا

هدف از تربیت دینی فراگیری ارزش‌ها و رویکرد اندیشمندان به زندگی است. وصل شدن به کسی یا چیزی برتر از خود، سبب می‌شود که آدمی زندگی را از تولد تا مرگ دارای مفهوم و معنا بداند.

— یادگیری برخوردار از ایمان

با توجه به ویژگی‌های تفکر کودکان در سنین قبل از هفت سال، باید اذعان نمود که درک کودکان از مفاهیم دینی، متناسب با رشد عقلی و ویژگی‌های روانی آنان در این سنین، بسیار محدود است و به هیچ وجه نباید توانایی ادراکی آنان را با توانایی‌های بزرگ‌ترها مقایسه نمود. کودکان نیز هر یک، متناسب با شرایط محیطی، شرایط خانوادگی، تجارب و آموزش‌های قبلی و ...، با سایر هم‌سالان خود تفاوت‌هایی دارند. این تفاوت‌ها، با توجه به موقعیت جغرافیایی و زمانی، به راحتی قابل مشاهده است.



بسیاری از آموزش‌ها برای کودکان زودرس قلمداد می‌شود و تعجیل در ارائه‌ی برخی مفاهیم دینی و ارزشی می‌تواند مخرّب تعلیم و تربیت اثربخش و هدایت‌گر آنان در آینده باشد.

توجه به کودک و فهم عمیق توانایی‌های شناختی و مهارتی او و نیز میزان ذخیره‌ی واژگان و توانایی به‌کارگیری آن‌ها و معانی مختلفی که در ذهن او (به‌عنوان پیام‌گیرنده) نگاه‌داری می‌شود، از گام‌های اساسی برای تربیت دینی کارا و مؤثر است.

بحث کنیم

شاید قصه‌ی تمثیلی موسی و شبان را شنیده باشید.

این داستان تمثیلی، که در مثنوی معنوی آمده است (صرف‌نظر از سندیت آن)، می‌تواند مثال خوبی باشد برای تفاوت دید حضرت موسی (ع)، به‌عنوان یک خداشناس آگاه، و شبان به‌عنوان نماینده‌ی مردمان ساده‌اندیش، با یک خداشناسی بسیار ابتدایی و ساده‌انگارانه. هم‌چنین آموزش‌هایی که حضرت موسی (ع) در این داستان به شبان می‌دهد می‌تواند برای بی‌توجهی به میزان فهم و درک مخاطب و داشتن انتظارات خارج از وسع، نمونه‌ی مناسبی باشد. در این باره با یکدیگر گفت‌وگو کنید و نتیجه‌ی آن را در قالب چند نکته یا اصل بنویسید.

— همه‌ی آموزش‌ها برای کودکان مفید نیست. کودکان وقتی می‌توانند از آموزش بهره‌مند شوند که آن مفاهیم

برایشان قابل درک باشد، در غیر این صورت تنها لغات را تکرار می‌کنند و جملات را بدون در نظر گرفتن معانی آن به‌کار می‌برند.

— تربیت دینی، تنها انتقال اطلاعات دینی به ذهن کودکان نیست!

در این جا این سؤال مطرح است که آیا تربیت دینی صرفاً برابر است با انتقال اطلاعات دینی به ذهن کودکان؟ بی‌تردید باید بگوییم این چنین نیست.

در تعلیم و تربیت دینی، هدف «تربیت انسان شایسته» است. انسانی که «قدر و منزلت» خود را بشناسد و بداند «کیست»، «از کجاست»، «به‌سوی کجاست» و «در



کجاست». در این جا دانستن، شرط لازم است اما کافی نیست، یعنی این «دانش» تنها نیست که آدمی را به سرمنزل مقصود می‌رساند بلکه ایجاد، تصحیح و تغییر «نگرش» و افزایش «توانایی» نیز نقش مهم و اساسی در کم و کیف ایمان و عمل وی دارد. بنابراین، به دانش ارتقا یافته‌ای نیاز است که نگرش و توانایی‌های آدمی را اصلاح کند و او را به رستگاری برساند. زیرا آنچه مدنظر است، ایجاد یا تغییر نگرش‌ها و مقدمه‌چینی برای عمل است، نه دانستن صرف.

به این ترتیب، سعی بر آن است که کودکان را از طریق آموزش مفاهیم دینی قابل فهم برای آن‌ها، نه تنها با آداب و اخلاق اسلامی آشنا نماییم، بلکه آن‌ها را تربیت کنیم. چیزی که صرفاً با انتقال دسته‌ای مفاهیم به ذهن کودکان و در اختیار قرار دادن مقداری اطلاعات به آنان فراهم نمی‌شود. بنابراین، بد نیست آموزه‌ی زیر را همیشه به خاطر بسپاریم:

انتقال مفاهیم و ارائه‌ی اطلاعات به کودکان، برای تعلیم و تربیت دینی شرط لازم است، اما شرط کافی نیست.

بحث کنیم

به نظر شما شرط کافی برای تربیت دینی چیست؟ برای مثال آیا این که یک کودک بدانند دروغ‌گویی بد است کافی است و ضرورتاً باعث می‌شود که دروغ نگوید یا این که باید ...؟

— آیا بیان یک مطلب الزاماً درک آن مطلب است؟

با توجه به مطالب فوق این سؤال مطرح می‌شود که:

تربیت دینی کودکان باید بر چه پایه‌هایی استوار باشد؟

الف — مهم‌ترین وظیفه‌ی تربیت دینی، پرورش ایمان بچه‌هاست.

□ ایمان با تعقل منافاتی ندارد.

ایمان بر تجربه و باور استوار است. بنابراین، هم خردمندانه است هم قابل تفکر. به این ترتیب اعتقاد به خدا به معنای تعطیل عقل و تعقل نیست. بلکه نوعی هماهنگی با فکر و قلب و حتی گاهی با جسم است؛ هماهنگی برای درک معنای زندگی. چشمه‌ی ایمان در قلب آدمی می‌جوشد، بر زبانش جاری می‌شود و در عمل و رفتار او تجلی می‌یابد و در تمام این‌ها، عقل و خردورزی حضور فعال دارد.

□ برای رشد ایمان کودک، اعتماد به دیگران یک شرط اساسی است.

اعتماد هم، مانند احترام، یک ویژگی اکتسابی است. اگر علاقه دارید ایمان کودک به خدا تقویت شود باید مورد اعتماد او باشید تا او سخنان شما را بپذیرد. این را به والدین بچه‌ها نیز تذکر بدهید.

□ ایمان هم‌گام و متناسب با آگاهی‌های کودک رشد می‌کند.

پس هرچه به کودک آگاهی بیش‌تری داده شود ایمان بیش‌تری خواهد یافت. برای این کار، راه‌های مختلفی وجود دارد اما در همه‌ی آن‌ها شرط اول آن است که یادمان نرود مخاطبمان یک کودک است، و آگاهی او از بسیاری چیزها ناممکن و یا نامناسب است. تا جایی که برای آگاه ساختن وی از بسیاری چیزها، باید مقدمه‌چینی فراوانی صورت گیرد و ابزارهای بسیاری به کار گرفته شود.

□ ایمان منطقی و شیوه‌ی استدلال خاص خود را دارد.

بسیاری از دلایل اعتقاد به خدا از وجود خود آدمی سرچشمه می‌گیرد. آرامش، عدالت طلبی، صلح، امید، حیرت و اعتماد، حالاتی هستند که به شکل‌گیری ایمان در وجود انسان کمک می‌کنند. این واکنش‌ها را با کودک مورد بررسی قرار دهید و بگذارید

خودش ارتباط آن‌ها را با مفاهیم دینی پیدا کند. این نکته در واقع همان تکیه بر فطرت انسان‌هاست.

ب — پرورش تفکر خلاق از بهترین شیوه‌ها و پایه‌های تربیت دینی است.

□ قوه‌ی تخیل فراتر از گمان یا باور ساختگی است.

تفکر خلاق به آدمی کمک می‌کند تا معانی حقایق را درک کند و از این طریق، شناخت خود را شکل دهد. از نظر معنوی نیز

تفکر خلاق، دیدن و شناختن خدای نادیده را با چشم دل برای ما ممکن می‌سازد.

□ تفکر خلاق از راه‌های مختلفی فعال می‌شود و باید این راه‌ها را بشناسیم.

شنیدن صدای آواز پرنده‌ها، تماشای آثار هنری و نگاه به زیبایی‌ها و شگفتی‌های طبیعت، خواندن یا شنیدن سرودهای مذهبی، بوییدن گل‌ها، دقت در شعله‌ی شمع، احساس خنکی مرم‌های کف زیارتگاه‌ها، دست زدن به آبی که در فرهنگ دینی مایه و نشانه روشنایی است، چشیدن خوراکی‌های متبرک نذری، گوش جان سپردن به سکوت پرمعناى شب، و ... همه می‌توانند قوه‌ی تخیل و تفکر خلاق را در آدمی به حرکت وادارند و فعال سازند. البته برای تقویت خلاقیت بچه‌ها، باید چیزهای مورد علاقه و توجه آن‌ها را یافت و به کار گرفت.

□ برای تربیت تخیل کودک باید او را به همیاری و مشارکت دعوت کرد چرا که تخیل روندی فعال است.

یادگیری روندی فعال است که نیاز به تلاش و مشارکت آموزنده دارد. نگاه کردن، گوش کردن و حتی بوییدن و چشیدن هم

می‌تواند روندی فعال داشته باشد. مهم، موضوع و هدف یادگیری است.

ج — بهره‌گیری از الگوها بهترین شیوه برای تربیت دینی کودکان (استفاده از تمثیل)

□ والدین و مربیان بهترین الگو و نمونه‌ی رفتاری برای کودکان هستند.

هیچ‌کس نمی‌تواند الگوی صددرصد کاملی برای بچه‌ها باشد اما می‌تواند الگویی از رشد تدریجی را به کودک ارائه دهد. مهم

آن است که اراده کنیم تا بهترین نمونه‌ها و الگوها را به کودکان بدهیم و این بیانگر مسئولیت سنگین و فوق‌العاده، دشوار والدین و مربیان است. باید تربیت دینی را از خود آغاز کنیم.

□ لازم است بچه‌ها با الگوهای شایسته آشنا شوند.

قصه‌های دینی، قصه‌های قرآنی و داستان‌هایی که از انسان‌های بزرگ تاریخ (انبیا و اولیا، امامان و راهنمایان، بزرگان و

اندیشمندان، فرزندان و شایستگان و ...) حکایت می‌کند، حاوی بهترین نمونه‌های اخلاقی و تربیتی برای کودکان است. فقط در

این‌باره نباید فراموش کرد که بچه‌ها ذائقه خاص خود را دارند و باید داستان‌ها را مطابق با ذائقه‌ی آنان انتخاب و بیان کرد.

□ باید به بچه‌ها نمونه‌های عینی و عملی را معرفی نمود.

معرفی نمونه‌های عینی و عملی، ظریف‌ترین و مهم‌ترین کار یک مربی شایسته است. شما باید از هر فرصتی و از هر موقعیتی

بهره بگیرید تا به بچه‌ها الگوهای مناسب و شایسته را معرفی کنید. الگوهای مناسب برای بچه‌ها همان‌هایی اند، که به راحتی در

دسترس و در معرض دید و تجربه‌ی آنان قرار می‌گیرند و با خود آن‌ها هم‌سنخ و هم‌نوع‌اند.

برای رشد عاطفی و اخلاقی کودکان چه راهکارهایی پیش‌نهاد می‌شود؟

برای رشد عاطفی و اخلاقی کودکان راه‌کارهای گوناگونی را می‌توان ارائه داد، از جمله:

الف — بهره‌گیری از بازی: بچه‌های کودکانی برای آموختن راه و رسم زندگی با دیگران و قبول پاره‌ای از مسئولیت‌های

عمومی مربوط به محیط، محتاج راهنمایی مربی خود هستند. بازی‌های کودکان و نقش‌هایی که با عهده‌دار شدن آن‌ها به کودکان معنی

و ارزش می‌دهد و از خلال آن‌ها شخصیتشان را آشکار می‌کند، از این نظر بسیار حائز اهمیت است. این بازی‌ها، فرصت مناسبی را برای ارائه الگوهای مناسب رفتاری (از زبان خود آن‌ها، یا حیوانات و یا حتی اشیای دور و برشان) در اختیار مربی قرار می‌دهد.

مشاهده کنید و بنویسید

گزارشی از بازی‌های تقلیدی کودکان و نقش‌هایی که ایفا می‌کنند، بنویسید.

ب - تربیت اخلاقی به تنهایی کافی نیست

از نظر اخلاقی، این دوره بهترین زمان برای ایجاد عادات مطلوب در کودک است: توسل به نوعی آموزش اخلاق مبتنی بر عادت (تنها شیوهی آموزش اخلاق که در این سن امکان‌پذیر است). در این شیوه، هدف آن است که اجازه دهیم کودک شخصیت خود را - مجموعه‌ی قابلیت‌های عاطفی، عقلی، اجتماعی و معنوی که او را از هم‌نوعانش متمایز می‌سازد - به دست آورد. کودکان این دوره، از راهنمایی‌های عملی و فراگرفتن راه و روش‌های بیش‌تر کاربردی بهره‌مند می‌شوند تا راهنمایی‌های لفظی و غیرعملی. هدف راهنمایی‌ها باید کمک غیرمستقیم به کودک باشد؛ آن‌گونه که وی خودش راه‌هایی را که به اجرای بهتر و مؤثرتر می‌انجامد، کشف کند و یا با به دست آوردن اعتماد به نفس و احساس اطمینان از آموخته‌های خود آمادگی لازم را برای ورود به دبستان به دست آورد. یادمان باشد:

تربیت اخلاقی به تنهایی کافی نیست.

هرچند تعلیم و تربیت دینی در نهایت منجر به اصلاح رفتار و ایجاد عادات صحیح و پسندیده‌ی اخلاقی می‌گردد و بهترین دوران، برای شروع آموزش‌های اخلاقی و آداب فردی و اجتماعی دینی و ایجاد عادات خوب و مناسب رفتاری، دوران کودکی است و بخش بسیار مهمی از آموزش‌های دینی کودکان، به‌ویژه در سنین پیش از دبستان، باید به این تعالیم اختصاص یابد، اما باید دقت کرد که تربیت صرفاً در این تعالیم خلاصه نمی‌شود.

اخلاقیات، تنها جزء کوچکی از تعالیم دین به‌شمار می‌روند و بی‌تردید، اعتقادات، احکام عملی، مراسم و شعائر دینی و ... نیز به عنوان اجزای مهم دیگری که در تعالیم دینی مطرح‌اند باید به کودکان ارائه شوند. بنابراین، کودکان باید به تدریج با وظایف، اعتقادات و شعائر دینی خود آشنا شوند و آن‌ها را به کار گیرند.

بحث و گفت‌وگو

در مورد تجارب احکام عملی خود در دوران کودکی بحث و گفت‌وگو کنید.

ج - پاسخ به سؤالات کودکان

□ باید به تدریج، دین را به عنوان پاسخ‌گویی مطمئن به سؤالات اساسی انسان، به بچه‌ها معرفی نمود.

از ویژگی‌های مهم دیگر تعالیم دینی، درک توانایی دین در پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی آدمی در زندگی است؛ سؤالاتی که انسان دایماً با آن‌ها درگیر و نسبت به آن‌ها حساس است. کودکان ما باید به تدریج بیاموزند که چگونه و تا چه اندازه می‌توانند دین را

پاسخ‌دهنده‌ای مطمئن برای سؤالات اساسی خود در زندگی بدانند. سؤالاتی نظیر: که هستیم؟ از کجا آمدیم و به کجا می‌رویم؟ چگونه باید باشیم؟ هدف از زندگی من چیست؟ و به فعالیت‌های فراوانی می‌توان اقدام نمود تا کودکان علاوه بر کسب عادات پسندیده اخلاقی و رفتاری، بیش صحیح و نگرش مناسبی نیز نسبت به حقایق جهان هستی پیدا کنند و اعتقادات دینی آنان تقویت شود از این جمله‌اند:

- بازگو کردن داستان‌هایی برای پاسخ مناسب به سؤال «از کجا آمده‌ام؟»
- نقل داستان‌هایی درباره‌ی مردمان با ایمان، که براساس اعتقادات و ایمان خود به کارهای درخشانی پرداخته‌اند.
- نقل مثال‌ها و داستان‌هایی که در آن‌ها با محدودیت درک انسان و رازآلود بودن ذات خدا اشاره می‌شود.
- آگاهی دادن به بچه‌ها درباره‌ی واقعیت‌های تلخ زندگی، نظیر زوال و مرگ پدیده‌ها، به گونه‌ای که آن‌ها از «داشتن» و از «زنده بودن» احساس رضایت و شکرگذاری کنند.
- همراهی بچه‌ها در تماشای پرواز پرندگان، زندگی موجودات کوچک و ... برای مشاهده‌ی آیات و نشانه‌های قدرت خداوند.

جست‌وجو کنیم

در میان آثار ویژه‌ی ادبیات کودکان (داستان، شعر و ...) در کشور، چند نمونه می‌توانید ذکر کنید که بتوان آن‌ها را به عنوان ابزاری مناسب در این‌باره به کار گرفت. در انتخاب داستان به نکات زیر توجه کنید:

- داستان حاوی نکات مفید برای او باشد، (تنها نبودن انسان، دوست داشتن و احترام به دیگران)، در ضمن بر ابهامات ذهنی او نیفزاید.

- داستان‌های مناسب با سن کودک و سطح سؤالات آن‌ها تنظیم شده باشد.
- تمثیل‌های مناسبی را به کار ببندید. مثلاً خوبی را به نور و بدی را به تاریکی تشبیه کنید.

یک نمونه:

به یک داستان مصور ویژه‌ی کودکان توجه کنید.
آیا این داستان می‌تواند نمونه‌ی مفیدی باشد؟





تمام ذهن های جست و جوگر، خواستار دانستن اند و البته دانستن نیز حق آن هاست. کودکان ذاتاً فیلسوف به دنیا آمده اند! در واقع آن ها با ذهنی کنجکاو زاده می شوند و معمولاً می خواهند حقیقت هر چیز این جهان را بفهمند. این است که سؤالات فراوانی دارند. سؤالاتی که اغلب برای بزرگ ترها نیز پاسخ روشنی ندارد. بدین لحاظ، بیش تر سؤالات کودکان در این سنین به واقع همان فلسفی ترین سؤالات ذهن آدمی است. کودک می پرسد: من از کجا آمده ام؟ چه کسی مرا به وجود آورده است؟ چه کسی دنیا را به وجود آورده است؟ قبل از این که به دنیا بیایم کجا بوده ام؟ چه بوده ام و ... سؤالاتی به ظاهر کودکانه اما به واقع فلسفی ترین مشغولیات ذهن آدمی از ابتدای تاریخ اندیشه تاکنون.

بی شک حتی مشکل ترین سؤالات کودک درباره ی خدا و موجودات ماورایی پاسخ های قابل فهمی دارند که ذهن این پرسشگر کوچک را به حل معماها قادر می سازد. اما باید چگونگی پاسخ به این سؤالات را دانست و آلا او را درگیر بغرنج ترین مفاهیم و دچار نامأنوس ترین تصورات می کنیم. بنابراین، پاسخ ها باید با نیازهای کنونی کودک ارتباط و هماهنگی داشته باشد و درخور فهم و درک او از حقایق هستی باشد.

یک نکته:

اکنون باید گفت: آیا ما، به عنوان والدین یا مربیان کودک، می توانیم به سؤالات او، هرگونه که می خواهیم (یا پاسخ آن را می دانیم)، پاسخ دهیم؟ آیا اگر پاسخ دادیم و او شنید و سکوت کرد، همه چیز را فهمیده است؟ آیا اساساً فهمیدن پاسخ همه ی سؤالات

برایش مفید است و می‌تواند او را در زندگی معنوی‌اش یاری کند؟ و خلاصه، چگونه و با چه زبانی باید با او به گفت‌وگو نشست تا پاسخ این سؤالات برایش قابل درک و قابل استفاده باشد؟

پاسخ‌گویی به سؤالات بچه‌ها، به‌ویژه سؤالات دینی آن‌ها، نیازمند آشنایی با مفاهیم دینی از طرفی و توجه کامل به توانایی‌های شناختی آنان از سوی دیگر است. کاری بس ظریف، دشوار و در عین حال مؤثر، که برای موفقیت در آن باید تلاش کرد و اندوخته‌های خود را گسترش داد.

تمرین

– چنانچه کودکان از شما بپرسند چرا دروغ‌گویی بد است چه می‌گویید؟
با دوستانتان در این زمینه مشورت کنید و نظر نهایی را بنویسید.

د – سؤال کردن از کودکان: آموزش همیشه از طریق توصیه یا پاسخ‌گویی کامل نیست، بلکه گاهی از طریق سؤالات گوناگون و فرصت دادن به کودک این امکان را به وجود می‌آوریم که بیندیشد، مقایسه کند، تصمیم بگیرد و خیال کند.
بنابراین، با طرح سؤالات برانگیزنده به کودک فرصت یادگیری می‌دهیم:
سؤالات کاربردی: سؤالاتی که به کودکان کمک می‌کند تا درک خود را از خدا در زندگی خویش محقق سازند.



سؤالات ارزیابی‌کننده: ارزیابی موقعیت و راه‌های ممکن و عملی، مهم‌ترین قسمت تعمیم و شکل‌گیری ارزش‌ها را تشکیل می‌دهد. سؤالات ارزیابی‌کننده ممکن است در پی تحلیل، مقایسه و یا رسیدن به نتایج قابل پیش‌بینی باشند. هم‌چنین می‌توانند برای ارزیابی میزان یادگیری کودک در خصوص آموزش‌های قبلی او به کار روند و به وسیله‌ی آن‌ها می‌توان فهمید که برای آموزش‌های بعدی آمادگی دارد یا خیر. (ارزش‌یابی تشخیصی)

سؤالات استدلالی: سؤالاتی که معمولاً با چرا شروع می‌شوند و آدمی را وادار می‌کند تا درباره‌ی علل و ریشه‌های امور بیندیشد و به محرک‌های پنهانی رفتار انسان‌ها توجه کند و در پی درک و فهم مقصود و هدف مشیت الهی باشد.

سؤالات تفسیری: این سؤالات به آشکار شدن معانی عمیق‌تر مفاهیم و درک پدیده‌ها کمک می‌کنند و پذیرش حقیقت را برای ما امکان‌پذیر می‌سازند.

سؤالات اعتقادی: روشن است که این نوع سؤالات در پی پاسخ‌های استدلالی نیستند بلکه ماورای استدلال در جست‌وجوی پاسخ‌هایی هستند که حکایت از گرایش‌ها و خواسته‌های قلبی داشته باشد. زمانی فرامی‌رسد که باید کودک را تشویق کرد تا ایمان و درک و دریافت شخص خود را بروز دهد. سعی کنید این دسته از سؤالات را تا حد امکان کم‌تر مطرح کنید و از تکرار بیش از اندازه‌ی آن‌ها خودداری کنید تا تأثیر خود را از دست ندهد.

سؤالات یادآورنده: سؤالاتی که به یادآوری کودک کمک می‌کند.

تمرین

برای هر یک از سؤالات برانگیزنده یک نمونه مثال بنویسید.

آموزش برخی مفاهیم دینی در دوران پیش دبستان

تحقیقات درباره‌ی میزان فهم کودکان از مفاهیم دینی متأسفانه چندان متعدد و گسترده نیست. آنچه در ادامه‌ی این بخش آمده نتایج برخی بررسی‌هایی است که در داخل و خارج کشور در این باره صورت گرفته است.

خدا: گرچه کودک ممکن است خدا را بالاتر از هرکس و هرچیز دیگری بداند اما در عین حال ممکن است او را به صورت یک انسان نیز تصور کند و درباره‌ی او تفسیری خودمحوارانه و عینی ارائه دهد. ممکن است کودک خدا را مادی و همانند انسان‌ها، دارای دست و پا و رفتارهای انسانی تلقی کند یا در خیال خود او را در خانه‌ای با مهمان‌های زیاد ببیند و تلقی او چنین باشد که خدا نیز در وقت‌های معینی غذا می‌خورد یا می‌خوابد. شاید او را دارای احساساتی انسانی هم چون خوش حالی، ناراحتی، عصبانیت و آرامش ببیند و ...

گاهی اوقات نیز به واسطه‌ی آموزش‌هایی که کودک فرامی‌گیرد و حرف‌هایی که از بزرگ‌ترها می‌شنود ممکن است خدا را جسم نداند اما با این حال، باز از مصادیق عینی نظیر نور، صاعقه و امثال آن درباره‌ی او سخن می‌گوید. به‌طور کلی تصور بچه‌ها درباره‌ی خدا آمیخته‌ای از تخیل و تجسم است. اما به هر حال، این تصورات، خدا را برای کودک واقعی‌تر ساخته و باعث می‌شود که بتواند با او رابطه برقرار کند. هم‌چنین این ویژگی ساده‌گزینی کودک باعث می‌شود تا مستعد پی‌ریزی یک سلسله اصول اعتقادی شود تا راهنمای تفکر او در سنین بالاتر شود و در نهایت مطمئناً زمانی فرامی‌رسد که باورهای ساده و بنیادین خود را مورد نقد و بازنگری قرار می‌دهد و به درکی عمیق‌تر خواهد رسید.

چند تذکر

کودک نمی‌تواند از خدا تصویری غیرمادی داشته باشد. بنابراین، به هیچ وجه در صدد تلقین این مفهوم به وی نباشید. شما هرچه بیشتر درباره‌ی خدای غیرمادی، مجرد، یا خدای ... توضیح بدهید او تصویری مبهم‌تر خواهد داشت. اما ضمناً نباید بر روی تصاویر ذهنی و تصورات وی نیز صحه گذاشت. بنابراین، بهتر است بیش‌تر درباره زیبایی، مهربانی و دوست‌داشتنی بودن او گفت‌وگو کنید.

مفهوم رحمانیت خدا (علاقه و توجه خدا به انسان‌ها): تحقیقات نشان داده است که تا حدود ده سالگی این مسئله، که نعمت‌ها و رحمت و محبت خدا شامل حال هر انسانی می‌شود (صفت رحمانیت خدا)، مورد قبول اغلب کودکان نیست، چرا که به نظر آن‌ها ممکن نیست خداوند افراد بدکار را هم مورد لطف و عنایت قرار دهد، مگر آن که عشق همگانی الهی فقط در حد الفاظ بر زبان آن‌ها جاری شود که با طرح مواردی که در آن‌ها خداوند عده‌ای را عذاب کرده است، این بیان لفظی نیز از میان می‌رود. کودک غالباً به این معنا خداوند را عادل می‌داند که وقتی کار خوبی انجام داد توقع دارد که خداوند تلافی کند و او را بلافاصله کمک کند.

چند تذکر

بسیار مناسب است که به کودکان پیام‌باز خدا مهربان است و همه‌ی انسان‌های خوب را دوست دارد. باید به کودک پیام‌باز خداوند او را دوست دارد چون او نیز انسانی خوب و مهربان است. این آموزش از دو جهت مورد توجه است: ۱- معرفی خدا به بچه‌ها به عنوان موجودی مهربان و تأکید بر این مفهوم ۲- جهت‌دهی کودک برای عمل به کارهای نیک.

پیامبر: استنباط کودکان از پیامبر دین خود، از یک تلقی خام آغاز می‌شود و به تدریج به سوی برداشتی پیشرفته سوق پیدا می‌کند. تجربه نشان داده که تا حدود نه سالگی تصور بچه‌ها از پیامبر دین خود مغشوش و پراکنده است. اما به هر حال تلقی آن‌ها این است که وی انسانی خوب، مهربان و مفید بوده است. پیامبر در نظر آنان از سایر انسان‌ها مهربان‌تر، فداکارتر و خوش‌اخلاق‌تر است. اما غالباً ظاهر آن را با دیگران شبیه نمی‌دانند. این نگاه درباره‌ی امامان نیز وجود دارد. البته بچه‌های ایرانی با توجه به آموزش‌های

غیررسمی بیش تری که می بینند جزئیات بیش تری را می دانند و با برخی از امامان مثل امام حسین و امیرالمؤمنین علیهما السلام آشنایی دقیق تری دارند.

چند تذکر

در این سنین می توان تلاش فراوانی کرد تا بچه ها به اولیای دین علاقه مند شوند. ذکر داستان های ساده و شیرین از رابطه ی آن ها با کودکان، مهربانی آن ها با حیوانات و قصه هایی درباره ی کودکی آن ها برایشان مفید است و از آن مفیدتر شرکت در مراسم جشن و پای کوبی برای ولادت آن هاست. مراسم عزاداری محرم نیز با وجود حزن فراوانی که دربر دارد برای بچه ها می تواند بسیار مفید و دوست داشتنی باشد.

مفهوم وحی: در ذهن بچه ها کاملاً مشابه گفت و گوی عادی دو نفر با یکدیگر است. در نظر آنان خدا حرف می زند و پیامبر با گوش هایش می شنود. بنابراین، اگر انسان های دیگری در موقعیت پیامبران قرار گیرند می توانند حرف های خدا را بشنوند! استنباط کودکان از مسئله ی وحی متأثر از خدانشناسی آن هاست و تصور آن ها از خدا در تبیین رابطه ی او با انسان نقش مهمی دارد.

چند تذکر

در تربیت دینی کودکان پیش دبستانی، همین که آنان بدانند پیامبران (که آن ها را خوب، مهربان، فداکار، آگاه و ... می دانند) با خداوند ارتباط نزدیک داشته، به تمامی فرمان ها و دستورهای او گوش می داده و عمل می کرده اند، برای آن ها کافی است. **مفهوم معجزه؛** نیز در ذهن کودکان (حتی در یازده سالگی) عبارت است از دخالت فیزیکی و مادی خداوند (مثلاً با دستان او!) در امور. بدین ترتیب معجزه چیزی شبیه تردستی است و به طور کلی در این باره عنصر تخیل و توجیحات افسانه ای بسیار غالب است.

چند تذکر

به همین دلیل توصیه می شود برای تقویت ایمان بچه ها نسبت به خداوند و پیامبران، از مفهوم معجزه استفاده نشود و یا این که، به هنگام ذکر قصه هایی از زندگی پیامبران بر روی این گونه موارد تأکید فراوان نشود.

مفهوم دعا و راز و نیاز: دعاهای کودکان به تدریج که دوره کودکی را پشت سر می گذارند به تقلید از بزرگ ترها از شکل مادی و خام و خودمحور به سمت دعاهایی روحانی و نوع دوستانه پیش می رود. دعاهای بچه ها بیش تر مضامین بسیار ساده و برخاسته از نیازهای روزمره دارد و مشکلات شخصی آنان و یا دوستان و نزدیکانشان را بیان می کند.

در سنین پیش دبستانی، دعاهای بچه ها یا دسته ای از محفوظات است یا دعاهایی است که مضامین غالباً خودمحورانه و البته برای کسب منفعت و رفع حوائج مادی. در حالی که دعاهایی متضمن اقرار به خطا و استدعای عفو الهی در آن ها نادر است.

چند تذکر

برای تربیت بچه ها در این سن همین بس که بدانند می توانند خواسته هایشان را در قالب آرزو و دعا بر زبان بیاورند و با خدا در میان بگذارند. هم چنین موارد زیر می تواند بسیار مفید باشد: آموزش این که خداوند همواره بیش از نیازهایمان به ما می بخشد و عطا می کند. تعلیم برخی آداب دعا کردن و عادت دادن بچه ها به آن.

عادت دادن بچه ها به این که خواسته های پسندیده ای داشته باشند؛ قبل از دعا درباره ی نیاز خود بیندیشند؛ خدا را برای آنچه دارند و قبلاً به آنان عطا شده است، شکر کنند. حتی در صورت برآورده نشدن نیازهایشان شکرگزار باشند، و ...





کتاب الهی (در اسلام - قرآن): اعتبار کتاب الهی در نظر کودکان، در سنین پیش از دبستان بیش تر به واسطه‌ی آن است که «خدا یا پیامبر آن را نوشته است» یا این که پدر و مادر یا مربی گفته‌اند که مطالب این کتاب صحیح است «و آن‌ها این کتاب را می‌خوانند و به آن احترام می‌گذارند. یا» قرآن را باید بوسید و به آن احترام گذارد چون بارها این شیوه‌ی احترام را به چشم خود دیده و یا به دلیل بی‌توجهی مورد مؤاخذه قرار گرفته

است. اما به‌طور کلی بچه‌ها در این سنین غالباً کتاب مقدس خود را محترم می‌شمارند و میان آن با سایر کتاب‌هایی که در منزل دارند فرق می‌گذارند. در بسیاری از موارد دیده شده است توجه ویژه‌ی کودکان به کتاب مقدس (به‌ویژه قرآن) به سبب نوع جلد و چاپ و شکل ظاهری آن است. به همین جهت غالباً کتاب‌هایی با شکل و شمایل کتاب مقدس را با آن اشتباه می‌گیرند.

چند تذکر

خوب است بچه‌ها در این سنین آداب احترام ظاهری به قرآن را فراگیرند. این مستلزم آن است که بتوانند قرآن را در دست بگیرند و آن را لمس کنند. اگر بتوان برای آنان چند نمونه از قصه‌های کوتاه قرآنی تعریف کرد بسیار خوب است. حفظ کردن برخی آیات و سوره‌های کوتاه و به‌خصوص آهنگین قرآن نیز مفید است اما زیاده‌روی اولیا و مربیان (بدون توجه به روحیات و خصوصیات کودک) در این خصوص ممکن است مضر باشد.



مکان‌های عبادی و مقدس (مسجد، زیارتگاه‌ها): خردسالان نسبت به کودکان بزرگ‌سال تر از چنین مکان‌هایی بیش تر لذت می‌برند، البته اگر ازدحام جمعیت، بُعد مسافت، سرپا ایستادن، حضور زیاده از حد در مراسم سخنرانی، روضه‌خوانی و ... باعث رنجش خاطر آنان نشود. تفاوت عمده‌ی مکان‌های عبادی و زیارتگاه‌ها، گذشته از چیزهایی که از زبان بزرگ‌ترها درخصوص اهمیت و عظمت امام، امامزاده و ... می‌شنوند بیش تر به‌خاطر ظاهر کاملاً متفاوت و معماری ویژه‌ی این‌گونه مکان‌هاست.

چند تذکر

وسعت و تودرتویی فضاها، بلندی سقف، آینه‌کاری‌ها، هیاهوی لذت‌بخش و خاطره‌آفرین و ... همه از عواملی است که باعث می‌شود بچه‌ها این مکان‌ها را دوست داشته باشند. حضور در این فضاها با فرض عدم وجود عوامل مخرب و ناراحت‌کننده‌ی روحیه‌ی بچه‌ها، می‌تواند برای آنان بسیار آموزنده و لذت‌بخش باشد.

شیطان: شیطان در ذهن بچه‌ها غالباً موجودی انسان‌گونه و قابل رؤیت است و تا حدود ده‌سالگی، کودکان تصویری خام و غیرواقعی از او در ذهن دارند. کیفیت این مفهوم مشابه با چگونگی درک آنان از مفهوم خدا تغییر می‌یابد. همه‌ی بچه‌ها در این سنین شیطان را بد، خبیث، غالباً وحشتناک و بد شکل و دارای قدرت‌های جادویی می‌دانند. ضمناً شیطان برای بچه‌های کوچک تر بهانه و پناهگاه خوبی است برای فرافکنی و انداختن مسئولیت خراب‌کاری‌ها به گردن او!

چند تذکر

اولاً، بچه‌ها نباید از موجودی به نام شیطان، که مثلاً در تاریکی یا جایی خلوت حضور دارد و قیافه وحشتناکی دارد، بترسند. بلکه باید در عین حالی که او را موجودی خبیث و زشت‌کردار می‌پندارند ضعیف و سست و ناتوان نیز بدانند، به‌گونه‌ای که می‌توانند

شخصاً با او بجنگند.

ثانیاً، باید آرام آرام بفهمند که مسئولیت کارهای آنها به عهده‌ی خود آنهاست و نباید اشتباه‌های خود را به گردن شیطان (که مثلاً بچه‌ها را گول می‌زند) بیندازند.

ثالثاً، باید بدانند خداوند همان موجودی است که آنها را از شر شیطان حفظ می‌کند و به آنها در موقع خطر یا به هنگام خطا کردن کمک و یاری می‌رساند.

فرشته: فرشته در ذهن کودکان موجودی زیبا، مهربان و یاری‌دهنده است. همه‌ی کودکان فرشتگان را دوست دارند؛ زیرا که او چه در کلام و چه در ادبیات منشأ خیر و رحمت و مهربانی است.

چند تذکر

در قرآن کریم بارها از این موجود آسمانی نام برده شده است و می‌توانید به آنها اشاره کنید.

در فرهنگ ما از فرشته به عنوان مراقب و نگه‌دارنده سخن بسیار آمده است. می‌توانید از این ویژگی در آموزش مفاهیم اخلاقی به کودکان استفاده کنید.

در خصوص بهشت و دوزخ: کودک هیچ اندیشه و نظر خاصی جز شنیده‌های خود ندارد. تصویر ذهنی او براساس توصیفاتی است که بزرگ‌ترها از بهشت و جهنم می‌کنند. کودک بهشت را مانند پارکی پر از امکانات و خوردنی‌ها می‌داند و جهنم را توده‌ای از آتش؛ ولی هیچ‌گاه خود را در آن تصور نمی‌کند و اساس جهنم را برای آدم‌های بد می‌داند. اما هر قدر هم کارهای به اصطلاح بد انجام دهد یا فرافکنی می‌کند و یا این که خود را مستحق حضور در جهنم نمی‌داند و یا معتقد است (در صورت گرفتاری) به‌گونه‌ای از سوختن در آتش خلاص می‌شود.

چند تذکر

بسیاری از کودکان برای دیدن و یا رفتن به جایی به نام بهشت (اگر مسئله‌ی مرگ را نادیده بگیریم) شوق دارند و حاضرند به کارهایی اقدام کنند که نهایتاً آنها را به بهشت می‌برد. البته این امر، به تأکید بزرگ‌ترها و میزان شنیده‌های بچه‌ها بستگی شدید دارد.

چنین بهشتی البته در ذهن آنان در همین نزدیکی هاست و برای رفتن به آن لازم نیست انسان بمیرد، قیامتی برپا شود و ...!

اما در خصوص جهنم پیش‌تر ترجیح می‌دهند از آن سخنی به میان نیاورند. مریبان نیز باید کاری کنند که کودکان بدانند برای رفتن به بهشت باید خوب، مهربان و نیکوکار باشند. فراموش نکنیم حتی تا پایان دوره‌ی ابتدایی نیز طرح مسئله‌ی قیامت، جهنم، عذاب و مواردی نظیر آن، نه تنها برای کودکان مفید نیست، بلکه مضر و مخرب است.

مفهوم مرگ: تصور کودک درباره‌ی خودش این است که همیشه زنده می‌ماند و پذیرش این مطلب که روزی او هم می‌میرد برایش دشوار است. عقاید و افکار کودکان درباره‌ی مرگ بسیار محدود است. آنها به زحمت می‌توانند از شنیدن خبر مرگ کسی بفهمند که بر سر او چه آمده است. بچه‌های کوچک‌تر معنای مرگ را اصلاً نمی‌فهمند و از دیدن کفن و دفن مردگان تعجب می‌کنند و به همین دلیل، سؤالات فراوانی را مطرح می‌کنند، که غالباً با شنیدن این جمله از بزرگ‌ترها که «او رفته پیش خدا» بعضاً آرام می‌شوند. کودکان پس از پنج سالگی آرام آرام مرگ را باور می‌کنند اما آن را مخصوص بزرگ‌ترها (به خصوص پیرها) می‌دانند و از مرگ نزدیکان دچار احساس خاص می‌شوند.

چند تذکر

ذکر مسئله‌ی مرگ و تأکید بر روی آن برای بزرگ‌ترها یکی از ابزارهای مرگ‌باوری و از عوامل سازنده‌ی اخلاق نیک و ذکر است. اما برای کودکان چنین اثری ندارد. بنابراین، یادمان باشد هیچ‌گاه برای آن که بچه‌ها را به عمل نیک واداریم آنها را به یاد

مرگ و قیامت و ... نیندازیم و اگر آن‌ها هم سؤالاتی در این باره مطرح کردند با زبانی کودکانه آن‌ها را از این دنیای ذهنی خارج کنیم.

تمرین

– تهیه‌ی جدولی از جشن‌ها و مناسبت‌های مذهبی به منظور برنامه‌ریزی برای اجرای فعالیت‌ها در آن روزها (نیمه شعبان

و ...)

آن‌چه والدین باید بدانند

– تمام والدینی که فرزندان چهار و پنج ساله دارند به خوبی می‌دانند که کودکان سؤالات زیادی در مورد خدا دارند؛ شما

باید:

- سؤالات کودکان را جدی بگیرید و قبل از دادن پاسخ درباره‌شان فکر کنید.
- زمان مناسبی را برای پاسخ دادن انتخاب کنید.
- چنان‌چه پاسخ سؤالی را نمی‌دانید، صادقانه بگویید نمی‌دانم.
- پاسخی به کودکان بدهید که با نیاز کنونی‌اش ارتباط داشته باشد.
- برای فرزندان الگویی از ایمان باشید.
- به فرزندان چگونه دعا کردن را بیاموزید.
- خداوند را به سبب آن‌چه که به شما داده است، شکر بگویید.
- کودکان را با زندگی شخصیت‌های مثبت دینی آشنا سازید.

آن‌چه مربیان در تعلیم و تربیت دینی کودکان باید رعایت کنند.

مربی باید بداند که...

به عنوان هدف، در این دوره می‌خواهد مخاطبان خود را به دین جذب کند؛ در آن‌ها احساس تعلق به دین و میل و علاقه به دین‌داری را به وجود آورد و موجب روی‌آوری هرچه بیش‌تر آنان به فرهنگ اسلامی گردد. اما به هیچ‌وجه به دنبال این نباشد که مفاهیم دینی را تماماً به آن‌ها بیاموزد و آن‌ها را به مخزنی از اطلاعات مبدل کند.

او در پی آن است که در مخاطبان خود میل به دین‌داری و دین‌ورزی را به وجود آورد.

... می‌خواهد زمینه‌ی پرورش و رشد عواطف و احساسات دینی در آنان فراهم آید تا انگیزه‌ی لازم را برای پرسش‌های دینی

و نیز رغبت به دین و دین‌داری پیدا کنند.

اکنون که اهداف آموزشی به خوبی و روشنی بیان شد فکر می‌کند برای نیل به این اهداف، نکات بسیاری باید رعایت و جوانب

مختلفی باید سنجیده شود.

مربی باید بداند که تجربیات کودک درباره‌ی مفاهیمی هم‌چون خوبی، راستی و زیبایی، خداشناسی او را شکل

می‌دهد، بنابراین، باید:

- به راستی‌ها و زیبایی‌ها دقت کند.
- نسبت به پیشرفت خود و بچه‌ها به سوی زیبایی‌ها و خوبی‌ها حساسیت نشان دهد.



در برنامه‌ریزی آموزشی خود به زمان، موضوع و شیوه‌ی تدریس توجه کند. بنابراین باید:

- اوقات منظمی را انتخاب کند.
- وقت مناسبی را انتخاب کند.
- به کیفیت وقت بیش‌تر اهمیت بدهد.
- از متون ساده‌ی مذهبی، داستان‌های ساده و سرودخوانی مذهبی استفاده کند.
- از منابع منتشر شده موثق استفاده کند.
- از روش‌های مختلف و متنوع استفاده کند.
- از وسایل کمک‌آموزشی استفاده کند.

مربی باید به بچه‌ها کمک کند تا از راه‌های گوناگون و با دیدگاه‌های مختلف به رابطه‌ی خدا و پدیده‌ها بنگرند.

بنابراین، باید:

- با دیدگاه‌های مختلفی که در پیشینه‌ی مذهب ما وجود دارد آشنا شود.
- با استفاده از منابع مذهبی خود، تصاویر و تلقی‌های گوناگونی از خداوند به‌دست آورد.
- تأثیرات چندجانبه‌ی خداشناسی را بیازماید.
- کاری کند تا تصور و شناخت او و بچه‌ها از خدا رشد کند و تغییر یابد.

مربی باید:

- سعی کند برای رشد معنوی خود و شاگردانش قرآن را وارد زندگی روزمره کند.
- تنوع موضوعات آن را مدنظر گیرد.
- قرآن را به نحوی جذاب به بچه‌ها معرفی کند.
- به کودکان کمک کند تا آیات کاربردی مناسب سن خود را حفظ کنند.

مربی باید بداند که داستان‌های گذشتگان حاوی درس‌های آموزنده‌ی فراوانی برای حال و آینده بچه‌هاست و پیشینه‌ی مذهب در میان مردم، احساسی جمعی و مشترک ایجاد می‌کند. این اشتراک مذهبی و تاریخی موجب تحکیم پیوندهای اجتماعی می‌شود. هم‌چنین بداند که مطالعه‌ی تاریخ ادیان باعث ایجاد نوعی اعتماد و اطمینان نسبت به آینده می‌شود. بنابراین، تا آن‌جا که ممکن است باید:

- بتواند داستان‌های تاریخی و اسطوره‌ای را بشری (ملموس و عینی) کند.
- سعی کند وقایع تاریخی را با زمان حال مرتبط سازد و تاریخ را متناسب با سن کودکان برای آن‌ها بیان کند.
- مربی باید بداند مجهولات را با استفاده از معلوماتی که دارد، توضیح دهد. بنابراین، ...
- سعی می‌کند از تمثیل‌ها و داستان‌های فرهنگی و مذهبی استفاده کند.
- تلاش می‌کند تمثیل‌های مناسبی را مطرح کند.
- سعی می‌کند معانی و محتوای تمثیل‌ها را مورد تأکید قرار دهد.

مربی باید بداند مفاهیم یقینی و بدیهی در دوران کودکی در ذهن بچه‌ها پایه‌ریزی می‌شود. هم‌چنین بداند که اعتقادات بنیادی یک سنت مذهبی، زمانی برای کودک معنی‌دار می‌شود که با زندگی روزمره وی ارتباط داشته باشد.

بنابراین:

- نباید هیچ‌گاه نظریه‌ای رسمی را برای کودک تکرار و به او القا کند مگر آن که توانایی درک آن را داشته باشد.

- باید اصول اعتقادی را با تجربه‌ی روزمره کودک مرتبط کند.
- باید مثال‌ها و موارد تجربی را به سمت دست‌یابی به اصول اعتقادی هدایت کند.
- مربی باید بداند که یادگیری زندگی معنوی از طریق مشاهده و اطلاع از زندگی معنوی دیگران تسهیل می‌شود.
- او باید بتواند به طریق گوناگون کودک را با الگوهای معنوی مرتبط کند، از جمله: خواندن و یا تعریف کردن خاطرات شخصیت‌ها برای بچه‌ها، تشویق بچه‌ها به مشارکت در امور خیر، شرکت دادن بچه‌ها در برنامه‌های مذهبی و تجمعات دینی، شرکت دادن بچه‌ها در مراسم عبادی، برگزاری جشن‌های مذهبی در کودکانستان و ...
- او باید بتواند بچه‌ها را با الگوهایی که اندکی از او بهتر هستند آشنا کند.
- از آن‌جا که والدین در نحوه‌ی درک فرزندشان از خدا، بیش‌ترین تأثیر را دارند باید به آنان وظایفشان را گوشزد کند. از جمله:

- کاری کنند که بچه‌ها بدانند آن‌ها دوستشان دارند.
- سعی کنند همیشه قابل اعتماد باشند.
- منصف باشند و اشتباهات خود را بپذیرند.
- به یاد داشته باشند که هر تصویر مفهوم خاصی را به ذهن کودک منتقل می‌کند. بنابراین، مراقب دیدنی‌ها و شنیدنی‌های کودک در محیط خانه و خانواده باشند.
- بچه‌ها را هیچ‌گاه با زبان یا عمل خود به دروغ‌گویی، ستم‌کاری، خشونت و ... تشویق نکنند.
- مربی باید بداند که «طبیعت» کتاب بزرگ آفرینش خداست و باید از آن به بهترین وجه استفاده کند بنابراین، باید:
- خودش بیش از هر کس دیگری به طبیعت توجه کند و به آن احترام بگذارد.
- به بچه‌ها بیاموزد که برخورد با بدی‌ها و ناپاکی‌ها و شیاطین را از طبیعت یاد بگیرند.
- توجه به طبیعت را به کودکان بیاموزد.
- سعی کند تا ارتباط کودکان با طبیعت بیش‌تر شود.
- در ذهن بچه‌ها بین خدا و طبیعت ارتباط برقرار کند.
- کاری کند که بچه‌ها حفظ طبیعت را وظیفه‌ای دینی برشمارند.
- کاری کند که از انس کودکان با طبیعت، ضمن تقویت حس زیبایی‌شناسی و حفظ لطافت روح آنان، موجب آشنا شدن آن‌ها با خداوند، به عنوان خالق و بخشنده مواهب طبیعی به انسان، گردد.
- نعمت‌های الهی را برای بچه‌ها برشمارد و درباره‌ی نیکی و احسان خداوند با آنان گفت‌وگو کند.

به‌خاطر می‌سپاریم:

- ۱- آموزش‌های دینی بچه‌ها باید با رشد شناختی و توانایی‌های ذهنی و نیز سوابق و تجارب ذهنی قبلی آنان هماهنگی داشته باشد. به همین دلیل، همواره باید از طرح مفاهیم انتزاعی اعتقادی (نظیر عدالت خدا) و ارزشی (نظیر مفهوم ایثار) و نیز مفاهیمی نظیر معجزه و عذاب‌های الهی، که کم‌تر با تجارب و آموخته‌های قبلی کودکان همخوانی دارد، به‌صورت خام پرهیز نمود.
- ۲- تجربه‌های دینی بچه‌ها را با تداعی‌های دل‌چسب (مثل بزرگداشت میلاد ائمه با دادن شیرینی و شکلات و برنامه‌های

نمایشی جذاب، بردن بچه‌ها به مسجد، اماکن متبرک و بازی در این محیط‌ها) همراه سازید تا در آن‌ها حس خوشایندی ایجاد شود.

۳- محتوای آموزش را به گونه‌ای انتخاب کنید که مفاهیم و مطالب آموخته شده در این دوران، با تجارب و آموزش‌های سال‌های بعد و نیز افزایش تدریجی قدرت تفکر و تجزیه و تحلیل بچه‌ها در سنین بالاتر نقض نشود.

۴- بسیاری از آداب و ارزش‌های اسلامی را می‌توان، به‌عنوان اعمال صحیح و رفتارهای درست و مناسب، به بچه‌ها آموخت و با استفاده از روش‌های صحیح تربیتی آن‌ها را تقویت و تثبیت کرد، بی‌آن که نیازی به بیان فلسفه‌ی آن باشد.

۵- بچه‌ها در این سنین، بیش‌تر از آن‌که به سخنان بزرگ‌ترهای محبوب خود توجه و از آن پیروی کنند، از اعمال و رفتار آنان تقلید می‌کنند. بنابراین، توجه به هماهنگی بین آموزش‌ها و رفتار اطرافیان مورد توجه کودک، امری ضروری است.

۶- آموزش‌های دینی بچه‌ها باید از پایین‌ترین سطح ممکن برای یک مفهوم شروع شود و سپس بسط و ارتقا یابد.

۷- برای آن که بچه‌ها خود به نتایج موردنظر برسند، امکان کسب تجارب مستقیم و دست اول باید برای آنان فراهم گردد.

۸- برای بیان مطالب، لازم است از روش‌های غیرمستقیم بهره گرفت.

بیان مستقیم برای کودکان این مقطع کسالت‌بار است و تنها می‌تواند انتقال‌دهنده‌ی بسته‌هایی از اطلاعات به ذهن آنان باشد. اطلاعاتی که کم‌تر به ایجاد باور، ایمان و عمل منتهی می‌شود.

در این مقطع سنی به درک و برداشت خاص کودکان از مفاهیم دینی توجه داشته باشید و شرایطی فراهم کنید که با آنان به‌صورتی مناسب مواجه شوند. به‌خصوص از تقویت و دامن زدن به چنین برداشت‌هایی پرهیز نمایید. (برداشت‌هایی نظیر آن چه در بخش «تفکرات من» آمده است.)

۹- باید توجه کرد: هدف اصلی در این دوره، ایجاد انگیزه، جاذبه و زمینه‌سازی برای یادگیری مفاهیم ارائه شده در آموزش‌های رسمی مدرسه‌ای است.

۱۰- باید تأکید فراوانی بر روی انگیزش و تحریک حس کنجکاوی و رغبت کودکان به دین داشته باشید.

۱۱- از رسانه‌های آموزشی، یعنی خواندنی‌های کودکان نظیر کتاب و مجلات مخصوص، نوارهای صوتی و تصویری و وسایل بازی و ... و نیز روش‌های مناسب کودکان نظیر داستان‌گویی، قصه‌خوانی، شعرخوانی، بازی و ... تا حد امکان بهره بگیرید. هیچ‌چیزی به اندازه یک بازی شاد، یک قصه زیبا و یک فعالیت دوست‌داشتنی مثل نقاشی یا خواندن شعر و ... نمی‌تواند برای بچه‌ها جذاب و درآموزش آن‌ها مؤثر باشد. هیچ‌چیز به اندازه‌ی یک اسباب‌بازی مناسب، یک فیلم یا کارتون جذاب نمی‌تواند برای بچه‌ها لذت‌بخش و درعین حال آموزنده باشد.

۱۲- آموزش‌های دینی باید به گونه‌ای ارائه شوند، که زمینه‌ی پرورش و رشد عواطف و احساسات دینی را فراهم کنند.

روح بچه‌ها بسیار حساس و لطیف است. آنان، هنوز به مظاهر زشت و غفلت‌زای زندگی روزمره‌ی آدم بزرگ‌ها (به تعبیر سنت اگزوپری نویسنده‌ی کتاب شازده کوچولو) آلوده نشده‌اند؛ با دیدن یک پرنده با بال زخمی، یک گلدان شکسته، کودک مریض یا ... ناراحت می‌شوند و حتی به گریه می‌افتند. این لطافت روح، این پاکی طینت، این رأفت و مهربانی دل و ...، اگر تا بزرگ‌سالی باقی بماند و تقویت و هدایت شود به نوع دوستی و احساس مسئولیت نسبت به خود، دیگران و طبیعت منجر می‌گردد. هم‌چنین رعایت قانون خدا و احترام به حقوق خود را به دنبال خواهد داشت. این نمودی از بندگی خدا و کمال مطلوب تعلیم و تربیت دینی است.

اما متأسفانه گذر روزگار، بعضاً این ویژگی‌ها را به جرم کودکانه یا شاعرانه بودن در نهاد آدم‌ها می‌میراند و انسان‌ها هم‌زمان با رشد ظاهریشان، بسیاری از خصایص زیبا و دوست‌داشتنی خود را از دست می‌دهند. بنابراین، شما درتعلیم و تربیت دینی باید به

گونه‌ای برنامه‌های خود را جهت‌دهی کنید که کودکان احساسات پاک دینی و مذهبی خود را نسبت به خود، نسبت به خدا و نسبت به مردم تقویت کنند و نیز این احساسات و عواطف باعث ارتباط هر چه بیش‌تر آنان با اولیای دین شود.

۱۳- آموزش دینی، ضمن ساده و کودکانه بودن، باید موثق و معتبر باشند. بنابراین، باید مراقبت کنید که نظر و سلیقه شخصی خود را به‌عنوان آموزه‌ی دینی به بچه‌ها نیاموزید.

۱۴- آموزش‌های دینی خود را باید به گونه‌ای سازمان دهید که بچه‌ها به شرکت در آن دسته از فعالیت‌ها و مراسم مذهبی و اجتماعی و ملی که با رغبتشان هماهنگ است، تمایل نشان دهند.

۱۵- به تدریج زمینه‌های بیان ساده الگوهای رفتاری از زندگی معصومین (ع) و نیز الگوهای قابل تطبیق با خود آن‌ها به نحوی جذاب و روشن فراهم کنید.

۱۶- آموزش در این دوره، باید از طرح مفاهیمی که بچه‌ها را به وحشت می‌اندازد یا در آن‌ها تصورات نامناسبی ایجاد می‌کند دوری کند؛ چرا که این مفاهیم می‌تواند سلامت روحی و آسایش عاطفی و روانی کودکان را مخدوش سازد.

۱۷- طرح هر مسئله‌ای برای کودکان در این سن، از جمله جهنم و عذاب اخروی، به‌عنوان نتیجه‌ی اعمال بد به صراحت، لزومی ندارد. آن‌ها در بسیاری از موارد حتی معنای بد یا خوب بودن اعمال را نمی‌فهمند و کاری را بد می‌دانند که شما (یا پدر و مادرشان) آن‌را بد بدانید و برعکس.

۱۸- آموزش‌های دینی باید در پیوند نزدیکی با زندگی روزمره‌ی بچه‌ها باشد. بنابراین، در این دوره باید از طرح مباحث و مفاهیمی که به زندگی روزمره و ملموس آنان ربطی ندارد خودداری کرد.

۱۹- به عناصر فانتزی ذهن کودکان توجه کنید و آن‌ها را به رسمیت بشناسید و به هیچ‌وجه در صدد تخریب تخیلات کودکان آن‌ها بر نیایید. با کمک همین تخیلات است که می‌توان با بچه‌ها همراه شد و یا آن‌ها را با خود همراه کرد. با این حال نباید آن‌ها را در دنیای تخیلی‌شان محبوس کرد و گرنه بین دنیای خیالی آن‌ها و دنیای واقعی، سدی ایجاد خواهد شد.

۲۰- برای آموزش و پرورش دینی کودکان، «برنامه‌ریزی» یک ضرورت است. بدین معنا که تعلیم و تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی نیز همانند دوره‌های آموزش مدرسه‌ای به هیچ‌وجه نباید سلیقه‌ای و مطابق میل افراد غیرمتخصص صورت گیرد. بلکه این امر، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده، از نظر محتوا و شیوه‌ی ارائه است.

۲۱- در تعلیم و تربیت دینی کودکان، عنصر شادی آفرینی از مهم‌ترین اصل‌هاست و بی‌توجهی به آن، تأثیر بسیار بدی را بر فرایند آموزش و نیز کودکان می‌گذارد.

برخی شیوه‌ها و روش‌ها

شیوه‌ها و ابزارهای مناسب برای تعلیم و تربیت دینی کودکان

این مرحله اگر مهم‌ترین بخش کار نباشد، دست کم مشکل‌ترین آن است. در این بخش است که علاوه بر دانش، به توانایی، تبحر، ذوق و قریحه و از همه مهم‌تر، به عشق و علاقه‌ی به کار نیاز است. در این بخش است که باید از تمامی امکانات موجود بهره جست و به دنبال خلق امکانات نو و یا بهره‌گیری کارا و اثر بخش‌تر از امکانات پیشین بود. در این بخش است که تمامی برنامه‌ها و از پیش اندیشیدن‌ها، جامه‌ی عمل به تن می‌پوشد و تجسم بیرونی می‌یابد و در واقع مرحله‌ی شروع، مرحله‌ای مهم و حساس و متفاوت است. اهمیت آن در این است که بهترین و دقیق‌ترین برنامه‌ها با اجرای نامناسب، ممکن است ناکارآمد شوند و حتی نتایج سوئی به بار آورند.

گفت وگو کنیم:

به نظر شما برای این منظور چه کار باید کرد؟ از کجا و از چه، باید آغاز نمود؟ بی‌تردید، قدم اول، توجه به برنامه‌ای است که برای فعالیت آموزشی خود تدارک دیده‌اید. در این برنامه مسلماً نیازها، علاقه‌ها، سلیقه‌ها و حساسیت‌های بچه‌ها را در نظر بگیرید و به میزان فهم و قدرت درک کودکان نسبت به مفاهیم دینی توجه کنید، و به تناسب مفاهیمی که برای آموزش در نظر گرفته‌اید به قدرت درک و فهم بچه‌ها عنایت کنید. اکنون موقع انتخاب ابزار و اتخاذ یک شیوه‌ی مناسب است. این ابزارها را یا خودتان خلق می‌کنید و یا از امکانات موجود بهره بگیرید.

همیشه در این زمینه باید فکر کنید:

چه عواملی موجب علاقه‌مندی کودکان به استفاده از یک ابزار آموزشی می‌شود؟
چه ابزارهایی را می‌شناسید که به مجسم ساختن مفاهیم انتزاعی کمک می‌کند؟

این که چه ابزاری انتخاب می‌کنید بسیار اهمیت دارد. به همین دلیل، برای موفقیت در انتخابی مناسب‌تر و مؤثرتر، همواره به موارد زیر باید توجه کرد:

- آن ابزار چه قدر با پیام شما تناسب و سنخیت دارد؟
- چه قدر بچه‌ها آن را دوست دارند و در نتیجه، از آن بهتر و راحت‌تر استفاده می‌کنند؟
- ابزار مزبور تا چه حد توانایی بیان مفاهیم انتزاعی دینی را، که برای بچه‌ها قابل درک نیست، در قالب مصادیق عینی و ملموس و قابل درک، برای بچه‌ها داراست.
- و نهایتاً این که، شما چه قدر در به‌کارگیری ابزار مذکور توانا و متبحرید؟

برخی از ابزارها و شیوه‌ها

ابزارهای فراوانی برای انتقال مفاهیم دینی به کودکان و تربیت اخلاقی آنان وجود دارد. ویژگی مشترک تمامی این ابزارها، هم‌زبانی آن‌ها با کودکان، تأثیرگذاری عمیق و سریع، نمادین بودن، و ماندگاری آن‌هاست. از این جمله‌اند:

- ادبیات کودکان شامل شعر و قصه و تمامی روش‌های مربوط به آن از جمله قصه‌گویی، قصه‌خوانی، شعرخوانی، سرود خوانی و ...

- هنرهای تجسمی (شامل نقاشی، طراحی، حجم‌سازی، ...)
- بازی‌ها به‌ویژه بازی‌های نمایشی و بازی‌های گروهی و ورزشی
- استفاده از فیلم و عکس و نقاشی متحرک
- استفاده از موقعیت‌های انسانی نظیر گردش علمی و بازدید و تفریح دسته‌جمعی و حضور در مکان‌ها، اجتماعات و مراسم خاص و بسیاری از شیوه‌های دیگر.

این ابزارها و شیوه‌ها را عمدتاً در بسته‌های فعالیت تحت عنوان واحدهای کار، به‌کار گرفته می‌شود. اما ابزارهای مذکور فقط هنگامی برای تربیت دینی بچه‌ها به‌کار گرفته می‌شوند که دارای ویژگی‌های زیر باشند:

- حتی الامکان از تجارب قبلی کودکان استفاده و امکان توجه و فعالیت مستقیم آن‌ها را فراهم کنند.

● استفاده از آن‌ها برای کودکان آسان و جذاب و خوشایند باشد. احساس شکست یا سختی و تلخی به هنگام استفاده از این ابزارها می‌تواند تداعی‌های ناخوشایند آینده را در مورد مفاهیم و موضوعات دینی به دنبال داشته باشد که ناقض اهداف و اصول تربیت دینی است.

● بیان دیگر موضوعاتی باشند که کودکان به طور طبیعی و فطری به آن‌ها علاقه‌مندند.

● دین و مفاهیم دینی را به زندگی کودکان مربوط سازند.

● و از مطالب موجود در کتاب الهی یا هرگونه مواد صریح مذهبی دیگر برای خود آن‌ها استفاده ننمایند بلکه تنها به منظور روشن‌تر نمودن فهم کودکان این منابع را مورد استفاده قرار دهند.

یک الگوی عملی: کاربرد مفاهیم دینی در واحدهای کار

از آن‌جا که دین و دینداری به همه جوانب و شئون رفتار و زندگی انسان مربوط می‌شود، آموزش‌های خاص دینی را می‌توان در اکثریت قریب به اتفاق مفاهیم و موضوعات واحدهای کار پیش‌دبستان گنجاند. این روش، امکان بررسی، مطالعه، مشاهده و کسب تجربه در مورد یک موضوع یا مفهوم را از جنبه‌های مختلف، برای کودکان فراهم می‌کند و به این ترتیب می‌توان دیدگاه‌های دینی، نمونه‌هایی از آداب و احکام و نیز ارزش‌های اخلاقی را نیز در کنار سایر جنبه‌ها طرح کرد و آموزش داد.

اهمیت این روش در آن است که هیچ ضرورتی برای جداسازی واحدهای کار دینی از سایر موارد نیست. بلکه مربی می‌تواند، خود، با استفاده از واحد کارهایی، که ممکن است به نحوی از انحاد تربیت دینی بچه‌ها (به طور غیرمستقیم) مؤثر باشد، مفاهیم دینی و آداب و اخلاق اسلامی را در ذهن و روح کودکان گسترش دهد.

به نظر من، بیش‌تر واحدهای کار آموزش پیش‌دبستانی، می‌تواند در بر دارنده‌ی مفاهیم دینی و اخلاقی باشد. برای مثال، واحد کار طبیعت و حفظ محیط‌زیست می‌تواند بچه‌ها را با زیبایی‌های طبیعت و خالق مهربان آن آشنا کند و حفظ محیط‌زیست را هم‌چون وظیفه‌ای دینی به بچه‌ها گوشزد نماید. هم‌چنین احترام به بزرگ‌ترها، مهربانی با حیوانات، پایمال نکردن حق ضعیف‌ترها، رعایت نوبت، توجه به کوچک‌ترها و کمک به آن‌ها، مسواک زدن، نظافت و پاکیزگی، و بسیاری موارد دیگر، ضمن اشاره به مسائل اجتماعی و یا بهداشتی می‌توانند هر یک برای تربیت دینی بچه‌ها نیز به کارگرفته شوند.

خود را بیازمایید

- ۱- منظور از خودمحوری کودکان چیست؟ یک مثال بزنید.
- ۲- انتقال اطلاعات دینی نمی‌تواند برای آموزش مفاهیم دینی کافی باشد؟ چرایی را توضیح دهید.
- ۳- در آموزش ایمان به کودکان چه نکاتی را باید رعایت کرد.
- ۴- تفکر خلاق چگونه با آموزش مفاهیم دینی ارتباط پیدا می‌کند؟
- ۵- در انتخاب داستان برای آموزش مفاهیم دینی باید به چه نکاتی توجه کرد.
- ۶- پنج مورد از نکاتی که مربی باید در آموزش مفاهیم دینی به آن توجه کند را توضیح دهید.

کتاب‌نامه

- ۱- باهنر، ناصر، تعلیم و تربیت دینی همگام با رشد شناختی کودکان، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۸
 - ۲- براون، سالی و هورن، هلن، ۵۰۰۰ نکته، چگونه کیفیت آموزشی را بهبود بخشیم، ترجمه‌ی فرخ‌لقا رئیس‌دانا، انتشارات قدیانی، تهران، ۱۳۷۹
 - ۳- جعفری، محمدتقی، در قلمرو معرفت تعلیم و تربیت اسلامی، به کوشش محمدرضا جوادی، انتشارات پیام آزادی، تهران، ۱۳۷۸
 - ۴- جعفری، محمدتقی، در قلمرو معرفت روان‌شناسی اسلامی، به کوشش محمدرضا جوادی، انتشارات پیام آزادی، تهران، ۱۳۷۸
 - ۵- حسین‌ادیب، علی محمد، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی (ع)، ترجمه‌ی سید محمد رادمش، انتشارات مؤسسه‌ی انجام کتاب، تهران، ۱۳۶۲.
 - ۶- رووف، علی، کارمایه معلمان در گذر از یاددهی به یادگیری، انتشارات مدرسه، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
 - ۷- ریس، فیل و براون، سالی، ۵۰۰۰ نکته، چگونه آموزشگر بهتری باشیم، ترجمه پرویز امینی، انتشارات قدیانی، تهران، ۱۳۷۹
 - ۸- کول، ونیتا، برنامه آموزش و پرورش در دوره‌ی پیش از دبستان، ترجمه‌ی فرخنده مفیدی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۹
 - ۹- نهج البلاغه، ترجمه‌ی سیدجمال‌الدین دین‌پرور، انتشارات بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۰
 - ۱۰- وینکلر، ادوارد و اشتوکی‌نگر، ماگدالن، دنیای کوچک بزرگ من، ترجمه‌ی وجیهه حاکمی، انتشارات فکروز، تهران، ۱۳۷۸
 - ۱۱- یاب، ایریس، کلیدهای آموختن به کودکان درباره‌ی خدا، ترجمه‌ی مسعود حاجی‌زاده، انتشارات صابرن، تهران، ۱۳۷۹
- انگلیسی

12- L'Education des enfants - M. Gangate Issac - Directeur de la Me'dersa Attyaboul - Madâris Saint - Pierre de la Re'union

13- LA PHILISOPHIE POUR ENFANTS: UNE EDUCATION AU BONHAURE ET A DEMOCRATIE - PAR: HELENE SCHIDLOWSKY - DOSSIER INTERNATIONAL: BELGIQUE -

14- LA PHILOSOPHIE A LECOLE

(<http://jupiter.worldonline.fr/philoenfants/philo - ecol.htm>)

نقش و اهمیت شناخت طبیعت در دوران پیش از دبستان



هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، دانش‌آموز باید بتواند:

- با توجه به نظریه‌های دانشمندان تعلیم و تربیت، اهمیت شناخت طبیعت به کودکان را بیان کند.
- نکات مهمی را که والدین و مربیان باید بدانند توضیح دهد.
- مفاهیمی را که در علوم قبل از دبستان می‌توان آموزش داد بیان کند.
- طرح تنظیم یک فضای آموزشی در کلاس کودکان را بکشد و مراکز یادگیری را مشخص سازد.
- فعالیت‌ها و مهارت‌های مورد آموزش به کودکان و زمان آموزش را تنظیم کند.
- برای آموزش زندگی گیاهان و حیوانات، یک درس نمونه، ارائه کند.
- برای هر یک از پدیده‌های آب و هوا و فصول سال، یک درس نمونه، تهیه و ارائه کند.
- برای بحث نور، حرکت و صدا درس‌های نمونه ارائه کند.

ضرورت و اهمیت شناخت طبیعت به کودکان

در چندین دهه‌ی اخیر در سطح جهان، نظریه‌ی یادگیری کودکان از طریق فعالیت و آزمایش، به‌عنوان یک روش اساسی در آموزش آن‌ها شناخته شده است. روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت، از جمله فروبل مونتسوری، و در سال‌های اخیر پیاز و برونر، همگی به این نتیجه رسیده‌اند که کودک از طریق تجربه‌ی مستقیم با جهان اطراف خود همراه با کاربرد حواس مختلف به یادگیری فعالانه می‌پردازد. مطالعات و نظریه‌های این دانشمندان، هم‌چنین نشان می‌دهد که مهارت‌های اصلی و اولیه در شناخت طبیعت و مفاهیم مربوط به علوم، به کودکان اجازه می‌دهد که در یادگیری‌های آینده از آن‌ها استفاده مناسب بنمایند و در مشاهدات خود بتوانند این مهارت‌ها را به جا و مناسب به کار برد.

روسو و بلوم معتقدند که الگوهای یادگیری کودک، سال‌ها پیش از آغاز مدرسه رفتن او شکل می‌گیرد. از این رو، تدارک دیدن فرصت‌های مناسب برای آموزش در سال‌های پیش از دبستان کمک بسیار زیادی در شناخت‌های اولیه کودک می‌نماید و برعکس، نبود یک محیط آموزشی مناسب، موجب زیان‌های جبران‌ناپذیری در این یادگیری می‌شود.

تصور این که کودک در تعامل با محیط و پدیده‌های موجود در آن، همانند دانشمندی کوچک عمل می‌کند، برای خود فرضیه می‌سازد، آزمایش می‌کند و نتیجه‌گیری می‌نماید، ما را بر آن می‌دارد که در آموزش وی، با تخصص و مهارت بیش‌تر گام برداریم. از آن‌جا که کودکان نیاز دارند از محیط‌زیستی و فیزیکی اطراف خود آگاهی یابند، این آگاهی باید با آموزش صحیح و در حد درک آنان همراه باشد زیرا که گاه مربیان یا والدین با ارائه‌ی پاسخ‌های نادرست، کودک را در یادگیری صحیح دچار اشکال و گمراهی می‌کنند. این امر از ایجاد تفکر منطقی و علمی در کودک جلوگیری می‌کند، درحالی که کودک از تفکر منطقی و مولد، مخصوصاً در مورد اشیا و پدیده‌های واقعی، بسیار لذت می‌برد. دوست دارد به تفکر و استدلال و نتیجه‌گیری پردازد و پدیده‌ها را مشاهده کند. برای بیان هر یک از آن‌ها دلایل منطقی بیاورد و این همان کاری است که یک دانشمند به آن می‌پردازد (شکل ۱-۷).



شکل ۱-۷

نکاتی که مربیان و والدین باید بدانند

والدین و مربیانی که با کودکان در سنین پیش از دبستان سروکار دارند باید به این نکته توجه داشته باشند که در این مرحله از رشد، کودکان از جنبه‌های مختلف (رشد جسمی، عاطفی، اجتماعی، هوشی و زبان) سریعاً در حال رشد هستند. براساس مطالعات روان‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت، درصد زیادی از رشد هوشی کودک بین تولد تا ۴ سالگی است، یعنی ۵۰ درصد از رشد هوشی در این سن و حدود سی درصد بین ۸-۴ سالگی شکل می‌گیرد (بلوم ۱۹۶۴، دکتر مفیدی ۱۳۶۸).

با توجه به این یافته‌ها، باید در تنظیم اهداف آموزشی و فراهم ساختن محیط‌های آموزشی دقت لازم را به عمل آوریم و دو

نکته‌ی اساسی را مورد توجه قرار دهیم:

۱- آشنایی با روان‌شناسی کودک و روان‌شناسی تربیتی

۲- شناخت محیط اجتماعی و شرایط خانوادگی و اقتصادی و محل زندگی کودک

فعالیت‌های آموزشی کودکان باید به گونه‌ای تنظیم شود که کودک برای زندگی در اجتماع با دیگران آماده شود. او باید یاد بگیرد که به دیگران احترام بگذارد و با آن‌ها همراه شود و این مسئله نه فقط در ارتباطات فردی منظور می‌شود بلکه در نهایت باید در آموزش‌های بلندمدت نیز رعایت شود. بنابراین، در برنامه‌ریزی‌ها باید نگاه فراتر از محیط دور و برمان باشد. «چگونه سیاره‌ی زمین را پاک نگاه داریم؟».

* آب مایه‌ی حیاتی است

- انسان، گیاه و جانوران برای ادامه‌ی حیات به آب نیاز دارند.
- باید قدر آب را بدانیم، از رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و سواحل دریا حفاظت کنیم.
- آموزش شیوه‌ی درست استفاده از آب و پاک نگاه داشتن آن.

* برای نفس کشیدن نیاز به هوا داریم

- جو یا هوایی که دور کره‌ی زمین را پوشانده است، بی‌وقفه همراه زمین حرکت می‌کند، از خورشید گرما می‌گیرد و بادهای تندبادها را به وجود می‌آورد.
- چگونه با آلودگی‌های هوا مبارزه کنیم. آتش‌سوزی‌های بزرگ جنگل و صنایع و موتورهای که چوب و زغال‌سنگ و نفت می‌سوزانند ابرهایی از دود و غبار بدبو بیرون می‌دهند و هوا را مسموم می‌کنند.
- با استفاده از گازهای طبیعی برق و بنزین بدون سرب، به کمک هوا برویم. پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و قطارهای برقی در شهر بهتر از دیگر وسایل نقلیه‌اند.

* جنگل‌ها بخشی از اکسیژن موردنیاز ما را فراهم می‌سازند

- در سراسر جهان جنگل‌های زیبایی وجود دارد که گنجینه‌ی با ارزشی از هزاران جانور و گیاه است.
- جنگل‌ها حرارت، بادهای و رطوبت زمین را تنظیم می‌کنند. از جنگل‌ها باید محافظت کرد. آتش‌سوزی در جنگل، تخریب جنگل، قطع بی‌رویه‌ی درختان و نابودی جنگل را به دنبال دارد.
- باید از جنگل‌ها محافظت کرد و روز درختکاری را پاس داشت و از مزایای درختان و فواید آن برای کودکان صحبت کرد و کشاورزی را بها داد.

* صرفه‌جویی در مصرف انرژی

- انسان برای به کار انداختن موتورها، گرم کردن خود، پخت و پز و ... باید انرژی تولید کند.
- برای تأمین انرژی یا سوخت از چوب، زغال‌سنگ و نفت استفاده می‌شود و یا آن را از برق و نیروگاه‌های اتمی به دست می‌آورند.
- باید مراقب ذخائر باشیم. باید در مصرف انرژی و استفاده‌ی بهینه از آن صرفه‌جویی کنیم. صرفه‌جویی در مصرف برق، خاموش کردن چراغ‌های اضافی، جلوگیری از هدر رفتن انرژی و آلوده نکردن محیط از نکات اساسی است.

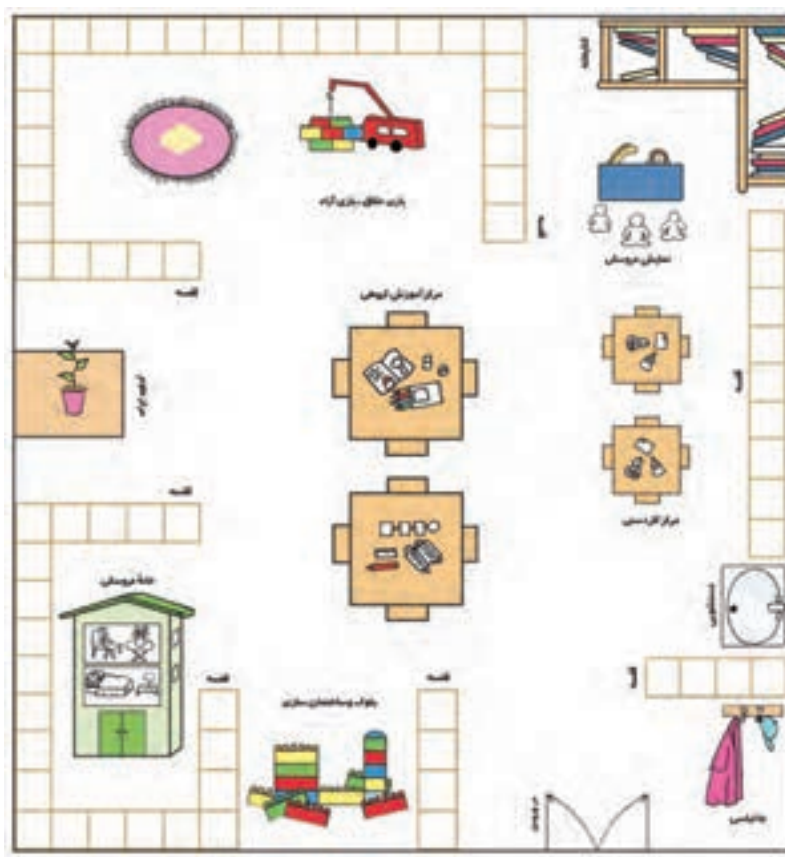
مواد آموزش علوم در پیش‌دبستان

- قبل از این که به چگونگی آموزش علوم پردازیم، بهتر است بدانیم در این گروه سنی چه مباحث و مفاهیمی را در زمینه‌ی علوم می‌توانیم به کودکان بیاموزیم. به طور کلی مفاهیم علوم به سه قسمت تقسیم می‌شوند: موجودات زنده، ماده و انرژی، زمین و کرات دیگر، که خود در مراحل بعد به شاخه‌های دیگر تقسیم خواهد شد. اما اجمالاً عناوین زیر را آموزش می‌دهیم:
- ۱- طبقه‌بندی اشیا (شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌ها)

- ۲- شناخت خصوصیات اشیا (سختی، سفتی، نرمی، زبری و...)
- ۳- شناخت مواد (جامد، مایع و گاز) و تغییرات آن‌ها
- ۴- شناخت بوهای متفاوت
- ۵- شناخت رنگ‌ها، اندازه‌ها و شکل‌ها
- ۶- آشنا شدن با ماشین‌های ساده، حرکت، نور و صدا
- ۷- آشنایی با انسان و پرورش جسم و حواس آن‌ها
- ۸- آشنایی با گیاهان، حیوانات و خصوصیات آن‌ها
- ۹- آشنا شدن با شرایط اقلیمی (آب و هوا و فصل‌ها)

چگونگی تنظیم فضای آموزشی

روش آموزش در مورد کودکان سنین پیش‌دبستان، روش غیرمستقیم و فعال است. بدین معنی که ما مفاهیم را مستقیماً به روش سخنرانی آموزش نمی‌دهیم بلکه فضای کلاس را به گونه‌ای تنظیم می‌کنیم که کودک بتواند آزادانه از فعالیتی به فعالیت دیگر بپردازد. برای نمونه به شکل ۲-۷ توجه کنید. در این تصویر یک کلاس پیش‌دبستان به مراکز مختلف یادگیری تقسیم شده است از جمله این مراکز، مرکز علوم است.



شکل ۲-۷

- اگر کلاس شما آن قدر فضا ندارد که بتوانید این مراکز را در آن ایجاد کنید می‌توانید گوشه‌ای از کلاس را به مرکز علوم اختصاص دهید. برای این منظور یک میز را در گوشه‌ای از کلاس قرار دهید (شکل ۳-۷) و وسایل زیر را روی آن بگذارید.
- سنگ‌های متفاوت با رنگ‌ها و اندازه‌های گوناگون؛
 - تصاویری از حیوانات و گیاهان یا مجسمه‌هایی از حیوانات و انواع گیاهان (خشک شده یا تازه)؛
 - آکواریومی که در آن ماهی یا سایر آبزیان کوچک را می‌توانید نگاه‌داری کنید؛
 - یک قفس کوچک با حیوان یا پرندۀ‌ای که نگاه‌داری آن در مهدکودک امکان‌پذیر است؛
 - وسایل مختلف برای اندازه‌گیری وزن، قد، درجه حرارت هوا؛
 - چرخ‌ها و ماشین‌های ساده در حد توانایی کودکان؛
 - مواد مختلف مانند سنگ، شن، مایعات، چوب و شیشه.



شکل ۳-۷

روش آموزش علوم

هنگامی که ما با کودکان به روش فعال و غیرمستقیم کار می‌کنیم زمان آموزش محدود نیست. معلم به‌طور مستقیم به آموزش نمی‌پردازد بلکه با تدارک فعالیت‌های متفاوت، براساس هدف خاصی که از آموزش یک مفهوم دارد، به‌عنوان یک ناظر و راهنما در جریان فعالیت‌های کودکان، هدف آموزش را دنبال می‌کند؛ در کودک ایجاد نیاز به یادگیری می‌نماید و با اجرای یک فعالیت، خود کودک به درک مفهوم نایل می‌آید. زمان آموزش به نوع فعالیت بستگی دارد.

به‌عنوان مثال، اگر معلم می‌خواهد نحوه‌ی رشد یک گیاه را به کودکان بیاموزد، زمان آموزش طولانی‌تر است و کودک شاید چند روز این آموزش را دنبال کند. بنابراین، کودک از آغاز ورود به کلاس به‌طور غیرمستقیم هر نوع فعالیتی را که اجرا کند بخشی از مطلب مورد آموزش را یاد می‌گیرد.

سرودها، کاردستی، داستان، نمایش، فعالیت‌های بدنی، بازی‌ها و حتی وسایل بازی و آموزشی که در برنامه‌ی آن روز تدارک دیده شده است به‌گونه‌ای وی را به یادگیری مفهوم موردنظر می‌رساند. در این روش، مربی به مدت ۱۵-۱۰ دقیقه به‌طور گروهی درباره‌ی موضوع مورد تدریس با کودکان صحبت می‌کند. سپس فعالیت‌ها را معرفی می‌کند. کودکان در مراکز یادگیری به نقاشی، کاردستی، آزمایش، مشاهده، گوش دادن به آهنگ یا قصه و دیگر فعالیت‌ها مشغول می‌شوند. وقتی کودکان همه‌ی فعالیت‌ها را اجرا کردند (که این خود تقریباً بیش‌تر زمان کلاس را به خود اختصاص می‌دهد)، مربی به‌طور گروهی به جمع‌بندی مطالب، توضیح درباره‌ی فعالیت‌هایی که کودکان اجرا کرده‌اند و پرسش و ارزش‌یابی می‌پردازد.

فعالیت‌ها و مهارت‌ها

برای این که کودکان هم چون محققان و دانشمندان کوچک بتوانند در طبیعت و محیط اطراف خود به جستجو پردازند باید، ضمن اقدام به فعالیت‌های مناسب در کلاس، مهارت‌های زیر را در آن‌ها ایجاد کنیم:

۱- مشاهده

۲- برقراری ارتباط

۳- مقایسه

۴- طبقه‌بندی

۱- مشاهده کردن: هنگامی که کودک با دقت به چیزی نگاه می‌کند آن را مورد مشاهده قرار داده است. برای تقویت مهارت مشاهده می‌توانید از تصاویر گوناگون در کلاس استفاده کنید و بخواهید تا کودکان درباره‌ی آن‌ها حرف بزنند. حتی می‌توانید از خود کودکان در کلاس استفاده کنید به این صورت که از دو کودک بخواهید که روبه‌روی کودکان دیگر بایستند و آن‌ها به دقت به این دو نگاه کنند و درباره‌ی خصوصیات آن‌ها (قد، لباس، چشم و...) صحبت نمایند. هرچه این گفت‌وگو بیش‌تر ادامه یابد کودکان موارد دقیق‌تر و فنی‌تر را مورد مشاهده و بررسی قرار می‌دهند. می‌توانید تصویری مانند تصویر ۴-۷ را به آن‌ها نشان دهید و سؤالات زیر را مطرح نمایید.



شکل ۴-۷

بچه‌ها کجا هستند؟ چه می‌کنند؟ فکر می‌کنید بچه‌ها دوست دارند به چه کاری اقدام کنند؟ نان را چه می‌کنند؟ می‌خورند؟ می‌بویند؟ می‌چشند؟ نان از کجا تهیه می‌شود؟ چه مزه‌ای دارد؟ ترش؟ شور؟ شیرین؟ از آن‌ها بخواهید مزه نان را با مواد دیگری که روی میز است مقایسه کنند. برسید: آیا مزه نان مثل قند است؟ چه بویی دارد؟ از کدام حس برای بویدن نان استفاده کردید؟ می‌توانید کودکان را به پارک ببرید و درباره‌ی انواع برگ‌ها، گل‌ها، شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها در رنگ و اندازه صحبت کنید.

۲- برقراری ارتباط: مهارت برقراری ارتباط را می‌توان از طریق توصیف اشیا، کشیدن شکل، جمع‌آوری و طبقه‌بندی کردن اشیا و صحبت کردن درباره‌ی آن‌ها در کودکان ایجاد کرد. کسب این مهارت، منحصر به فعالیت‌های مربوط به علوم نمی‌شود بلکه در کلیه فعالیت‌ها و تلاش‌های کودکان و در زمان‌ها و موقعیت‌های مناسب، ایجاد این مهارت امکان‌پذیر است. برای مثال هنگامی که کودک با یک اسباب‌بازی فکری مشغول بازی است و دچار مشکل می‌شود از او پرسید اگر از عهده‌ی این کار برنمایی از چه کسی کمک می‌گیری؟ خواهد گفت دوستم یا شما یا پدر و مادر و این مقدمه یک برقراری ارتباط است. یا این که بگوییم به دانه‌هایی

که دوستت طبقه‌بندی کرده است، نگاه کن و درست مانند او دانه‌هایت را طبقه‌بندی کن.



شکل ۷-۵

فعالیت‌هایی را که می‌توانید در این باره با کودکان اجرا کنید می‌تواند شامل نشان دادن یک عکس به کودک باشد. از او بخواهید که درباره‌ی آن عکس با شما حرف بزند یا برای دوستانش آن تصویر را توصیف کند. برقراری یک ارتباط ساده‌ی تلفنی با یک تلفن اسباب‌بازی در کلاس (شکل ۷-۵) و بازی جمله‌سازی یا کامل کردن یک جمله، نمونه‌ای از این فعالیت‌هاست. جمله‌ای را در گوش یک کودک به آرامی بگویید از او بخواهید آن جمله را آهسته در گوش دوستش بگوید. به همین ترتیب این جمله در گوش همه گفته خواهد شد. آخرین نفر آن جمله را بلند بگوید.

۳- مقایسه کردن: کودک ضمن مشاهده‌ی اشیا و پدیده‌های موجود در طبیعت و محیط زندگی، به مقایسه آن‌ها می‌پردازد و خصوصیات هر یک را می‌شناسد و آن‌ها را براساس خصوصیات مشترک یا متفاوت طبقه‌بندی می‌کند. در حقیقت کسب این مهارت مقدمه‌ای است برای ایجاد مهارت طبقه‌بندی کردن فعالیت‌هایی که کودک در مقایسه‌ی اشیا اجرا می‌کند و عبارت‌اند از مشاهده، به‌کار بردن حواس، اندازه‌گیری. در مقایسه کردن، اصطلاحاتی چون گرم، سرد، بلند، کوتاه، سنگین، سبک، کوچک و بزرگ به‌کار برده می‌شود. این کلمات را کودکان زمانی بهتر می‌فهمند که موجودات، پدیده‌ها یا اشیا متعدد و متنوع را مورد مقایسه قرار دهند. مثلاً دو پدیده‌ی برف و باران یا دو حیوان، دو پرند و....



شکل ۷-۶

معمولاً کودکان در سنین قبل از دبستان اشیا را، براساس کاربردشان، طبقه‌بندی می‌کنند اما همزمان با رشد مهارت، مقایسه‌ی خصوصیات دیگر اشیا را مورد توجه قرار خواهند داد.

برای ایجاد مهارت مقایسه، از تصاویر مختلف می‌توانید استفاده کنید. برای مثال تصویر ۷-۶ را به کودکان نشان دهید و بگویید راجع به آن حرف بزنند. سپس پرسید قد کدام یک بلندتر است؟ کدام کوتاه‌تر

است؟ لباس‌هایشان چه تفاوتی با هم دارد؟ راجع به رنگ لباس، رنگ مو صحبت کنند و آن‌ها را با هم مقایسه نمایند.

۴- طبقه‌بندی کردن: طبقه‌بندی عبارت از این است که اشیا را براساس خصوصیات که در آن‌ها آشکارتر است به گروه‌هایی تقسیم کنیم و هر کدام را با صفات خاص خود در گروهی قرار دهیم. اگر تعدادی اشکال هندسی (دایره، مثلث، مربع) را در اندازه‌ها، رنگ‌ها و ضخامت‌های متفاوت در اختیار کودک قرار دهیم و از او بخواهیم که آن‌ها را طبقه‌بندی کند، در اولین مرحله، همه شکل‌هایی را که یک جور هستند، صرف‌نظر از رنگ و ضخامت و اندازه، در یک گروه قرار می‌دهد. مثلاً همه‌ی دایره‌ها را در یک



شکل ۷-۷

گروه، و چهار گوش‌ها را نیز در یک گروه قرار می‌دهد. در این مرحله، شکل برای وی مطرح بوده است اما به تدریج که طبقه‌بندی‌ها را تکرار می‌کند به خصوصیات دیگر نیز توجه خواهد کرد.

برای تقویت این مهارت می‌توانید از کارت‌های تصویری گوناگون استفاده کنید. یک دسته کارت را که شامل تصاویری از انواع پرنده‌هاست روی میز بچینید. از دو پایه کودک بخواهید تصاویر را براساس خصوصیات هر یک، مثلاً اندازه‌ی پاها و نَک آن‌ها یا بزرگی و کوچکی و رنگ پرها طبقه‌بندی کنند. سپس درباره‌ی هر یک از طبقات پرندگان صحبت کنند. می‌توانید شکل ۷-۷ را به آن‌ها نشان دهید و بگویید در مورد انواع کفش‌ها و چگونگی استفاده از آن‌ها صحبت کنند و آن‌ها را طبقه‌بندی نمایند.

خود را بیازمایید

- ۱- نظر روسو و بلوم در مورد یادگیری کودکان در سال‌های پیش از دبستان چیست و چه عقیده‌ای در مورد روش آموزش آن‌ها دارند؟
- ۲- نکات اساسی‌ای را که، در تنظیم اهداف آموزشی برای کودکان پیش‌دبستانی، باید مورد توجه قرار داد نام ببرید.
- ۳- روش آموزش کودکان قبل از دبستان چه نوع روشی است؟ و چرا از این روش استفاده می‌کنیم؟
- ۴- مهارت‌های اساسی‌ای را که در کودکان باید ایجاد شود، نام ببرید.
- ۵- مهارت برقراری ارتباط را چگونه می‌توان در کودکان ایجاد کرد؟
- ۶- مقصود از ایجاد مهارت طبقه‌بندی کردن در کودکان چیست؟ مثالی بزنید.
- ۷- کودک، هنگام اجرای فعالیت‌هایی برای به‌دست آوردن مهارت مقایسه کردن، به ترتیب باید به چه کارهایی بپردازد؟
- ۸- یک فعالیت برای ایجاد مهارت طبقه‌بندی کردن در کودکان نام ببرید و آن را شرح دهید.

دانش‌آموزان عزیز

در این قسمت با فعالیت‌های عملی مربوط به آموزش مفاهیم علوم به کودکان آشنا می‌شوید. با توجه به نمونه‌های ارائه شده در این قسمت و آنچه که در فصل‌های مربوط به بازی، نقاشی و زبان‌آموزی آموخته‌اید، شما نیز فعالیت‌هایی را طراحی کنید.

آشنایی با زندگی حیوانات

کودکان از مشاهده حیوانات و گوش کردن داستان‌هایی که مربوط به حیوانات است لذت می‌برند. مخصوصاً داستان‌هایی که در آن‌ها به حیوانات نقش‌هایی هم داده می‌شود. برای آشنا ساختن آنان با نحوه‌ی زندگی حیوانات می‌توانید در مرکزی که برای علوم در کلاس در نظر گرفته‌اید تصاویری متعدد از حیوانات (یا همان‌طور که قبلاً گفته شد حیواناتی را که می‌توانید در کلاس نگهداری کنید) قرار دهید و کودکان در مواظبت کردن از آن‌ها (غذا دادن، تمیز کردن قفس و...) با شما همکاری کنند. می‌توانید تصاویری مثل تصویر ۸-۷ را روی مقوای بزرگ بکشید و اسم آن را بگذارید «خانه‌ی حیوانات» و درباره‌ی محل زندگی هر حیوان برای کودکان صحبت کنید یا از آن‌ها بخواهید محل زندگی هر حیوان را نام ببرند.



شکل ۸-۷

– تصاویری از حیوانات مختلف را از مجلات و روزنامه‌ها ببرید و روی میز بگذارید، سپس از کودکان بخواهید راجع به هر کدام صحبت کنند. آن‌ها را به سه دسته‌ی اهلی، حیوانات مزرعه و حیواناتی که در دریا زندگی می‌کنند، طبقه‌بندی کنند.

مباحثی که می‌توانید در آموزش حیوانات مورد توجه قرار دهید عبارت‌اند از:

- الف – انواع حیوانات؛
- ب – پوشش بدن حیوانات؛
- ج – چگونگی تولیدمثل؛
- د – حیوانات به چه چیزهایی نیاز دارند؛
- هـ – حیوانات چه چیزهایی می‌خورند؛
- و – چگونه از خود دفاع می‌کنند؛
- ز – حیوانات چگونه لانه می‌سازند؛
- ح – چگونه خطر را احساس می‌کنند.

مطالعه‌ی آزاد

دانشمندان حیوانات را براساس خصوصیات ظاهری آنان به دو گروه مهره‌داران و بی‌مهرگان تقسیم می‌کنند. مهره‌داران براساس پوشش بدنشان به دسته‌های زیر تقسیم می‌شوند:

- ۱- پستانداران که بدنشان از مو پوشیده شده است.
- ۲- ماهیان و خزندگان که پولک دارند.
- ۳- پرندگان که بدنشان از پر پوشیده است.
- ۴- دوزیستان که دارای پوستی نرم و خیس‌اند.

بی‌مهرگان حیواناتی هستند که استخوان‌بندی ندارند و شامل کرم‌ها، عنکبوت‌ها، حشرات و نرم‌تنان‌اند.

برای آشنایی شما دو نمونه ارائه می‌گردد.

نمونه‌ی اول: انواع حیوانات و پوشش بدن آن‌ها

هدف‌های رفتاری: در پایان این مبحث، کودکان باید بتوانند:

- ۱- بعضی از گروه‌های حیوانات را نام ببرند.
- ۲- حیوانات را براساس پوشش بدنشان طبقه‌بندی کنند.
- ۳- بگویند حیوانات چگونه حرکت می‌کنند.
- ۴- درباره‌ی محل زندگی حیوانات صحبت کنند.

لغات و کلمات: پشم، پولک، پر، پوست، پرواز، خزیدن، دریا، جنگل، آب و خشکی

وسایل مورد نیاز: پشم یا موی حیوان، پر، ماهی، عکس‌هایی از حیوانات (پستانداران، پرندگان، ماهی، خزندگان و دوزیستان) مراحل آموزش:

۱- تصاویری از حیوانات به کلاس بیاورید و از کودکان بخواهید درباره‌ی آن‌ها حرف بزنند و از تجربیاتی که با هر یک از حیوانات داشته‌اند بگویند. سپس بپرسید آیا پوشش بدن مرغابی مثل بدن مرغ یا کبوتر است؟ بله. آیا بدن سگ هم مثل مرغابی از پر پوشیده شده؟ خیر.

۲- یک ماهی بی‌جان را تمیز بشوید و به کلاس بیاورید. به کودک بگویید دست خود را یک‌بار از طرف سر به طرف دم روی ماهی بکشد و یک‌بار برعکس این کار را عمل کند و تفاوت را بگوید. عکس‌هایی از سوسمار و مارماهی به آن‌ها نشان دهید و بگویید بدن آن‌ها هم از پولک پوشیده شده است.

۳- تصویری از یک قورباغه و وزغ به آن‌ها نشان دهید. (در صورت امکان خود حیوان را به کلاس بیاورید.) بگویید پوست این حیوانات نرم و خیس است. اجازه دهید کودکان از تجربیات خود درباره‌ی این حیوانات حرف بزنند. سپس عکس‌های حیوانات را براساس پوشش بدنشان طبقه‌بندی کنند.

۴- تصویر ۷-۹ را با اندازه‌ی بزرگ‌تر در اختیار هر کودک قرار دهید تا کودکان تصویر حیوانات را ببرند و براساس پوشش بدن، آن‌ها را در محل‌های مشخص شده بچسبانند. پس از اتمام کار، هر یک از آن‌ها در مورد حیوان خاص، نحوه‌ی حرکت، محل زندگی و پوشش بدن آن‌ها صحبت کنند.



شکل ۹-۷

- ۵- بازی «من چه حیوانی هستم» را اجرا کنند. به این ترتیب که کودک حرکت یک حیوان را به شکل پانتومیم روبه‌روی دوستانش انجام می‌دهد. آن‌ها باید بگویند چه حیوانی است.
- ۶- تصاویر متعدد حیوانات را براساس محل زندگی آنان طبقه‌بندی کنند.
- ۷- به هر کودک تصویر یک حیوان را بدهید. هر کدام به نوبت درباره‌ی آن به‌طور کامل حرف بزنند (پوشش بدن، حرکت و محل زندگی).

نمونه‌ی دوم: حیوانات برای زندگی به چه چیزهایی نیاز دارند؟

هدف‌های رفتاری: در پایان این مبحث، کودکان باید بتوانند:

- ۱- آن‌چه را که حیوانات برای زندگی نیاز دارند مشخص سازند.
 - ۲- راه‌های مختلفی را که انسان‌ها از حیوانات مواظبت می‌کنند توصیف کنند.
 - ۳- حیواناتی را که می‌توانیم در خانه نگاه داریم از حیواناتی که نمی‌توانیم نگاه داریم جدا کنند.
- لغات و کلمات: اهلی، رام، وحشی، هوا، آب، غذا و پناهگاه

وسایل مورد نیاز: چند حیوان اهلی زنده، حیوانات پارچه‌ای (اسباب‌بازی) تصاویری از حیوانات اهلی و وحشی (شیر، گربه، پلنگ، ماهی و...)

مراحل آموزش: حیوانات مصرف‌کنندگان غذا هستند. آن‌ها علاوه بر جست‌وجو برای غذا به آب و اکسیژن نیز نیاز دارند. کودکان با مواظبت کردن از یک حیوان در کلاس یا در خانه نیازهای آن را می‌شناسند. برای آموزش این درس شما می‌توانید:

۱- یک حیوان زنده (گربه، خرگوش، پرنده...) و یک شکل اسباب‌بازی آن را روی میز جلو بچه‌ها بگذارید. بپرسید کدام زنده است؟ کدام زنده نیست؟ چه چیز باعث می‌شود که حیوان، زنده باشد؟ غذا، آب، هوا. بگویید حیوانات به‌جای مناسب برای زندگی هم احتیاج دارند. مثلاً ماهی توی آب زنده می‌ماند اگر از آب بیرون باشد می‌میرد. بپرسید ما برای زنده ماندن به چه چیز احتیاج داریم؟ آب، هوا، غذا، محل زندگی مناسب.

۲- تصویری از یک گربه و شیر به بچه‌ها نشان دهید بگویید کدام یک را می‌توانیم در خانه نگاه داریم؟ گربه. چرا؟ سپس بگویید «گربه حیوان اهلی است» بچه‌ها تکرار کنند و «شیر حیوان وحشی است». بچه‌ها تکرار کنند. بپرسید می‌توانیم شیر را در خانه نگاه داریم؟ خیر. چرا؟

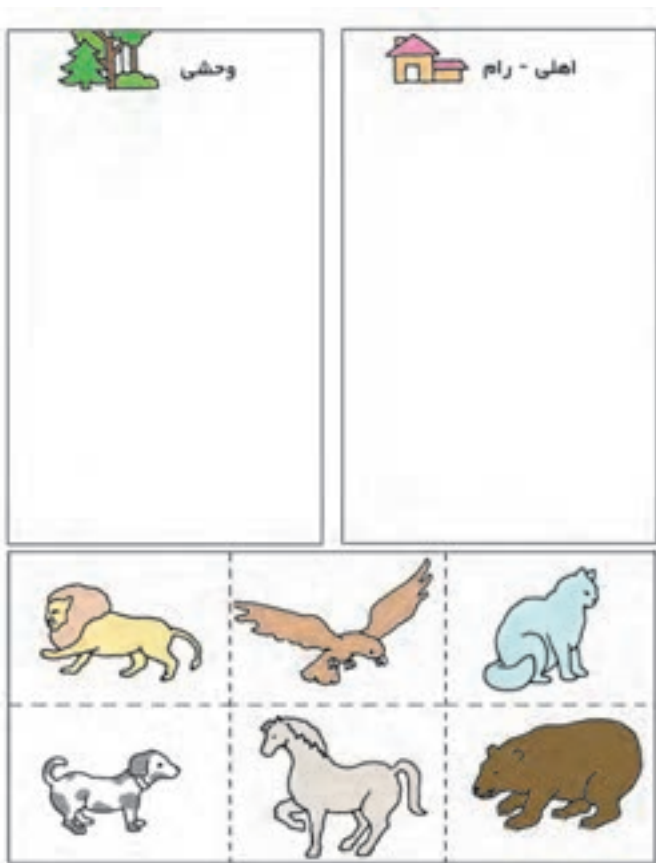
۳- کودکان تصاویری از حیوانات مختلف را از مجلات و روزنامه‌ها ببرند. آن‌ها را در یک دفترچه بچسبانند. بدین ترتیب کتابی درست کرده‌اند. هر کودک درباره‌ی تصویری که در آن چسبانده است حرف بزند.

۴- به کودکان بگویید در مدرسه یا در خانه برای پرندگان لانه بسازند. مخصوصاً در زمستان، که پرندگان به اندازه‌ی کافی غذا پیدا نمی‌کنند، در آن لانه برایشان غذا بگذارید.

تصویر ۱۰-۷ را روی کاغذهای بزرگتر بکشید و به تعداد افراد تکثیر کنید. هر کودک حیوانات زیر آن را برد و برحسب اهلی و رام یا وحشی بودن، در محل خاص خود بچسبانند.

● فعالیت

مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی را که برای این مفهوم مناسب می‌دانید، در قالب یک طرح آموزشی تهیه و تنظیم کنید.



شکل ۱۰-۷

آشنایی با گیاهان

مطالعه‌ی آزاد

یکی دیگر از موجودات زنده و قابل دسترس در محیط، گیاهان‌اند، که لازم است کودکان با آن‌ها آشنا شوند. هر گیاه از سه قسمت ریشه، ساقه و برگ تشکیل شده است. بعضی گیاهان نیز دارای گل و میوه‌اند. در برگ درختان و گیاهان ماده‌ای به نام کلروفیل وجود دارد که این ماده با عمل فتوسنتز، انرژی خورشید را به غذا تبدیل می‌کند. در جریان عمل فتوسنتز، آب و اکسیژن دو کربن به ماده‌ی غذایی مورد نیاز گیاه تبدیل می‌شود. گیاه، اکسیژن دو کربن را از طریق روزنه‌های کوچک، که در برگ وجود دارد، از هوا می‌گیرد. آب به وسیله ریشه به گیاه می‌رسد. هر گیاه برای رشد به آب، هوا، نور، مواد معدنی و دمای مناسب نیاز دارد. دوران رشد یک گیاه از دانه شروع می‌شود و به میوه‌دهی پایان می‌یابد. هر دانه از گیاهک، اندوخته‌ی غذایی و پوششی که روی آن را گرفته، تشکیل شده است. برای آموزش و معرفی گیاهان می‌توانید، با معرفی انواع دانه‌ها و انتخاب دانه‌های مناسب، رشد یک گیاه را در کلاس خود تجربه کنید. برای این که در جریان کاشت دانه و رشد یک گیاه در کلاس خود دچار اشکال نشوید به نکات زیر توجه کنید:

- ۱- دانه را برای مدت طولانی در آب خیس نکنید، زیرا می‌پوسد.
- ۲- خاک را کمی مرطوب نگه دارید و به گیاه زیاد آب ندهید.
- ۳- دانه را تقریباً $\frac{2}{5}$ سانتی‌متر نه‌بیش‌تر زیر خاک بکارید و خاکی را که روی دانه قرار گرفته است زیاد فشار ندهید.
- ۴- آب و گرما و نور مناسب برای رشد گیاه فراهم سازید.

برای آشنایی شما دو نمونه ارائه می‌گردد.

نمونه‌ی اول: گیاهان به چه چیزهایی نیاز دارند؟

هدف‌های رفتاری: در پایان این مبحث، کودکان باید بتوانند:

- ۱- سه چیز اصلی را که گیاهان برای زنده ماندن نیاز دارند، نام ببرند.
 - ۲- بگویند اگر به گیاه، نور خورشید، هوا و آب نرسد چه می‌شود؟
- لغات و کلمات: نور خورشید، هوا، آب و گیاه

وسایل مورد نیاز: کارتن‌های خالی شیر، خاک، ساقه‌های کوچک گیاه، کیسه‌ی پلاستیکی، قوطی خالی آب، یک گیاه سبز و سالم، یک گیاه پژمرده و ناسالم.

مراحل آموزش: دو گیاه، یکی سبز و سالم و دیگری پژمرده، به کودکان نشان دهید و بخواهید که درباره آن‌ها حرف بزنند.

بپرسید چرا این گیاه سالم است و دیگری پژمرده؟ سپس برای اثبات و تأیید پاسخ‌های آن‌ها، آزمایش‌های زیر را اجرا کنید:

- ۱- کودکان را به دو گروه تقسیم کنید. به هر گروه دو گیاه کوچک را، که تازه شروع به رشد کرده‌اند بدهید. گیاه لوییا برای این کار مناسب است چون سریع رشد می‌کند. به هر دو گیاه آب بدهید. آن‌ها را نزدیک پنجره، که نور آفتاب از آن به روی گیاه



شکل ۱۱-۷

می‌تابد، قرار دهید. بگویید روی یکی از گیاهان را با یک قوطی بپوشانند. بپرسید چه چیز به این گیاه نمی‌رسد؟ می‌گویند نور.

گلدان‌ها را با علامت‌های × و + مشخص سازید. گلدانی را که نور دریافت می‌کند با + و گلدانی را که نور به آن نمی‌رسد با × مشخص کنید. بگویید بچه‌ها درباره‌ی این گیاه‌ها پیش‌بینی‌هایی بکنند و پس از چند روز، نتیجه‌ی پیش‌بینی را مشاهده کنند.

۲- برای آزمایش دوم، کودکان دو گیاه دارند که به یکی آب می‌دهند و به دیگری آب نمی‌دهند. این‌ها را هم علامت‌گذاری کنند و نتیجه‌ی پیش‌بینی‌های خود را پس از چند روز ببینند.

۳- در آزمایش سوم از کودکان بخواهید به هر دو گیاه آب بدهند اما یکی از آن‌ها را در کیسه‌ای پلاستیکی بدون هوا بگذارند و در آن را محکم ببندند. پس از چند روز باز هم نتیجه‌ی پیش‌بینی‌های خود را درباره‌ی دو گیاه مشاهده کنند. برای اجرای این آزمایش‌ها شما باید چندین روز وقت صرف کنید و منتظر باشید (شکل ۱۱-۷).

مطالعه‌ی آزاد

رشد یک گیاه از دانه شروع می‌شود. بعضی از دانه‌ها درون میوه قرار دارند. اندوخته‌ی غذایی که در درون دانه قرار دارد هنگامی که شرایط مناسب برای رشد آن فراهم شود صرف‌رشد گیاه می‌شود. این اندوخته، تا زمانی که دانه به یک گیاه کامل دارای برگ تبدیل شود برای گیاه ماده‌ای مؤثر است. پس از آن گیاه، از طریق ریشه و برگ‌ها، مواد غذایی مورد نیاز را از نور خورشید و مواد معدنی موجود در خاک می‌گیرد.

نمونه‌ی دوم: گیاهان چگونه رشد می‌کنند.

هدف‌های رفتاری: در پایان این مبحث، کودکان باید بتوانند:

- ۱- بگویند دانه چگونه تبدیل به گیاه می‌شود؟
 - ۲- دانه‌ها را به گروه‌های مختلف طبقه‌بندی کنند.
 - ۳- گیاهانی را، که از طریق کاشت دانه رشد می‌کنند، نام ببرند.
- لغات و کلمات: دانه، رشد، ریشه، ساقه و برگ

وسایل مورد نیاز: انواع تخمه آفتاب‌گردان، کود، هندوانه، دانه‌های ذرت، باقلا، لوبیا، لیوان کاغذی یا پلاستیکی، خاک، قاشق چای‌خوری، یک عدد سیب، پرتقال، گریپ‌فروت، خیار، گوجه‌فرنگی، فلفل سبز، قاشق کوچک پلاستیکی و ذره‌بین‌های کوچک.

مراحل آموزش:

۱- کودکان را به گروه‌های کوچک تقسیم کنید و کمی از انواع دانه‌هایی را که ذکر کردیم به هر گروه بدهید و بخواهید آن‌ها را از یکدیگر جدا کنند و به این نکته توجه کنند که همه دانه‌های یک گیاه شبیه هم‌اند.

۲- میوه‌هایی را که نام بردیم از وسط ببرید و به کودکان نشان دهید و بگویید دانه‌های آن‌ها را با قاشق کوچک بیرون بیاورند و بگویند شکل آن‌ها چگونه است و چه میوه‌ای از آن‌ها به دست می‌آید. همین کار را در مورد گوجه‌فرنگی، خیار و فلفل تکرار کنید.

۳- به هر کودک یک لیوان یک‌بار مصرف، کمی خاک گلدان و یک قاشق و چند دانه‌ی لوبیا بدهید. از آن‌ها بخواهید کمی خاک توی لیوان بریزند و دانه را روی آن قرار دهند. سپس کمی خاک روی دانه بریزند و آن را آب دهند. بعد از چند روز شاهد رشد گیاه باشند.

۴- تصویر ۱۲-۷ را در اختیار آنان قرار دهید بگویید تصاویر را ببرند و، به ترتیب مراحل رشد گیاه، آن‌ها را روی یک کاغذ بچسبانند.

۵- تصاویری از سبزیجات و میوه‌جات را به کودکان بدهید. دانه‌های آن‌ها را هم به آن‌ها نشان دهید و بگویید هر دانه را روی تصویر خاص آن بچسبانند.

● فعالیت

یک مجموعه از فعالیت‌هایی را که برای این مفهوم مناسب می‌دانید در قالب یک طرح آموزشی تهیه و تنظیم کنید.

شرایط اقلیمی آب و هوا

مطالعه‌ی آزاد

کلمه «هوا» در زبان ما به دو معنی به کار گرفته می‌شود: اول، از گازهای سازنده‌ی اتمسفر، دوم، تغییرات اوضاع جوی هر محل را. در بحث از هوا بیش‌تر شرایط یا اوضاع جوی در یک مکان معین و یک زمان خاص، مورد نظر است. اوضاع جوی به وسیله‌ی هوای متحرک ایجاد می‌شود که آن را «باد» می‌گویند. بادها دربردارنده‌ی

بخار آب‌هایی هستند که ابر و برف و باران را می‌سازند و نیز کار دیگر بادها جابه‌جایی گرمای خورشید در پیرامون زمین است.

زمین ما به وسیله‌ی لایه‌ی ضخیمی از هوا، که آتمسفر (جو) نام دارد، احاطه شده است. اگر اتمسفر وجود نداشت دما در طول روز داغ و سوزاننده و در شب سرد منجمد کننده می‌شد. اتمسفر از لایه‌های مختلف تشکیل شده است. نزدیک‌ترین لایه به زمین «تروپوسفر» نامیده می‌شود. ما در تروپوسفر زندگی می‌کنیم و در همین لایه است که اوضاع جوئی تغییر می‌کند. لایه‌ی تروپوسفر از استوا تا ۱۵ کیلومتری سطح زمین ادامه دارد. از بالای تروپوسفر تا ۵۰ کیلومتری سطح زمین، لایه‌ی دیگری قرار دارد که «استراتوسفر» یا «لایه اُزن» نامیده می‌شود. اُزن شکل خاصی از اکسیژن است.

لایه ازن از آن جهت دارای اهمیت است که با جذب مقداری از پرتوهای اشعه‌ی ماورای بنفش خورشید، سلامت ما، را حفظ می‌کند. این پرتو بخشی از نور خورشید است که آفتاب سوختگی را به وجود می‌آورد. آب و هوا: تغییرات اوضاع جوئی یک منطقه را آب و هوای آن منطقه یا اقلیم می‌گویند. آب و هوای هر منطقه به میزان دوری از استوا و چگونگی تابش پرتوهای خورشید (زاویه‌ی تابش) آن‌ها بستگی دارد. پرتوهای خورشید همواره موازی باهم حرکت می‌کنند. در استوا این پرتوها عمودند اما در قطب‌ها، زاویه‌ی تابش پرتوهای خورشید بسیار کوچک‌تر از زاویه‌ی تابش آن‌ها در استواست. در این مناطق خورشید همواره پایین و در افق قرار دارد و چون سطح کره زمین دارای انحناست پرتوهای خورشید در قطب‌ها بر روی سطح وسیع‌تری گسترده می‌شوند و در آن‌جا دمای هوا بسیار پایین‌تر از دما در استواست.

البته آب و هوای یک منطقه فقط به میزان نزدیکی به خط استوا بستگی ندارد بلکه وجود دریاها نیز از علل اصلی تفاوت آب و هوا در مناطق مختلف است. ارتفاع از سطح دریا و میزان بارندگی نیز از عوامل مؤثر در تغییرات آب و هوای مناطق مختلف‌اند.

انسان به واسطه اختراعات و اکتشافات خود توانسته است بر شرایط اقلیمی فائق آید و با ساختن وسایل گرم‌ساز و سرمازا خود را با آن شرایط وفق دهد. شرایط آب و هوایی گوناگون، فرهنگ‌های مختلف و روش‌های مختلف زندگی را در بین انسان‌ها ایجاد کرده است.

در آموزش آب و هوا به کودکان می‌توان دو موضوع «درجه‌ی حرارت هوا» و «تغییرات هوا» را تدریس کرد. درجه‌ی حرارت هوا را با دماسنج اندازه می‌گیرند. دماسنج‌ها معمولاً دو نوع درجه‌بندی دارند:

- ۱- سانتی‌گراد
- ۲- فارنهایت.

در اندازه‌گیری با فارنهایت، نقطه‌ی انجماد یا یخ‌زدگی ۳۲ و نقطه جوش ۲۱۲ است. در اندازه‌گیری با سانتی‌گراد، نقطه‌ی انجماد صفر و نقطه‌ی جوش ۱۰۰ است. برای آشنایی شما دو نمونه ارائه می‌گردد.

پایان مطالعه‌ی آزاد

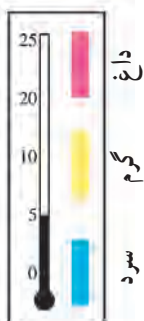
نمونه‌ی اول: درجه‌ی حرارت هوا

هدف‌های رفتاری: در پایان این مبحث کودکان باید بتوانند:

۱- جهت حرکت مایع داخل دماسنج را، هنگامی که گرم یا سرد می‌شود، مشخص سازند.

۲- درجه‌ی حرارت نسبی را از کدهای رنگی، که روی دماسنج است، مشخص سازند.
لغات و کلمات: درجه‌ی حرارت، دماسنج، هوا، گرم، داغ، سرد
وسایل مورد نیاز: دماسنج برای اندازه‌گیری دمای هوا، سه ظرف فلزی، مداد رنگی قرمز، زرد، آبی و آب.
مراحل آموزش:

۱- تصویری از یک روز برفی را به کودکان نشان دهید و بگویید درباره‌ی آن حرف بزنند. بگویید از کجا می‌فهمید که هوای این محل خیلی سرد است؟ برف یا یخ؟ سپس بگویید اگر از یک دماسنج استفاده کنیم دقیقاً متوجه خواهیم شد که هوا چگونه است. دماسنج را به آن‌ها نشان دهید و بپرسید آیا در منزل چنین وسیله‌ای دارند یا خیر؟ آیا با این، فرق می‌کند؟



شکل ۱۳-۷

۲- یک دماسنج ساده با رنگ‌های آبی، زرد و قرمز درست کنید. به این ترتیب که کنار دماسنج را از انتها تا دمای ۵ درجه آبی بین ۲۴-۵ را زرد و بین ۲۴ تا بالای دماسنج را قرمز کنید (مانند شکل ۱۳-۷) و کلمات سرد، گرم و داغ را روی رنگ‌ها بنویسید.

۳- سه ظرف را که در آن‌ها آب داغ، ولرم و سرد ریخته‌اید روی میز بگذارید و دماسنجی را که درست کرده‌اید، در ظرف آب داغ بگذارید سپس همزمان به کودک بگویید آن را با دست خود لمس کنید و بگویید چگونه است؟ سرد، داغ، ملایم و بعد به دماسنج و قسمت رنگی آن نگاه کند و بگوید حرارت آب چه قدر است؟

۴- کودکان را به خارج از کلاس ببرید و بگویید با دماسنج‌هایی که دارند درجه حرارت نقاط مختلف حیاط را اندازه بگیرند (در آفتاب، در سایه، زیر درخت، روی آسفالت) سپس به کلاس برگردند و درجه‌ی حرارت نقاط مختلف کلاس را پیش‌بینی و اندازه‌گیری کنند. دماسنج‌ها باید با رنگ زرد و قرمز و آبی مشخص شده باشند.

مطالعه‌ی آزاد

هوا عبارت است از شرایط جوّی مکانی خاص در ساعت معینی از روز یا شب. دمای هوا، باد، وضعیت آسمان و مقدار رطوبت موجود در هوا وضعیت هوا را مشخص می‌کند. دانشمندان برای این که بتوانند نمونه‌هایی از وضعیت هوا را داشته باشند از تغییرات هوا یادداشت‌هایی بر می‌دارند. این کار، آن‌ها را قادر می‌سازد که وضعیت هوای نقاط مختلف را پیش‌بینی کنند. اگرچه کودکان نمی‌توانند هوا یا دمای هوا را ببینند اما آثار آن را در محیط اطراف خود می‌بینند.

نمونه‌ی دوم: تغییرات هوا

هدف‌های رفتاری: در پایان این مبحث، کودکان باید بتوانند:

- ۱- وضعیت هوا را در یک روز توصیف کند.
- ۲- کلماتی را که برای توصیف هوا به کار می‌بریم (مانند سرد، گرم، بارانی، ابری...) به کار ببرد.
- ۳- با استفاده از تصاویر، وضعیت هوا را نشان دهد.
- ۴- وضعیت هوای یک روز را با روز دیگر مقایسه کند.

لغات و کلمات: دما، هوا، گرم‌تر، سردتر، ملایم، ابری، بادی، برفی، بارانی، خشک.

وسایل مورد نیاز: دماسنجی که با سه رنگ علامت‌گذاری شده است. نقاشی‌هایی از انواع هوا، کاغذ نقاشی، منگنه برای دوخت کاغذها، مدادشمعی و پرچم مدرسه (نصب شده روی چوب پرچم).

مراحل آموزش:

۱- کودکان را به بیرون از کلاس ببرید و دماسنجی را، که با مداد رنگی علامت‌گذاری کرده‌اید، با خود ببرید. سپس بگویید کودکان به درجه‌ی دماسنج نگاه کنند و بگویند هوا سرد، گرم یا ملایم است. برای مشاهده‌ی باد به پرچم مدرسه نگاه کنند. اگر حرکت می‌کند پرسید چه چیزی آن را به حرکت درآورده است؟ باد. در مورد سرعت باد، حرکت برگ‌های درختان، پرچم و اشیایی که در محیط موجود است صحبت کنید.

برای مشاهده‌ی آسمان بگویید مستقیماً به خورشید نگاه نکنند چون برای چشمشان ضرر دارد اما ببینید آیا در آسمان ابر می‌بینند یا نه؟ چه مقدار؟ کم یا زیاد؟ در مورد باران صحبت کنید پرسید آیا امروز باران می‌بارد یا نه؟ چرا؟

۲- روی یک مقوا علایمی را برای نشان دادن انواع هوا بکشید (تصویر ۱۴-۷) و آن‌ها را به ترتیب نام‌گذاری کنید و به دیوار کلاس بچسبانید. آن‌گاه کودکان نوع هوای هر روز را بگویند و عقربه‌ی وسط را که متحرک است به سمت آن هوا بچرخانند.



شکل ۱۴-۷



شکل ۱۵-۷

۳- به هر کودک چند برگ کاغذ سفید $A4$ (۴) بدهید تا با استفاده از ماشین دوخت دفترچه‌هایی درست کنند و به هم منگنه نمایند و هر روز وضعیت خاص هوا را در دفتر خود نقاشی کنند. سپس درباره‌ی آن حرف بزنند و بگویند در چه شرایط هوایی از چه لباسی استفاده کنیم؟ چه غذایی بخوریم؟ و به چه کاری عمل کنیم؟

۴- تصویر ۱۵-۷ را روی کاغذ بزرگ‌تر بکشید و در اختیار کودکان قرار دهید تا بگویند هوای تصویر وسط آن چگونه است؟ سپس به علایم هوا نگاه کنید و زیر علامت خاص آن روز \times بزنند. تصویر را رنگ کنند.

- یک مجموعه از فعالیت‌هایی را که برای این مفهوم مناسب می‌دانید در قالب طرح آموزشی تهیه و تنظیم کنید.
- سه سؤال را، که ممکن است کودکان از شما بپرسند، طرح کنید و برای جواب دادن به آن‌ها فعالیت‌هایی را پیش‌نهاد کنید.

فصل‌ها

مطالعه‌ی آزاد

وضع هوای مناطق مختلف جهان در طول سال یکسان نیست. علت تغییر فصل‌ها آن است که زمین در فضا به حالت مایل قرار گرفته، یعنی محور فرضی آن نسبت به سطح گردش به دور خورشید مایل است و این تمایل، در طول سال تغییر نمی‌کند. زمین، در همین مدار، سالی یک بار به دور خورشید می‌گردد. به این ترتیب در یک سمت مدار قطب شمال رو به خورشید قرار می‌گیرد و شش ماه بعد وقتی که زمین به سمت دیگر مدار می‌رسد قطب شمال از خورشید دور می‌شود و این وضعیت تفاوت بین فصل‌های زمستان و تابستان را ایجاد می‌کند.

هر دو قطب زمین فقط دارای دو فصل‌اند: ۶ ماه تابستان و ۶ ماه زمستان. در منطقه‌ی استوایی، یعنی نزدیک به خط استوا، خورشید عمود به زمین می‌تابد، در نتیجه تفاوت زیادی در وضع آب و هوا ایجاد نمی‌کند و عملاً در این منطقه فقط یک فصل وجود دارد و آن تابستان است اما در فاصله‌ی قطب‌ها و خط استوا، انتقال از زمستان به تابستان و از تابستان به زمستان تدریجاً صورت می‌گیرد و در این فاصله بهار و پاییز به وجود می‌آید.

درجه‌ی حرارت هوا بستگی به کوتاه بودن یا طولانی بودن روز دارد. هرچه زمان تابش خورشید به نقطه‌ای از زمین بیشتر باشد گرمای آن محل بیشتر است. به همین جهت است که در تابستان چون روزها بلندتر است هوا گرم‌تر و در زمستان برعکس است.

برای آشنایی شما نمونه زیر ارائه می‌گردد.

هدف‌های رفتاری: پس از آموزش این مبحث، کودکان باید بتوانند:

- ۱- با نگاه کردن به تصویر فصل‌ها نام آن‌ها را بگویند.
- ۲- تفاوت هوا را در نقاط مختلف و فصول مختلف بگویند و آن‌ها را مقایسه کنند.
- ۳- فصل‌ها را به ترتیب نام ببرند.

لغات و کلمات: بهار، تابستان، پاییز، زمستان، فصل

وسایل مورد نیاز: تصاویری از فصل، یک مقوای بزرگ، بیلچه‌ی باغبانی
مراحل آموزش:

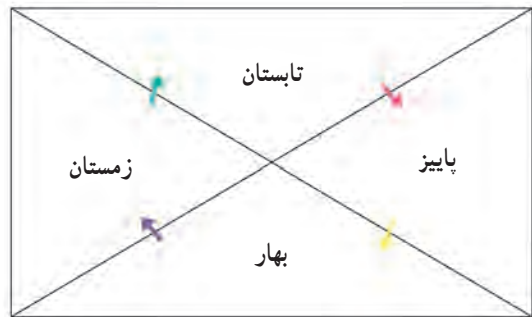
- ۱- تصویری از فصل بهار را به کودکان نشان دهید و بگویید که در مورد آن صحبت کنند. سعی کنید حرف‌های آن‌ها را به این مطالب هدایت کنید که درختان سبزند؛ پرندگان برای خود لانه می‌سازند؛ هوا گرم‌تر شده است؛ غذا برای پرندگان فراوان است؛ پرندگان و حیوانات بچه‌های کوچک دارند؛ به آن‌ها غذا می‌دهند تا بزرگ شوند و خودشان غذا بخورند به آن‌ها بگویید پرندگان در

زمستان به جاهای گرم تر می‌روند.

۲- اگر در ناحیه‌ای زندگی می‌کنید که هر چهار فصل سال به طور مشخص وجود دارد، مقوای بزرگی را به چهار قسمت تقسیم کنید. هر قسمت را به نام یک فصل، نام‌گذاری کنید. تصاویری از لباس‌های مخصوص آن فصل، میوه‌ها و کارهایی را که در آن فصل اجرا می‌کنیم در هر قسمت بچسبانید. از کودکان بخواهید در مورد آن تصاویر صحبت کنند. سپس خود شما توضیحات آن‌ها را کامل کنید. در مورد تغییرات متفاوت فصل‌ها، برایشان صحبت کنید.

۳- کودکان را به پارک ببرید. دو عدد گیاه کوچک را از ریشه درآورید و هر دو را در گلدان بگذارید. کمی خاک روی هر کدام بریزید. به مدت چند روز آن‌ها را در کلاس مورد مشاهده قرار دهید. به یکی از گلدان‌ها آب بدهید و به دیگری آب ندهید. کودکان خواهند دید که یکی از گیاهان خشک شده است. بگویید در جاهای خشک و کم آب گیاهان زود خشک می‌شوند و در آن‌جا گیاه کم‌تر است.

۴- برگ یا گل مربوط به هر فصل را روی کاغذ نقاشی بچسبانید. به کودک بگویید با مداد رنگی یا شمعی و با استفاده از آن برگ به دلخواه خود، تصویری درست کند. در این فعالیت خلاقیت کودکان تقویت می‌شود.

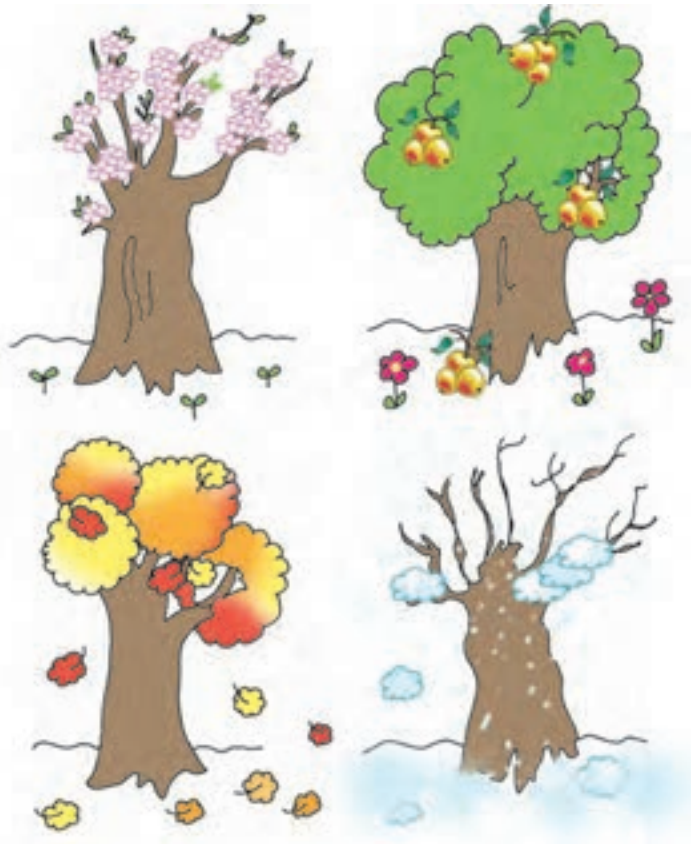


شکل ۱۶- ۷

۵- یک مقوا را، مانند تصویر ۱۶-۷، به چهار قسمت تقسیم کنید و نام فصول را روی آن بنویسید. بچه‌ها را به چهار گروه تقسیم کنید. هر گروه یک فصل را انتخاب کنند و نقاشی‌هایی روی مقوا بکشند.

۶- می‌توانید تصویر ۱۷-۷ را روی یک مقوای بزرگ بکشید تا کودکان با استفاده از کاغذ رنگی سبز، برگ درختان را در بهار روی یک درخت بچسبانند. گروه دیگر درخت تابستان را پر از برگ و میوه کنند. گروه سوم درخت را با برگ‌های زرد و قرمز و نارنجی (پاییز) بپوشانند و گروه چهارم، با استفاده از پنبه، درخت را در زمستان پر از برف کنند و پنبه‌ها را روی آن بچسبانند.

۷- می‌توانید شاخه‌ی کوچکی را در زمستان به کلاس بیاورید. به کودکان بگویید با دقت به برجستگی‌های روی شاخه توجه کنند. سپس پوست شاخه را کنار بزنند و برگ‌هایی را که آماده رویدن هستند به آن‌ها نشان دهید و بگویید در فصل بهار این‌ها را روی شاخه‌ها می‌بینیم.



شکل ۱۷- ۷

- ۱- مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی را، که برای آموزش فصل بهار مناسب می‌دانید، در قالب یک طرح آموزشی تهیه و تنظیم کنید.
- ۲- به کودکی که از شما می‌پرسد، چرا درختان در زمستان برگ ندارند چه پاسخی می‌دهید؟
- ۳- به کودکی که از شما می‌پرسد، چرا برگ درختان در پاییز تغییر رنگ می‌دهند، چه پاسخی می‌دهید؟

علوم فیزیک

مطالعه‌ی آزاد

یکی از حواسی که در شناخت ما از دنیای خارج به ما کمک می‌کند حس بینایی است، چشمان ما به کمک نور می‌توانند به مشاهده بپردازند. بنابراین، بدون وجود نور ما قادر به مشاهده محیط خود نیستیم.

یکی از چشمه‌های نور که کودکان به خوبی در محیط زندگی آن را می‌بینند خورشید و چشمه‌های دیگر، ماه و ستارگان‌اند. البته علاوه بر چشمه‌های طبیعی نور، ما از چشمه‌های مصنوعی نور که چراغ برق و لامپ‌ها هستند نیز استفاده می‌کنیم. در بحث آموزش نور به کودکان، بهترین منبع شناساندن خورشید است.

خورشید نزدیک به صد و شصت میلیون کیلومتر از زمین فاصله دارد و تقریباً ۸ دقیقه طول می‌کشد تا نور آن به ما برسد. نور در خط مستقیم با سرعتی در حدود $300,000$ کیلومتر در هر ثانیه حرکت می‌کند. نور خورشید تقریباً سفید است اما هنگامی که اشعه‌ی آن به قطرات باران برخورد و بشکند آن را در رنگ‌های رنگین کمان می‌بینیم. البته ما می‌توانیم نور یک لامپ را نیز به وسیله‌ی منشور شیشه‌ای بشکنیم و رنگ‌های آن را مشاهده کنیم.

سرعت حرکت نور از سرعت حرکت صوت بیشتر است. در روزهای بارانی و طوفانی وقتی در آسمان صاعقه را می‌بینیم همزمان با آن رعد هم به صدا در می‌آید اما چون سرعت حرکت نور بیشتر است ما اول نور را می‌بینیم و پس از مدتی صدای رعد را می‌شنویم. نور می‌تواند یا از اشیا عبور کند یا جذب آن‌ها شود یا بازتابش کند.

برای آشنایی شما دو نمونه ارائه می‌گردد.

نمونه‌ی اول: خورشید

- خورشید یکی از چشمه‌های نور است که ما گرما و نور آن را از میلیون‌ها مایل فاصله دریافت می‌کنیم. نور و گرمای خورشید باعث می‌شود که کره‌ی زمین محیطی مناسب برای رشد و زندگی انواع گیاهان، حیوانات و موجودات زنده گردد.
- هدف‌های رفتاری: پس از آموزش این مبحث، کودکان باید بتوانند:
- ۱- خورشید را توصیف کنند.
 - ۲- بگویند چگونه نور و گرمای خورشید در انجام کارها به ما کمک می‌کند.
- لغات و کلمات: خورشید، انرژی، نور
- وسایل مورد نیاز: چراغ قوه و شمع

مراحل آموزش:

- ۱- برای این که بتوانید برای ایجاد آمادگی در کودکان، اطلاعات اولیه در مورد خورشید را به عنوان ستاره‌ای که به ما نور و انرژی و گرما می‌دهد ارائه دهید همه‌ی درهای کلاس را ببندید. چراغ را خاموش کنید و کلاس را کاملاً تاریک کنید. از کودکان بپرسید آیا چیزی می‌بینید؟ می‌گویند خیر. سپس یک شمع یا چراغ قوه را روشن کنید. بپرسید آیا چیزی می‌بینید؟ وقتی که همه جا تاریک است شب است و هنگامی که خورشید در آسمان ظاهر می‌شود همه جا روشن می‌شود.
- ۲- اگر می‌توانید در دو ظرف فلزی مقداری آب بریزید و یکی را در سایه و دیگری را در آفتاب بگذارید. پس از مدتی از کودکان بخواهید دست خود را در آب فرو ببرند و بگویند کدام گرم‌تر است و چرا؟
- ۳- با توجه به درس‌های قبل، در مورد گیاهان و این که اگر نور خورشید نباشد گیاهان می‌میرند صحبت کنید و بگویید غذای ما از گیاهان به دست می‌آید و غذا به ما انرژی می‌دهد. پس خورشید علاوه بر نور و گرما به ما انرژی هم می‌دهد.
- ۴- تصاویری از انسان‌ها و اشیائی که انرژی مصرف می‌کنند به کودکان بدهید. بگویید تصاویر را ببرند. چند ظرف پلاستیکی روی میز بگذارید و این کلمات را روی آن‌ها بنویسید (خانه - مدرسه - خیابان - پارک) سپس به کودکان بگویید تصاویری را که بریده‌اند در ظرف‌های مخصوص خود بگذارند. تصاویر باید به گونه‌ای باشند که استفاده از انرژی و نور را نشان دهند.
- ۵- مقوای بزرگی را به دیوار کلاس بچسبانید. آن را به دو بخش، تقسیم کنید. در یک قسمت تصویر وسایل انرژی‌زایی را که در خانه استفاده می‌کنیم بچسبانید یا بکشید و در قسمت دیگر وسایلی را که در مدرسه استفاده می‌شود.

نمونه‌ی دوم: سایه

هرگاه جسمی در مقابل نور قرار گیرد و نور نتواند از آن عبور کند سایه‌ی آن جسم درست می‌شود.

هدف‌های رفتاری: پس از آموزش این مبحث، کودکان باید بتوانند:

۱- با مشاهده‌ی سایه‌ها، آن‌ها را توصیف کنند و بگویند چگونه درست شده‌اند؟

۲- با یک آزمایش بگویند برای درست شدن سایه نیاز به نور داریم.

لغات و کلمات: سایه، نور، تاریکی، خاموشی

وسایل مورد نیاز: یک پارچه‌ی سفید، مجموعه‌ای از اشیای کوچک و بزرگ، کاغذ سفید، مداد رنگی، گچ رنگی

مراحل آموزش:

۱- یک پارچه‌ی سفید به دیوار کلاس آویزان کنید و نور یک چراغ را به طرف دست‌های

کودکان به گونه‌ای بتابانید که بتوانند با استفاده از آن، سایه‌ی دست‌های خود را روی پرده بیندازند؟

۲- در یک روز آفتابی کودکان را به خارج از کلاس ببرید. به هر کدام یک گچ رنگی بدهید

و بگویید یک به یک در مقابل آفتاب بایستند تا سایه‌ی آن‌ها روی زمین

بیفتد. سپس کودک دیگر دور سایه‌ی دوستش را خط بکشد. می‌توانید

یک شیئی کوچک مثل چوب یا مداد، به هر یک بدهید و بگویید سایه‌ی آن

را در مقابل خورشید ایجاد کند و شکل آن را بکشد (شکل ۱۸-۷). با

جابه‌جا کردن شیئی، سایه را کوچک‌تر، بزرگ‌تر، کوتاه‌تر یا بلندتر کند.



شکل ۱۸-۷

مطالعه‌ی آزاد

صدا در اثر ارتعاش به وجود می‌آید. اگر سیم‌های یک ویولن یا سه‌تار را بکشید می‌توانید ارتعاش را احساس کنید. صدای ارتعاشی که از حرکت سیم ایجاد شده است به مولکول‌های هوا برخورد می‌کند. این مولکول‌ها به مولکول‌های دیگر می‌خورند و درست مانند موجی که روی یک حوضچه یا استخر ایجاد می‌شود امواج صوتی در هوا پراکنده می‌شوند. هنگامی که امواج صوتی به گوش ما برخورد می‌کنند باعث ارتعاش پرده‌ی گوش می‌شود و اعصاب شنوایی، این علائم را به مغز می‌رسانند و باعث می‌شود که ما صدا را بشنویم. اگر هوا وجود نداشت چیزی که بتواند صدا را منتقل کند نیز وجود نداشت، به همین دلیل است که در قسمت بالای جو صدایی وجود ندارد. صداها به انواع گوناگون زیر، بم، آهسته و بلند تقسیم می‌شوند. بعضی از چیزها امواج صدایی ایجاد می‌کنند که آن‌قدر بالاست که ما نمی‌توانیم بشنویم. این امواج را امواج فراصوتی (ultra sound) می‌گویند. سرعت حرکت صوت در هوا کندتر از نور است. اجسام سطح بزرگ امواج صوتی را منعکس می‌کنند. اگر در کنار کوهی با صدای بلند فریاد بزنید، چند ثانیه بعد انعکاس صدای خود را می‌شنوید. در اتاق خالی صدا بلندتر از اتاقی است که پر از اثاثیه است. سببش این است که فرش و مبلمان و پرده‌ها امواج صدا را جذب می‌کنند.

برای آشنایی شما نمونه‌ی زیر ارائه می‌گردد.

نمونه: بررسی و شناخت صدا

هدف‌های رفتاری: در پایان این مبحث، کودکان باید بتوانند:

۱- تشخیص دهند که صدا در اثر ارتعاش ایجاد می‌شود.

۲- ارتعاشات را به اشکال گوناگون آزمایش کنند.

لغات و کلمات: ارتعاش، به ارتعاش درآمدن، صدا

وسایل مورد نیاز: قوطی‌های مقوایی، یک وسیله‌ی موسیقی کودکانه مثل سنج، طبل، کش لاستیکی باریک، قاشق و

چنگال، تعدادی سنگ کوچک، ۸ عدد لیوان

مراحل آموزش:

۱- با اجرای فعالیت‌های زیر کودکان را آماده سازید که ارتعاشات را تجربه کنند.

- بگویید در حالی که حرف می‌زنند یا آواز می‌خوانند انگشت خود را روی گلویشان بگذارند و ارتعاش یا حرکت را احساس

کنند. یا دستشان را روی بلندگوی رادیو یا ضبط بگذارند و ارتعاش را احساس کنند.

- یک قوطی گرد مقوایی را جلوی دهانشان بگیرند و حرف بزنند و ته قوطی را لمس کنند. در این صورت ارتعاش خفیفی را

احساس می‌کنند.

- به یک طبل چند ضربه وارد کنید. می‌توانید مقداری برنج روی آن بریزید این بار بچه‌ها به آن ضربه بزنند و حرکت و ارتعاش

را مشاهده کنند.

– دو تکه سنگ را به هم بزنند و صدای آن را گوش کنند. همین کار را زیر آب تکرار کنند و تفاوت صدا را بگویند.
 ۲– در ۸ لیوان، به ترتیب و مطابق شکل، مقداری آب بریزید. آن گاه، با یک چکش پلاستیکی، یا یک چوب به لیوان‌ها ضربه بزنند و تفاوت صداهایی را که ایجاد می‌شود بگویند.



شکل ۱۹-۷

۳– با دو لیوان پلاستیکی و یک نخ یا کش، تلفنی بسازید. یکی از کودکان با انگشت به کش یا نخ ضربه‌ای وارد کند و دیگری صدای ارتعاش را بشنود.

● فعالیت

- یک طرح درس برای آموزش صدا بنویسید
- ۱– انعکاس صدا را چگونه آموزش می‌دهید؟
 - ۲– در آزمایش شماره‌ی ۳ برای تفهیم تفاوت صداهای کودکان چه می‌گویید؟
 - ۳– مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی را، که برای آموزش صدا مناسب می‌دانید، در قالب یک طرح آموزشی تهیه و تنظیم کنید.

حرکت

مطالعه‌ی آزاد

اکثر چیزها در محیط ما در حال حرکت‌اند. حرکت عبارت است از تغییر مکان یک جسم نسبت به جسم ثابت. آب‌ها، هوا، موجودات زنده و بسیاری چیزهای دیگر دائماً در حال جابه‌جا شدن‌اند. برای این که یک حرکت یا جابه‌جایی صورت گیرد نیرو لازم است. از نیرو برای کشیدن، هل دادن و برداشتن و گذاشتن اشیاء روی زمین استفاده می‌کنیم. در آموزش مفهوم حرکت به کودکان از مفاهیم اولیه‌ی هل دادن، کشیدن، برداشتن و گذاشتن استفاده می‌کنیم.

برای آشنایی شما دو نمونه ارائه می‌گردد.

نمونه‌ی اول: کشیدن و هل دادن

هدف‌های رفتاری: در پایان آموزش این مبحث، کودکان باید بتوانند:

- ۱– مفهوم کشیدن و هل دادن را با یک آزمایش نشان دهند.
- ۲– تشخیص دهند که برای کشیدن و هل دادن احتیاج به نیرو داریم.

لغات و کلمات: کشیدن، هل دادن، نیرو
وسایل آموزشی: یک ماشین کوچک اسباب بازی، مقداری سنگریزه
مراحل آموزش:

- ۱- به کودک بگویید مدادهای خود را روی میز بگذارد. سپس بگوید آن‌ها را بردارد. پرسید چه طور مداد را برداشتی؟ با دستم. پرسید چه طور دستت می‌تواند مداد را بردارد. می‌گوید برای این که زور دارد یا برای اینکه می‌تواند. بگویید این زور «نیرو» نام دارد. حالا مداد را هل بده یا با انگشتان به طرف خود بکش.
- ۲- مقداری سنگریزه داخل ماشین بریزید. یک بند به آن وصل کنید تا کودکان آن را بکشند و هل بدهند. سپس بگویید حرکت ماشین با کمک نیروی شما صورت می‌گیرد.

نمونه‌ی دوم: مفهوم کشش

هدف‌های رفتاری: در پایان آموزش این مبحث، کودک باید بتواند:

- ۱- بگوید که بعضی از اشیاء، بر روی یک سطح زودتر سر می‌خورند.
- ۲- بگوید که هر چه را به بالا پرت کنیم به طرف زمین پایین می‌آید.
- ۳- توضیح دهد که زمین دارای نیروی کشش است.

وسایل لازم: یک تخته‌ی صاف 40×50 ، پاک‌کن، سنگ‌پا یا هر سنگ ناصاف دیگر، یک شیشه‌ی کوچک

لغات و کلمات: صاف، زبر، کشش

مراحل آموزش

- ۱- بگویید تویی را بالا بیندازند و آن را رها کنند. پرسید چه شد؟
- ۲- خودشان بالا بپرند می‌بینند که نمی‌توانند برای مدت طولانی در هوا بایستند و حتماً به زمین فرود می‌آیند. صندلی را بردارند و رها کنند و همه این فعالیت‌ها آن‌ها را به این اصل هدایت خواهد کرد که نیروی در زمین وجود دارد که همه چیز را به طرف خود می‌کشد. این نیرو «کشش» نام دارد.

۳- روی یک تکه چوب صاف، یک پاک‌کن، یک شیشه‌ی کوچک و یک سنگ‌پا یا شیء ناصاف بگذارید. سپس تخته را کج کنید می‌بینید که شیشه زودتر از همه سر می‌خورد. بگویید هر چه سطح صاف‌تر باشد سرعت پایین رفتن از روی چوب بیشتر است. البته می‌توانید به جای لغات اصطکاک و جاذبه از لغاتی مثل، کشش استفاده کنید (شکل ۲-۷).



شکل ۲-۷

● فعالیت

مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی را که برای این مفهوم مناسب می‌دانید، در قالب یک طرح آموزشی تهیه و تنظیم کنید.

کتاب‌نامه

- ۱- خمارلو، توران : کتاب کار مربی کودک، مهدیه، تهران، ۱۳۷۸
 - ۲- سیف، علی اکبر : روان‌شناسی پرورشی - یادگیری و آموزش، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۹
 - ۳- سینایی، نیره و نوروزی، داریوش : کار و آشنایی با طبیعت و زندگی اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷۳
 - ۴- قربانی، عبدالوهاب : آشنایی، کار با طبیعت و امور اجتماعی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی شیراز، ۱۳۶۳
 - ۵- ویکتور، ادوارد : آموزش علوم در مدارس ابتدایی، ترجمه‌ی سیداحمد سیدی نوقابی و دیگران، انتشارات آستان قدس رضوی، مرداد ۱۳۶۶ (ص ۴۲)
 - ۶- هفت گفتار درباره آموزش و پرورش پیش دبستان، دفتر اول، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش ۱۳۶۸ (ص ۲۰)
- انگلیسی

7. Abruscato Josoph. Foss, aceca wade. Joan, Hassard Jack peck. Donald. Holtscience (Holt Rinehart and minston publisher, Newyork, 1986)
8. Decker Antia Gelia, Decker John. R. planning and Aministrating Earlychildhood programs (Bell & Howel company. Colombus, ohio, 1976)
9. Jermore Bruner, the process of Education, (Cambridge moss. the Harvard University press, 1960)
10. Margolin Edy. the young Children their Curriculum and learning Processes (Macmillan Dublishiry Co. inc. Newyork collier. Macmillan publishpls. London, 1976.

نقش و اهمیت آموزش مفاهیم اجتماعی در دوران پیش از دبستان



- هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، دانش‌آموز باید بتواند:
- تعریفی از فرایند اجتماعی ارائه کند و برای هر یک سه مثال ذکر کند.
 - هدف از آموزش مفاهیم اجتماعی را توضیح دهد.
 - جنبه‌های مختلف یادگیری هر نقش اجتماعی را به همراه مثالی شرح دهد.
 - کاربردهایی را، که از شناخت تحولات رشد اجتماعی کودکان می‌توان نتیجه گرفت، بیان کند.
 - مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز کودکان را با ذکر مثال تشریح کند.
 - روش‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی را با ذکر مثال توضیح دهد.
 - نمونه‌هایی از فعالیت‌های مربوط به هر روش را اجرا کند.

فرایند اجتماعی شدن

اجتماعی شدن جریانی است که در آن هنجارها، مهارت‌ها، انگیزه و طرز تلقی و رفتار فرد شکل می‌گیرد، تا ایفای نقش کنونی یا آتی او در جامعه‌ی مطلوب و مناسب شناخته شود. اجتماعی شدن یک ارتباط دوجانبه است بین فرد و جامعه. کودک در حال رشد، جهان اطراف خود را به صور گوناگون تجربه و تفسیر می‌کند. بنابراین، علاوه بر توجه به جریان رشد کودک، باید به ارزش‌هایی که توسط جامعه و گروه‌های اجتماعی انتقال می‌یابد نیز توجه کرد.

ببندیشید:

درباره‌ی چند مفهوم اجتماعی (دانشی، رفتاری و ارزشی) ببندیشید و با یکدیگر بحث کنید. سپس برای هر کدام مثالی بیاورید و نتیجه را به کلاس گزارش کنید.

متغیرهای اجتماعی شدن را می‌توان در چهار بُعد مورد بررسی قرار داد:

- ۱- متغیرهای مربوط به تفاوت‌های فردی، سن، جنس، شخصیت و هوش
 - ۲- متغیرهای مربوط به منابع انتقال ارزش‌ها که دربرگیرنده‌ی فرهنگ، ملیت، خانواده و وسایل ارتباط جمعی (روزنامه‌ها، مجلات، تلویزیون، ادبیات و ...) است.
 - ۳- متغیرهای مربوط به روش‌های انتقال ارزش‌ها، مانند مراسم مذهبی، هویت نظام‌ها و تجارب ناشی از چگونگی فرزندپروری
 - ۴- متغیرهای مربوط به الگوها و ارزش‌های رفتاری (نقش جنسی، پرخاشگری، اخلاقیات، دوستی‌ها و ...)
- بنابراین، انسان باید در سراسر زندگی، وظایف مربوط به نقش‌ها را، جهت کسب توانایی ارتباط متقابل با دیگران، به طریقی خاص که در عرف جامعه قابل قبول و ارزشمند است و در عین حال برای خودش نیز سودمند باشد، فراگیرد.
- آموزش مفاهیم اجتماعی به کودکان، با هدف اجتماعی کردن یا جامعه‌پذیری آن‌ها صورت می‌گیرد. مقصود از جامعه‌پذیری، پذیرش اعتقادات، باورها، هنجارها و ارزش‌های مورد قبول جامعه، کسب توانایی در تطبیق و سازگاری با این هنجارها و یا تغییرات مطلوب در آن‌هاست. از این رو، دست‌اندرکاران جامعه‌پذیری، اعم از خانواده، مدرسه، گروه هم‌سالان، مسجد، رسانه‌ها و ... به صورت‌های گوناگون، شخص را برای ایفای نقش‌های اجتماعی در حال و آینده، آماده می‌کنند.
- یادگیری هر نقش دارای دو جنبه است: جنبه‌ی اول، یادگیری وظایف مربوط به هر نقش و حقوق مربوط به آن است. در این بعد، شخص یاد می‌گیرد که فرضاً به عنوان عضوی از یک خانواده، یک شهروند، یک معلم و یا یک مسلمان، دارای چه وظایف و حقوقی است و این که چگونه باید به وظایف خود عمل کند. جنبه‌ی دوم، یادگیری احساسات، عواطف، نگرش‌ها و ارزش‌های مربوط به هر نقش است.
- در این بعد، اشخاص یاد می‌گیرند که در هر یک از نقش‌های جامعه با کدام منش، احساسات و برخورد با مخاطبان خود، روبه‌رو شوند.

بحث کنید

تصور کنید که در مقام مربی کودک، می‌خواهید در یک کودکستان یا آمادگی ایفای نقش کنید. درباره‌ی وظایف مربوط به این نقش و جنبه‌ی احساسات، عواطف، نگرش‌ها و ارزش‌های مربوط به این نقش بحث کنید و نتیجه را به کلاس گزارش دهید.

نکاتی که والدین و مربیان باید بدانند:

تحولات مربوط به رشد اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی رفتار اجتماعی کودکان دارای الگو و شکل خاصی است. این رفتار ضمن آن که متأثر از خصوصیات فردی است از محیط اجتماعی نیز تأثیر می‌پذیرد. این محیط شامل خانواده، هم‌سالان، همسایگان و رسانه‌ها (به‌ویژه تلویزیون) است. کودکان در مراحل رشد خود و در هر مرحله‌ی سنی، رفتارهای خاصی را از خود بروز می‌دهند که برخی غیراجتماعی و برخی اجتماعی‌اند.

آگاهی از این مراحل می‌تواند به والدین و مربیان کمک کند تا با کودکان در هر مرحله به طریق مناسبی برخورد کنند و انتظارات خود را با توانایی‌های او تطبیق دهند. هم‌چنین بروز این رفتارها را در کودکان باید امری طبیعی تلقی کرد. بروز رفتارهای غیراجتماعی، فرصتی برای والدین و مربیان فراهم می‌کند تا از این طریق به کودکان آموزش دهند و زمینه‌ی رشد اجتماعی آن‌ها را فراهم کنند.

برای آگاهی از نمونه‌های این رفتارها می‌توانید به جدول رشد کودکان در فصل اول کتاب رجوع کنید. با مشاهده‌ی رفتار کودکان با توجه به جدول رشد کودکان، شایسته است که والدین و مربیان در تربیت اجتماعی آنان، به نکات زیر توجه کنند:

۱- کودکان در فرآیند رشد اجتماعی خود پیوسته تغییراتی را پشت‌سر می‌گذرانند. با توجه به این تغییرات، بروز رفتارهای غیراجتماعی در کودک فرصت‌هایی را در اختیار والدین و مربیان می‌گذارد تا از طریق تعامل حساب شده با کودک، زمینه‌ی رشد اجتماعی او را فراهم کنند.

۲- هماهنگی والدین با یکدیگر و با مربیان در مورد نحوه‌ی برخورد با کودک در رشد اجتماعی او نقش مؤثری دارد.

۳- انتظارات والدین و مربیان از کودکان باید در حد توانایی آن‌ها باشد، اما هیچ‌گاه از آموزش کودکان نباید غفلت کرد.

۴- کودکان از رفتار ما بیش‌تر از گفتار ما می‌آموزند. بنابراین، سعی کنیم الگوی شایسته‌ای برای آنان باشیم.

۵- آموزش مهارت‌های اجتماعی مانند هر رفتار دیگری بهتر است از دوران کودکی شروع شود، زیرا یادگیری در این سال‌ها عمیق‌تر، آسان‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد.

۶- کودکان از نظر رشد اجتماعی مانند سایر جنبه‌های رشد، با یکدیگر متفاوت‌اند و باید این تفاوت‌ها را در نظر گرفت.

تمرین

با توجه به جدول رشد اجتماعی کودکان، چند کودک پیش‌دستانی را با آن مقایسه کنید و نظر خود را در کلاس بیان نمایید.

مهارت اجتماعی و نحوه‌ی آموزش آن به کودکان

مهارت‌های اجتماعی توانایی‌های پیچیده‌ای برای ظاهر ساختن رفتارهایی است، که به‌طور مثبت یا منفی تقویت می‌شوند و ظاهر نساختن توانایی‌هایی که توسط دیگران مورد تنبیه یا خاموشی قرار می‌گیرند. در آموزش مهارت‌های اجتماعی، که از تنوع زیادی برخوردار است، هدف این است که به کودکان در انتخاب رفتارهای پسندیده‌تر و تغییر رفتارهای غیراجتماعی کمک کنیم.

مفاهیم و مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز کودکان را می‌توان به سه گروه عمده زیر تقسیم کرد:

الف - مهارت‌های مربوط به شناخت خود: شناخت خود طی مراحل صورت می‌گیرد. کودک به مرور یاد می‌گیرد که با گریه می‌تواند توجه ما را جلب کند تا نیازهایش را برطرف سازیم. اولین لبخند، استفاده از دست‌ها، عکس‌العمل نسبت به تصویر خود در آینه همه و همه راهی است که کودک را به شناخت خود می‌رساند. او نامش را تشخیص می‌دهد، معنی نه را می‌فهمد، جستجو و اکتشاف می‌کند، با افراد مختلف آشنا می‌شود و از دیگران می‌آموزد. به این ترتیب کودکان طی فعالیت‌هایی گام به گام با مهارت‌های اجتماعی مربوط به شناخت خود آشنا می‌شوند و از این طریق یاد می‌گیرند که قبل از خوردن غذا باید دست‌هایش را بشوید و غذا و

آب آلوده نخورد. از خوردن خوراکی‌های مضر دوری جوید. با توجه به توانایی‌اش کاری را شروع کند. خواب مناسب داشته باشد، از افراد بیگانه غذا نگیرد. با افراد بیگانه تماس نداشته باشد و به آن‌ها اعتماد نکند. سوار ماشین غریبه نشود، در انتخاب لباس خودش تصمیم بگیرد و ...

در اواخر دوران کودکی بر پایه‌ی این مهارت‌ها کودک می‌تواند احساسات و عواطف خود که نقش سازنده‌ای در زندگی او ایفا می‌کنند، به‌خوبی شناخته و احساساتش را به نحو مطلوب بیان و کنترل نماید. این مورد به‌خصوص در مورد رشد عاطفی اهمیت به‌سزا دارد.

ب - مهارت‌های میان فردی: کودک به مرور از حالت خودمداری خارج می‌شود و دیگران را برایش مطرح می‌گردند. او دوست دارد در حضور دیگران بازی کند، حرکات آن‌ها را تقلید نماید به بازی نقش بپردازد. داشتن برخورد خوب با دیگران، پیروی از دستورات، همانندسازی با قهرمانان کتاب، احترام به بزرگ‌ترها، همکاری با هم‌سالان، سلام به هنگام ورود و خداحافظی به هنگام جدا شدن، استفاده از کلمات مؤدبانه، گوش دادن به سخنان دیگران، شرکت در بازی‌های گروهی، رعایت نوبت در سخن گفتن و بازی، قطع نکردن صحبت دیگران، فروخوردن احساس خشم به هنگام آزار دیدن، احترام به دیگران، رعایت حقوق خود و دیگران، اجازه گرفتن برای استفاده از اشیای دیگران و ... نمونه‌هایی از این نوع مهارت‌هاست.

ج - مهارت‌های مربوط به شناخت محیط: یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش کمک به فرد در ایجاد ارتباط با محیط است. لازمه‌ی این امر دسترسی به یک سری اطلاعات درباره جهان است. کودک، محیط اطراف خود را درک می‌کند و از آن‌جا که در سنین پایین بیش از هر زمان دیگری قابلیت پذیرش آموختنی‌های مفید را دارد باید به‌طور مداوم همگام با دیگر آموختنی‌ها، طی برنامه‌های آموزشی مناسب علاقه‌مندی کودکان را نسبت به احترام به مسائل محیطی و آموزش برای بقا را افزایش داد.

بنابراین، برای شناخت محیط زندگی، کودک علاوه بر آموزش مهارت‌هایی چون، دانستن نشانی خانه‌ی مسکونی، محیط اطراف خانه و مراکز پیش از دبستان یا مهدکودک، مشاغل مهم در محیط اطراف، شغل والدین، نحوه‌ی رفت و آمد، آشنایی با مقررات راهنمایی و رانندگی، باید نسبت به پاکیزگی محیط زیست، آلوده نکردن آب و هوا، جلوگیری از انهدام گیاهان و درختان، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و سوخت، شناخت سرزمین ایران، پرچم، نکات ایمنی در حوادث غیرمترقبه ... آگاه شود.

تمرین

فهرستی از مهارت‌های اجتماعی مربوط به شناخت محیط، شناخت خود و مهارت‌های میان فردی تهیه کنید و در کلاس

ارائه دهید.

شیوه‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی

آموزش مهارت‌های اجتماعی از موضوعات مهم در تعلیم و تربیت است و همان‌گونه که اشاره شد، غالباً بر محور نحوه‌ی ارتباط متقابل میان کودک و هم‌سالان او با بزرگ‌سال قرار دارد و هدف اولیه آن است که اهداف کودک و بزرگ‌سال از طریق روابط متقابل مثبت حاصل آید.

ایجاد یک رفتار و یا تغییر در رفتار را می‌توان به طریق مختلف ایجاد کرد، اما استفاده از روش‌ها و فعالیت‌ها به موضوع آموزش، شرایط مخاطب از نظر تحولات مربوط به رشد و توانایی فردی بستگی دارد.

از جمله روش‌ها و فعالیت‌هایی که مریبان می‌توانند در آموزش مهارت‌های اجتماعی به کار گیرند عبارت‌اند از:

۱- روش الگوبرداری: ایجاد الگویی از رفتار اجتماعی که موجب شود فرد دیگری آن رفتار را از طریق مشاهده و تقلید فراگیرد «الگوسازی اجتماعی» نام دارد. کودک، رفتار شخص دیگری را مشاهده می‌کند. سپس با اجرای مشابه در موقعیتی مشابه تقلید آن رفتار را به نمایش درمی‌آورد.

کودکان به دو شیوه از دیگران تقلید می‌کنند:

الف: مشاهده‌ی رفتار هم‌سالان و بزرگ‌ترها

ب: تأثیرپذیری از شنیده‌های دیگران (هم‌سالان، مربی و خانواده)

کودکان از طریق تقلید یا همانندسازی خود با دیگران (والدین و هم‌سالان و ...) اقدام می‌کنند از نظر روان‌شناس معروف بندورا کودکان به شدت تحت تأثیر مشاهدات و شنیده‌ها قرار دارند. والدین پرخاشگر به فرزند خود درس پرخاشگری می‌آموزند. چنانچه والدین آرام باشند، کودکان خود را به آرامش تشویق می‌کنند و اگر مسئول باشند، مسئولیت را در کودکان بهینه می‌کنند. هرگاه والدین متدین باشند، به فرزندان خود درس دین‌داری یاد می‌دهند. هم‌سالان نیز در آموزش مهارت اجتماعی الگویی مناسب‌اند. کودکانی که عملکرد ضعیفی دارند و نمی‌توانند از روش‌های دیگری چون ایفای نقش و الگوسازی بهره‌گیرند می‌توانند از هم‌سالان بسیار بیاموزند. معمولاً هم‌سالانی الگو قرار می‌گیرند که مورد احترام کودک دیگر باشند و از نظر سن، جنس و موقعیت اقتصادی، اجتماعی وضعیت مشابهی داشته باشند و در رفتار اجتماعی آموزش دیده و مهارت نشان داده باشند.

مثال: الف- برای افزایش تعاملات اجتماعی بین کودک و دیگران، تشویق او به ادای سلام در مواقع مختلف مناسب است.

- به دوستان و آشنایانی که به خانه‌ی شما می‌آیند سلام کنید و کودک را تشویق کنید که او هم این عمل را تکرار کند.

- از تلفن اسباب‌بازی و واقعی استفاده کنید تا کودک عبارت «سلام حال شما چه‌طور است» را بگوید.

- در بیرون از منزل وقتی از مغازه‌ای خرید می‌کنید به فروشنده سلام کنید.

استفاده از الگوهای زنده، که از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار است. به کودک فرصت می‌دهد تجربه‌ی آموزشی پرباری را به دست آورد.

مثال: ب- کتاب‌ها و قصه‌هایی با شخصیت‌های واقعی و قابل قبول، از جمله موادی هستند که برای آموزش مهارت

اجتماعی می‌توانند مفید باشند. قصه‌ها نه تنها در ایجاد اصول منطقی و الگو برای مهارت اجتماعی مناسب‌اند، بلکه به آن‌ها فرصت می‌دهد که گوش دادن را بیاموزند و با تجارب دیگران آشنا شوند.

با انتخاب قصه‌هایی از سرزمین ایران به کودکان فرصت دهید تا ضمن کسب مهارت‌های اجتماعی با بزرگان و قهرمانان ایران آشنا شود و از آن‌ها الگو گیرد.

- کتاب‌های ساده با شخصیت‌های ملموس را انتخاب کنید و در ساعات آرام روز برای آن‌ها بخوانید.

- پس از پایان داستان با او در مورد آن بحث و گفت‌وگو کنید.

- از او بخواهید قصه را پیش‌بینی کند. و یا با نگاه کردن به تصویر و با استفاده از کلمات مناسب احساس قهرمان را بیان و یا تقلید کند.

استفاده از عروسک‌ها، گف‌وگو با عروسک‌ها و ایفای نقش توسط آن‌ها، به منظور طرح مسئله و ارائه‌ی الگویی برای رفتار می‌تواند یکی دیگر از ابزار آموزش مهارت اجتماعی باشد. این عروسک‌ها که معمولاً به شکل شخصیت‌های محبوب کودکان‌اند، گاهی می‌تواند توسط کودکان نیز ساخته شود. عروسک‌ها وسیله‌ی مناسبی است که کودک، علاوه بر لذت بردن از آن، می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای برای ابراز احساسات مثبت و منفی خود به کار گیرد.

۲- روش مربی‌گری: روش دیگر آموزش رفتار به کودک روش «مربی‌گری» است. این روش برخلاف الگو که از رفتار تقلید می‌شود به شکل راهنمایی کلامی به‌طور پیاپی و طی جلساتی صورت می‌گیرد و از طریق آن کودک می‌تواند به کودکان دیگر نزدیک شود و با آن‌ها ارتباط پیدا کند و دوستانی بیابد. بسیار دیده شده که کودکان پیش از دبستانی نقش عمده‌ای در منزوی کردن خویش دارند و در حالی که شاید توانا تر از دیگران باشند کم‌تر در بازی‌ها شرکت می‌کنند. در این‌جا مریمان باید به اختصاص دادن وقت بیش‌تر به آن‌ها و طرح سؤال و تشویق آن‌ها به پاسخ و تکرار آن، به عنوان هم‌بازی آن‌ها را در بازی‌ها شرکت دهند.

- فعالیت‌هایی را ترتیب دهید که در آن گروه‌های کوچکی از کودکان و آن کودک خاص، در آن شرکت کنند.
- کودک را به سلام گفتن تشویق کنید.

- درباره‌ی افرادی که در گروه هستند با او صحبت کنید، نام آن‌ها را بپرسید و کودک را به صحبت با آنان تشویق کنید.
- کودکان هم‌سن و سال را دور هم جمع کنید و به تعداد کافی اسباب‌بازی‌های بی‌خطر (حیوانات پارچه‌ای، ماشین‌های کوچک، مکعب‌های ساختمان‌سازی) در اختیارشان قرار دهید و به آن‌ها فرصت باهم بودن بدهید. در طول بازی با آن‌ها صحبت کنید و آن‌ها را تشویق کنید که با یکدیگر تبادل کلامی داشته باشند.

کودکان از این طریق مهارت‌های اساسی همکاری را، که پایه‌ی تعامل‌های اجتماعی آینده‌ی اوست، یاد می‌گیرند.

۳- فراهم کردن فرصت برای سخن‌گویی کودکان: قبل از این که کودک به کودکستان یا آمادگی برود، توانایی آرام نشستن و توجه به فعالیت‌های گروه برای او ضرورت دارد. توجه به افراد گروه، او را برای یادگیری و توانایی گوش دادن به صحبت دیگران و نهایتاً صحبت کردن با آن‌ها آماده می‌سازد. سخن‌گویی در برابر جمع روش مناسبی برای اجتماعی شدن است کودکانی که به راحتی با کودکان دیگر ارتباط کلامی برقرار می‌کنند، از تماس‌های اجتماعی بهتری برخوردار می‌شوند و آمادگی بیش‌تری برای پذیرش اجتماعی دارند از طریق دیگر کودک به تدریج احساسات خود را می‌شناسد و شیوه‌ی مناسب بیان آن را یاد می‌گیرد. پس باید از راه‌های گوناگون این فرصت را در اختیار او قرار داد.

- از کودکان بخواهید در مورد آن چه دوست دارند صحبت کنند و چرایی را شرح دهند (مثلاً عروسکشان)

- از بچه‌ها بخواهید به جای پاسخ‌های بله و خیر، با جملات بلند احساسات خود را بگویند.

- آن‌ها را تشویق کنید که جلوی بزرگ‌ترها صحبت کنند. با نگاه و لبخند آن‌ها را تشویق کنید.

- از آن‌ها بخواهید قصه‌ای را که شنیده‌اند و یا در مورد فیلمی که دیده‌اند، صحبت کنند.

۴- روش خودآموزی: روش خودآموزی به این گونه است که کودک در مورد یک مسئله و علت بروز آن (مثل یک اختلاف کودکان بین بچه‌ها) بیندیشد و سپس نتیجه‌گیری کند. آن‌گاه با راهنمایی معلم و از طریق حل مسئله در حضور دیگران اندیشه‌های خود را بیان کند و رفتار خود را براساس آن تغییر دهد.

- کتابی را تا اوج داستان بخوانید و از کودکان بخواهید راهکارهایی برای قهرمان پیش‌بینی کنند.

- از کودکان بخواهید، خود را جای قهرمان داستان قرار دهند و بیان کنند چگونه مسئله را حل می‌کنند.

- در یک بازی گروهی علی نوبت را رعایت نمی‌کند. بچه‌ها او را کنار می‌گذارند و او تنها می‌ماند. مربی از او می‌پرسد چرا

بازی نمی‌کنی؟

علی می‌گوید: من دوست دارم بازی کنم اما باید صبر کنم تا نوبتم بشود و حوصله‌ام سر می‌رود. (بیان مسئله)

مربی می‌گوید: به نظر تو چرا بچه‌های دیگر دوست ندارند با تو بازی کنند؟ چه کار باید کرد تا همه بتوانند بازی کنند؟ (بازیابی

و تجزیه و تحلیل اطلاعات)

علی می گوید: به نظر من تنها راه، بازی کردن با نوبت است که بهتر از تنها ماندن است (نتیجه گیری).
کشف قاعده: در بازی های گروهی رعایت نوبت لازم است.

در آموزش خودآموزی دو هدف اساسی مطرح می شود ۱- کودک بتواند قبل از اجرای نوعی رفتار نامناسب، از اجرای آن خودداری کند ۲- کودک بتواند رفتار خود را از راه «گفت و گوی درون» هدایت کند.

۵- روش قضاوت و داوری: در این روش سعی بر این است که کودک بتواند انواع واکنش های احتمالی یک موقعیت را، که برخی انطباق پذیرترند و یا حتی اتفاق افتاده اند، تشخیص دهد. وقتی دو کودک به هر دلیلی با یکدیگر اختلاف دارند، از طریق تشکیل یک دادگاه کودکانه به آن ها فرصت دهید از خود دفاع کنند. کودکان بزرگ تر به عنوان داوران قضاوت خواهند کرد و در نهایت به هر یک از کودکان تذکرات اخلاقی و رفتاری لازم داده خواهد شد.

- واقعه ای رخ داده است. کودکان را به تفکر وادارید احساس را تشخیص بدهید و واکنش ها را بررسی نمایید و در نهایت قضاوت کنید.

- از کودکان بخواهید به عنوان پلیس یا شهردار کودکان خود، راهکارهایی را ارائه دهند.

- از این فعالیت به عنوان بازی های نمایشی نیز می توانید استفاده کنید.

۶- روش تقویت رفتار: اگر کودک بتواند موقعیت برقراری ارتباط را بهتر بشناسد، در افزایش درک اجتماعی او مؤثر است. بنابراین، نارسایی های ادراک اجتماعی نشانه ناتوانی در تغییر دقیق و تلفیق علائم و نمادهای مختلف محیط تلقی می شوند. به طور مثال چنانچه کودکی نتواند تشخیص دهد در موقعیتی خاص باید یک سری رفتارهای خاص را رعایت کند، طبیعتاً پاسخ مناسب نمی دهد. بنابراین، باید برای رشد ادراک اجتماعی به ارتباط غیرکلامی، علائم محیطی و ... توجه کرد.

حالات چهره، حرکت اعضای بدن، علائم صوتی، بلندی و کوتاهی صدا، پوشش، فرم لباس ها همه می توانند به نوعی جنبه های اجتماعی را نشان دهند.

با توجه به مطالب فوق، تکرار و تقویت می تواند در شناخت و یا ثبت یک رفتار کمک کند.

- عکس هایی از چهره های مختلف (از کتاب یا مجلات) را جمع آوری کنید و از کودکان بپرسید که سبب شاد یا غمگین یا خندان بودن آن ها چیست؟

- چندین دایره رسم کنید و از کودکان بخواهید با کشیدن چشم چشم دو ابرو، حالت های مختلف صورت و تصاویر احساسی گوناگونی را به نمایش بگذارند.

- روی کارت هایی احساس های گوناگون را بنویسید، کودکان یکی از کارت ها را برمی دارند شما کلمه را می خوانید و آن ها احساس را نمایش می دهند.

معمولاً برای تقویت رفتار از نشانه های تشویقی مانند لبخند زدن، کف زدن، بیان کلمات تحسین آمیز و در بعضی موارد از پاداش های مادی، مانند خرید کتاب، اسباب بازی یا برچسب های نمایشی استفاده می شود.

۷- روش نمایش و قصه گویی: قصه و نمایش از دیگر ابزارهای مؤثر برای آموزش مهارت های اجتماعی اند. قصه ها گاهی بر رفتار پسندیده یا ناپسند افراد برتری کامل دارند، زیرا افکار درونی، اعتقادات و انگیزه های قهرمانان را منعکس می سازند. قصه هایی را انتخاب کنید که در سطح دانش کودک باشد و بر نیاز خاصی تأکید می کند. برای بچه ای که دوست ندارد اسباب بازی اش را به کسی بدهد، کتاب یا قصه ای حول همین مسئله پیش بینی شود. نگرشی واقع گرایانه داشته و شخصیت ها برای کودک ملموس باشد.

بعد از خواندن کتاب و یا گفتن قصه، از کودکان بخواهید آن نقش را وانمود کنند. ایفای نقش به کودک کمک می کند، علاوه

بر شناخت خود و کاهش خودمحوری، به درک و شناخت دیگران نیز توجه کند. در واقع با افزایش توانایی‌های کودک نسبت به دیدگاه دیگران ادراک اجتماعی‌اش نیز افزایش می‌یابد.

در پایان سال‌های کودکستان بازی در نمایش به‌طور گسترده‌ای همراه با تعاون و همکاری صورت می‌گیرد و هر کودکی قادر است نقش خود را مدت‌ها حفظ کند.

۸- آموزش از طریق بازی: بازی وسیله‌ای است مناسب برای آموزش مهارت‌هایی چون فعالیت گروهی، همکاری، تعاون، رعایت نوبت، قانون برنده و بازنده، مشارکت در وسایل بازی، پیروی از مقررات و ... به آسانی می‌توان محتوای مهارت اجتماعی را به بازی تبدیل کرد. لذا با برنامه‌ریزی و طراحی بازی مناسب می‌توان از این فعالیت استفاده کرد.

– فرصت‌هایی فراهم کنید تا کودک با سایر کودکان هم‌سن خود بازی کنند.
– اوقاتی را برای بازی کودکان، که می‌خواهند با یکدیگر بازی کنند، اختصاص دهید و برای هدایت آن‌ها در کنارشان باشید.
– برای مناسبت‌های گوناگون (جشن تولدها، اعیاد) فعالیت‌های جذابی برای بازی کودکان طراحی کنید.
مثال ۱- بگرد و پیدا کنیم: کودکان شیئی را در اتاق پنهان می‌کنند. یکی از کودکان باید آن را بیابد. در این بازی همه می‌خواهند کودک برنده شود.

۲- همه با هم بکشیم: طناب بلندی را به طول تقریبی ۱۲ متر، به دور یک جسم سنگین می‌پیچند و از کودکان خواسته می‌شود تا جسم جابه‌جا شود. در این جا ارزش همکاری روشن می‌شود.

۳- بازی‌هایی تقلیدی از زندگی روزانه (عروسک‌بازی، دزد و پلیس، آشپزی، ماشین بازی ایفای نقش و جای‌گزینی خود به جای دیگری) به کودک فرصت می‌دهد تا دیدگاه‌های دیگران را دریابد و راه اصولی برخورد با مسائل را فراگیرد.
– بازی‌هایی چون «کسی در شهر گم شده» «من آدرس منزل را بلد نیستم»، «شماره‌ی تلفن خانه‌ی شما چیست»، از جمله بازی‌هایی است که می‌تواند علاوه بر شناخت محیط زندگی کودک به او فرصت دهد تا با نشانه‌های خانه خود و دیگران آشنا شود و به روابط اجتماعی پی‌برد.

۹- روش گردش علمی: یکی دیگر از روش‌های مناسب، که عمدتاً به شناخت محیط اطراف منجر می‌شود، روش گردش علمی است. در این روش، کودک می‌تواند علاوه بر شناخت محیط با افراد گوناگون جامعه (پُستچی، رفتگر، فروشنده و...) آشنا شود.
گردش‌های علمی داخل شهر، بازدید از پارک‌ها، مغازه‌ها، قدم‌زدن در خیابان و ده‌ها مورد دیگر می‌تواند برای کودکان معانی و مفاهیم بسیاری را به دنبال داشته باشد.

دیدن یک باغ وحش، بازدید از ساختمان نیمه‌تمام، رفتن به سوپرمارکت، آشنایی با مشاغل گوناگون، نحوه‌ی برخورد انسان‌ها با یک‌دیگر، تغییرات طبیعی در محیط، در خانه و در بین مردم، هر یک شاخص پرارزشی برای کسب مهارت اجتماعی و زیستن در محیط است.

برای گردش‌های علمی باید از قبل برنامه‌ریزی کرد تا بتوان به اهداف اساسی آن دست یافت، از این رو:

– قبل از بازدید گروهی، محل را مورد بازدید قرار دهید و نکات ایمنی و بهداشتی آن را یادداشت کنید.

– تاریخ بازدید را با مسئولین محل مورد بازدید هماهنگ کنید و به خانواده اطلاع دهید.

– وسایل مورد نیاز برای بازدید را به خانواده اطلاع دهید (مواد خوراکی، پوشش و غیره)

– آرم مهدکودک را برای نصب روی بلوز و یا بازوی کودکان تهیه کنید.

– با کودکان، قبل از گردش در مورد محل موردنظر و این که در آن جا چه نکاتی باید رعایت شود، صحبت کنید (موارد ایمنی،

بهداشتی - آموزشی و ...).

- از همکاری و همراهی والدین می‌توانید استفاده کنید.
 - پس از گردش علمی، کودکان را تشویق کنید در مورد دیدارشان صحبت کنند.
 - آن‌ها را به تهیه پوستر و یا نقاشی گروهی تشویق نمایید.
- و نهایتاً کسب مهارت‌های اجتماعی فرایند پیچیده و درهم تنیده‌ای است که نمی‌توان از یک راه و با یک روش بدان دست یافت و چه بسا در پاره‌ای موارد مجموعه‌ای از این روش‌ها آموزش را ممکن می‌سازد.

خود را بیازمایید

- ۱- منظور از اجتماعی شدن را توضیح دهید.
- ۲- متغیرهای مربوط به اجتماعی شدن را نام ببرید.
- ۳- مقصود از جامعه‌پذیری چیست؟
- ۴- والدین در اجتماعی شدن کودکان چه نقشی دارند؟
- ۵- مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز کودکان را طبقه بندی کنید و برای هر مورد دو مثال بزنید.
- ۶- ساختار دو بازی سنتی را بنویسید و مهارت‌های اجتماعی این بازی‌ها را مقایسه کنید.
- ۷- نقش کتاب‌ها و قصه‌ها را، در اجتماعی شدن کودکان، توضیح دهید.
- ۸- روش قضاوت و داوری را با ذکر مثال بیان کنید.
- ۹- چنانچه کودکی منزوی و خجالتی باشد، برای اجتماعی شدن او چه روشی را پیش‌نهاد می‌کنید.

کتاب‌نامه

- ۱- ارونسون، الیوت: روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه‌ی حسین شکرکن، سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵
- ۲- بازرسان سلطنتی انگلستان: آموزش پیش دبستانی و دبستانی، ترجمه‌ی قاسم قاضی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵
- ۳- کار تلج، جی - میلیون، جی اف: آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان، ترجمه محمدحسین نظری نژاد (گروه ترجمه بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی) ۱۳۶۹
- ۴- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی: ویژه‌نامه همایش نقد و بررسی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. انتشارات مدرسه، ۱۳۷۸
- ۵- مجموعه احساس‌های تو و رفتارهای تو، انتشارات بنفشه

نقش و اهمیت آموزش مفاهیم ریاضی در دوران پیش از دبستان



- هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، دانش‌آموز باید بتواند:
- ضرورت آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان را توضیح دهد.
 - روش‌های آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان را توضیح دهد.
 - مفاهیمی را، که به کودکان پیش‌دبستانی باید آموزش دهند، فهرست کند.
 - هریک از مفاهیمی را، که به کودکان پیش‌دبستانی باید آموزش دهند، توضیح دهد.
 - نکاتی را، که والدین و مربیان در آموزش مفاهیم ریاضی باید بدانند، توضیح دهد.
 - در مورد آموزش هریک از مفاهیم ریاضی، فعالیت‌های مناسبی را طراحی کند.

تعریف ریاضی

- برای آشنایی با هر موضوعی، باید ابتدا تعریف روشنی از آن ارائه داد. در مورد ریاضی، تعاریف متعددی وجود دارد که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود:
- ریاضی، روش فکر کردن است. با کمک ریاضی می‌توان به راهبردهایی برای سازماندهی افکار، تجزیه و تحلیل، ترکیب داده‌ها و نظم فکری دست یافت.
 - ریاضی، ابزار است. این ابزار، هم در زندگی روزانه برای همه‌ی افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد و هم در بسیاری از مشاغل، کاربرد دارد. از جمله مهندسان در علوم کاربردی، برای طراحی ساختمان‌ها، پل‌ها و ... از آن استفاده می‌کنند.
 - ریاضی، زبان است. ریاضی دارای اصطلاحات دقیق و نمادهای معینی است که توانایی ما را در توضیح مسائل و بیان یافته‌های علمی، افزایش می‌دهد (مانند اعداد، فرمول‌ها و نشانه‌های ریاضی).
 - ریاضی، مطالعه و بیان روابط است. انسان، نیازمند شناخت روابط موجود بین پدیده‌های محیط پیرامون خود است. به کمک ریاضی می‌توان از این روابط آگاه شد.

— ریاضی، دانش ناب بشری است. ریاضی نه تنها خود در حل بسیاری از مسائل به ما کمک می‌کند، بلکه در همه ی رشته‌های دانش بشری، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

— این تعاریف، هرکدام، جنبه‌ای از دانش ریاضی را توصیف می‌کند. تعریف کامل ریاضی، در نظر گرفتن تمام جنبه‌های این دانش، یعنی توجه به همه‌ی این تعاریف است.

ضرورت و اهمیت آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان پیش‌دبستانی

دوران پیش از دبستان، سال‌های حساس رشد و یادگیری است و از آن‌جا که آموزش در این سال‌ها، آسان‌تر، عمیق‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد، از اهمیت خاصی برخوردار است.

آموزش مفاهیم ریاضی نیز در این سالها، مانند سایر آموزش‌ها، مورد تأکید روان‌شناسان و مربیان تربیتی قرار گرفته است و صاحب‌نظرانی مانند پستالوژی، فروبل و مونتسوری، آن را در برنامه‌های آموزشی خود وارد کرده‌اند. مطالعات پیازه، روان‌شناس معاصر نیز، نقش آموزش ریاضی را در رشد شناختی کودکان، با روش‌های تجربی، نشان داده است.

آموزش مفاهیم ریاضی، نه تنها به رشد ذهنی کودکان، در سال‌های اول کودکی کمک می‌کند، بلکه براساس بررسی‌های انجام شده، در دوران بزرگسالی نیز تأثیرگذار است و کودکان را برای آموزش ریاضی در دوران ابتدایی و سال‌های بالاتر، آماده می‌سازد. همان‌گونه که در تعریف ریاضی گفته شد، آموزش ریاضی، در زندگی روزانه برای کودکان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. مانند تشخیص و جابه‌جایی اسباب‌بازی‌ها، میزان خوراکی‌ها، شمردن پول و ...

آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان، سبب پرورش برخی از ویژگی‌های اساسی، از جمله نظم فکری، دقت و تمرکز، تجزیه و تحلیل، استدلال و ... در آنان می‌شود.

ادوارد دوبونو^۱، روان‌شناس و پژوهشگر معاصر در زمینه‌ی خلاقیت، در کتاب خود به نام «مکانیسم ذهن» ارتباط بین خلاقیت و مغز انسان و نقش ریاضی را در این زمینه توضیح می‌دهد. به نظر او تفکر خلاق، نوعی مبادله‌ی اطلاعات است که در کنار سایر روش‌های مبادله‌ی اطلاعات، از ریاضی نیز، در حد زیادی استفاده می‌شود.

آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان، علاوه بر تأثیرات فردی که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شد، از نظر اجتماعی نیز، نقش مؤثری دارد. با توجه به این که دانش ریاضی، در بیش‌ترین رشته‌های علوم، کاربرد دارد، می‌توان گفت که در توسعه‌ی علمی و صنعتی جامعه، تأثیرگذار است.

با توجه به نقش مؤثر ریاضی در رشد فردی و توسعه‌ی اجتماعی، ضرورت آموزش آن، در مراکز پیش از دبستان، باید مورد توجه قرار گیرد.

انواع دانش و جایگاه ریاضی در آن

پیازه، انواع دانش را در چهار گروه به شرح زیر تقسیم نموده و جایگاه ریاضی را در آن، مشخص کرده است:

۱— دانش حسی — حرکتی: این دانش، بدون آموزش، به صورت بازتاب‌ها در انسان و غرایز در سایر موجودات، حاصل می‌شود. مانند عمل مکیدن، تنفس، کارکرد حواس و ... در انسان و مهاجرت، لانه‌سازی و ... در پرندگان.

۲— دانش فیزیکی: این دانش، به صورت مستقیم و از راه حواس، دریافت می‌شود و از این طریق، ما بسیاری از اطلاعات

و تجربیات را به دست می آوریم. فراهم کردن محیط غنی و محرک برای کودکان، این دانش را در آنان افزایش می دهد. به ویژه اگر با تشویق کودکان به کشف، تجربه و جست و جوی همراه باشد.

دانش فیزیکی شامل شناخت خصوصیات اشیا، مانند رنگ، شکل، اندازه، جنس، وزن و ... است. یادگیری این ویژگی ها، پیش نیاز آموزش مفاهیم ریاضی است.

۳- دانش اجتماعی: این دانش شامل موارد زیر است:

- آشنایی با آداب و رسوم اجتماعی، مانند سلام کردن، خداحافظی کردن و ...
- آشنایی با محیط اجتماعی، مانند مشاغل، ساختمان ها، مراکز آموزشی، محیط زیست و ...
- آشنایی با مناسبت ها و سنت های اجتماعی، مانند روزهای ملی، مذهبی، زبان و ...
- آشنایی با جنبه های رشد اجتماعی کودکان، مانند دوستی، مشارکت، همکاری، ارتباط با هم سالان، بزرگ سالان، کمک، همدلی و ...

۴- دانش منطقی - ریاضی: این دانش شامل آموزش مفاهیم ریاضی، مانند طبقه بندی، ترتیب، درک مفهوم اعداد و ... است. یادگیری این مفاهیم، از راه بیان شفاهی، حاصل نمی شود بلکه با ایجاد محیط و فضای مناسب و با استفاده از حواس، وسایل ملموس و تشویق کودکان به کشف، تجربه و پرسش و پاسخ به دست می آید.

با توجه به انواع دانش، ریاضی شامل دانش فیزیکی و منطقی - ریاضی است.

چگونگی شکل گیری مفاهیم ریاضی در کودکان بر اساس نظریات پیازِه

پیازِه، رشد شناختی کودکان را به چهار دوره تقسیم بندی می کند. هر دوره، دارای مراحل است که در زیر مجموعه ی آن قرار دارد.

شما با این تقسیم بندی، در درس بهداشت روانی، آشنا شده اید. در این جا به اختصار، چگونگی شکل گیری مفاهیم ریاضی، در دو دوره از رشد شناختی که هم زمان با سال های پیش از دبستان است، آورده می شود.

۱- دوره ی حسی - حرکتی از تولد تا دو سالگی: در این سال ها، ادراک و شناخت کودک از محیط پیرامون خود، به کمک بازتاب ها و حواس صورت می گیرد. تفکر او در سال اول حسی - حرکتی و پیش کلامی است، یعنی به سبب این که از نظر رشد تکلم، هنوز پیشرفت زیادی نکرده است، از کلمات به عنوان نشانه ها نمی تواند استفاده کند.

در پایان این دوره، کودک می تواند به جداسازی خود از دیگران و اشیا دست یابد و با توجه به رشد زبان، کلمات را به صورت نمادها، به کاربرد مفهوم «پایداری شیء» را درک می کند، به این معنا که درمی یابد اشیا وجود دارند حتی اگر در معرض دید او نباشند. بنابراین، اگر یک اسباب بازی را به کودک نشان دهید و بعد آن را پنهان کنید، او برای پیدا کردن آن، به جست و جو می پردازد. این توانایی به او در شناخت و تشخیص اشیا کمک می کند. در این دوره، کودک خود را مرکز جهان می پندارد و همه چیز را در رابطه با آن می سنجد.

۲- دوره پیش عملیاتی از دو تا هفت سالگی: این دوره، به دو مرحله تقسیم می شود:

- مرحله ی تفکر پیش مفهومی از دو تا چهار سالگی: در این مرحله، توانایی تجسم در کودک شکل می گیرد و می تواند اشیا را در نبود آن ها، به یاد آورد و بشناسد. تکلم او به سرعت رشد می کند و با استفاده از کلمات و کاربرد نمادها در مورد اشیا و افرادی که حضور ندارند، گفت و گو می کند. بازی های نمادین و تخیلی شکل می گیرد.

در این مرحله، «تصویرسازی ذهنی» یا به گفته ی پیازِه «کارکرد نمادی»، از طریق بازی، تقلید، رشد کلامی و شناختی کودک،

گسترش می‌یابد. اشیاء را براساس یک ویژگی محسوس، طبقه‌بندی می‌کند (مانند رنگ). خودمحوری او کاهش می‌یابد و تدریجاً با دیگران ارتباط برقرار می‌سازد. در پایان این مرحله، آموزش مفاهیم، ریاضی به کودکان، به صورت هدفمند، آغاز می‌شود.

— **مرحله‌ی تفکر شهودی از چهار تا هفت سالگی:** تفکر شهودی یا مکاشفه‌ای در حدود چهارسالگی آغاز می‌شود و به دلیل رشد زبان، حافظه، کاربرد نمادها و تصویرسازی ذهنی، شناخت او گسترش می‌یابد. توانایی استدلال در این سال‌ها، آغاز می‌شود. رشد ترسیمی او در این دوره به مرحله‌ی تصویرگری می‌رسد و از این توانایی می‌توان در آموزش مفاهیم ریاضی، به صورت تصویری، توسط خود کودک، استفاده کرد. رابطه‌ی بین کل و جزء را درک می‌کند. روابط کیفی ریاضی، مانند طبقه‌بندی براساس چند ویژگی و ترتیب به صورت‌های متفاوت را می‌فهمد. در این مرحله، کودکان هنوز به ادراکات حسی خود وابسته‌اند و استدلال آنان، براساس مشاهداتشان صورت می‌گیرد. به نظر پیاژه کودکان، مفهوم «برگشت پذیری»^۱ و «ابقا»^۲ را در دوران دبستان درک می‌کنند. در حالی که آزمایش‌های انجام شده با کودکان ۵-۶ ساله (آمادگی) نشان می‌دهد که این مفاهیم برای این کودکان نیز قابل درک است.

تأکید بر نظرات پیاژه، به این سبب است که او با کاربرد روش‌های تجربی به صورت مستقیم در مورد کودکان، به نتایج خود دست یافته است اما اینک با گذشت چند دهه از این پژوهش‌ها، با توجه به تغییراتی که در رشد و تکامل کودکان به جهت برخورداری از امکانات و شرایط مناسب صورت گرفته، برخی از این نتایج نیز، تغییر کرده است. این گونه تغییرات نه تنها در رشد شناختی، که در سایر جنبه‌های رشد، از جمله رشد جسمی حرکتی، عاطفی - روانی و اجتماعی - اخلاقی نیز صورت گرفته است.

در حال حاضر، توانمندی‌های کودکان در همه‌ی جنبه‌های رشد، فراتر از حدی است که در جداول رشد و تقسیم‌بندی‌های رشد شناختی و سایر جنبه‌های رشد و تکامل کودکان، مشخص شده است و این نکته‌ای است که در آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان و سایر آموزش‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

نکاتی که والدین و مربیان باید بدانند

در آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان به نکات زیر باید توجه کرد:

۱- **توجه به رشد شناختی کودکان:** آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان باید از ساده به مشکل و با توجه به مراحل رشد آنان، به‌ویژه رشد شناختی، صورت گیرد. مربیان باید آشنایی با این مراحل، آموزش مفاهیم ریاضی را به کودکان، در سنین مختلف، برنامه‌ریزی کنند.

معمولاً برای کودکان زیر ۳ سال، آموزش برخی از مفاهیم ریاضی، در قالب بازی‌های ساده، به صورت غیرمستقیم و به‌منظور آشنایی اولیه با آن‌ها صورت می‌گیرد. از چهارسالگی آموزش مفاهیم ریاضی، به صورت برنامه‌ریزی شده، آغاز می‌شود.

۲- **توجه به علایق کودکان:** در آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان، مانند سایر آموزش‌ها، باید علایق آنان را در نظر گرفت. استفاده از بازی‌ها و روش‌های جذاب، این امر را امکان‌پذیر می‌سازد.

۳- **ایجاد انگیزه در کودکان برای یادگیری:** انگیزه، حالتی درونی است که انسان را به انجام فعالیتی جذب و یا منع می‌کند. انگیزه، محرک قوی برای کودکان، در امر یادگیری است. می‌دانیم که کودکان به صورت طبیعی به یادگیری، اشتیاق و علاقه نشان می‌دهند، به شرطی که روش آن مناسب باشد. بنابراین، می‌توان با کاربرد روش‌های مناسب، انگیزه‌ی یادگیری را در کودکان، تقویت کرد.

۴- **توجه به درک مفاهیم ریاضی:** مفاهیم ریاضی، به کمک حافظه و با توضیحات شفاهی و حتی تصویری، آموخته نمی‌شوند، بلکه از راه تجربه و عمل، کشف می‌شوند. به عنوان مثال، برای درک مفهوم طبقه‌بندی، کودک باید خود، با استفاده از

۱- مفهوم «برگشت پذیری» بعداً توضیح داده می‌شود.

۲- مفهوم «ابقا» بعداً توضیح داده می‌شود.

اشیای گوناگون، به طبقه‌بندی آن‌ها براساس یک یا چند ویژگی - مثلاً رنگ یا شکل - پردازد.

۵- توجه به پیوستگی فرایند یادگیری: آموزش مفاهیم ریاضی باید از ساده به مشکل صورت گیرد، زیرا این مفاهیم با یکدیگر، ارتباط و پیوستگی دارند، به گونه‌ای که یک مطلب جدید، به کمک مطلب قبلی، آموخته می‌شود. مثلاً تا کودک طبقه‌بندی را یاد نگیرد، ردیف کردن را نمی‌تواند به درستی اجرا کند.

۶- توجه به تفاوت‌های فردی: در آموزش مفاهیم ریاضی، مانند سایر آموزش‌ها، کودکان با یکدیگر تفاوت دارند. برخی زودتر و بعضی دیرتر این مفاهیم را یاد می‌گیرند.

۷- تمرین و تکرار: برای آموزش مفاهیم ریاضی، کودکان باید آن‌ها را درک کنند اما برای تثبیت آن‌ها، تمرین و تکرار، ضروری است. به عنوان مثال، کودکان مفهوم طبقه‌بندی براساس رنگ را با تعدادی مهره‌های رنگی، درک می‌کنند اما برای تثبیت این مفهوم و طبقه‌بندی براساس سایر ویژگی‌ها، باید بارها آن را تکرار و تمرین کنند. تکرار فعالیت‌ها باید با تنوع آن‌ها همراه باشد تا در کودکان ایجاد خستگی نکند.

روش آموزش مفاهیم ریاضی

برای آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان پیش دبستانی، از روش‌های زیر می‌توان استفاده کرد.

۱- روش مکاشفه‌ای: مکاشفه یعنی شناخت یک پدیده از طریق حواس و بدون نیاز به استدلال. سرچشمه‌ی همه‌ی معلومات ما، داده‌هایی است که از راه حواس و به کمک مکاشفه به دست می‌آوریم. با توجه به این روش، می‌توان با ایجاد محیط مناسب و ارائه‌ی محرک‌های متنوع، حواس کودک را تحریک کرد و به او، در درک مفاهیم ریاضی، یاری رساند.

۲- روش فعال: منظور از روش فعال، این است که کودک با انجام یک فعالیت عملی، به درک یک مفهوم ریاضی، دست یابد. در روش فعال، کودک به تجربه و دست‌ورزی می‌پردازد. این روش، از آن جهت اهمیت دارد که در مورد کودکان، بدون فعالیت و عمل، تفکری ایجاد نمی‌شود. در واقع عمل، ابزار تفکر است.

۳- بازی: بازی با توجه به جذابیت آن برای کودکان، روش مناسبی برای آموزش آنان در همه‌ی زمینه‌ها، از جمله در مورد مفاهیم ریاضی است. همه‌ی مفاهیم ریاضی را می‌توان با طراحی بازی‌های مناسب، به کودکان آموزش داد. در آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان، همان‌گونه که در روش‌های بالا توضیح داده شد، کودکان باید ابتدا، به صورت ملموس، عینی و با استفاده از اشیاء و انجام تجربه، مفاهیم موردنظر را درک کنند. بعد از این مرحله می‌توان، از تصاویر مناسب، نقاشی و کاردستی نیز استفاده کرد.

نکته‌ی مهم دیگری، که در آموزش مفاهیم ریاضی به آن باید توجه کرد، این است که این آموزش‌ها لزوماً نباید در ساعات خاصی اجرا شود، بلکه در قالب فعالیت‌های دیگر نیز مانند قصه‌گویی، نمایش، شعر، موسیقی، ورزش و ... می‌توان این مفاهیم را به کودکان آموزش داد.

مفاهیم ریاضی در پیش از دبستان

مفاهیم ریاضی که در سال‌های پیش از دبستان به کودکان آموزش داده می‌شود، شامل دو بخش است:

الف - مفاهیم مربوط به دانش فیزیکی

ب - مفاهیم مربوط به دانش منطقی - ریاضی

الف - مفاهیم مربوط به دانش فیزیکی: دانش فیزیکی، همان گونه که قبلاً گفته شد، شامل خصوصیات ظاهری اشیاست، که از طریق حواس دریافت می‌شود. این دانش، مقدم بر دانش منطقی - ریاضی است و به عنوان پیش‌نیاز آموزش مفاهیم ریاضی، در نظر گرفته می‌شود.

مفاهیم مربوط به دانش فیزیکی، شامل موارد زیر است:

۱ - مفاهیم مربوط به اندازه: درک مفهوم اندازه در کودکان پیش‌دبستانی با روش کمی صورت نمی‌گیرد بلکه از طریق

تشخیص، تخمین و مقایسه اجرا می‌شود.

مفهوم اندازه شامل موارد زیر است:

- بزرگ، بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین، همانند

- کوچک، کوچک‌تر، کوچک‌ترین، همانند

- بلند، بلندتر، بلندترین، همانند

- کوتاه، کوتاه‌تر، کوتاه‌ترین، همانند

- سنگین، سنگین‌تر، سنگین‌ترین، همانند

- سبک، سبک‌تر، سبک‌ترین، همانند

- بهن، بهن‌تر، بهن‌ترین، همانند

- باریک، باریک‌تر، باریک‌ترین، همانند

- بیش، بیش‌تر، بیش‌ترین، همانند

- کم، کم‌تر، کم‌ترین، همانند

درک مفاهیم اصلی مربوط به اندازه، مانند بزرگ، کوچک و ... ساده‌تر از درک مفاهیم نسبی، مانند بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین و

هم‌اندازه است. بنابراین، ابتدا مفاهیم ساده‌تر و سپس مفاهیم دشوارتر، آموزش داده می‌شود.

مفاهیم ساده‌تر برای کودکان ۳-۴ سال و مفاهیم مشکل‌تر، برای کودکان بالاتر از ۴ سال در نظر گرفته می‌شود.

برای آموزش این مفاهیم از فعالیت‌های عملی، بازی و نمایش و... می‌توان استفاده کرد.

● فعالیت ۱

تعدادی توپ‌های رنگی در اندازه‌های مختلف به کودک داده می‌شود و او ضمن بازی

با توپ‌ها، مشاهده و لمس آن‌ها، تشخیص می‌دهد کدام بزرگ و کدام کوچک است. این

بازی برای کودکان ۳-۴ سال مناسب است.



شکل ۱-۹

● فعالیت ۲



شکل ۲-۹

تعدادی از اشیای مختلف، مانند توپ پلاستیکی، لیوان، بشقاب، کتاب و ... به کودک داده می‌شود و او با دست زدن به اشیا، بلند کردن آن‌ها و مقایسه‌ی آن‌ها با یک‌دیگر، تشخیص می‌دهد کدام یک از آن‌ها از همه سبک‌تر است. این فعالیت برای کودکان ۵-۶ سال مناسب است.

تمرین

برای هر یک از مفاهیم مربوط به اندازه، یک فعالیت را طراحی کنید و در صورت امکان در مورد کودکان، اجرا نمایید و نتیجه را در کلاس ارائه دهید.

۲- مفاهیم مکانی (فضایی): درک مکان و فضا، یعنی آگاهی کودک از محیط پیرامون خود و موقعیت اشیا در آن، در ارتباط با جسم خود. در واقع کودکان برای تشخیص مکان اشیا از بدن خود، به عنوان نقطه‌ی مرجع، استفاده می‌کنند و به کمک مشاهده، تجربه و دست‌ورزی به درک این مفاهیم دست می‌یابند.

مفاهیم مکانی شامل موارد زیر است :

- بالا، بالاتر، بالاترین، همانند

- پایین، پایین‌تر، پایین‌ترین، همانند

- داخل، خارج

- زیر، زیرتر، زیرترین، همانند

- رو، روتر، روترین، همانند

- دور، دورتر، دورترین، همانند

- نزدیک، نزدیک‌تر، نزدیک‌ترین، همانند

- اول، وسط، آخر

- جلو، جلوتر، جلوترین، همانند

- عقب، عقب‌تر، عقب‌ترین، همانند

- چپ، راست

- در مورد مفاهیم مکانی نیز، مفاهیم اصلی مانند بالا، پایین و ... ساده‌تر از مفاهیم نسبی مانند بالاتر، پایین‌ترین و ... است. برای آموزش این مفاهیم، از فعالیت‌های عملی، بازی، تجربه و ... می‌توان استفاده کرد.

● فعالیت ۱

ورزش با موسیقی: ورزش برای درک مفاهیم فضایی، از فعالیت‌های مناسب است. کودکان دایره وار می‌ایستند و همراه با آهنگ، دست‌ها را بالا، پایین، به چپ، به راست می‌برند و با اجرای این حرکات، به درک این مفاهیم، دست می‌یابند. به نظر پیازه، حرکت سبب درک مفاهیم فضایی می‌شود.



شکل ۳-۹

● فعالیت ۲

نقاشی: از کودکان می‌خواهیم تصویر یک خانه را بکشند. در جلوی آن چند گل و در عقب آن، چند درخت نقاشی کنند. بالای درخت، یک پرند و در زیر آن یک آدم بکشند.

تمرین

هنرجویان به چند گروه تقسیم می‌شوند. هر گروه، برای یکی از مفاهیم مکانی، فعالیت را طراحی و در کلاس ارائه می‌دهد.

۳- مفاهیم زمانی: کودکان پیش دبستانی، درک محدودی از زمان دارند زیرا زمان یک مفهوم انتزاعی است. در حدود سه سالگی، کودکان زمان را در ارتباط با فعالیت‌های روزانه‌ی خود، مانند غذا خوردن، خوابیدن، بازی کردن و ... درک می‌کنند و در این ارتباط معنی کلماتی مانند صبح و شب را تا حدی می‌فهمند. درک مفاهیمی مانند امروز، دیروز و فردا برای آنان دشوار است. اما از رویدادهایی که در یک روز اتفاق افتاده است، آگاهی دارند. در حدود شش سالگی، ساعت را می‌شناسند، اما قادر به درک آن نیستند. روزهای هفته، ماه و فصل را در قالب شعر و تصویر یاد می‌گیرند، اما درک درستی از آن‌ها ندارند. به طور کلی، درک مفهوم زمان، برای کودکان پیش دبستانی دشوار است اما می‌توانند گذشت زمان را احساس کنند.

مفاهیم زمانی شامل موارد زیر است:

– مفهوم شب، روز، صبح، عصر، ظهر

– روزهای هفته، ماه، فصل، سال

– امروز، فردا، دیروز

– دیر، زود

– تند، آهسته

– کودک، جوان، پیر

معمولاً مفاهیم زمانی را با استفاده از نشانه‌های ملموس و فعالیت‌های روزانه آموزش می‌دهیم. از شعر، بازی، داستان و نمایش هم می‌توان استفاده کرد.

● فعالیت ۱

آشنایی با مفهوم روز و هفته برای کودکان ۵-۶ سال: به هر کودک، یک صفحه مقوا، به اندازه $A4$ داده می‌شود. آن را به شکل دایره یا بیضی و با مربع درمی‌آورد. به کمک مربی آن را به هفت قسمت مساوی برای هر روز هفته، تقسیم می‌کند. هر قسمت را با هر رنگی که دوست دارد، رنگ‌آمیزی می‌کند. روی هر قسمت، یکی از فعالیت‌هایی را که آن روز در مهدکودک صورت می‌گیرد، نقاشی می‌کند (مثلاً ورزش، بازی، نقاشی و ...).

یک عقربه برای آن می‌گذارد و هرروز صبح، عقربه را روی روز مربوط قرار می‌دهد. به این ترتیب کودک با حرکت عقربه و با توجه به رنگ هر روز و فعالیتی که در آن روز اجرا می‌کند، درکی از مفهوم روز و هفته به دست می‌آورد. مربی یک تقویم برای کلاس تهیه می‌کند و هر کودک نیز یک تقویم برای خود درست می‌کند، به خانه می‌برد.



شکل ۴-۹

● فعالیت ۲

استفاده از ساعت شنی: برای این که کودکان از مفهوم زمان، احساس و درکی داشته باشند، می‌توان یک ساعت شنی را که مدت یک دقیقه خالی شدن آن طول می‌کشد، به کودکان نشان داد و از آنان خواست هرکدام به یک فعالیت مانند رنگ کردن، بریدن کاغذ، خوردن میوه و ... مشغول شوند و ببینند در یک دقیقه، چه قدر از این کارها را می‌توانند اجرا کنند.



شکل ۵-۹

تمرین

برای هر یک از مفاهیم زمانی، یک فعالیت طراحی کنید و آن را در مورد کودکان اجرا نمایید.

ب- مفاهیم مربوط به دانش منطقی - ریاضی: مفاهیم مربوط به دانش منطقی - ریاضی شامل مفاهیم زیر است:
۱- طبقه‌بندی: منظور از طبقه‌بندی، گروه‌بندی اشیاء براساس یک خصوصیت مشترک است. مانند طبقه‌بندی براساس رنگ،

شکل، اندازه و ...

طبقه‌بندی یک فعالیت ذهنی اساسی است که در زندگی روزانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. کودکان از زمانی که اشیا را می‌شناسند، به نوعی به طبقه‌بندی آن‌ها می‌پردازند. مثلاً، عروسک‌ها را در یک سبد و لگوها را در سبد دیگر قرار می‌دهند. اما به صورت هدفمند و برنامه‌ریزی شده، می‌توانیم آن‌ها را به کودکان (از چهار سالگی) بیاموزیم. کودکان ابتدا اشیا را براساس یک ویژگی (مثلاً رنگ) و سپس با توجه به چند ویژگی (مانند رنگ و شکل)، طبقه‌بندی می‌کنند (طبقه‌بندی چندگانه).

● فعالیت ۱

ساختن آلبوم: کودکان می‌توانند از روزنامه‌ها و مجلات، تصاویر مختلفی را شامل حیوانات، گل‌ها، آدم‌ها و ... ببرند و هر گروه تصاویر را در یک صفحه بچسبانند.

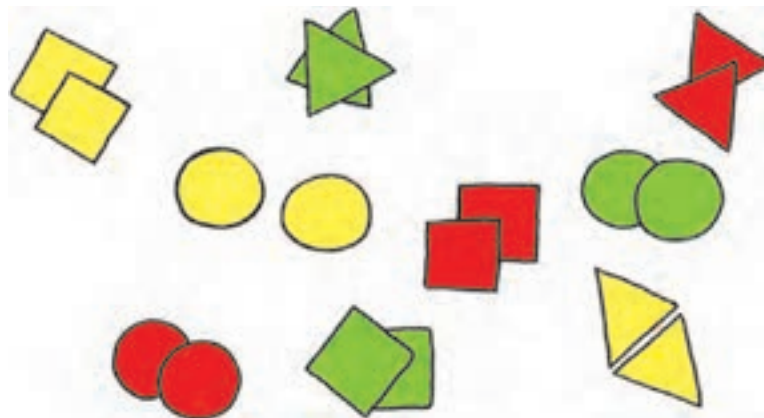


شکل ۶-۹

● فعالیت ۲

طبقه‌بندی براساس شکل و رنگ: تعدادی کارت‌های رنگی (سبز، قرمز، زرد) در اشکال مختلف (دایره، سه‌گوش، چهارگوش) به کودکان می‌دهیم و از آنان می‌خواهیم آن‌ها را براساس رنگ و شکل جدا کنند. سپس در مورد فعالیتی که اجرا کرده‌اند، با آن‌ها گفت‌وگو می‌کنیم:

به چه کاری اقدام کرده‌اید؟ چرا همه‌ی دایره‌های زرد را جدا کردید؟ چرا سه‌گوش‌های قرمز را در کنار مربع‌های قرمز قرار ندادید؟ با طرح این سؤالات، کودکان می‌توانند با توضیح فعالیت‌های خود، به درک و کشف مفاهیم آن‌ها بپردازند.



شکل ۷-۹

تمرین

فعالیت‌هایی را برای طبقه‌بندی طراحی کنید و در کلاس ارائه دهید (طبقه‌بندی اشیاء براساس جنس آن‌ها، براساس اندازه آن‌ها و سایر خصوصیات)

۲- ترتیب (ردیف‌سازی): ترتیب، یعنی طبقه‌بندی منظم و یا کشف یک نظم در یک مجموعه. ترتیب نیز مانند طبقه‌بندی، یکی از فعالیت‌های اساسی ذهن، در آموزش مفاهیم ریاضی از جمله یادگیری مفهوم اعداد است.

● فعالیت ۱

ساختن ردیف از روی الگو: تعدادی کارت رنگی در اشکال گوناگون به کودکان می‌دهیم. ابتدا یک ردیف از کارت‌های رنگی را برای آنان درست می‌کنیم سپس از آن‌ها می‌خواهیم این ردیف را ادامه دهند و ردیف‌های دیگری نیز بسازند.



شکل ۸-۹

در پایان، با کودکان در مورد فعالیتی که انجام داده‌اند گفت و گو می‌کنیم تا مفهوم ردیف‌سازی را بهتر درک کنند: بعد از سه گوش، چه شکلی قرار می‌گیرد؟ چرا بعد از دایره، چهارگوش را گذاشته است؟ و ... این فعالیت را می‌توان با حبوبات (نخود - لوبیا - عدس) و ژتون‌های رنگی نیز انجام داد.

● فعالیت ۲

مرتب کردن تصاویر مربوط به رشد یک گیاه (گل): چند تصویر، در ارتباط با رشد یک گیاه به کودک می‌دهیم (تصویر دانه در خاک، ریشه کردن، جوانه زدن، رویش برگ‌ها، رویدن گل) و از او می‌خواهیم تصاویر را با توجه به ترتیب زمانی آن‌ها، مرتب کند. پس از انجام فعالیت، با او گفت‌وگو می‌کنیم: چرا تصویر مربوط به ریشه، بعد از تصویر دانه در خاک، قرار دارد؟ چرا تصویر گل، در آخر قرار دارد؟ ...



شکل ۹-۹

این فعالیت را می‌توان با داستان‌های تصویری نیز اجرا کرد. ترتیب، برای درک مفهوم عدد، یک فعالیت اساسی است. برای این که کودک بتواند ردیف‌سازی کند باید مفهوم «برگشت‌پذیری»^۱ را درک کند. «برگشت‌پذیری» یعنی توانایی مرتب کردن اشیاء از دو جهت، مثلاً از بزرگ به کوچک و از کوچک به بزرگ. برای ایجاد توانایی «برگشت‌پذیری» در کودکان، باید به تمرین‌های متعدد و متنوعی (در ارتباط با ترتیب، از دو جهت) پردازند.

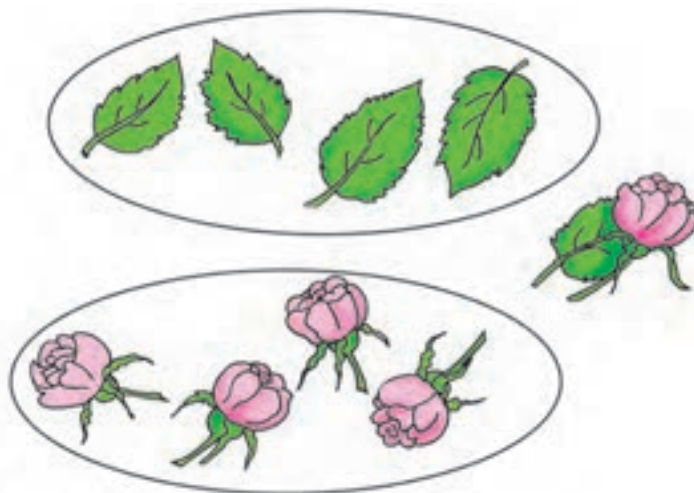
تمرین

یک داستان تصویری تهیه کنید و آن را در مورد کودکان اجرا نمایید. برای مفهوم «برگشت‌پذیری» فعالیت‌هایی را طراحی کنید.

۳- مقابله یک به یک: مقابله یک به یک یا تناظر یک به یک، یعنی مقایسه‌ی اعضای دو مجموعه با یکدیگر و قرار دادن آن‌ها در کنار هم، با توجه به ارتباطی که بین آن‌ها وجود دارد. به عنوان مثال اگر تعدادی لیوان و بشقاب پلاستیکی رنگی به کودک بدهیم او باید بتواند، با توجه به رابطه‌ای که بین لیوان و بشقاب وجود دارد، هر لیوان را داخل بشقاب هم‌رنگ خود قرار دهد.

● فعالیت ۱

به هر کودک ۵ برگ و ۵ گل می‌دهیم. از کودکان می‌خواهیم ابتدا برگ‌ها را در یک طرف و گل‌ها را در طرف دیگر قرار دهند. آن‌گاه هر گل را روی یک برگ بگذارند. سپس با آن‌ها گفت‌وگو می‌کنیم: چندتا برگ دارید؟ چند تا گل دارید؟ چرا هر گل را روی یک برگ قرار دادید؟ ... این فعالیت را می‌توان با کارت‌ها و مهره‌های رنگی نیز اجرا کرد.



شکل ۱۰-۹

● فعالیت ۲

وصل کردن تصاویر مربوط به هم: دو دایره می کشیم. داخل یک دایره ۶ گل و داخل دایره ی دیگر ۶ گلدان کوچک می کشیم. به این ترتیب دو مجموعه داریم که اعضای آن با هم ارتباط دارند. تصویر را به کودکان می دهیم و از آنان می خواهیم هر گل را به گلدان هم رنگ خود وصل کند. پس از انجام فعالیت با کودکان گفت و گو می کنیم: چند تا گل دارید؟ چندتا گلدان دارید؟ چرا دو گل را به یک گلدان وصل نکردید؟ و ... این فعالیت را کودکان می توانند با نقاشی خودشان نیز اجرا کنند.



شکل ۱۱-۹

تمرین

با کارت های رنگی (اشکال سه گوش، دایره، چهارگوش) یک فعالیت برای مقابله ی یک به یک، طراحی کنید. با مهره های رنگی، در شکل ها و اندازه های مختلف، یک فعالیت برای مقابله ی یک به یک طراحی کنید.

۴- مجموعه ها: مجموعه، یعنی تعدادی از اشیا یا پدیده ها که حداقل در یک خصوصیت باهم مشترک اند. به هر یک از اشیا یا پدیده هایی که یک مجموعه را تشکیل می دهند، اعضای مجموعه یا زیرمجموعه می گویند. به عنوان مثال، پرندگان، یک مجموعه هستند، همین طور گل ها و یا اشکال هندسی که از نظر شکل یا رنگ، مانند هم اند، یک مجموعه را تشکیل می دهند.

● فعالیت ۱



شکل ۱۲-۹

تعدادی مهره های رنگی (سبز، قرمز، زرد) در اشکال مختلف (دایره، سه گوش، چهارگوش) به کودکان می دهیم. ۳ بشقاب پلاستیکی به شکل دایره، سه گوش و چهارگوش در اختیار کودکان قرار می دهیم و از آنان می خواهیم مهره های هر شکل را در داخل بشقاب های هم شکل خود قرار دهند. پس از انجام فعالیت با آنان گفت و گو می کنیم: آیا همه ی مهره ها یک شکل اند؟ آیا همه ی بشقاب ها یک شکل دارند؟ آیا برای هر مهره، بشقاب هم شکل خود هست؟ آیا برای هر مهره، بشقاب هم رنگ خود هست؟ و ...

● فعالیت ۲

تعدادی کارت‌های تصویری مربوط به حیوانات، گل‌ها، میوه‌ها و ... به کودکان می‌دهیم. به هر کودک چند نخ کاموا به طول ۶۰ سانتی‌متر می‌دهیم از کودکان می‌خواهیم نخ‌های کاموا را به هر شکل که می‌خواهند (دایره، بیضی و ...) در مقابل خود قرار دهند و تصاویر مربوط به هم را در داخل آن بگذارند. گل‌ها در یک دایره، حیوانات در یک مجموعه، میوه‌ها در یک مجموعه و ... به این ترتیب چندین مجموعه درست می‌شود. سپس با کودکان به گفت‌وگو می‌نشینیم.

چند تا تصویر حیوان در دایره دارید؟ چند تا تصویر گل؟ چندتا تصویر میوه؟ آیا تعداد تصاویر هر مجموعه با هم برابرند؟ چرا گل‌ها را در داخل دایره میوه‌ها قرار ندادید؟ و ...



شکل ۱۳-۹

تمرین

با توجه به مفهوم مجموعه‌ها، فعالیت عملی و تصویری برای کودکان طراحی کنید.

۵- درک شباهت‌ها: کودکان، با مشاهده و مقایسه، شباهت بین اشیاء و پدیده‌ها را تشخیص می‌دهند. به عنوان مثال اگر به کودکان مقداری لوبیا در رنگ‌های مختلف (سفید، قرمز) بدهیم، می‌توانند لوبیاهای شبیه به هم را از نظر رنگ تشخیص دهند و جدا سازند.

● فعالیت ۱

تعدادی دکمه در اندازه‌ها، شکل‌ها و رنگ‌های مختلف به کودکان می‌دهیم و از آنان می‌خواهیم دکمه‌هایی را که مانند هم هستند، پیدا کنند و در کنار هم قرار دهند. پس از فعالیت با آنان گفت‌وگو می‌کنیم:

چند رنگ دکمه دارید؟ آیا همه‌ی دکمه‌ها یک اندازه‌اند؟ آیا همه‌ی دکمه‌ها یک شکل‌اند؟ دکمه‌هایی را که انتخاب کرده‌اید مثل هم‌اند؟ و ...



شکل ۱۴-۹

● فعالیت ۲

تصویرهای مشابه : ده تصویر گل به کودک می‌دهیم. بعضی از گل‌ها، مانند هم و برخی با هم متفاوت‌اند. از کودک می‌خواهیم گل‌های مانند هم را پیدا کند و در کنار هم قرار دهد. پس از انجام فعالیت با او گفت‌وگو می‌کنیم :
آیا همه گل‌ها مثل هم هستند؟ گل‌ها، چه شباهت‌هایی باهم دارند؟ و ...



شکل ۱۵-۹

تمرین

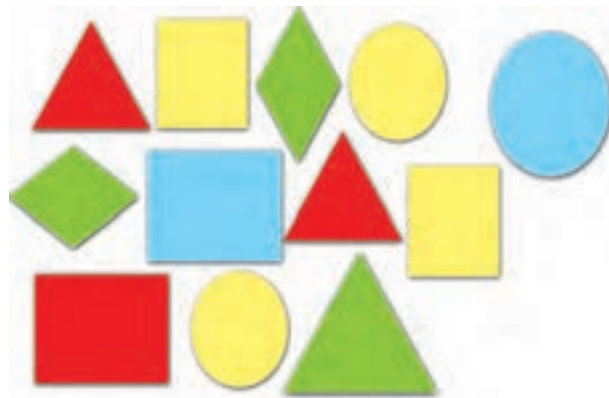
برای درک شباهت‌ها، یک فعالیت تصویری و یک فعالیت عملی برای کودکان طراحی کنید.

۶- درک تفاوت‌ها: کودکان، تفاوت بین اشیاء و پدیده‌ها را، مانند شباهت‌های آن‌ها، با مشاهده و مقایسه، تشخیص می‌دهند. به عنوان مثال اگر به کودکان تعدادی ماشین کوچک بدهیم که بعضی از آن‌ها مثل هم و برخی باهم تفاوت دارند، می‌توانند ماشین‌هایی را که مثل هم نیستند تشخیص دهند و جدا کنند.

● فعالیت ۱

تعدادی کارت رنگی به شکل سه گوش، چهارگوش، دایره و ... که بعضی از نظر رنگ و اندازه مثل هم نیستند و برخی از آن‌ها، مثل هم‌اند، به کودکان می‌دهیم و از آنان می‌خواهیم کارت‌هایی را که مثل هم نیستند و باهم تفاوت دارند، از بقیه جدا کنند و در کنار هم قرار دهند. پس از انجام فعالیت با آن‌ها گفت‌وگو می‌کنیم :
آیا همه‌ی کارت‌ها مثل هم‌اند؟ چه تفاوت‌هایی باهم دارند؟ کارت‌هایی را که جدا کرده‌اید مثل هم هستند یا باهم تفاوت دارند؟

... و



شکل ۱۶-۹

● فعالیت ۲

تصویرهای متفاوت: تعدادی تصاویر خانه که برخی مثل هم و بعضی باهم تفاوت دارند، به کودکان می‌دهیم و از آنان می‌خواهیم خانه‌هایی را که با هم تفاوت دارند از بقیه جدا کنند و در کنار هم قرار دهند. سپس با آنان به گفت‌وگو می‌پردازیم: آیا همه‌ی خانه‌ها مثل هم‌اند؟ آیا همه‌ی خانه‌ها باهم تفاوت دارند؟ خانه‌هایی که مثل هم نیستند، چه تفاوت‌هایی باهم دارند؟ و ...

تمرین

برای درک تفاوت‌ها، یک فعالیت عملی و یک فعالیت تصویری برای کودکان طراحی کنید.

۷- ابقا^۱ یا نگهداری ذهنی:

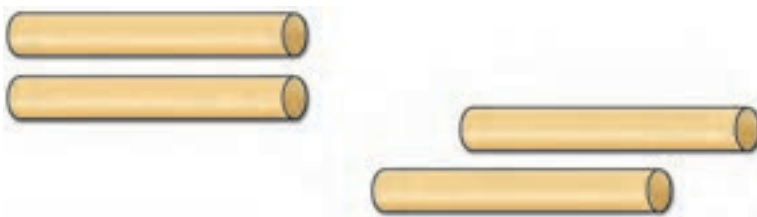
منظور از ابقا این است که اگر در یک مجموعه، شکل ظاهری آن تغییر کند یعنی اعضای یک مجموعه را در شکل‌های گوناگون قرار دهیم، تعداد و کمیت آن تغییر نمی‌کند.

به نظر پیاژه این توانایی در سال‌های اول دبستان در کودکان ایجاد می‌شود اما تجربیاتی که در این زمینه در کشور ما (در مهدهای کودک تهران) صورت گرفته است، نشان می‌دهد که کودکان آمادگی (۶ساله)، توانایی درک مفهوم ابقا را دارند. ابقا در زمینه‌های زیر صورت می‌گیرد:

الف - ابقای طول (خط): کودکان باید درک کنند اگر دو خط باهم برابر باشند، اگر طرز قرار گرفتن آن‌ها، تغییر کند اندازه‌ی آن‌ها تغییر نمی‌کند.

● فعالیت ۱

دو قطعه چوب مساوی را به کودک می‌دهیم. کودک، این دو قطعه چوب را کنار یکدیگر قرار می‌دهد و درک می‌کند که باهم برابرند. حال اگر یکی از چوب‌ها را بالا یا پایین ببریم، کودک ممکن است بگوید، یکی از چوب‌ها درازتر یا کوتاه‌تر است. اما پس از چند بار آزمایش و با توجه به سؤالاتی که از او می‌شود، کودک به این نتیجه می‌رسد که چوب‌ها باهم برابرند.



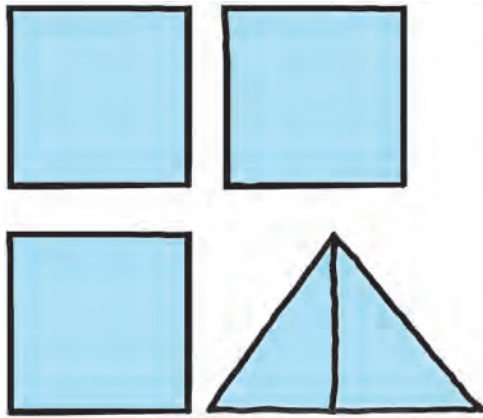
شکل ۱۷-۹

تمرین

یک فعالیت برای ابقای خط، طراحی کنید.

ب - ابقای سطح: کودکان باید درک کنند که اگر دو سطح (دوشکل) باهم برابرند، با تغییر شکل آن‌ها، اندازه‌ی آن‌ها تغییر نمی‌کند.

● فعالیت ۱



شکل ۱۸-۹

دو چهارگوش را که باهم برابرند، به کودک می‌دهیم. کودک چهارگوش‌ها را کنار هم می‌گذارد و تشخیص می‌دهد که باهم برابرند. یکی از چهارگوش‌ها را به دو سه‌گوش تبدیل می‌کنیم و از کودک می‌پرسیم آیا این دو شکل باهم برابرند؟ ابتدا کودک ممکن است بگوید باهم برابر نیستند. اما با چند بار آزمایش، که توسط خود کودک صورت می‌گیرد و با تبدیل چهارگوش به سه‌گوش و سه‌گوش به چهارگوش و با توجه به سؤالاتی که از او می‌شود، کودک به این نتیجه دست می‌یابد که دو سطح (چهارگوش و دو سه‌گوش) باهم برابرند.

تمرین

یک فعالیت برای ابقای سطح، طراحی کنید.

ج- ابقای حجم: کودکان باید درک کنند که اگر دو حجم باهم برابرند، با تغییر شکل آن‌ها، اندازه‌ی آن‌ها، تغییر

نمی‌کند.

● فعالیت ۱

سه لیوان با اندازه‌های بلند و باریک، پهن و کوتاه و متوسط را جلوی کودکان می‌گذاریم. از یک پارچ آب، با یک پیمانه، به اندازه‌ی مساوی در این سه لیوان آب می‌ریزیم. آن‌گاه از کودکان می‌پرسیم، آب کدام یک از لیوان‌ها بیش‌تر است. معمولاً اکثر کودکان، لیوان بلند و باریک را انتخاب می‌کنند. کودکان، با تکرار آزمایش و ریختن آب از پیمانه در لیوان‌ها و با توجه به سؤالاتی که از آنان می‌شود، پس از مدتی به این نتیجه می‌رسند که آب هر سه لیوان، یکسان است.



شکل ۱۹-۹

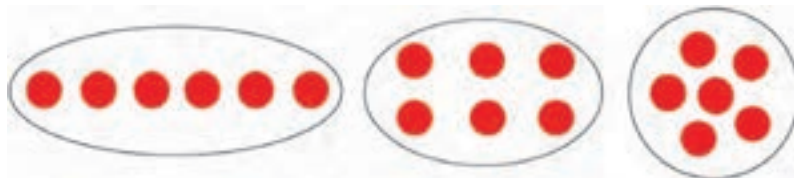
تمرین

یک فعالیت برای ابقای حجم، طراحی کنید. می‌توانید بازی با خمیر را انتخاب کنید.

د - ابقای عدد: کودکان، مفهوم عدد را وقتی به خوبی درک می کنند که ابقای عدد در ذهن آن ها شکل گرفته باشد. یعنی اگر چند مجموعه ی عدد به آن ها داده می شود، با تغییر شکل مجموعه ها، درک کنند که تعداد اعداد، تغییر نکرده است.

● فعالیت ۱

سه مجموعه ای از اعداد به اشکال زیر به کودکان می دهیم و از آنان می خواهیم بگویند کدام یک از مجموعه ها، بیش تر است. معمولاً در نگاه اول، بیش تر کودکان، مجموعه ی بزرگ تر را انتخاب می کنند اما وقتی از آن ها می خواهیم بگویند چرا بزرگ تر است؟ تعداد نقطه های آن ها چندتاست؟ و ... با چند بار شمردن تعداد مجموعه ها، می گویند هر سه مجموعه، برابر است.



شکل ۲۰-۹

تمرین

برای ابقای عدد، یک فعالیت برای کودکان طراحی کنید.

در انجام فعالیت های مربوط به ابقا، رعایت نکات زیر ضروری است :

- این فعالیت ها با کودکان آمادگی (۶-۵ ساله) اجرا می شود.
- در اجرای این فعالیت ها به کودکان فرصت کافی داده می شود که فعالیت را خود تکرار کنند تا به نتیجه برسند.
- در هر فعالیت سؤالات مناسبی با کودکان مطرح می شود تا با دادن پاسخ به آن ها به حل مسئله نزدیک شوند.
- هرگز پاسخ سؤالات را به کودکان نمی گوئیم و به آنان فرصت می دهیم خود به حل مسئله دست یابند تا لذت آن را احساس کنند.

کودکان از طریق کشف و شهود به حل مسئله می پردازند. بنابراین، باید فعالیت هایی را انتخاب کنیم که برای کودکان امکان مشاهده، تجربه، عمل و دست ورزی را فراهم سازد.

یادگیری اعداد

یادگیری و درک مفاهیم کمی مانند اعداد، بعد از شناخت روابط کیفی در کودکان حاصل می شود. شمارش واقعی اعداد و درک مفهوم آن ها، وقتی صورت می گیرد که کودکان، روابط کیفی، یعنی مفهوم طبقه بندی، مقابله ی یک به یک، ترتیب، مجموعه و ابقا را آموخته باشند. شمارش اعداد و گفتن اسامی آن ها که در سال های اولیه ی کودکی به سبب تکرار و تقلید صورت می گیرد، شمارش واقعی و درک مفهوم اعداد به حساب نمی آید.

برای یادگیری شمارش اعداد از شعر، تصاویر، اشیا و وسایل گوناگون می توان استفاده کرد.

● فعالیت ۱

شمارش اعداد: مقداری حبوبات (نخود و لوبیا) به کودکان می‌دهیم و از آنان می‌خواهیم آن‌ها را بشمارند. سپس با آنان در مورد فعالیتی که انجام می‌دهند، گفت‌وگو می‌کنیم. این فعالیت را می‌توان با کارت‌های رنگی نیز اجرا کرد.

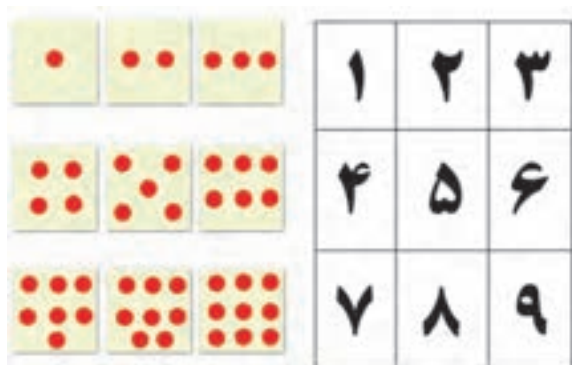


شکل ۲۱-۹

تمرین

یک فعالیت برای شمارش اعداد، طراحی کنید.

● فعالیت ۲



شکل ۲۲-۹

یادگیری شکل اعداد: برای آموزش شکل اعداد به کودکان می‌توان از لوتوی اعداد استفاده کرد. روی یک صفحه، اعداد از ۱ تا ۹ را می‌نویسیم. روی ۹ کارت کوچک، به تعداد هر عدد، نقطه می‌گذاریم. کارت‌ها را به کودکان می‌دهیم تا هر کارت را روی عدد مربوط قرار دهند. سپس، در مورد فعالیتی که انجام داده‌اند با آنها گفت‌وگو می‌کنیم.

تمرین

با استفاده از تصاویر مناسب یک لوتوی اعداد درست کنید.

● فعالیت ۳

نوشتن اعداد: کودکان پس از درک مفهوم اعداد و شناخت شکل آنها می‌توانند نوشتن اعداد را نیز بیاموزند. برای نوشتن اعداد، طرز نوشتن درست آن را باید به کودکان آموخت (شکل ۲۳-۹).



شکل ۲۳-۹

۱- لوتو، یک بازی فکری است که می‌توان از آن برای آموزش مفاهیم گوناگون مانند رنگ، شکل، اعداد و... استفاده کرد.

در مورد کودکانی که در نوشتن اعداد مشکل دارند، می‌توانید ابتدا اعداد را نقطه‌گذاری کنید تا کودک آن را کامل کند. این فعالیت برای کودکان کلاس آمادگی مناسب است.

شناخت اشکال

اشکال بخشی از ریاضیات است که به نام هندسه در سال‌های ابتدایی به کودکان آموزش داده می‌شود. دو نوع هندسه وجود دارد:

۱- هندسه اقلیدسی: این هندسه شامل شکل‌های منظم مانند دایره، سه‌گوش، چهارگوش و ... است. این اشکال تغییر نمی‌کنند و از نظر اضلاع، زوایا و خطوط، ثابت‌اند.

۲- هندسه توپولوژیک: در این هندسه، اشکال ثابت نیستند و صورت‌های مختلفی به خود می‌گیرند به همین دلیل به آن هندسه یلاستیکی هم می‌گویند. این اشکال به صورت منحنی‌های باز یا بسته‌اند.



شکل ۲۴-۹

تحقیقات پیازه نشان داده است که کودکان ابتدا هندسه ی توپولوژیک را درک می‌کنند. آنان بین منحنی‌های باز و بسته، تفاوت قائل می‌شوند اما شکل‌های اقلیدسی مانند سه‌گوش و چهارگوش برای آن‌ها تاحدی یکسان است. به عنوان مثال اگر از کودک چهارساله بخواهیم یک سه‌گوش یا چهارگوش بکشند، ممکن است یک دایره بکشند، زیرا برای او تمام اشکال اقلیدسی، تقریباً یکسان است.

در مورد شناخت حجم و سطح، بررسی‌های پیازه نشان داده است که کودکان ابتدا حجم را درک می‌کنند زیرا می‌توانند آن را لمس کنند و سپس، سطح را می‌شناسند. بنابراین، ابتدا باید کودکان را با حجم آشنا ساخت، مانند توپ، مکعب و ... سپس سطح را به آنان آموزش داد.

● فعالیت ۱

استفاده از جعبه‌ی اشکال: جعبه‌ی اشکال را در اختیار کودک قرار

می‌دهیم و به او فرصت می‌دهیم تا از طریق مشاهده، مقایسه، آزمایش و خطا اشکال را در جای خود قرار دهد، آن‌ها را لمس کند، تفاوت آن‌ها را درک کند و با نام آن‌ها آشنا شود.



شکل ۲۵-۹

● فعالیت ۲

استفاده از لامسه برای تشخیص اشکال: در این فعالیت، تعدادی از اشیای آشنا، مانند شانه، پاک‌کن، تراش، اشکال هندسی پلاستیکی، توپ تخم‌مرغی و ... را در داخل یک کیسه می‌ریزیم کودک باید با لمس اشیای درون کیسه، نام آن‌ها را بگوید.

● فعالیت ۳

شکل‌های دایره، سه‌گوش، چهارگوش را روی مقوا یا فوم می‌بریم. آن‌ها را روی زمین قرار می‌دهیم. از کودکان می‌خواهیم نام هر شکلی را که گفتیم، روی آن شکل بایستند.

تمرین

برای آشنایی کودکان با حجم و اشکال، یک فعالیت طراحی کنید.

خود را بیاز مایید

- ۱- ریاضی را تعریف کنید.
- ۲- چرا آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان پیش‌دبستانی ضرورت دارد؟
- ۳- دانش منطقی - ریاضی را تعریف کنید.
- ۴- مفهوم «پایداری شیئی» را از نظر پیاژه، توضیح دهید.
- ۵- چرا آشنایی با رشد شناختی کودکان در آموزش مفاهیم ریاضی به آنان ضرورت دارد؟
- ۶- مفهوم بیوستگی فرایند یادگیری در ریاضی را توضیح دهید.
- ۷- روش فعال در آموزش مفاهیم ریاضی را تعریف کنید.
- ۸- چرا بازی، روش مناسبی در آموزش مفاهیم ریاضی به کودکان است؟
- ۹- مفاهیم مربوط به اندازه را فهرست کنید.
- ۱۰- مفاهیم مکانی (فضایی) را فهرست کنید.
- ۱۱- چرا آموزش مفاهیم زمانی به کودکان پیش‌دبستانی دشوار است؟
- ۱۲- طبقه‌بندی را تعریف کنید و تفاوت آن را با ترتیب، توضیح دهید.
- ۱۳- مقابله‌ی یک به یک را با ذکر یک مثال توضیح دهید.
- ۱۴- مجموعه را با ذکر یک مثال تعریف کنید.
- ۱۵- ابقا یا نگهداری ذهنی را تعریف کنید و انواع آن را نام ببرید.
- ۱۶- چرا درک روابط کیفی مقدم به درک روابط کمی در کودکان است؟
- ۱۷- هندسه‌ی توپولوژیک را، با ذکر یک نمونه، تعریف کنید.
- ۱۸- ابقای عدد را تعریف کنید و نقش آن را در درک مفهوم عدد توضیح دهید.
- ۱۹- چرا آشنایی با احجام، مقدم بر آشنایی با اشکال است؟
- ۲۰- آموزش مفهوم ابقا را در چه سنی به کودکان شروع می‌کنیم؟

کتاب‌نامه

- ۱- مقدمه‌ای برای آموزش مفاهیم ریاضی - انتشارات کارگاه کودک - مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا، شهره یوسفی، اکرم امینایی، سال ۱۳۸۵
- ۲- کرمی که اعداد را می‌دانست - راجر هارگریوز - علی دانش - انتشارات قدیانی - ۱۳۶۸
- ۳- چگونه استعداد ریاضی کودکان خود را پرورش دهیم، فرانسس موزلی، سوزان مردیت - ترجمه‌ی مصطفی کریمی، انتشارات خجسته، ۱۳۸۰
- ۴- بازی‌های هدف‌دار ریاضی، محمدتقی مبینی، انتشارات آستان قدس، سال ۱۳۷۵ (چاپ سوم)
- ۵- آموزش ریاضیات قبل از دبستان، محمدتقی مبینی، انتشارات آستان قدس سال ۱۳۸۰
- ۶- فعالیت‌های تشخیصی و یادگیری در ریاضیات برای کودکان، ریچارد کویلند، ترجمه مصطفی کریمی، انتشارات آموزش، (چاپ جدید)
- ۷- بازی کنیم و بیاموزیم، ملانی رایس، لیلی انگجی، عادل یغما، انتشارات مدرسه ۱۳۷۰
- ۸- راز شکل‌ها، ملانی، پل راجرز، محمدحسن فکری، نشر زلال، ۱۳۶۹

نقش و اهمیت آموزش غذا و تغذیه در دوران پیش از دبستان



هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل، دانش‌آموز باید بتواند:

- اهمیت آموزش غذا و تغذیه به کودکان زیر پنج سال و والدین آن‌ها را توضیح دهد.
- کاربرد گروه‌های غذایی را به عنوان ابزار آموزش غذا و تغذیه در دوران پیش دبستان تشریح کند.
- برنامه‌ای برای آموزش مفاهیم اصلی مربوط به غذا و تغذیه با استفاده از ابزارهای مختلف آموزشی، تهیه و اجرا کند.
- نکات مهم درباره‌ی نقش والدین و مربیان در الگوسازی و بهبود رفتارهای غذایی کودکان پیش دبستانی را توضیح دهد.

مقدمه

امروزه تغییرات اجتماعی ناشی از توسعه‌ی جوامع، از جمله افزایش موارد اشتغال زنان در بیرون از خانه، دو شغلی بودن والدین، وجود خانواده‌های تک‌والدینی و فقر، موجب تغییر ساختار و الگوی سنتی مراقبت کودکان گردیده است. این تغییرات اجتماعی و همراه با آن‌ها تغییر شیوه‌ی زندگی مردم، تغییرات الگوی سلامت جامعه و از جمله کودکان را به دنبال داشته است. به طوری که مراقبان و مسئولان تربیت و پرورش کودکان در سطح جامعه با مسائل مختلف تغذیه‌ای ناشی از «کمبود» یا «اضافه مصرف» مواد غذایی یا به عبارتی «عدم تعادل مصرف غذایی» در کودکان مواجه هستند. این مشکلات، بروز عوارضی در کودکان مانند کندی رشد، کم‌وزنی، چاقی، بیماری‌های دندان، کم‌خونی و حتی حساسیت‌های غذایی را به دنبال داشته است. به این دلیل، پرداختن به مسئله‌ی غذا و تغذیه در آموزش سنین پیش دبستان به عنوان یک ضرورت مطرح است.

آموزش تغذیه و ارائه‌ی الگوهای مناسب در سنین پیش دبستان، از ابعاد مختلفی مورد توجه است. در درجه‌ی اول، چنان‌چه گفته شد، این امر نقش مهمی در حفظ و ارتقای سلامت کودکان دارد، زیرا تغذیه مناسب، رکن اساسی در مبارزه با عفونت‌ها،

سرماخوردگی‌ها و بیماری‌های واگیر محسوب می‌شود. به‌علاوه، تغذیه‌ی متعادل و کافی، از پیش‌نیازهای تأمین رشد مناسب در کودکان است. درعین حال، کودکان در سنین پایین ذائقه و انتخاب‌های غذایی را فرا می‌گیرند. آنان روزانه در معرض پیام‌های مختلف در مورد غذا و مواد غذایی قرار دارند. این پیام‌ها از طریق آگهی‌های تجارتي تلویزیون، پُسترها و تیزرهای تبلیغاتی، برچسب کالاها و غذایی و یا حتی فیلم‌ها و کتاب‌ها به آن‌ها منتقل می‌شود. تشخیص غذاهای مفید و مغذی و فراگیری لذت بردن از این گونه غذاها برای کودکان دشوار است. بنابراین، وجود الگوها و اطلاعات مناسب برای آن‌ها ضرورت می‌یابد.

در کشور ما، در حال حاضر حدود هشت میلیون کودک زیر شش سال به‌سر می‌برند که از این تعداد حدود پانصد هزار نفر، چندین ساعت از اوقات فعال روزانه‌ی خود را در مهدکودک‌ها یا مراکز نگهداری تحت نظارت مراقبین کودک یا کودک‌یاران می‌گذرانند. این کودکان، معمولاً یک یا چند وعده از غذای روزانه‌ی خود را در این مراکز صرف می‌کنند. بسیاری از کودکان، برای اولین بار، در جمع دوستان خود حضور می‌یابند و بسیاری از آداب، ارزش‌ها و مفاهیم مربوط به غذا را در این مراکز فرا می‌گیرند. بنابراین، کودک‌یاران و افراد مسئول مراقبت کودک، علاوه بر تأمین محیط و غذای سالم و بهداشتی، فرصت باارزشی برای آموزش و انتقال مفاهیم و مهارت‌های مناسب مربوط به غذا و تغذیه به کودکان و والدین آن‌ها و هدایت ایشان در جهت انتخاب‌های غذایی سالم‌تر، در اختیار دارند. (شکل ۱-۱۰)



شکل ۱-۱۰

نکات مهم

آموزش مفاهیم و مهارت‌های مربوط به غذا و تغذیه در سنین پیش‌دبستان یک ضرورت است. تغذیه‌ی مناسب و کسب رفتارها و الگوهای مناسب تغذیه‌ای در این سنین نقش مهمی در حفظ و ارتقای سلامت کودکان، مبارزه با عفونت‌ها، سرماخوردگی‌ها و بیماری‌های واگیر و بالأخره، تأمین رشد مناسب و کافی دارد. به‌علاوه، این دوران، فرصت باارزشی برای هدایت کودکان و والدین‌شان برای انتخاب‌های غذایی سالم‌تر و درپیش گرفتن الگوهای مناسب مصرف غذا محسوب می‌شود.

نقش والدین و مربیان در بهبود رفتارهای غذایی کودکان

والدین و مربیان یا به عبارتی مسئولان مراقبت از کودک، نقش مهمی در آموزش رفتارهای تغذیه‌ای مناسب، پیش‌گیری از کمبودهای تغذیه‌ای کودک و ارتقای سلامت وی برعهده دارند. چنانچه آن‌ها اطلاعات کافی درمورد مفهوم تغذیه‌ی سالم و متعادل، روش مناسب تنظیم یک برنامه‌ی غذایی روزانه برای کودک و روش‌های مناسب بهداشت و نگهداری مواد غذایی داشته باشند و آن‌ها را در زندگی روزمره خود به کار گیرند، احتمال اینکه کودکانشان رفتارهای تغذیه‌ای مناسب‌تری داشته باشند، بیش‌تر خواهد بود. در جدول ۱-۱، فهرست پیش‌نهادهایی درمورد رفتارهای پیش‌گیری‌کننده برای آموزش والدین در زمینه‌ی تغذیه‌ی مناسب، ارائه شده است.

جدول ۱-۱ رفتارهای تغذیه‌ای مناسب برای آموزش به والدین

- رشد قد و وزن کودک را پی‌گیری کنید و آن را در کارت رشد کودک خود ثبت نمایید.
- تنها انتخاب‌های غذایی خوب و مغذی را در اختیار آن‌ها قرار دهید تا منجر به رژیم غذایی متعادل گردد.
- به تعداد و نوع غذای مصرفی کودکان توجه داشته باشید و آن‌را زیر نظر بگیرید.
- از غذا به‌عنوان جایزه استفاده نکنید. سعی کنید روش‌های دیگری را برای تشویق کودک برگزینید.
- به کودکان کمک کنید تا ارتباط با یکدیگر و بزرگ‌ترها را بیاموزند.
- در ورزش کردن الگو باشید و کودکان را تشویق کنید که ورزش کنند.
- اگر احساس می‌کنید سلامت تغذیه‌ای کودک درخطر است، از مشاوره‌ی متخصصان تغذیه کمک بگیرید.
- فرصت کافی برای بحث کردن، مزه کردن، مشاهده کردن، و بو کردن مواد غذایی در اختیار کودکان بگذارید.

یکی از ابعاد آموزش به کودکان، توجه به این واقعیت است که رفتار بزرگ‌ترها به منزله‌ی الگوی رفتاری کودکان عمل می‌کند. درحقیقت والدین و سایر مراقبین کودک با رفتارهای غذایی که خود در پیش می‌گیرند از یک سو و انتخاب‌های غذایی که در اختیار کودک قرار می‌دهند از سوی دیگر، الگوی غذایی او را شکل می‌دهند. اگر این رفتارها و انتخاب‌ها سالم و مناسب باشند، کودک نگرش مثبتی درمورد غذاهای سالم پیدا می‌کند. در جدول ۲-۱ و ۳-۱ رفتارهای مناسب و نامناسب برای الگوسازی درمورد تغذیه ارائه شده است.

جدول ۲-۱ برخی نمونه‌های الگوسازی نامناسب

- غذاهای ارائه شده یک‌نواخت و دارای تنوع اندکی هستند.
- معمولاً سبزی‌ها در برنامه غذایی حضور ندارند.
- اغلب، غذاهایی ارائه می‌شود که چربی زیاد و فیبر کم دارند.
- شیرینی‌جات مانند شکر، مربا و انواع شیرینی، آزادانه و زیاد استفاده می‌شوند.
- مربیان، کودکان را به خوردن تشویق می‌کنند ولی به‌ندرت با آن‌ها در مورد اهمیت غذا و این که چرا باید آن‌را بخورند، صحبت می‌کنند.
- غذاهای موجود در برنامه‌ی غذایی مرکز با ویژگی‌های فرهنگی و عادات غذایی کودکان آن منطقه، هماهنگ نیست.
- کارکنان مرکز، به‌جای خوردن همان غذاهایی که بچه‌ها می‌خورند، معمولاً از بیرون غذا سفارش می‌دهند.
- مقدار و کیفیت غذای ارائه شده، برای تأمین نیازهای تغذیه‌ای روزانه‌ی کودکان کافی نیست.

جدول ۳-۱۰ رفتارهای اساسی و پایه برای الگوسازی در مورد تغذیه مناسب

- برنامه غذایی و انتخاب‌های غذایی را در نظر بگیرید که با توصیه‌های کارشناسان تغذیه و با در نظر گرفتن تعداد وعده‌های غذای اصلی و میان وعده‌هایی که یک کودک در طول روز مصرف می‌نماید، مطابق باشد.
- برای وعده‌ی غذایی اصلی و میان وعده، از مواد غذایی با تنوع زیاد استفاده کنید.
- از انواع میوه و سبزی‌های تازه بیش‌تر استفاده کنید تا ویتامین‌ها و مواد مغذی و فیبر بیش‌تری را برای کودک تأمین نمایید.
- غذاهای که چربی کمتر دارند و با روش‌های کم‌چربی تهیه شده‌اند، انتخاب کنید.
- همراه با بچه‌ها غذا بخورید. از همان غذایی که برای آن‌ها تهیه کرده‌اید استفاده کنید و در حین خوردن راجع به اهمیت گروه‌های غذایی در برنامه‌ی غذایی‌شان صحبت کنید. این زمان، موقعیت خوبی برای مطرح کردن طبقه‌بندی‌های غذایی است.
- برنامه‌ی غذایی را طوری تنظیم کنید که با ویژگی فرهنگی و غذاهای رایج در منطقه متناسب باشد.
- سعی کنید با والدین ارتباط کلامی مناسبی درباره‌ی تغذیه و اهمیت آن در سلامت کودکان برقرار نمایید.
- آموزش تغذیه را برای والدین، کودکان و کارکنان مرکز ترویج دهید.
- راهنمایی‌هایی برای والدین در مورد ظرف غذای کودکانی که غذای خود را از منزل می‌آورند، تهیه کنید؛ این مقوله، شامل انتخاب‌های غذایی قابل قبول است که بتوانند نیازهای تغذیه‌ای کودک را فراهم نمایند.

تنظیم برنامه غذایی برای کودکان پیش‌دبستانی

ارائه‌ی غذای متعادل، کافی و جذاب به کودکان پیش‌دبستانی، علاوه بر تأمین رشد آن‌ها، روش آموزشی مهمی محسوب می‌شود. در تنظیم چنین برنامه‌ای، علاوه بر اصول کلی تنظیم برنامه‌های غذایی یعنی تعادل، تنوع و اعتدال، نکات و ضرورت‌های دیگری را نیز باید در نظر گرفت برخی از این نکات در جدول ۴-۱۰ ارائه شده‌اند.

جدول ۴-۱۰ عواملی که در تنظیم برنامه‌ی غذایی در یک مرکز پیش‌دبستانی یا مهدکودک تأثیر می‌گذارند.

مرحله‌ی ۱: دانش تغذیه‌ای در ارتباط با:

– نیازهای تغذیه‌ای کودکان

– مرحله‌ی رشد و تکامل کودک

– گروه‌های غذایی

– مشکلات و مسائل تغذیه‌ای شایع در جامعه

مرحله‌ی ۲: دسترسی به انتخاب‌های غذایی سالم که متأثر از عوامل مختلف زیر است:

– قیمت

– شرایط انبار و نگهداری

– سهولت دسترسی به مواد غذایی

– فصل

– مهارت‌های تهیه غذا

مرحله ۳: محیط فرهنگی - اجتماعی، شامل:

- هدف از برنامه مراقبت تغذیه‌ای کودک

- تنوع فرهنگی در منطقه

- علائق غذایی کودکان

- درک فرد مسئول از ترجیحات غذایی کودکان

در مرحله اول، آگاهی نسبت به اصول تغذیه و نیازهای تغذیه‌ای کودکان و مرحله‌ی رشد آن‌ها ضرورت دارد. این آگاهی شامل شناخت و درک کاربرد گروه‌های غذایی از یک سو و در نظر گرفتن مسائل تغذیه‌ای جامعه، به‌ویژه کودکان می‌باشد. فرد مسئول مراقبت کودک هم‌چنین باید در طراحی برنامه‌ی غذایی، مرحله‌ی تکاملی کودک را در نظر بگیرد.

مرحله‌ی دوم، تنظیم برنامه غذایی بر اساس وضعیت دسترسی به انتخاب‌های غذایی سالم است. عوامل مختلفی بر این دسترسی مؤثر هستند که از جمله قیمت مواد غذایی، وضعیت اقتصاد تولید غذا و پارانه‌های غذایی از آن جمله‌اند. هم‌چنین امکانات تهیه غذا و مهارت‌های فرد مسئول تهیه‌ی غذا در این مرحله باید در نظر گرفته شود. مثلاً فردی که مهارت‌های طبخ‌های محدودتری دارد، مجبور خواهد شد از مواد غذایی آماده بیش‌تر مصرف کند که اغلب گران‌تر و گاهی از نظر تغذیه‌ای کم‌ارزش‌تر هستند. زمان موجود برای تهیه‌ی غذا و نیز فصل، از عوامل مؤثر بر میزان دسترسی به مواد غذایی مختلف هستند.

در مرحله‌ی سوم، باید شرایط محیطی و فرهنگی را مورد توجه قرار داد که علائق غذایی کودکان، زمینه‌های فرهنگی خانواده یا محیط اجتماعی، از آن جمله‌اند.

برنامه‌ریزی غذایی، باید به‌طور مرتب مثلاً هفتگی یا ماهانه یا احیاناً فصلی صورت گیرد. تغییر مرتب برنامه بر اساس فصل و یا ماه می‌تواند به تأمین تنوع و حتی صرفه‌جویی اقتصادی کمک کند. مطالعات نشان داده‌اند که بسیاری از مہدهای کودک و مراکز نگهداری، در برنامه‌ی غذایی خود سطح انرژی مورد نیاز را تأمین نمی‌کنند، زیرا در شرایط مطلوب انتظار می‌رود که ۵۰ تا ۶۷ درصد نیازهای تغذیه‌ای کودکی که تا بعد از ظهر در مهد به سر می‌برد، در آن‌جا تأمین شود.

در تنظیم برنامه‌ی غذایی برای مهد کودک، مرور مجدد مطالبی که در درس تغذیه و بهداشت مواد غذایی فراگرفته‌اید، به‌ویژه نیازهای غذایی گروه‌های سنی، اصول تنظیم برنامه‌های غذایی و گروه‌های غذایی و بالأخره اصل تهیه و نگهداری مواد غذایی توصیه می‌شود. جدول ۵ - ۶، نمونه‌ای از توزیع گروه‌های غذایی برای برنامه‌ی صبحانه و ناهار کودکان در مراکز پیش‌دبستانی را نشان می‌دهد.

نکات ویژه‌ای که لازم است در طراحی یک برنامه‌ی غذایی مناسب و متعادل از نظر تغذیه‌ای در نظر گرفته شوند، در زیر فهرست شده‌اند:

● یک برنامه‌ی غذایی مناسب باید حاوی انواع حبوبات و غلات، ماکارونی، میوه‌های تازه یا آب‌میوه، سبزی‌ها و گوشت کم‌چربی باشد.

● در مواردی که گوشت بخشی از غذا نیست، سعی کنید از انواع لوبیا و عدس به‌عنوان جای‌گزین استفاده کنید، مثلاً عدس‌پلو (بدون گوشت)، خوراک لوبیا، عدسی و غذاهای مشابه.

● در برنامه غذایی، هر روز، منابع ویتامین‌ث و حداقل یک روز در میان مواد غذایی حاوی ویتامین A را بگنجانید. در برنامه‌ی وجود منابع آهن مانند گوشت، اسفناج، حبوبات، تن ماهی و تخم‌مرغ ضرورت دارد.

همراه با همه وعده‌ها، حتی الامکان شیر یا آب میوه‌ی تازه را قرار دهید.

جدول ۵-۱۰ توزیع گروه‌های غذایی برای برنامه‌ی صبحانه و ناهار کودکان پیش‌دبستانی

حداقل مقدار غذای مورد نیاز		
سنین پیش دبستان (۳-۵ سال)	خردسالان (۱-۳ سال)	اجزای وعده
صبحانه		
	$\frac{1}{4}$ لیوان	۱- شیر
$\frac{3}{4}$ لیوان	$\frac{1}{4}$ لیوان	۲- آب میوه یا میوه یا سبزی
$\frac{1}{4}$ لیوان	$\frac{1}{4}$ لیوان	۳- گروه نان و غلات (یک واحد از دو یا ۲ واحد از یک نوع غذای زیر را انتخاب کنید.)
$\frac{1}{4}$ برش	$\frac{1}{4}$ برش	- نان
$\frac{1}{4}$ واحد	$\frac{1}{4}$ واحد	- بیسکویت
$\frac{1}{3}$ لیوان یا ۱۵ گرم	$\frac{1}{4}$ لیوان یا ۱۰ گرم	- غلات پخته (مانند شیر برنج یا حلیم)
۴- گروه گوشت یا جانسین‌های آن (یک واحد از هر یک از مواد زیر با ۲ واحد از یک نوع غذای زیر را انتخاب کنید.)		
۱۵ گرم	۱۵ گرم	پنیر
$\frac{1}{4}$ عدد (بزرگ)	$\frac{1}{4}$ عدد (بزرگ)	تخم مرغ
۱ قاشق غذاخوری	۱ قاشق غذاخوری	کره
۲ قاشق غذاخوری یا ۱۵ گرم	۲ قاشق غذاخوری یا ۱۵ گرم	مغزها یا دانه‌ها ^۱
ناهار		
۱ لیوان	$\frac{3}{4}$ لیوان	۱- شیر یا ماست
		۲- گوشت و جانسین‌های آن (۱ تا ۲ واحد از مواد زیر را انتخاب کنید).
۶۰ گرم	۳۰ گرم	گوشت قرمز بدون چربی، مرغ یا ماهی
۶۰ گرم	۳۰ گرم	پنیر
۱ عدد (بزرگ)	$\frac{1}{4}$ عدد (بزرگ)	تخم مرغ
$\frac{1}{4}$ لیوان	$\frac{1}{4}$ لیوان	حبوبات یا عدس پخته
۴ قاشق غذاخوری	۲ قاشق غذاخوری	کره
$\frac{3}{4}$ لیوان به اضافه‌ی $\frac{1}{4}$ لیوان اضافی در طول یک هفته ^۲	$\frac{1}{4}$ لیوان	۳- سبزی‌ها و میوه‌ها (۲ واحد یا بیش‌تر از میوه یا سبزی یا هر دو)
۱۲ واحد در هفته ^۲	۵ واحد در هفته ^۲	۴- گروه نان و غلات (ترجیحاً از غلات سبوس‌دار استفاده شود). یک واحد شامل یک برش نان و یا معادل یک واحد بیسکویت، کلوچه و ... یا $\frac{1}{4}$ لیوان برنج، ماکارونی، غلات پخته است.
حداقل ۱ در روز ^۳	حداقل $\frac{1}{4}$ در روز ^۳	

۱- می‌توان بیش از ۳۰ گرم مغزها یا دانه‌ها را در هر وعده گنجاند.

۲- در این جا ۱ هفته معادل ۵ روز است.

۳- بیش از ۱ واحد نان و غلات ممکن است به صورت انواع شیرینی‌ها استفاده شود.

در جدول ۶-۱، نمونه‌ی یک برنامه غذایی هفتگی برای یک مهدکودک ارائه شده است.

جدول ۶-۱ برنامه‌ی غذایی هفتگی برای کودکان پیش دبستانی

چهارشنبه	سه‌شنبه	دو‌شنبه	یکشنبه	شنبه	وعده‌ی غذایی
پرتقال تخم‌مرغ نان شیر	پرتقال یا سیب درختی نان و پنیر شیر	میوه‌ی فصل عدسی با سیب‌زمینی شیر	سیب درختی نان و پنیر شیر	آب پرتقال حلیم گندم شیر	صبحانه: میوه یا آب‌میوه غلات یا نان شیر
ساندویچ مخلوط گردو و پنیر انگور یا کشمش شیر	سبزی پلو با ماهی (می‌توان از تن ماهی هم استفاده نمود) آب پرتقال	همبرگر با گوجه فرنگی و خیار و کاهو شیر	استامبولی پلو خیار ماست	مرغ و هویج بخارپز نان شیر	ناهار: گوشت یا جانشین‌های آن سبزی یا میوه غلات یا نان شیر
بیسکویت میوه‌ی فصل شیر	کیک میوه‌ی فصل شیر	ماست و میوه بیسکویت	نان شیرمال میوه فصل شیر	بیسکویت میوه فصل شیر	میان‌وعده: از مجموعه زیر دو مورد را انتخاب نمایید. گوشت یا جانشین‌های آن آب میوه، میوه یا سبزی غلات یا نان شیر یا آب

آنچه در برنامه‌ی غذایی کودکان حائز اهمیت است علاقه‌مندی آن‌ها به نوع غذا، توجه به میوه‌های فصل و عادات غذایی منطقه است. به هنگام آماده‌سازی محل و وسایل غذاخوری و موقع صرف غذا، رعایت برخی نکات حایز اهمیت است، از جمله:

- استفاده از میز و صندلی مناسب؛
- استفاده نکردن از ظرف‌های شکسته یا لب‌پریده؛
- استفاده از قاشق و چنگال مناسب؛
- ایجاد فضای آرام و مطبوع در محل غذاخوری و نشسته غذا خوردن؛
- قرار دادن تصاویر غذایی مناسب در سالن غذاخوری؛
- شست‌وشوی مناسب و بهداشتی وسایل غذاخوری؛
- توجه به موارد آلرژی در بین کودکان و داشتن فهرستی از اسامی کودکانی که دارای حساسیت‌های غذایی‌اند، با ذکر نوع ماده‌ی غذایی حساسیت‌زا برای آنان.

تهیه طرح درس در زمینه غذا و تغذیه

مراقبین کودکان پیش‌دبستانی، از طریق مشارکت دادن کودکان در شناخت، انتخاب و تهیه مواد غذایی، می‌توانند نقش مهمی در بهبود تغذیه‌ی این گروه داشته باشند. هدف از مشارکت دادن کودکان در فرآیند آموزش و تشویق آن‌ها به این امر، تواناسازی آنان از طریق کسب دانش، آگاهی و مهارت برای انتخاب‌های غذایی سالم است. هنگامی که کودکان، در خلال فعالیت‌های شاد و جذاب، با مواد غذایی مختلف آشنا می‌شوند در آن‌ها اعتماد به نفس (برای تجربه‌ی غذاهای جدید و احساس مشارکت در تهیه‌ی غذایشان) ایجاد می‌شود. باید به کودکان فرصت‌های مناسب برای فراگیری در مورد غذا، تغذیه، تهیه‌ی غذا و رابطه‌ی غذا با سلامتی داده شود. علاوه بر فعالیت‌های درون‌کلاسی و بازی‌های طی روز، ساعت صرف غذا نیز فرصت مغتنمی برای بحث و توجه به غذاها و رفتارهای غذایی محسوب می‌شود.

در این بخش کوشش شده است تا با پیش‌نهاد عناوین مناسب برای تهیه‌ی «طرح درس»، در زمینه‌ی غذا و تغذیه و ارائه‌ی نمونه‌هایی از طرح درس در این موضوعات، شما را با برخی روش‌های آموزش در زمینه غذا و تغذیه در کودکان پیش‌دبستانی آشنا سازیم. چنان که خواهید دید، یکی از ابزارهای مناسب و مهم در طراحی محتوای برنامه‌ی آموزشی این گروه، استفاده از گروه‌های غذایی است. شما با مفاهیم و اهمیت این گروه‌ها و اصول تنظیم برنامه‌های غذایی در درس تغذیه و بهداشت مواد غذایی آشنا شده‌اید. امید آن است با دانشی که در این زمینه کسب کرده‌اید و با ابتکار و نوآوری‌هایتان، شاهد اقدامات جدیدی در آموزش و پیشرفت‌هایی در این حوزه، مهم باشیم.

در این طراحی یادآوری چند نکته ضروری به نظر می‌رسد. پیش از ارائه‌ی هر طرح درس به کودکان (در شرایط و محیط جدید) لازم است از سطح و نحوه‌ی درک آنان از موضوع، هم‌چنین از زمینه‌های فرهنگی ایشان و وضعیت دسترسی خانواده‌ها به مواد غذایی، شناخت لازم را به دست آورید. مثلاً در هر گروه غذایی، بیش‌تر به غذاها و مواد غذایی‌ای بپردازید که در آن منطقه معمول و در دسترس‌اند. مسئله‌ی فصل را هم در نظر داشته باشید. پس از ارائه‌ی درس نیز ارزش‌یابی آن بسیار اهمیت دارد. ببینید کودکان چه اطلاعاتی را بهتر جذب کرده‌اند؟ به دنبال ارائه‌ی این درس چه تغییرات رفتاری در آنان مشاهده می‌شود؟ سطح مناسب اطلاعات برای کودکان مورد نظر چه بوده است؟ اگر پس از ارزش‌یابی تغییری را ضروری دیدید، آن را یادداشت کنید و به طرح درس مربوطه برای دفعات بعد اضافه نمایید. هم‌چنین در طراحی هر طرح درسی مرتباً به دنبال کتاب‌ها، تصاویر، شعرها و بازی‌های کودکانی مناسب این گروه سنی باشید و مجموعه‌ای از آن‌ها را گردآوری نمایید. بالأخره، در تهیه‌ی طرح درس به مسئله‌ی انتقال اطلاعات لازم و مربوط به والدین توجه داشته باشید. این کار می‌تواند از چند طریق صورت گیرد:

- نصب مطالبی روی در ورودی یا دیوار مهدکودک در مورد موضوعات یا برنامه‌های روز یا هفته، در مورد تغذیه؛
- ارسال مطالبی برای والدین به صورت خبرنامه هفتگی، در زمینه‌ی تغذیه؛
- ارسال برگه‌های خلاصه اطلاعات مربوط به یک درس مشخص در همان روز، یا یک هفته پیش از شروع درس مربوط؛
- برگزاری جلساتی با والدین.

● نمونه‌های طرح درس در زمینه غذا و تغذیه واحد گروه‌های غذایی

موضوعات پیش‌نهادی: گروه‌های غذایی، نان و غلات، شیر و لبنیات، سبزی‌ها، میوه‌ها، گوشت و حبوبات، مواد غذایی

مختلف از کجا به دست می‌آیند؟ و...

مثال:

موضوع: گروه نان و غلات

هدف: کودکان با مواد غذایی مربوط به این گروه آشنا می‌شوند و جایگاه آن‌ها را در تأمین انرژی و رشد فرامی‌گیرند. آن‌ها می‌توانند زنجیره‌ی تهیه‌ی نان از زمان کاشت گندم (یا جو یا برنج) را تا مرحله‌ی پخت آن در نانوایی توضیح دهند. وسایل لازم: نمونه‌هایی از نان‌های موجود در منطقه، برنج، گندم، جو، آرد و انواع رشته و ماکارونی، پُستر گروه‌های غذایی، عکس‌هایی از مجلات و روزنامه‌ها از انواع نان‌ها و غلات، یک مقوای بزرگ، چسب و قیچی.

محتوا: کتاب نان (یا کتابی با محتوای مشابه) را برای کودکان بخوانید. از آن‌ها بخواهید در مورد مطالب خوانده شده، صحبت کنند. از کودکان بخواهید نام انواع نان‌هایی را که دیده‌اند یا خورده‌اند، ذکر کنند و به آن‌ها کمک کنید تا آن نان را از بین نمونه‌های آورده شده به کلاس، پیدا کنند و به بقیه نشان دهند.

به کودکان نمونه‌های مواد غذایی موجود در این گروه را نشان دهید و در مورد غذاهایی که از هر یک می‌توان درست کرد و این که آن‌ها کدام یک از غذاها را خورده‌اند یا دوست دارند صحبت کنید. سپس از آن‌ها بخواهید که از تصاویر آورده شده به کلاس، مواد غذایی این گروه را انتخاب کنند، ببرند و عکس‌های بریده شده را با چسب روی مقوا بچسبانند (بهتر است آن‌ها را به گروه‌های ۵-۶ نفری تقسیم کنید و بین آن‌ها مقوا و عکس تقسیم نمایید). به این ترتیب، تا پایان این واحد کار، همه‌ی کلاس یک کلاژ از نان و غلات تهیه می‌کنند که می‌توان آن را به دیوار کلاس نصب کرد.

برای تهیه‌ی غذا از مواد غذایی این گروه فعالیتی را ترتیب دهید. مثلاً با آرد و آب و نمک، خمیر درست کنید و به همه‌ی بچه‌ها امکان دهید که آن را ورز دهند. سپس هر یک از بچه‌ها با وردنه، خمیر نان کوچکی را روی یک تخته برای خودش آماده کند. حال چنانچه امکان طبخ نان را دارید آن را در ماهی‌تابه یا داخل فر اجاق گاز بپزید.

پخت و پز با کودکان فرصت متفاوتی را برای جلب توجه کودکان به نکات مختلف مربوط به غذا فراهم می‌کند. آن‌ها با مشاهده و کار مستقیم تجربه‌ای لذت‌بخش و بسیار آموزنده‌ی کسب خواهند کرد.

فعالیت‌های پی‌گیری: هنگام صرف میان وعده (خوراکی بین روز) یا غذای اصلی (ناهار یا صبحانه) در مهد کودک، مربی از کودکان بخواهد که اقلامی از گروه نان و غلات را که آن‌ها در حال خوردن آن هستند، شناسایی و معرفی کنند.

سایر فعالیت‌های پیش‌نهادی:

● از کودکان بخواهید انواع غذاهای این گروه را بچشند و تجربه کنند و ویژگی‌های آن غذاها را از نظر بافت، طعم، رنگ و بو با هم مقایسه نمایند.

● اگر در منطقه‌ی شما، مواد غذایی یا غذاهای مخصوص آن منطقه (مثلاً نان‌های خانگی یا غذاهای تهیه شده از آرد گندم یا برنج) تهیه می‌شود، که برای کودکان مناسب‌اند، نمونه‌هایی از آن‌ها را به کلاس بیاورید یا از کودکان بخواهید، در صورتی که در منزلشان موجود است، با خود بیاورند.

● در صورت امکان هرگونه اطلاعات در مورد این گروه غذایی در محله یا منطقه را می‌توانید از ارگان‌ها، روزنامه‌ها، مجلات یا گزارش‌ها جمع‌آوری کنید و در یک پرونده بایگانی نمایید.

■ نمونه‌های طرح درس در زمینه‌ی غذا و تغذیه

واحد وعده‌های غذایی

موضوعات پیش‌نهادی: روز من با صبحانه شروع می‌شود؛ ناهار به رشد من کمک می‌کند؛ خوراکی‌های خوب مرا شاداب می‌کنند؛ انتخاب‌های سالم از بین غذاهای آماده‌ی بیرون.

مثال:

موضوع: خوراکی‌های خوب مرا شاداب می‌کنند.

هدف: کودکان یاد می‌گیرند که کدام مواد غذایی را برای خوراکی بین روز انتخاب کنند و به همراه بیاورند. وسایل لازم: نمونه‌ی بسته‌بندی انواع خوراکی‌های مورد علاقه‌ی کودکان، اعم از مغذی و غیرمغذی، عکس‌هایی از این‌گونه غذاها بریده از مجلات و روزنامه‌ها کاغذ، قیچی، چسب و دو عروسک خیمه شب‌بازی. محتوا: به کودکان نمونه‌های بسته‌بندی انواع خوراکی‌ها را نشان دهید و به صورت بازی آن‌ها را هدایت کنید تا انواع پرچربی و پرنمک را از انواع غنی (از یک یا چند ماده‌ی مغذی) جدا کنند (مثلاً می‌توانید آن‌ها را به دو گروه کم‌قوت و پر‌قوت تقسیم کنید). سپس از آن‌ها بخواهید تا در مورد خوراکی‌هایی که معمولاً بین وعده‌های اصلی مصرف می‌کنند بحث کنند و نمونه‌های مفید و کم‌تر مفید را جدا سازند. از بچه‌ها بخواهید تا از بین مواد غذایی موجود در کلاس، چند مجموعه خوراکی‌های خوب و غیرمفید برای آوردن به مهدکودک درست کنند.

با استفاده از عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی و کمک بچه‌ها، نمایش‌نامه‌ای در مورد دو بچه که یکی انتخاب‌های سالم از خوراکی‌ها دارد و دیگری خوراکی‌های کم‌ارزش می‌خورد، ترتیب دهید. فعالیت‌های پی‌گیری: فهرستی از انتخاب‌های غذایی مغذی و غیرمغذی برای خوراکی‌های بین روز بچه‌ها از طریق مراجعه به کتب، مشاوره با یک کارشناس تغذیه و مراجعه به بازارهای محلی تهیه کنید و همراه کودک برای والدین به منزل بفرستید. هنگام صرف میان‌وعده، از بچه‌ها بخواهید که در مورد خوراکی‌هایی که آورده‌اند بحث کنند. کتابچه‌ها یا جزوه‌های آموزشی آماده را که به‌طور رایگان از سوی سازمان بهزیستی یا آموزش و پرورش درباره‌ی گروه‌های غذایی عرضه می‌شود، به‌وسیله‌ی کودکان، برای والدین آن‌ها ارسال کنید.

■ نمونه‌های طرح درس در زمینه‌ی غذا و تغذیه

واحد تغذیه و سلامتی

موضوعات پیش‌نهادی: هر روز ورزش کنیم؛ چه غذاهایی با بدن ما سازگار نیستند؛ چه‌طور می‌توانم دندان‌ها و استخوان‌های قوی داشته باشم؟ غذا چه‌طور باعث رشد ما می‌شود؟

مثال:

موضوع: هر روز ورزش کنیم

هدف: کودکان با تأثیر ورزش در تأمین نیرو و سلامت بدنشان آشنا شوند. وسایل لازم: یک تخته فلانل (پوشیده با پارچه‌ی پشمی مانند فوتر) و تعدادی اشکال بریده شده از پارچه که موضوعات یا افراد داستان درس را نشان دهند. یک فیلم یا کارتون ویدیویی در مورد ورزش، تعدادی توپ و یک سوت. محتوا: برای کودکان در مورد اهمیت ورزش صحبت کنید. از آن‌ها بخواهید که برای شما توضیح بدهند که ورزش چیست

و شما از صحبت‌های آن‌ها برای روشن‌تر شدن موضوع استفاده کنید. با استفاده از تخته‌ی فلانل و اشکال پارچه‌ای از پیش آماده شده، داستان کودکی (پسر یا دختری) را بازگو کنید که ورزش نمی‌کرد و در نتیجه کم‌کم ضعیف و رنجور شد و وقتی به دلیلی (که به ابتکار خودتان دلیل یا موضوع محرک کودک را می‌سازید) او یک برنامه‌ی ورزشی درپیش گرفت، احساس قدرت و سلامت کرد و در بازی با دوستانش هم، نقش جدی‌تری پیدا کرد.

با کمک یک نوار فیلم ورزشی از کودکان بخواهید حرکات مشاهده شده را نشان دهند. در صورتی که هوا مناسب باشد به فضای باز، بیرون از کلاس بروید و دسته‌جمعی ورزش کنید. به هنگام ورزش اشعار یا جملات شعرگونه‌ای را متناسب با حرکات تکرار کنید.

فعالیت‌های پی‌گیری: در تمام طول هفته یک برنامه مستمر ورزشی داشته باشید. می‌توانید در این برنامه مسابقاتی با پا یا توپ ترتیب دهید. یک داستان ورزشی را تمرین کنید و به صورت تئاتر اجرا نمایید. درباره‌ی «زیاده‌روی در مصرف غذاهای کم‌قوت یا بی‌ارزش»، «زیاده‌روی در تماشای تلویزیون» و «لذت بردن از قدم زدن و ورزش» با آن‌ها صحبت و بحث کنید در مورد تأثیر هر سه عملکرد بالا در سلامت و شادابی کودکان توضیح دهید.

تمرین‌های عملی

- ۱- با توجه به عنوان‌های پیش‌نهادی یا با پیش‌نهاد عنوان‌های تازه‌تر در همین راستا، یک واحد کار طراحی کنید. همه وسایل کمک‌آموزشی آن‌را گردآوری کرده یا بسازید و آن‌را برای کلاس اجرا نمایید.
- ۲- واحدهای کار طراحی شده از سوی کلاستان را در هر سال تحصیلی گردآوری کنید و از آن، کتابچه‌ی واحدهای کار تهیه نمایید.
- ۳- کودکان را به تناسب سن و مرحله‌ی تکاملی‌شان در فعالیت‌های آماده‌سازی و ارائه‌ی غذا مشارکت دهید. در جدول ۷-۱ پیش‌نهادهایی برای فعالیت‌های مختلف در گروه‌های سنی مختلف ارائه شده است.

جدول ۷-۱ برخی فعالیت‌های غذایی که کودکان می‌توانند انجام دهند.

۵ سال	۳ تا ۴ سال	۲ تا ۳ سال
خرد کردن یا آب‌گیری میوه‌ها	شکستن تخم مرغ	شستن سبزیجات
له کردن میوه‌ها و سبزی‌ها	ریختن مایعات در فنجان	دانه کردن ذرت
استفاده از همزن دستی	باز کردن در شیشه	دانه کردن نخود سبز
استفاده از پوست‌کن دستی	شکل دادن به خمیر	خرد کردن کاهو
درست کردن تخم مرغ نیمرو	استفاده از چاقوی پلاستیکی	لوله کردن خمیر
چیدن و جمع کردن میز غذا	شستن ظروف نشکن	بریدن موز
		قرار دادن وسایل غذا در جای خود

کتاب‌نامه

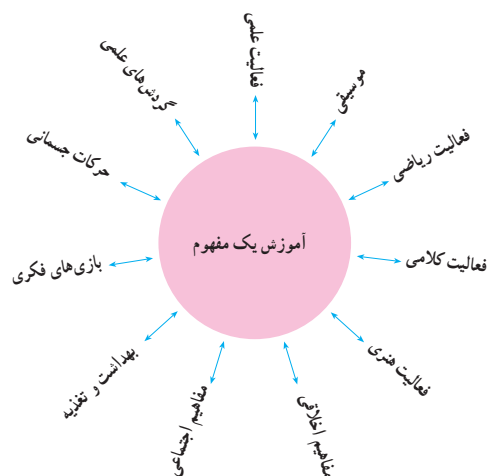
فارسی

- ۱- خمارلو (میرهادی)، ت: کتاب کار مربی کودک، چاپخانه مهدیه، تهران ۱۳۵۹
- ۲- یانگ. ب. درستن. س: آموزش بهداشت برای بچه‌ها در خانه و مدرسه، ترجمه‌ی س. پارس‌نیا، چاپ اول، نشر جوان، تهران، ۱۳۷۳

انگلیسی

- 3- Martin J and Conklin Mt: Managing child nutrition programs: Leadership for Excellence. Aspen Publication Maryland 1999.
- 4- Robertson C: Safety, nutrition, and health in early education. 1st Ed. Delmar Publ. Co. Newyork 1998.

برنامه‌ریزی و اجرای مفاهیم آموزشی



هدف‌های رفتاری: در پایان این فصل دانش‌آموز باید بتواند:

- منظور از آموزش را بیان کند.
- اصول یادگیری را به‌طور کلی فهرست نماید.
- اهداف آموزشی پیش از دبستان را توضیح دهد.
- هدف هر یک از فعالیت‌ها را بنویسد.
- برای آموزش یک مفهوم برنامه‌ریزی کند.
- برنامه آموزشی خود را اجرا کند و نتیجه‌ی ارزش‌یابی را توضیح دهد.

مقدمه

ارائه‌ی یک برنامه‌ریزی خلاق برای کودکان پیش از دبستان ضروری است، زیرا امروزه ثابت شده است که آغاز مدرسه برای آموزش بسیار دیر و بهترین سن برای یادگیری، سنین قبل از مدرسه است. زیرا کودکان در این سن میل شدیدی به یادگیری دارند و آموزش‌پذیریشان در یک محیط مناسب و با برنامه‌های تدوین شده براساس رشد همه‌جانبه، از ضریب بالایی برخوردار است. آن‌ها دوست دارند اطلاعات دست اول را خود کشف و تجربه کنند. به‌طور مثال، سیاوش ۴ ساله از مادرش می‌پرسد «چرا باران می‌بارد؟» و مادر پاسخ می‌دهد «برای آن‌که علف‌ها و گل‌ها تشنه هستند و باید سیراب شوند.» مادر گمان می‌کند که پاسخ او درست است. اما در ادامه‌ی پاسخ سریع و کوتاه مادر، کودک می‌پرسد: «مگر علف‌ها و گل‌ها دهان دارند؟» حال چه پاسخی باید داد. این نوع محاوره‌ها تأکیدی است بیش‌تر بر توانایی ذهنی و میزان درک کودکان، که نهایتاً توجه بیش‌تری را می‌طلبد. بنابراین، باید با برنامه‌ریزی درست و

در اختیار گذاشتن امکانات و مواد آموزشی مناسب و با استفاده از فعالیت‌های بدنی، ذهنی، اجتماعی و عاطفی، به کودک فرصت داد تا ببیند، بشنود، ببرد، جست‌وجو و استدلال کند. پاسخ خود را به دست آورد و در واقع باید آموزش ببیند.

منظور از آموزش چیست؟

آموزش به معنای ایجاد شرایط برای تغییر رفتار فرد است و چنانچه پس از آموزش تغییری ایجاد نشود، در واقع آموزشی صورت نگرفته است. تغییر رفتار، بیش‌تر در زمینه‌ی مهارتی، دانشی و نگرشی صورت می‌گیرد. بنابراین، یادگیرنده باید بیاموزد و این مهم اتفاق نمی‌افتد، مگر با در نظر گرفتن اصول یادگیری و ساختن برنامه‌ها (برنامه‌ریزی) اجرا و ارزش‌یابی آن‌ها.

مروری بر اصول یادگیری

۱- ایجاد انگیزه: هیچ مربی و یا معلمی بدون ایجاد انگیزه، موفق به ارائه‌ی برنامه‌ی آموزشی خود نیست. چنانچه هیچ فراگیرنده‌ای بدون انگیزه، آمادگی برای یادگیری ندارد.

۲- یادگیری فعال: یادگیری به صورت فعال روی می‌دهد، بنابراین، باید پذیرفت که فراگیران بدون ایده و اندیشه نیستند و محتوای آموزشی نباید القا شود بلکه باید با ارائه‌ی تکالیف و تمرینات متنوع، فراگیران را برای یادگیری عمیق‌تر تحریک نماید.

۳- نیاز به راهنمایی: فراگیران نیاز به راهنمایی و بازخورد دارند. در سیستم‌های امروزی آموزش و پرورش، مربی یک انتقال‌دهنده‌ی صرف نیست بلکه باید در مقام مشاور، راهنما و هدایتگر، ایفای نقش کند و زمینه و محیط را برای آموزش بهتر فراهم سازد.

۴- مواد آموزشی مناسب: انتخاب مواد آموزشی متناسب با ویژگی‌های همه‌جانبه‌ی فراگیران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مواد آموزشی باید اثرگذار و سودمند باشد تا فراگیران بتوانند از طریق فعالیت‌های گوناگون، اطلاعات بیش‌تری کسب کنند و بیش‌تر یاد بگیرند.

۵- در نظر گرفتن زمان: ایجاد فرصت مناسب با توجه به محتوای آموزشی، بسیار ضروری است. هرچه فرصت تمرین، تکرار و سنجش بیش‌تر باشد حاصل یادگیری بیش‌تر خواهد بود. بنابراین، باید به خاطر داشت که هر محتوایی را نمی‌توان در یک قالب زمانی یک‌سان آموزش داد. مثلاً آموزش رشد یک دانه طبیعتاً با آموزش صدای حیوانات از نظر مدت زمان تفاوت دارد.

۶- استفاده از روش‌های گوناگون: هر محتوای درسی، روش آموزشی خاصی دارد. بنابراین، نباید با یک روش خاص کلیه‌ی مفاهیم را آموزش داد. روش‌های گوناگونی چون پرسش و پاسخ، دیداری، شنیداری، آموزش برنامه‌ای، تمرین و تکرار، اجرای نقش، شبیه‌سازی، و ...، با توجه به محتوای آموزشی، اجرای فعالیت را در قالب واحد کار و یا ارائه‌ی پروژه تسهیل و یادگیری را تقویت می‌کند.

۷- تقویت رفتار درست: مربی باید با دقت، کار فراگیران را دنبال کند و آن‌ها را ارزیابی و درستی عمل آن‌ها را اعلام نماید. نوع تقویت رفتار، بستگی به تفاوت‌های فردی دارد. بعضی از فراگیران از تمجید لذت می‌برند، گروهی دیگر از گرفتن امتیاز و ...، بنابراین، با شناخت ویژگی‌های فراگیران و کارکردشان، می‌توان رفتار درست را تقویت نمود.

۸- معیار عملکرد: تهیه‌کننده‌ی مواد درسی با توجه به آنچه از فراگیران انتظار دارد باید معیاری داشته باشد، تا فراگیر بتواند میزان آموخته‌هایش را در آن چهارچوب ارزیابی کند. یعنی فراگیرنده باید بفهمد که در کجا قرار دارد؟ آیا باید تلاش بیش‌تری کند و یا در حدّ مطلوبی است.

شناخت اهداف آموزشی در دوره‌های پیش از دبستان

به منظور اجرای برنامه‌های آموزشی، باید هدف‌های بنیادین آموزشی و راه‌های رسیدن به آن را شناخت. باید زمینه‌های مختلف دانش و آنچه را که می‌توان در این زمینه‌ها و در هر مرحله‌ای به کودکان ارائه کرد و نیز توانایی‌ها و علاقه‌مندی‌های کودک را بررسی نمود. چه بسا اهداف برای یک گروه و یک سن با اهداف گروه و سن دیگر تفاوت داشته باشد و نتواند برای هر دو گروه یکسان مفید و مؤثر واقع شود. مثلاً کودکان ۳ ساله بیش‌تر دوست دارند با محیط، ابزار و فعالیت‌ها آشنا شوند، در حالی که کودکان ۴ ساله، بیش‌تر به کاربرد وسایل علاقه‌مندند و دوست دارند شخصاً به کشف و کسب تجربه بپردازند. به همین ترتیب، گاه فعالیتی برای گروهی بیش از حد رشد و توانایی‌شان است و آن‌ها را مأیوس می‌کند و یا در سطح پایین‌تری قرار دارد و آن‌ها را کسل و خسته خواهد کرد.

اهدافی که در زمینه‌ی آموزش کودکان در دوره‌های پیش از دبستان باید در نظر گرفت، عبارت‌اند از:

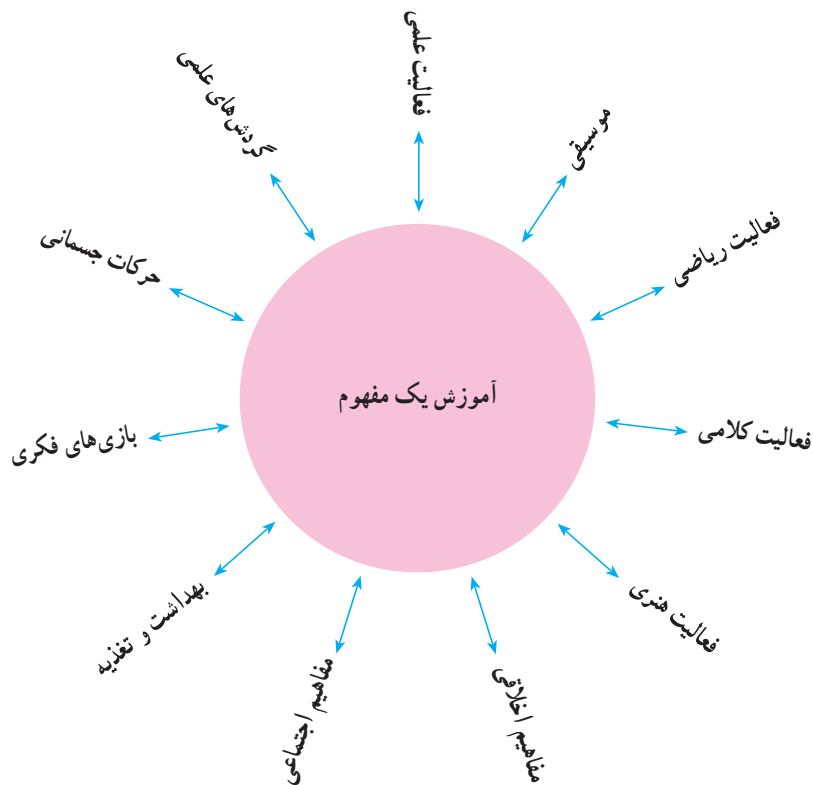
- به کودک کمک کند تا تصور ذهنی صحیحی از خود پیدا کند و به توانایی‌های جسمانی، عاطفی، عقلانی و اجتماعی خود بی‌ببرد.
 - برنامه‌ها به گونه‌ای باشد که کودکان طی آن به کسب تجارب دست یابند؛ خصوصاً تجربیاتی که در منزل امکان دسترسی به آن‌ها کم است و بدین ترتیب آن‌ها را جست‌وجوگر و کنجکاو نماید.
 - به کودکان فرصت دهد تا با انجام فعالیت‌های گوناگون، ضمن هماهنگی بین اعضای بدن، ماهیچه‌های بزرگ و کوچکشان تقویت شود.
 - کودک را به فکر کردن، تجزیه و تحلیل، تشخیص و حل مسئله از طریق گفت و شنود و تجربه تشویق کند.
 - حواس پنجگانه کودکان را به کار گیرد و تقویت کند.
 - به کودک فرصت دهد تا از طریق بازی، اجرای فعالیت‌های هنری و داستان‌گویی، بتواند افکار و احساسات خود را بیان کند.
 - برنامه‌ها طوری باشد که کودک را در زبان‌آموزی یاری دهد و خزانه‌ی لغات و قدرت بیان او را تقویت کند.
 - کودکان را به یادگیری و کسب اطلاعات جدید مشتاق کند و به آن‌ها فرصت کافی برای یادگیری و دقت بدهد.
 - به نیازهای فردی و گروهی توجه کند و آن‌ها را به فعالیت گروهی تشویق نماید.
 - بین آموزش پیش از دبستان و منزل و آموزش دبستان ارتباط برقرار سازد.
- با توجه به اهداف فوق می‌توان برای آموزش برنامه‌ریزی نمود. زیرا در صورت برنامه‌ریزی نکردن، در انبوه تجربیات گوناگون گرفتار می‌شویم و بی‌آن‌که بدانیم، چه می‌خواهیم انجام دهیم و چه می‌توانیم انجام دهیم، ساعات روز را پشت‌سر می‌گذاریم. معمولاً در برنامه‌ریزی، اهداف به دو گروه کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم می‌شوند.
- در برنامه‌های بلند مدت، فعالیت‌های کلاسی به گونه‌ای سازماندهی می‌شود که کودکان را به اهداف آموزشی موردنظر برساند. در این‌جا باید از قبل برای برنامه‌اندیشید و به جمع‌آوری مواد آموزشی و ابزار مناسب پرداخت. از طرفی برنامه‌ی کوتاه مدت برای پیش‌بینی جزئیات آموزش ضروری است، زیرا تناسب برنامه برای یک روز و ایجاد فعالیت‌های مختلف در برنامه‌ی کوتاه مدت صورت می‌گیرد. به‌طور مثال، آموزش گیاهان و یا حیوانات برای آشنایی با طبیعت در برنامه بلند مدت منظور شده است. در همین حال برای روز به خصوصی زندگی یکی از حیوانات مطرح می‌شود که در نهایت روزهای دیگر نیز از حیوانات دیگر صحبت خواهد شد. در نتیجه کودکان می‌آموزند که بعضی از آن‌ها زمستان خواب‌اند، بعضی حشرات‌اند و همین‌طور تا آخر.

بنابراین، برنامه‌های آموزشی با توجه به سن کودکان، نیازهای فردی و گروهی آن‌ها، امکانات، تجهیزات و توانایی‌های مربی و براساس سال، ماه، هفته و روز تنظیم و اجرا می‌شود و مربی، علاوه بر داشتن آمادگی برای آموزش روزانه، به مدد طرح درس هفتگی و ماهانه آموزش پیوسته‌ای را دنبال می‌کند، به گونه‌ای که آموخته‌ی روزانه‌ی کودک با آموخته‌های قبلی او ارتباط دارد و از تجربیات قبلی او بهره‌مند می‌گردد.

آنچه در یک برنامه اهمیت دارد رعایت موازنه در درازمدت است.

مجدداً تأکید می‌شود که یک برنامه‌ی صحیح باید جواب‌گوی فراگیران باشد بنابراین :

- ۱- باید به تفاوت‌های فردی کودکان در گروه توجه کند؛ نیازها و علایق آن‌ها را بشناسد و درعین حال، نیازها و علاقه‌های گروهی را نیز مورد توجه قرار دهند.
- ۲- برنامه باید شامل تجارب گوناگون باشد (پرورش جسمانی، پرورش حواس، کشف محیط و طبیعت، پرورش هوش و استعداد و توانایی‌ها و زبان‌آموزی) و برای افزایش یادگیری کودکان و دادن معنای بهتر و کامل‌تر به مفاهیم، باید از این تجارب استفاده کرد. نمودار زیر این فعالیت‌ها را نشان می‌دهد.



کودک از هر فعالیتی چه می‌آموزد؟

۱- فعالیت علمی

هدف آشنا کردن کودکان با مفاهیم علوم به زبان ساده است، چه در مورد پدیده‌های طبیعت (باد، آب، خاک، آتش، فصول، جنگل، دریا، آسمان، خورشید، ماه، زغال‌سنگ، گاز، نفت) چه حیوانات (اهلی، وحشی، زیستگاهشان، نوع تغذیه، نوع حرکت، طرز زندگی، پوشش آن‌ها، نحوه‌ی محافظت در مقابل دشمن، چگونگی تولیدمثل، نوع تأثیرشان در زندگی انسان‌ها، اسامی حیوانات و بچه‌هایشان و ...) و چه گیاهان (اسامی، رنگ و شکل، قسمت‌های مختلف یک گیاه، معرفی قسمت‌های خوراکی گیاه، نیازهایشان، نحوه‌ی مراقبت از آن‌ها). با فراهم کردن زمینه‌ی این مفاهیم کودک با محیط زندگی خویش آشنا می‌شود و پدیده‌های علمی را در زندگی روزمره‌اش تجربه می‌کند.

۲- موسیقی

هدف، آشنا کردن کودک با ریتم و هماهنگی در حرکات است. کودکان از شنیدن موسیقی مناسب خود و از نظم و صوت آن لذت می‌برند. چنانچه فعالیت‌ها با موسیقی همراه باشد سبب یادآوری مطالب می‌گردد. زیرا شنوایی حافظه را تحریک می‌کند و موجب می‌شود اشعار و مفاهیمی را که در قالب آن موسیقی شنیده بود به‌خاطر بیاورد. در ضمن موسیقی می‌تواند زمینه‌ساز درک مفاهیم فیزیک (چون صدا، تشخیص صداها، مختلف و نقش صدا در زندگی) و نیز آموزش انواع مختلف سازها و جلب توجه آن‌ها به نقش ریتم در زندگی باشد.

۳- فعالیت‌های هنری

هدف، به کار گرفتن تخیلات، بی بردن به مهارت و توانایی عضلات کوچک و بزرگ دست، آشنایی با فرم، شکل، جسم و رنگ است. مربیان با تأکید بر اهداف آموزشی (نه آنچه کودکان تولید می‌کنند)، لازم است به این فعالیت اهمیت دهند. زیرا این فعالیت‌ها، زمینه را برای آموزش مفاهیمی چون رنگ و ترکیب رنگ‌ها، همچنین اشکال و فرم فراهم می‌سازد.

۴- فعالیت‌های کلامی

زبان یک وسیله‌ی ارتباطی است. و از این طریق فعالیت‌های کلامی کودکان (تبادل اندیشه و احساس) تقویت می‌شود. در این فعالیت‌ها، با توجه به محورهای شنیدن، صحبت کردن و خواندن می‌توان با استفاده از تصاویر و یا بدون آن، مفاهیمی را ضمن داستان و یا شعر، به کودک ارائه داد. تفکر خلاق با چنین مناسبی شکل می‌گیرد و موجب آفرینش و نوآوری می‌شود.

۵- فعالیت‌های مربوط به بهداشت و تغذیه

هدف، آشنا کردن کودک با مفهوم و نقش سلامت در زندگی و داشتن عادات غذایی درست و برقراری ارتباط این دو با هم است. این مفاهیم، علاوه بر ایمن‌سازی و سلامت بدن، کودک را با ارزش و اهمیت محیط‌زیست و نیز با نحوه‌ی تولید مواد غذایی و منابع آن آشنا می‌کند. هم‌چنین، این فعالیت او را با اسامی غذاهای مختلف، طرز پختن، چگونگی تهیه مواد غذایی، نحوه‌ی خوردن و ... آشنا می‌سازد.

۶- فعالیت‌های ریاضی

هدف، آشنایی با مفاهیم ریاضی است که بخش تکمیلی تمام علوم به‌شمار می‌آید. در این فعالیت، کودکان، ضمن آشنایی با شباهت‌ها، مقایسه، طبقه‌بندی، مرتب کردن، با شمارش آشنا می‌شوند و سپس، می‌توانند محیط اطراف را به صور گوناگون اندازه‌گیری کنند.

۷- فعالیت‌های اجتماعی

زندگی انسان در محیط اجتماعی شکل می‌گیرد و اجتماعی شدن فرایندی است که از کودکی آغاز می‌شود و تا مرگ ادامه دارد. بنابراین، هدف این فعالیت، آشنا کردن کودک با زندگی اجتماعی و با مقررات و اصولی است که شخص باید رعایت کند. در این‌جا کودکان با مفاهیمی چون خانواده، مشاغل، محدودیت‌ها، مسئولیت‌ها، نقش‌ها و بالأخره ارتباط با دیگران آشنا می‌شوند.

۸- فعالیت حرکتی

هدف از این فعالیت، آشنایی کودکان با توانایی‌های جسمانی و تبدیل اندیشه‌ها به حرکت‌های مجسم فیزیکی بدن است. این فعالیت‌ها، علاوه بر تقویت حواس و ماهیچه‌های کوچک و بزرگ، به اصول مراقبت و ایمنی و اهمیت دادن به نظافت و بهداشت شخصی نیز توجه می‌کند.

۹- فعالیت‌های بازی

زندگی کودکان در بازی‌ها جریان دارد. از این‌رو، هدف از گنجاندن بازی‌ها در برنامه‌های آموزشی کودکان، علاوه بر درک لذت و شادی، رسیدن آن‌ها به مهارت‌های دیگری، چون آشنایی با مفاهیم هندسی، حرکت، آشنایی با ابعاد، تعادل و وسعت بخشیدن به دامنه‌ی ذهنی آن‌هاست. این فعالیت موجب می‌شود تا کودک با انعطاف بیش‌تری تفکرات خود را بیان و یا خلق کند.

۱۰- فعالیت‌های اخلاقی

هدف از این فعالیت، پرورش ایمان در کودکان است که متناسب با آگاهی‌های کودکان رشد می‌کند. بنابراین، باید به کودکان کمک کنیم تا از همان کودکی، آداب احترام به کتاب آسمانی قرآن را فراگیرد، مکان‌های عبادی و مقدس را بشناسد، و با ویژگی‌های یک انسان با ایمان آشنا شود، و به ارزش بندگی خداوند پی‌برد و از نعمات او شکرگذاری کند.

۱۱- گردش علمی یا بازدید

هدف، آشنا شدن با مفاهیم، از نزدیک و در عمل است. کودکان از داشتن اطلاعات علمی در محیط اطراف خود لذت می‌برند. بنابراین، باید با ترتیب دادن گردش‌های علمی به آن‌ها فرصت داد تا در مورد محیط اطرافشان کنجکاوتر شوند و ارتباطشان با محیط بیش‌تر گردد.

این رویکرد کل‌گرایانه^۱ برای انسان فرصتی ایجاد می‌کند تا بتواند برای بهره‌گیری از تفکر بهتر و رشد همه‌جانبه از هر دو

نیم‌کره‌ی مغز استفاده کند^۱.

علاوه بر این، با استفاده از فعالیت‌های گوناگون، مفاهیم مجدداً تکرار و به اصطلاح زنده نگه‌داشته می‌شود و به کودکان کمک می‌کند تا اطلاعات جدید را به مفاهیم از پیش آموخته شده پیوند بزنند. چنانچه موضوعاتی را که می‌خواهیم به کودکان بیاموزیم به گونه‌ی متوالی و به تدریج در اختیار آنان قرار دهیم، خود آنان درباره‌ی این پیوندها تفکر خواهند کرد و آنچه را که در یک فعالیت آموخته‌اند به آن چه که بعداً خواهند آموخت ربط خواهند داد.

دلزدگی کودکان از یک فعالیت خاص، آزار و اذیت رساندن به دیگر همکلاسی‌ها و بی‌دقتی و حرف زدن همه نتیجه‌ی توجه نکردن به انتخاب مناسب فعالیت‌ها و بی‌توجهی نسبت به توانایی کودکان است. بنابراین، می‌توان با یک برنامه‌ریزی صحیح و گنجاندن فعالیت‌های متنوع و قرار دادن یک فعالیت آرام در پی یک فعالیت پرتحرک، مانع دلزدگی، خستگی و بی‌علاقگی کودکان به آموزش شد.

چه‌طور برنامه‌ریزی کنیم؟

با توجه به اهداف آموزش و پرورش پیش از دبستان، ویژگی‌های کودکان این گروه سنی و فعالیت‌ها، برای آموزش کودکان برنامه‌ریزی لازم است. در این برنامه‌ریزی به چنین سؤالاتی باید پاسخ داد:

- چه می‌خواهید یاد بدهید؟
- چرا این موضوع را برای آموزش انتخاب کرده‌اید؟
- کودکان در حال حاضر از این موضوع چه می‌دانند؟
- اطلاعاتی که منتقل خواهید کرد تا چه حدی است؟
- چه روشی برای آموزش این موضوع، مناسب است؟
- به چه ابزار و وسایلی برای آموزش نیاز دارید؟
- آیا این ابزار شما را به اهدافتان می‌رساند؟
- آیا اطلاعات جمع‌آوری شده در سطح درک کودکان است؟
- چه فعالیت‌هایی را برای این موضوع در نظر گرفته‌اید؟

با پاسخ دادن به این سؤالات، برنامه‌ی کار شما روشن می‌شود و می‌توانید یک برنامه کلی تهیه کنید. در برنامه‌ریزی به استعدادها و توانایی سنی باید توجه کرد. یک برنامه‌ی صحیح همیشه انتخاب‌های مناسبی در اختیار کودک قرار می‌دهد و این در صورتی است که انتخاب‌های گوناگون با دقت در برنامه گنجانده شده باشد. مسئله‌ی دیگر **انعطاف‌پذیری** برنامه است. در یک برنامه‌ی انعطاف‌پذیر، کودک می‌تواند به آن چیزی دست یابد که نیاز دارد. انعطاف‌پذیری موجب می‌شود تا کودک براساس خواست‌های خود انگیزه‌اش برنامه را تغییر دهد و یا برنامه براساس آن تغییر کند و بالأخره برای نیل به این اهداف و اجرای برنامه، باید فضا و تجهیزات را آماده ساخت.

۱- نیم‌کره‌ی چپ، مخصوص آماده‌سازی افکار کلامی مرحله به مرحله و نمادین است، مانند آنچه در اعمال خواندن، ریاضیات و سایر کارهای منطقی و تحلیلی وجود دارد. از سوی دیگر تصور بر این است که نیم‌کره‌ی راست به‌صورت شهودی‌تر به تصاویر ذهنی قیاس‌ها و استعارات، ادراک شنیداری غیرکلامی و روابط فضایی می‌پردازد. به عبارت دیگر، نیم‌کره‌ی راست اندیشه‌های مشابه، تصاویر ذهنی، تجارب و هیجان‌ها را در هم می‌آمیزد و موجب نوآوری می‌شود.

تمرین

با توجه به مباحث گذشته یک طرح آموزشی کوچک، با رعایت ملاحظات زیر، تهیه کنید.

- ۱- موضوعی را انتخاب کنید.
- ۲- میزان اطلاعات کودک را درباره‌ی موضوع (کسب اطلاع) بررسی کنید.
- ۳- چه چیزهایی درباره‌ی موضوع می‌خواهید به کودکان بیاموزید (ارائه‌ی اطلاعات؛ آن‌ها را بنویسید).
- ۴- پس از آموزش، از کودکان چه انتظاری دارید؟ (هدف‌های رفتاری را مشخص کنید).
- ۵- چه فعالیت‌هایی را می‌خواهید کودکان امروز اجرا کنند (هدف‌های یادگیری و نوع فعالیت‌ها را بنویسید).
- ۶- ابزار و وسایل کمک‌آموزشی موردنظر خود را مشخص کنید.

یک طرح آموزشی ساده

● موضوع انتخابی: سیب

● مفهوم اصلی: سیب یک میوه درختی است که دارای عطر و طعم خاص است. سیب‌ها در رنگ‌های متفاوتی در طبیعت

دیده می‌شوند.

● هدف از آموزش: کودک بتواند سیب را ببیند، آن را براساس شکل طبقه‌بندی کند و طعم و بوی آن را تشخیص دهد.

● هدف‌های رفتاری: او باید پس از خاتمه‌ی آموزش بتواند:

۱- اسم و رنگ دو نوع سیب را تشخیص بدهد و نام ببرد.

۲- مراحل رشد این گیاه را تشخیص دهد.

۳- شیوه‌های گوناگون خوردن این میوه را بیان کند.

۴- مراحل درست کردن کمپوت سیب را بداند.

● ابزار موردنیاز: چند نمونه‌ی گوناگون سیب، تصویر یک درخت سیب، شکر، آب، چاقو و دیگ، رنگ گواش

● نمونه‌ی فعالیت‌های مورد استفاده

هنر (استفاده از تکنیک چاپ) بازی (میوه‌های دوست داشتنی) ریاضیات (عددآموزی $\frac{1}{3}$ ، $\frac{1}{4}$ و تمام سیب) زبان‌آموزی

(انتخاب یک شعر یا قصه در مورد میوه‌ها، میوه‌فروش) پرورشی نکات اخلاقی (شکرگذاری از خداوند، مراقبت از درختان میوه)

فعالیت علمی (چگونگی رشد گیاه^۱) نکات اجتماعی (تشکر کردن، تمیز غذا خوردن) نکات بهداشتی و تغذیه (توجه به نکات ایمنی

استفاده از چاقو، شستن میوه و درست کردن کمپوت سیب) فعالیت جسمانی (استفاده از ترانه همراه با حرکات موزون) گردش علمی

(در صورت امکان بردن کودکان به پارک یا مزرعه)

نحوه‌ی اجرا: با طرح چند سؤال می‌توان مشخص کرد که کودکان درباره‌ی سیب چه می‌دانند و چه قدر می‌دانند (رفتار

ورودی). براساس این دانسته‌ها آموزش را با نشان دادن سیب و یا تصویر آن شروع کنید. در طی آموزش می‌توانید فعالیت‌ها را به کار

۱- پارکر برتاموریس. گل، میوه، تخم. ترجمه‌ی ع. م. عامری. تهران، دانش

میرهادی فهیمه، گفتگوی درختان - تهران، مروارید

۲- ناش پاملا. دانه. ترجمه‌ی فرزانه رفیقی - تهران، شکوفه

وجدانی مصطفی. از من بپرس از میوه - تهران، پیام آزادی

ببرید. مثلاً چه کسی درختان را به وجود آورده است و چرا باید شکر کنیم؟ و یا در موقع خوردن سیب به چه نکاتی باید توجه کرد؟ و یا اگر یک سیب داشته باشیم و بخواهیم به هر دو نفر سیب بدهیم به هر کس چه قدر سیب می‌رسد؟ و یا برای تغییر برنامه می‌توانید قصه‌ای با موضوع میوه‌ها برای کودکان انتخاب کنید و یا چنانچه میوه‌ی نشسته بخوریم چه اتفاقی می‌افتد. همان اتفاقی که برای علی کوچولو افتاد با هم به قصه‌اش گوش کنیم. سپس از کودکان بخواهید سیب بکشند و آن‌را رنگ‌آمیزی کنند. سیب‌های کودکان را ببرید، سپس همه کودکان سیب خود را روی یک مقوای بزرگی را که به دیوار زده‌اید، بچسبانند (کار گروهی) و یا با استفاده از رنگ و روش چاپ، سیب‌ها را از وسط به دو نیمه جدا و روی مقوا چاپ کنید. می‌توانید آن‌ها را به صورت‌های مختلف ببرید و چاپ کنید (شکل ۱-۱۱).



شکل ۱-۱۱

پس از فعالیت هنری، کودکان را به فضای بیرون ببرید و با آن‌ها بازی کنید. از آن‌ها بخواهید به صورت دایره بایستند. سپس هر یک را به میوه‌ای نام گذاری کنید. آن‌گاه توپ را به سمت کودک پرتاب کنید. هر کس با شنیدن نام جدیدش (یکی از میوه‌ها) توپ را می‌گیرد و مجدداً به مربی برمی‌گرداند.

برای تمرین و سهولت کار، طرح سیب را در فرم شماره ۱ قرار دهید و آن‌را با فعالیت‌های پیش‌نهادی خود کامل کنید. سپس طرح آموزشی را برای کودکان اجرا کنید. در این‌جا یک طرح آموزشی نمونه تکمیل شده، جهت آگاهی بیش‌تر شما در فرم شماره ۲ منظور شده است.

فرم شماره ۱

موضوع فعالیت:

هدف

نوع فعالیت

تأکید بر رشد:

محل اجرا:

تعداد کودکان

زمان

سن

مواد لازم:

زمینه‌سازی قبل از اجرا:

روش کار معلم:

پیامد حاصل از آموزش:

مفاهیم

مهارت‌ها

خزانه‌ی لغات

فرم شماره‌ی ۲

موضوع فعالیت: کاشتن دانه

هدف: به کودکان فرصت دهیم تا مراحل رشد گیاه را مشاهده کنند.

نوع فعالیت: علوم

تأکید بر رشد: شناختی و اکتشاف

محل: فضای بیرون از کلاس

تعداد کودکان: ۵ نفر

زمان: ۱۰ تا ۱۵ دقیقه

سن: ۴ و ۵ ساله‌ها

مواد لازم: دانه‌ی گیاه (لوبیا بهترین است)

خاک، قاشق پلاستیکی، گلدان پلاستیکی به تعداد نفرات، روان‌نویس ضدآب
زمینه‌سازی: دانه‌ها را ۲ تا ۳ ساعت قبل خیس کنید و سایل کار را در فضای باز آماده کنید.
روش کار معلم:

– بحث و گفت‌وگو با کودکان درباره دانه‌ها و رشد گیاه

– بچه‌ها مقداری خاک در گلدان‌ها بریزید.

– در هر گلدانی ۱ تا ۲ دانه بکارید. با خاک گلدان را پر کنید.

– نام کودک را روی مقوایی با روان‌نویس بنویسید و با چوبی در گلدان قرار دهید.

– به گلدان‌ها آب بدهید و آن‌ها را در محل آفتابی نگه دارید.

پیامد حاصل از آموزش:

مفهوم، گیاه از دانه می‌روید، دانه نیاز به آب و خاک و نور دارد،

خزانه‌ی لغات، دانه، ریشه، گیاه، رشد، خاک

برای ادامه‌ی فعالیت و کامل کردن آموزش به کودکان طرح آموزشی دیگری با عنوان حلزون، مطرح شده است که در آن نحوه‌ی اجرای یک فعالیت به صورت گام به گام مشخص شده است.

نام طرح: حلزون

هدف رفتاری: تشخیص حلزون از طریق مشاهده و توصیف ویژگی‌های آن، شناخت نیاز این دسته از حیوانات و مقایسه آن‌ها با سایر حیوانات.

هدف کلی: حیوانات با توجه به تفاوت‌های ساختاری، از نظر نیاز (آب و هوا و غذا) مشترک‌اند و فعالیت‌های یکسانی دارند. مراحل اجرای آموزش:

۱- بحث را با پرسش درباره اشیای جاندار و بی‌جان شروع کنید.

- چه چیزهایی جان دارند؟ سگ، گربه، انسان، گل

- چه چیزهایی جان‌دار نیستند؟ میز، صندلی، مداد

پاسخ‌های کودکان را جمع‌بندی و تکرار کنید و بگویید به چیزهایی که زنده هستند می‌گوییم «جاندار» یا «موجودات زنده» و بقیه‌ی موجودات «بی‌جان» هستند.

۲- جعبه جادویی^۱ خود را روی میز قرار دهید و از بچه‌ها سؤال کنید «فکر می‌کنید چه چیز توی جعبه است؟» فکر می‌کنید شیء

درون جعبه جاندار است یا بی‌جان؟

به کودکان فرصت دهید تا حدس بزنند.

۳- بچه‌ها را دو به دو دعوت کنید به جعبه نزدیک شوند و گوششان را به جعبه بچسبانند و به صدای درون جعبه گوش دهند

(شما می‌توانید با ۱۰ کودک این آزمایش را تکرار کنید).

۴- حالا از کودکان بپرسید آیا ممکن است یک فیل درون جعبه باشد؟ گوسفند چه‌طور؟ یک ماهی در یک ظرف آب و یا

عنکبوت و یا یک پینه‌دوز چه‌طور؟

۵- پس از دریافت پاسخ‌ها، توضیح دهید که چرا بعضی از این حیوانات نمی‌توانند توی جعبه باشند. مثلاً فیل و گوسفند

نمی‌توانند، چون جثه‌ی بزرگی دارند، اما ماهی درون آب، عنکبوت و پینه‌دوز می‌توانند ولی ...

۶- بحث را در مورد حیوان درون جعبه به صورت چستان ادامه دهید. این حیوان قدش گاهی در حدود انگشت کوچک

شماست. بعضی‌ها حتی کوچک‌تر از بند انگشت‌اند حتی گاهی کوچک‌تر؛ بعضی از آن‌ها درون آب زندگی می‌کنند و بعضی دیگر در

مناطق خشک؛ دست و پا ندارند اما راه می‌روند؛ آن‌ها سبزیجات و گیاهان را می‌خورند؛ دو تا چشم دارند ولی ما آن‌ها را نمی‌بینیم؛

لانه‌شان را با خودشان می‌برند.

۷- به بچه‌ها فرصت دهید تا با توجه به چستان شما، حیوان داخل جعبه را حدس بزنند.

۸- با توجه به حدسیات کودکان، (درست یا غلط) آرام در جعبه را باز کنید و جعبه را جلوی کودکان بچرخانید تا داخل جعبه

را ببینند.

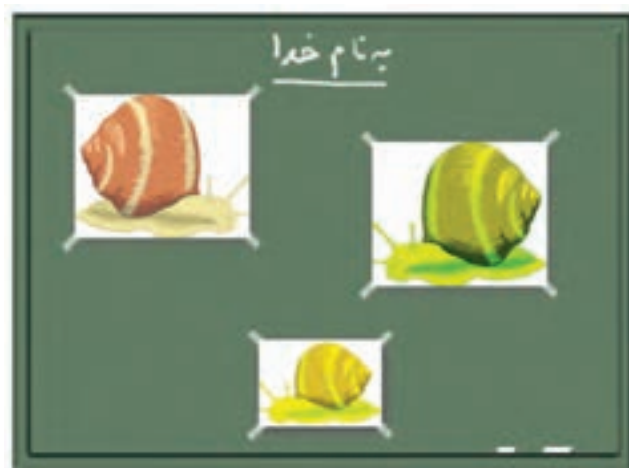
۹- از کودکان بپرسید این حیوان برای زنده بودن به چه نیاز دارد؟ چه می‌خورد؟ و ...

۱- منظور از جعبه‌ی جادویی، جعبه‌ای است که شما آن‌را با کودکان تزئین کرده‌اید و در مراحل گوناگون آموزش، از آن استفاده می‌کنید.

۱۰- تمام پاسخ‌های کودکان را بدون بحث و یا روشن کردن مطلب بپذیرید (این قسمت در واقع آگاهی‌های کودک را نسبت به حلزون به شما می‌گوید و به شما فرصت می‌دهد تا تصمیم بگیرید آموزش را از کجا باید شروع کنید).

۱۱- حلزون را از جعبه بیرون بیاورید و روی شیشه‌ای قرار دهید تا همه‌ی کودکان از نزدیک بتوانند آن را ببینند. اسم حیوان را از کودکان سؤال کنید و یا خودتان نام آن را بگویید و از کودکان بخواهید چند بار، نام را تکرار کنند.

۱۲- عکس چند حلزون را به تخته بچسبانید (شکل ۲-۱۱).



شکل ۲-۱۱

۱۳- با توجه به تصاویر، سؤالات را طرح کنید.

سؤال

- حلزون چه طور راه می‌رود؟

- حلزون چه می‌خورد؟

- با چه می‌بیند؟

- وقتی حلزون، هنگام احساس خطر،

چه کار می‌تواند بکند؟

- چه طور خطر را احساس می‌کند؟

- حلزون کجا زندگی می‌کند؟

پاسخ صحیح

به وسیله انقباض و انبساط بدن که طبیعتاً به زبان ساده باید بگویید

«شل و سفت کردن عضلات بدن یا باز و بسته کردن ماهیچه‌ها»

برگ‌های سبز گیاهان تازه

با چشم‌هایش که روی شاخک‌ها قرار دارد و ما آن را نمی‌توانیم ببینیم.

درون لانه‌اش می‌رود و یا خود را جمع می‌کند. لانه‌ی او یک

صدف است.

با شاخک‌هایش

- بعضی در دریا ← این گروه نیاز به آب شور دارند.

- بعضی در خشکی ← این گروه نیاز به آب شیرین دارند.

۱۴- از بچه‌ها بخواهید در صورت امکان مثل حلزون روی زمین راه بروند و یا با دستشان راه رفتن حلزون را تقلید کنند. بعد

از این فعالیت جسمانی سؤالات را ادامه دهید.

۱۵- بچه‌ها شما باچی نفس می‌کشید؟ بله از راه بینی هوا وارد ریه یا شش ما می‌شود. دستتان را روی قفسه سینه‌تان بگذارید،

حالا نفس بکشید. حالا نفستان را از راه بینی بیرون بدهید. ریه‌ی شما پر از هوا شد و سپس خالی شد. ما هوا را وارد ریه‌ی خود

می‌کنیم، سپس هوا از راه رگ‌ها وارد خون ما می‌شود و ما زنده می‌مانیم. خوب حالا برگردیم سر حلزون ...

سؤال

حلزون چه طور نفس می‌کشد؟

پاسخ صحیح

حلزون‌هایی که در آب زندگی می‌کنند مثل ماهی با دستگاهی به نام آب‌شش و حلزون‌های در خشکی با دستگاهی مثل ریه یا شش^۱

قابل توجه مربی: اطلاعات زیر تنها برای آگاهی بیش‌تر مربیان برای آموزش حلزون است.

دهان حلزون مثل اره است که می‌تواند برگ‌ها را تکه‌تکه کند. باغبان‌ها بر اثر جویده شدن برگ‌ها متوجه وجود آن‌ها می‌شوند. حلزون جزو نرم‌تنان است و بعد از مردن آن دسته که در دریا زندگی می‌کنند، قسمت نرم بدنشان فاسد می‌شود و از بین می‌رود و قسمت صدفی آن به ته دریا می‌رود. و آن گروه که در خشکی زندگی می‌کنند، قسمت نرم بدنشان از بین می‌رود و قسمت صدفی آن باقی می‌ماند.

۱۶- کودکان را تشویق کنید تا در صورت امکان، صدف‌های حلزون را جمع‌آوری کنند و به کلاس بیاورند و مجموعه‌ای تهیه کنید. این مجموعه می‌تواند به مرور زمان کامل شود.

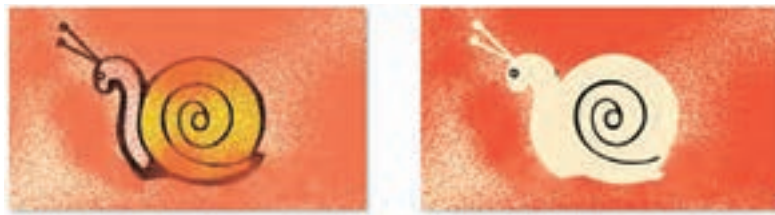
۱۷- پس از این مرحله (آموزش علمی در مورد حلزون) می‌توانید با ارائه‌ی یک بازی مثل تقلید حرکات حیوانات گوناگون، صدای آن‌ها (فعالیت شلوغ) کودکان را برای فعالیت هنری آماده کنید.

۱۸- برای فعالیت هنری می‌توانید نمونه‌های مختلفی را تهیه کنید که در این جا به چند نمونه اشاره می‌شود.

۱- تشویق کردن کودکان به کشیدن حلزون بر روی برگ‌های سبز (نقاشی^۲)

۲- نقاشی با مسواک (افشانگری)

طرح حلزون و خانه‌اش را روی مقوا یا پلاستیک ضخیم بکشید و ببرید. سپس، طرح‌ها را به کودکان بدهید تا روی کاغذ قرار دهند. آن‌گاه با مسواکی که آغشته به رنگ است - با توجه به آن چه در فصل هنر آموخته‌اید - کار را ادامه دهید. در پایان طرح را بردارید و دور حلزون را با مدادشمعی یا مداد رنگی بکشید (شکل ۳-۱۱).



شکل ۳-۱۱

۱- به خاطر داشته باشید در گروه‌های زیر ۶ سال، فقط می‌توانید به این مسئله اشاره کنید که حلزون نفس می‌کشد و به هوا احتیاج دارد.

۲- می‌توانید نقاشی حلزون کودکان را ببرید و روی یک مقوای بزرگ نصب کنید (تابلو حلزون) و با چند برگ خشک شده و یا برگ‌های کشیده شده، خودتان آن را

تزیین کنید.

۱۹- می‌توانید با استفاده از تابلوی حلزون که یک کار گروهی است، کودکان را تشویق کنید تعداد حلزون‌ها را بشمارند و یا حلزون‌ها را براساس رنگ آن‌ها طبقه‌بندی و شمارش کنند و یا حلزون‌ها را براساس اندازه‌شان بچسبانند. این فعالیت‌ها با توجه به سن و توانایی‌های کودکان صورت می‌گیرد.

۲۰- فعالیت بعدی شما می‌تواند خواندن یک کتاب و یا گفتن قصه در مورد نرم‌تنان و یا یک حلزون باشد. برای مثال، می‌توانید از کتاب بزرگ‌ترین خانه‌ی دنیا* استفاده کنید. این کتاب، داستان یک حلزون است که می‌خواهد بزرگ‌ترین خانه‌ی دنیا را داشته باشد. او خودش را بزرگ و بزرگ‌تر می‌کند اما دیگر قادر به حرکت دادن آن نیست. قبل از خواندن کتاب مروری بر مطالب آموزشی خود داشته باشید و از کودکان سؤال کنید، حلزون کجا زندگی می‌کند؟ چه می‌خورد؟ چگونه راه می‌رود؟ سپس داستان را برایشان بخوانید.

۲۱- پس از خواندن کتاب، با ورق زدن مجدد آن، به کودکان فرصت دهید تا دوباره چیزهایی را که می‌خواستند ببینند و یا چنانچه سؤالی دارند، مطرح کنند. سپس خودتان در مورد مراحل داستان سؤال کنید.

۲۲- پس از داستان خوانی، در مورد راز خلقت و آفرینش بحث کنید و توجه آن‌ها را بیش‌تر به طبیعت و شگفتی‌های آن جلب نمایید. کودکان باید در ذهن خود بین خداوند و طبیعت ارتباط برقرار کنند و حفظ طبیعت را وظیفه‌ی دینی خود بدانند. می‌توانیم نعمت‌های الهی را برای آن‌ها برشماریم و درباره‌ی نیکی و احسان خداوند با آن‌ها گفت‌وگو کنیم.

۲۳- صحبت در مورد نکات بهداشتی از جمله مواردی است که می‌توانید در ادامه‌ی بحث از آن استفاده کنید و به آن‌ها گوشزد نمایید با توجه به این‌که بعضی از حلزون‌ها در خشکی زندگی می‌کنند و محل زندگی‌شان در بین برگ‌های سبز است، در خوردن سبزیجات باید دقت کنند و آن‌ها را قبل از خوردن بشویند و ضدعفونی نمایند. در ضمن در مورد باغبان، شغل او و وسایلی که استفاده می‌کند نیز می‌توانید صحبت کنید.

اکنون که شما تمام فعالیت‌ها را در فصول قبل تمرین کرده‌اید، به راحتی می‌توانید برای کلیه‌ی فعالیت‌ها نمونه‌هایی با موضوع مناسب انتخاب و اجرا نمایید. یک مربی موفق باید بتواند برای کلیه‌ی مفاهیم آموزشی خود طرح داشته باشد و نهایتاً فرم شماره‌ی ۳ را برنامه‌ریزی کند و در فایل شخصی قرار دهد. آنچه که در طرح حلزون اجرا شد، دقیقاً می‌تواند در فرم شماره‌ی ۳ منظور شود^۱.

۱- با توجه به این‌که ارزش‌یابی این درس به صورت عملی و نظری است، استفاده از فرم‌های ۲ و ۳ و اجرای سایر فعالیت‌ها در طی سال ضروری است.

فرم شماره‌ی ۳ فرم برنامه‌ریزی آموزشی

نام مربی:	گروه کودکان:	زمان اجرا: .../.../... نام پروژه: هدف اصلی:
نوع فعالیت‌ها در فضای برنامه		
هنر	بازی و فعالیت‌های خلاق	سلامتی، بهداشت، تغذیه
ارتباطات کلامی	ریاضی	حرکات جسمانی
موسیقی و شعر	علوم	مهارت‌های اخلاقی و اجتماعی
فعالیت‌های گروهی:		
بازدید علمی:		
وسایل موردنیاز:		
تاریخ تهیه فرم:		

* فعالیت‌ها باید با توجه به رشد همه‌جانبه‌ی کودک (جسمانی، هیجانی، شناختی، زبانی، اجتماعی) صورت گیرد.

حالا شما توانسته‌اید یک برنامه‌ی آموزشی طراحی کنید. حتی می‌توانید آن را گام به گام اجرا نمایید. اما این‌ها به منزله‌ی خاتمه‌ی کار نیست؛ زیرا در تعریف آموزش گفته شد که «آموزش به معنای ایجاد شرایطی برای تغییر رفتار فرد است.» بنابراین، بدون مشاهده‌ی رفتار نمی‌توان اطمینان یافت که آموزشی صورت گرفته باشد و یا فراگیران در چه سطح و به چه میزانی بر مطالب ارائه شده تسلط یافته‌اند؟ بنابراین، مسئله‌ی ارزش‌یابی مطرح می‌شود، که بدون توجه به آن، برنامه‌ریزی آموزشی کامل نیست.

ارزش‌یابی برنامه

مجدداً به‌خاطر آوردید که آموزش شما تا این‌جا دو رکن اساسی داشته است:

۱- شما تصمیم گرفتید موضوعی را تدریس کنید. در واقع شما به سؤال اول برنامه‌ریزی «چه چیزی را می‌خواهید آموزش بدهید» پاسخ داده‌اید.

۲- شما با مجموعه‌ای از روش‌ها (دیداری - شنیداری، تکرار و تمرین، پرسش و پاسخ، پژوهش گروهی و سخنرانی) و طی فعالیت‌های گوناگون (مثل هنر، نمایش، علوم و...)، نحوه و چگونگی آموختن را مشخص نموده‌اید. اما در برنامه‌ریزی و آموزش تا چه حد موفق بوده‌اید؟ تا چه حد، فعالیت‌های پیش‌نهادی شما در راستای اهداف اصلی برنامه بوده است؟ چه قدر برنامه‌ها برانگیزنده بوده‌اند؟ و یا شما تا چه حد تغییر رفتار را ایجاد کرده‌اید؟ و کودکان تا چه حد یاد گرفته‌اند؟ شما هم چنین باید به‌خودسنجی و ارزیابی کارایی خود در اجرای برنامه نیز بپردازید. سؤالات زیر شما را در ارزش‌یابی راهنمایی می‌کند.

— در مورد کودکان

— کدام یک از فعالیت‌ها، بیش‌ترین توجه را به خود جلب کرد؟

— کدام یک از بچه‌ها، بیش‌تر علاقه‌مند بودند؟ یا بیش‌تر سؤال و یا اظهارنظر کردند؟

— کدام یک از بچه‌ها در فعالیت‌های گروهی شرکت نکردند؟

— چه بخش‌هایی از آموزش، بیش‌تر مورد توجه قرار گرفت؟

— کدام یک از بچه‌ها از موضوع، اطلاع بیش‌تر و یا کم‌تری داشتند؟

— در مورد اجرای برنامه

— چه قسمت‌های برنامه، نیاز به تصاویر و یا محتوای آموزشی بیش‌تری داشت؟

— کدام یک از سؤالات کودکان را نتوانستیم پاسخ دهیم؟

— چه مدت زمان صرف بحث‌های خارج از برنامه شد؟

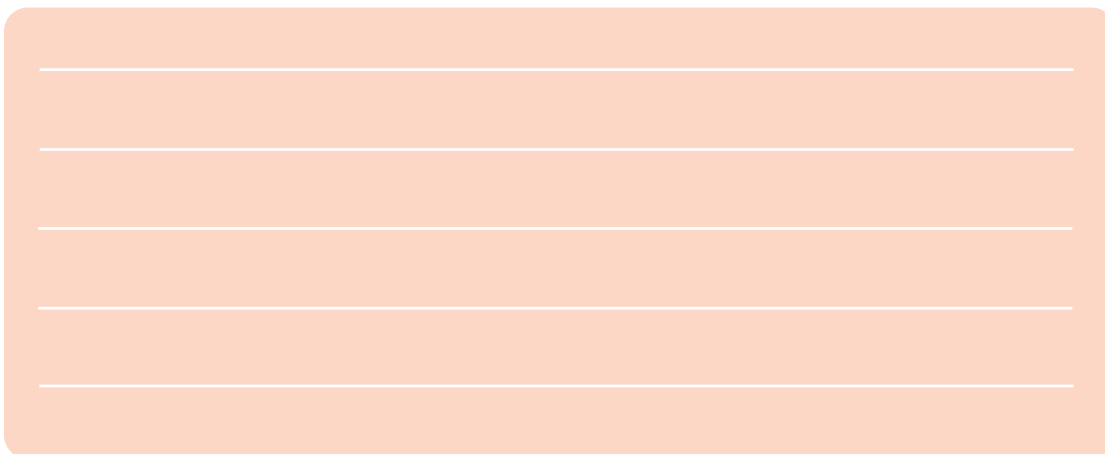
— در اجرای کدام فعالیت مشکل داشتیم؟

— تاچه حد توانستیم به هدف کلی برنامه برسیم؟ و چگونه یادگیری کودکان را ارزیابی کردیم؟

یک مربی موفق باید با ارزیابی برنامه‌ی روزانه‌ی خود، نتیجه‌ی بازخورد کودک را با برنامه ارزش‌یابی کند. برای نیل به این هدف، ثبت رویدادهای جاری، یادداشت‌برداری‌های کوتاه، نوشتن محاورات کلامی کودکان، بررسی رفتارهای خاص و محاسبه‌ی تکرار برای تأیید یک رفتار، از جمله فعالیت‌هایی است که باید به آن توجه نمود. علاوه بر این، با طرح سؤالات باز در حین اجرای آموزش و یا بعد از آموزش می‌توان میزان یادگیری کودکان را سنجید. مثلاً در طرح درس حلزون، برای شروع فعالیت خواندن و یا بعد از کتاب‌خوانی با طرح سؤالات مختلف، می‌توان اقدام به ارزش‌یابی نمود. در برخی موارد، با دادن تصاویر به کودکان و کامل کردن تصویر و یا ارتباط دادن محتوا با یک خط به یکدیگر و یا اجرای آزمایش می‌توان کودکان را ارزیابی نمود. در این‌جا، برنامه‌ی

آموزشی شما کامل شده است و شما توانسته‌اید یک واحد کار را اجرا نمایید؛ یعنی توانسته‌اید یک موضوع را انتخاب کنید و با توجه به اهداف و با استفاده از فعالیت‌های گوناگون و با تهیه امکانات و تجهیزات، موضوع را به کودکان بیاموزید. به این طرح آموزشی «واحد کار» می‌گویند. آیا می‌توانید واحد کار را تعریف کنید و ویژگی‌های آن را بنویسید؟ تعریف خود را در چهارچوب زیر بنویسید.

تعریف واحد کار



درست نوشته‌اید. «واحد کار»، براساس یک موضوع طراحی شده است. موضوعی که مریدان آن را به عنوان یک نیاز، آموزشی برای کودکان ضروری می‌دانند و به صورت گسترده انتخاب می‌شود (فصول، گیاهان، خانواده و...). سپس مربی با توجه به اهداف آموزشی خود و تأکید بر قسمت‌هایی خاص، در مورد موضوع اطلاعاتی را جمع‌آوری می‌کند. این اطلاعات شامل مطالب علمی، بهداشتی، دینی و اخلاقی، اجتماعی و... است و معمولاً با توجه به سن کودک تعیین می‌شود. سپس مربی با تهیه کتاب و ابزار کمک آموزشی، برنامه‌ی آموزشی خود را در قالب فعالیت‌های گوناگون از قبل طراحی شده (مثل هنر، موسیقی، شعر، کتاب و...) پیاده می‌کند. و نهایتاً آن را از طریق طرح سؤالات باز، دادن فعالیت عملی و آزمایشی ارزیابی می‌کند.

در اجرای واحد کار بیش از هر چیز نبودن تفکر خلاق و تنوع می‌تواند، به این روش لطمه وارد نماید. زیرا کودکان در یک قالب آموزشی خاص، اطلاعاتی را دریافت می‌کنند و سپس باز هم در قالب یک دسته سؤالات بسته و یا فعالیت یک‌سان، پاسخ‌های مشابه دریافتی خود را ابراز می‌دارند. این مسئله در مورد فعالیت‌ها هم مصداق دارد. نقاشی‌های یک‌سان، رنگ‌آمیزی اشکال از قبل کشیده شده و غیره... مانع تفکر خلاق می‌شود و سیستم کلیشه‌ای به بار می‌آورد. بنابراین، می‌توانید با طرح سؤالات باز، آزاد گذاشتن کودک در نقاشی و فعالیت‌های گروهی این نقیصه را رفع کنید.

امروزه در بسیاری از مراکز پیش از دبستان و حتی دوره ابتدایی سیستم دیگری را هم به نام «سیستم پروژه»، مورد استفاده قرار می‌دهند که در آن موضوع براساس مکالمات کودکان و مشاهده‌ی فعالیت‌های آن‌ها و حتی پیش‌نهاد کودکان، انتخاب می‌شود و براساس سؤالاتی که کودکان مطرح می‌کنند و با طرح سؤالاتی نظیر «چرا، چگونه، چه کسی و چه طور» توجه کودکان را به ابعاد گوناگون آن موضوع جلب می‌نمایند. سپس با کشیدن شبکه‌ی سؤالات کودکان می‌توانند در زمینه‌های گوناگون آن موضوع اطلاعاتی را جمع کنند و به صورت نقاشی، نمایش، مفاهیم علمی و غیره ابراز نمایند. در هر حال اجرای یک واحد آموزشی مؤثر، نیاز به آگاهی و خلاقیت مربی دارد و بیش از هر چیز اهمیت کار مریدان را در آموزش کودکان روشن می‌نماید.

نقش مربی

مربیگری مسئولیت سنگین و مهمی است که از عهده‌ی هر کسی بر نمی‌آید. مربی یک هدایتگر و روشن‌کننده‌ی راه آموزش است. بنابراین، او باید بتواند با انرژی و سلامت کامل و فارغ از مشکلات فردی که دارد با کودکان کار کند. مسئولیت‌پذیری مربیان در محیط کار، از چند جهت قابل بررسی است:

— در ارتباط با خود، مربیان باید ...

- نسبت به فعالیت حرفه‌ای آنان، حساسیت داشته باشند و به آن ارزش بدهند.
- از نظر جسمانی و هیجانی در سلامت کامل باشند.
- مبتکر، نوآور و خلاق باشند.
- نسبت به یادگیری و افزایش معلومات خود، سخت‌گیر و سخت‌کوش باشند.
- به وضعیت ظاهری خود توجه نمایند.

— در ارتباط با کودکان، مربیان باید ...

- با کودکان ارتباط قوی و خوبی برقرار سازند.
- به نیازها و احتیاجات آن‌ها توجه کنند.
- از کار کردن با کودکان لذت ببرند.
- برای کودکان، هم‌چون یک بزرگ‌سال، ارزش قائل شوند.
- به رشد همه‌جانبه‌ی کودکان کمک کنند.
- به کودکان کمک کنند تا تصور ذهنی درستی از خود و توانایی‌هایشان داشته باشند.

● به آن‌ها کمک کنند تا توانایی‌هایشان را بشناسند.

— در ارتباط با والدین کودکان، مربیان باید ...

- در آغاز هر فصل، والدین را با محتوای آموزشی، که می‌خواهند به کودکان ارائه دهند، آگاه سازند.
- با والدین کودکان ارتباط درست برقرار کنند.
- پیشنهاد مشاوره و راهنمایی بدهند.

— به عقاید و تفکرات آن‌ها احترام بگذارند.

- با والدین، در برنامه‌ریزی آن‌چه برای کودکان مفید است، همکاری کنند.
- پل ارتباطی بین خانه و مدرسه را مستحکم‌تر نمایند.

— آن‌ها را از چگونگی فعالیت‌ها و میزان یادگیری کودکان با خیر سازند.

— در ارتباط با سایر همکاران، مربیان باید ...

- با دیگر همکاران خود ارتباط برقرار سازند.
- عقاید و دیدگاه‌ها و تجارب خود را با سایرین در میان بگذارند.
- از دیگر همکاران حمایت کنند.

● دیگران را نیز نسبت به حرفه‌ی خود حساس نمایند.

— در ارتباط با سایر نهادها، مربیان باید ...

- نسبت به مشکلات آگاه باشند و در حل آن بکوشند.
 - با ارگان‌های محلی و مراکز آموزشی دیگر ارتباط برقرار سازند.
 - سایر ارگان‌ها را با خط‌مشی کلی آموزش پیش از دبستان و اهمیت این دوره، آشنا سازند.
- آن‌چه برای مربیان پیش‌نهاد می‌شود:
- پوشیدن لباس راحت و مرتب. (با توجه به نوع فعالیت‌های پیش از دبستان) مربیان باید دقت نمایند تا علاوه بر نظافت کامل، البسه‌شان مانع از فعالیت‌های داخل و خارج از کلاس نباشد.
 - صدای مربیان باید آرام‌بخش، قاطع و مهربان باشد. هرگز با فریاد و تحکم نباید با کودکان صحبت کرد.
 - مربیان باید هر روز قبل از شروع به کار، برنامه‌ی روزانه را مشخص کنند و ابزار موردنیاز را مهیا سازند.
 - فعالیت‌ها باید به گونه‌ای تنظیم شود که انتقال از فعالیتی به فعالیت دیگر، به سهولت عملی باشد.
 - از اجرای فعالیت‌های پرجنب و جوش قبل از غذا خوردن و بلافاصله پس از آن، خودداری شود.
 - مدت زمان نشستن کودکان در یک جا کوتاه باشد.
 - وقت استراحت باید به گونه‌ای تنظیم گردد که، علاوه بر داشتن فرصت لازم برای آماده کردن وسایل خواب، حداقل ۲۰ دقیقه برای استراحت مطلق منظور شود.
 - به کودکان فرصت دهند تا کارهایشان را شخصاً اجرا کنند.
 - به کودکان فرصت دهند تا شخصاً کشف کنند و مسائل را حل کنند، تا به کسب تجربه منجر شود.
 - برای تغییر فعالیت‌ها، به کودکان فرصت دهند تا فعالیت قبلی را تمام کنند. (جمع‌آوری وسایل و ...).
 - قبل از تغییر فعالیت‌ها ابزار فعالیت بعدی را مهیا و آماده سازند.
 - برای فعالیت‌ها به کودکان فرصت کافی بدهند.
 - چنان‌چه با مربی دیگری همکاری هستند هرگز در کار او مداخله نکنند مگر این که او خود کمک بخواهد.
 - پس از ترخیص کودکان، کار روزانه خود را مکتوب کنند.
 - فرم‌های ارزش‌یابی کودکان را هر روز پس از ترخیص، تکمیل کنند و در پوشه مخصوص قرار دهند.
 - پیشرفت کودکان را هر ماه به خانواده گزارش کنند.
 - در جلسات گروهی مربیان شرکت کنند.

خود را بیازمایید

- ۱- منظور از آموزش را تعریف کنید.
- ۲- اصولی را که رعایت آن برای یادگیری الزامی است نام ببرید.
- ۳- در اهداف آموزشی برای دوره‌های پیش از دبستان به چه نکاتی باید توجه کرد؟
- ۴- منظور از رویکرد کل‌گرایانه چیست؟
- ۵- منظور از انعطاف‌پذیری در برنامه چیست؟
- ۶- در ارزش‌یابی برنامه به چه نکاتی باید توجه کرد؟
- ۷- مربیان در ارتباط با والدین به چه نکاتی باید توجه کنند؟

- ۸- ده ویژگی یک مربی پیش از دبستان را فهرست کنید.
- ۹- دو واحد کار برای گروه سنی ۳ تا ۴ سال، ۵ و ۶ سال با کلیه فعالیت‌های پیش‌نهادی تهیه و اجرا کنید و نتیجه را به صورت پروژه‌ی نهایی تحویل دهید.
- ۱۰- واحد کار تهیه شده (سوال ۹) را در فرم برنامه‌ریزی آموزشی زیر بنویسید.

فرم شماره‌ی ۳ فرم برنامه‌ریزی آموزشی

زمان اجرا: .../.../...	نام مربی:	گروه کودکان:
نام پروژه:		
هدف اصلی:		
نوع فعالیت‌ها در فضای برنامه		
هنر	بازی و فعالیت‌های خلاق	سلامتی، بهداشت، تغذیه
ارتباطات کلامی	ریاضی	حرکات جسمانی
موسیقی و شعر	علوم	مهارت‌های اخلاقی و اجتماعی
فعالیت‌های گروهی:		
بازدید علمی:		
وسایل موردنیاز:		
تاریخ تهیه فرم:		

* فعالیت‌ها باید با توجه به رشد همه‌جانبه‌ی کودک (جسمانی، هیجانی، شناختی، زبانی، اجتماعی) صورت گیرد.

منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر

- ۱- روش فعال در کودکان، صغری سره، نشر نما، ۱۳۷۲ تهران
- ۲- آموزش و پرورش در کودکان، آیلین آلن، بتی هارت، محمد حسین نظری‌نژاد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۰ تهران
- ۳- روش تربیت معلم کودکان پیش دبستانی، مارگارت زدلی، جای‌ات. دویپرا، ترجمه‌ی نسرین پارسا، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ تهران
- ۴- آموزش و پرورش در دوران نخستین کودکی، کارل سی فلت، نیتا باربور، ترجمه‌ی سوسن سیف، انتشارات دانشگاه الزهرا، ۱۳۷۲ تهران
- ۵- نگاهی به آموزش و پرورش پیش‌دبستانی در جهان امروز، گروه نویسندگان، گروه مترجمان، انتشارات آموزش، ۱۳۷۰ تهران
- ۶- آموزش قلب‌ها و اندیشه‌ها، کاترین لوئیس، ترجمه‌ی افشین منش، ایل بیگی، انتشارات سازوکار، ۱۳۸۱ تهران
- ۷- برنامه‌ریزی آموزش و پرورش کودکان پیش از دبستان، تألیف طالب‌زاده نوبریان، انتشارات جهاد دانشگاهی ۱۳۸۵ تهران
- ۸- برنامه‌های درسی برای کودکان پیش‌دبستانی، آودری کورتیس، ترجمه‌ی محمد اطهاری، انتشارات سوره، ۱۳۸۰ تهران
- ۹- کتاب‌های مرجع آموزش پیش از دبستان، مؤسسه‌ی پژوهشی کودکان دنیا، (آب، انسان، آتش، آب‌نبات)
۱۰- در خانه و کودکان، ترجمه و تألیف شهره یوسفی، انتشارات کارگاه کودک، ۱۳۷۶ تهران
- ۱۱- پرورش کودک کنجکاو، ترجمه‌ی فرشته مجیب، تألیف نانسی موکول‌گرین، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۶ تهران
- ۱۲- چگونه استعداد ریاضی کودکان خود را پرورش دهیم، فرانسیس موزلی، سوزان مردیت، ترجمه‌ی مصطفی کریمی، انتشارات خجسته، ۱۳۸۰ تهران
- ۱۳- آموزش در دوران کودکی، برنارد اسپارک، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۴ تهران
- ۱۴- آموزش ارزش‌ها، مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا، (۸ جلد)
- ۱۵- کتاب کار مربی کودک، توران خمارلو، انتشارات آگاه، ۱۳۷۰
- ۱۶- برنامه‌ی آموزش و پرورش در دوره‌ی پیش از دبستان، ویتاکول، ترجمه‌ی فرخنده مفیدی، انتشارات سمت، ۱۳۷۴
- ۱۷- کتاب کار کودک و مربی، فرخنده مفیدی، عزیزه عسگری، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۰
- ۱۸- کارمایه‌ی معلمان درگذر از یاددهی به یادگیری، ترجمه و تألیف دکتر علی رئوف، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۰
- ۱۹- آن‌چه یاد می‌دهم، آن‌چه یاد می‌گیرند، دکتر علی رئوف، انتشارات رشد ۱۳۸۴ تهران
- ۲۰- بازاندیشی فرایند یاددهی، یادگیری و تربیت معلم، دکتر محمود میرمحمدی، انتشارات رشد، ۱۳۸۴ تهران
- ۲۱- زمین و من و ما، دکتر سیمین بازرگان، انتشارات مدرسه، تهران
- ۲۲- پنجاه ترانه، نغمه‌ها، خانه ادبیات، ۱۳۸۰ (مجموعه اشعار)، تهران
- ۲۳- ادبیات کودکان و نوجوانان، ناصر قلی بوالحسنی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۵ تهران
- ۲۴- قصه‌گویی در خانه و خانواده، مصطفی رحمان‌دوست، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۱ تهران

- ۲۵- آموزش هنر، مینو واثقی، انتشارات پیام نور، ۱۳۷۴ تهران
- ۲۶- آموزش نقاشی برای خردسالان، جین کوپر بلاند، مرضیه قره‌داغی، نشر دنیای نو، ۱۳۷۷ تهران
- ۲۷- هنر در مدرسه، جان لنکستر، دکتر میرمحمد سیدعباسی‌زاده، انتشارات رشد، ۱۳۷۷ تهران
- ۲۸- آزمایش‌های علوم برای دوره‌ی آمادگی و دبستان، جین د. هارلان، ترجمه محمدتقی منشی طوسی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲
- ۲۹- مهارت‌های زندگی، نویسنده کریس. ال. کلینکه، مترجم شهرام محمدخانی ۲ جلد، انتشارات اسپند هنر، ۱۳۸۱ تهران
- ۳۰- آموزش کاربردی خلاقیت و حل خلاق مسائل، ترجمه و تألیف دکتر حسن قاسم‌زاده، انتشارات قصیده‌سرا، سال ۱۳۸۱ تهران
- ۳۱- روابط معلم و دانش‌آموز، نویسنده هایم‌گینات، ترجمه‌ی سیاوش سرتیپی، نشر فاخته، ۱۳۷۱ تهران
- ۳۲- دنیای کوچک بزرگ من، ادوارد و نیکلر، ماگدانس اشتوکنیگر، ترجمه‌ی وجیهه حاکمی، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۱ تهران
- ۳۳- مشکلات رفتاری کودکان، جوداگلاس، ترجمه‌ی مهشید پاسایی، نشر مرکز، ۱۳۷۴ تهران
- ۳۴- مهارت‌های زندگی، فرهاد طارمیان، ماهیار ماهجویی، طاهر فتحی، اداره‌ی کل مشاوره و بهداشت مدارس، انتشارات تربیت، ۱۳۷۸ تهران
- ۳۵- استعدادها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های آزمون و پرورش آن‌ها، دکتر حسن قاسم‌زاده، نشر دنیای نو، ۱۳۷۵ تهران
- ۳۶- شش کلاه تفکر، ادوارد دیوونو، ترجمه‌ی آذین ایزدی‌فر، انتشارات بیک بهار، ۱۳۷۹ تهران
- ۳۷- انضباط بدون اشک، ردولف دریکورسی، پرل کاسل، ترجمه مینو واثقی، مریم داداش‌زاده، انتشارات رشد، ۱۳۷۸ تهران
- ۳۸- کلیدهای رویارویی با خشونت در کودکان و نوجوانان، باری مک‌نامارا، فرانسیس مک‌نامارا، مترجم دکتر مسعود حاجی‌زاده، انتشارات صابرین، ۱۳۷۸ تهران
- ۳۹- کلیدهای پرورش خلاقیت هنری در کودکان و نوجوانان، سوزان استرابکر سالی‌وارنر، ترجمه اکرم قیطاسی، انتشارات صابرین، ۱۳۸۳ تهران
- ۴۰- شکوفایی خلاقیت در کودکان، ترزاآمالی، دکتر حسن قاسم‌زاده، نشر دنیای نو، ۱۳۷۵ تهران
- ۴۱- فرزندپروری، جین مورفی، ترجمه‌ی فرخنده مفیدی (۶جلد)، انتشارات قدیانی، ۱۳۸۱ تهران
- ۴۲- ایجاد انگیزه در کودکان، الیزابت هارتلی بروئر، ترجمه‌ی احمد ناهیدی، انتشارات جوانه‌ی رشد، ۱۳۸۴ تهران
- ۴۳- آموزش از راه بازی، جین مارزولو، جین لوید، ترجمه‌ی لیلی انگجی، انتشارات رشد، ۱۳۸۳ تهران
- ۴۴- بازی‌های آموزشی، مصطفی مقدم، منوچهر ترکمان، انتشارات مدرسه ۱۳۸۳ تهران
- ۴۵- پیامدهای فرهنگی اسباب‌بازی، مجموعه مقالات، نشر فرهنگ و دانش ۱۳۸۰ تهران
- ۴۶- صدمه‌ی بازی با نوزاد، مرکز پژوهش‌های آموزش پیش از دبستان، انتشارات کارگاه کودک، ۱۳۷۷ تهران
- ۴۷- بازی‌های مشارکتی، فرشته سبحانی، انتشارات آموزش، ۱۳۸۴ تهران
- ۴۸- بازی‌های آموزشی و پرورشی، ماربل آگوستاوسون، سوک ولف، چریل ال. کینگ، ترجمه‌ی دهکردی، پورسلطانی

زرندي، انتشارات صنم، ۱۳۷۷ تهران

۴۹- بازی‌های خلاق، شیلالیسون، جوویت‌گری، ترجمه‌ی لیلی انگجی، انتشارات رشد، ۱۳۸۳ تهران

۵۰- بازی‌های کودکان جهان، آرنولد، ترجمه‌ی مرتضی بهمن‌آزاد، نشر کتاب‌های دانه، ۱۳۷۶ تهران

۵۱- بازی‌های بومی و سنتی ایران، سازمان بهزیستی کشور، کبری متقی، پروین شریعتمداری، رقیه یزدان‌دوست، ۱۳۷۱

تهران

۵۲- قصه بازی، کیقباد یزدانی، کانون پرورش فکری کودکان، ۱۳۸۵ تهران

۵۳- بگذار بازی کنم، دورتی جفری و دیگران، ترجمه‌ی لیلی انگجی، نشر ساوالان، ۱۳۸۵ تهران

۵۴- بازی‌های ورزشی در مهدکودک، ام. پ. دوناديو، ترجمه سوسن ضیا انتشارات کارگاه کودک، ۱۳۷۹ تهران

۵۵- بازی خانواده و پرورش خلاقیت، عبدالرضا کردی، نشر افراز، ۱۳۸۲ تهران

۵۶- بازی و تأثیر آن در رشد کودک، لیلی انگجی، عزیزه عسگری، نشر طراحان ایماشر، ۱۳۸۵ تهران

۵۷- روان‌شناسی بازی، فرگاس پیتیهیوز، ترجمه کامران گنجی، انتشارات رشد، ۱۳۸۴ تهران

۵۸- بازی در اوایل کودکی، ماری‌دی شرایدان، ترجمه مهدی سهرابی انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۵ مشهد

۵۹- بازی‌ها و سرگرمی‌های کودکان پیش دبستانی (۲/۵ تا ۵ سالگی) جی، روبین، سوزان مردیت، ترجمه‌ی سیروس

مروت، انتشارات خجسته، ۱۳۸۰ تهران

۶۰- بازی‌ها و سرگرمی‌های کودکان پیش دبستانی (تولد تا ۲/۵ سالگی)، جی‌روبین، سوزان مردیت، ترجمه زهرا یعقوبی،

۱۳۸۱، نشر خجسته تهران

۶۱- بازی با ۵ انگشت، رحمان دوست، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۶ تهران

۶۲- بازی و ورزش، مؤسسه هیومن کنیتک امریکا، ترجمه جواد آزمون، ماندانا آجودان گرگانی، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۵

تهران

۶۳- تغذیه‌ی کودکان پیش دبستانی و دبستانی، دکتر محمد عفت‌پناه، پریسا اساسی نشر پونه، سال ۱۳۷۷

۶۴- راهنمای تغذیه‌ی کودک، کارین نایت وجینی لاملی، ترجمه‌ی دکتر عبدالعلی خوارزمی، آستان قدس رضوی ۱۳۷۸

۶۵- بهترین کلیدهای تغذیه برای کودک و نوجوان، دکتر کارولین ای. مر، ترجمه‌ی دکتر جواد میدانی، انتشارات دانه،

۱۳۷۸

۶۶- تغذیه و آشپزی برای همه کودکان، آنابل کارمیل، ترجمه‌ی امیرصادقی، نشر دانش ایران، ۱۳۸۱

۶۷- برای کودکم چه بپزم، زیبیل شال، طاهره میرزاخان‌خمسه، انتشارات امیربهادر، ۱۳۷۸

۶۸- تغذیه و تأمین رشد و سلامت کودک پیش از دبستان، دکتر نیکتا حاتمی‌زاده انجمن ایرانیان، ۱۳۸۵

۶۹- تغذیه و تربیت کودک، دکتر بنیامین اسپاک، ترجمه‌ی دکتر مصطفی مدنی، انتشارات زوارتهران

۷۰- ایمنی موادغذایی، پ زندی، ترجمه م، ت گلدانی، انتشارات انسیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع غذایی کشور

